بها : ۷۰ ریال

مقدمه

حقوق اساسی فعلی فرانسه محصول انقلاب سال ۱۷۸۹ میباشد . تشکیلات سیاسی فرانسه‌را میتوان بدودوره تقسیم کرد دوره اول قبل از انقلاب کبیر که پادشاهان فرانسه استقلال کامل داشتند وخودرا فقط در مقابل خداوند مسئول میدانستند واگر گاهی نظر مشورتی مجالس طبقاتی را میخواستند از این جهت بود که بدینوسیله از نفوذ پاپ ودستگاه وی در امور داخلی فرانسه جلوگیری کنند و مانع مداخله روحانیون در امور سلطنت گردند .

مردم فرانسه قبل از انقلاب بسه طبقه تقسیم میشدند. طبقات اول ودوم رار وحانیون واشراف تشکیل میدادند که از پرداخت مالیات معاف بودند . ساکنین شهرها وزارعین آزاد و پیشه‌وران وارباب صنایع طبقه‌سوم را تشکیل میدادند پرداخت مالیات وفقر وبدبختی را تحمل میکردند و بایجاد بی نظمی وهرج ومرج زمان انقلاب کمک مینمودند. گرچه در منافع اجتماعی هم آهنگی نداشتند ولی چون قسمت اعظم این دستجات مخالف سلطنت نامحدود وقدرت طبقات ممتاز بودند جبهه واحدی تشکیل داده و موجبات سرنگون ساختن حکومت خودمختاری را فراهم ساختند.

روستائیان فرانسه که هفتادو پنج درصد سکنه فرانسه را تشکیل میدادند وفاقد زمین وآزادی بودند در این راه همداستان شدند. عواملی مانند جنگ واعلان استقلال آمریکا در سال ۱۷۷۶ و پیدایش نویسندگان بزرگی مانند ولتر - دیدرو - منتسکیو - مابلی - ژان ژاك روسو به تنویر افکار عمومی کمك کرده و بدینوسیله مقدمات وشرایط پیدایش انقلاب کبیر فرانسه را فراهم ساختند.

دوره دوم با پیدایش انقلاب کبیر و نشر اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۷۸۹ آغاز میگردد. در این دوره طرفداری از آزادی و مساوات وحق حاکمیت ملی رواج یافت

وعهد جدیدی در تاریخ تشکیلات سیاسی فرانسه شروع شد. قانون اساسی فرانسه در مدت متجاوز از یکصدو پنجاه سال یعنی از سال ۱۷۹۱ تا ۱۹٤٦ تقریباً هفده مرتبه تغییر و تبدیل یافت و یالااقل اصلاحاتی در آن بعمل آمد. در این مدت در حدود ده بار تغییر رژیم اعلام گردیدو چندین بار متناوباً حکومتهای جمهوری و سلطنتی و مشروطه هر کدام جای خود را بدیگری داد بطوریکه حکومت فعلی جمهوری چهارم را تشکیل میدهد. قانون اساسی سال ۱۹٤٦ بعلت مخالفینی که دارد وضع آن متزلزل است و اخیراً پیشنهادهائی برای اصلاح آن داده شده است.

این قانون اساسی و همچنین قانون انتخابات موجب شد که در چند دوره اخیر مجالس مقننه فرانسه متناسب با مقتضیات کشور نباشد و نتواند حکومت ثابتی بوجود آورد. از سال ۱۹٤٦ تا کنون در مدت دوازده سال فرانسه دارای بیست نخست وزیر بوده است. عدم ثبات رژیم و قوانین اساسی و دولتها از خصایص حکومت فرانسه است. علت این امر آن است که قوانین اساسی فرانسه همیشه در شرایط غیر عادی تهیه و تدوین شده است و تهیه کنندگان آن فرصت کافی جهت مطالعه و تطبیق قوانین با محیط و اثرات اجرائی آن نداشته اند و به زیبائی ظاهری مواد که مورد پسند عوام باشد قناعت کرده اند در چنین شرایطی احساسات ملی جانشین واقعیات گردیده و مقدم بر تدبیر عقلای ملت قرار گرفته است.

در این کتاب در سه قسمت از حقوق اساسی فرانسه بحث میشود:

تشکیلات سیاسی فرانسه از دوره قبل از انقلاب کبیر تا سقوط ناپلئون اول قسمت اول این کتاب را در هفت فصل تشکیل میدهد که در خصوص (وضع دوره قبل از انقلاب ۱۷۸۹ و قوانین اساسی ۱۷۹۱ - ۱۷۹۳ - ۱۷۹۵-۱۷۹۹ - ۱۸۰۲-۱۸۰٤) بحث میکنند.

تشکیلات سیاسی فرانسه از سال ۱۸۱٤ تا ۱۸۷۰ در شش فصل مطالب مورد بحث قسمت دوم این کتاب است که عبارت است از: وضع قوانین اساسی ۱۸۱٤-۱۸۱۵-۱۸۳۰ و منشور اعطائی لوئی هیجدهم- انقلاب ۱۸٤۸ و اعلام حکومت جمهوری- کودتای ۱۸۵۱

و قانون اساسی ۱۸۷۵

در قسمت سوم که آخرین بخش کتاب است در دوازده فصل تحولات سیاسی فرانسه از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۶ (حکومت مارشال پتن - حکومت ژنرال دوگل - رفراندوم - تشکیل مجلس مؤسسان - قانون اساسی کنونی فرانسه - قانون انتخابات و چند فصل دیگر) مورد مطالعه قرار گرفته است.

در خاتمه با درج متن قانون اساسی ۱۹۴۶ جمهوری فرانسه مباحث این کتاب پایان مییابد. فقط نکته‌ای که لازم بتذکر است این است که پیش از دسامبر ۱۹۵۴ نخست‌وزیر قبل از معرفی هیئت دولت میتوانست از مجلس رأی اعتماد بخواهد ولی اکنون طبق ماده اصلاحی ۴۵ رئیس دولت باید قبلا هیئت وزیران را تشکیل داده سپس به مجلس ملی معرفی و تقاضای رأی اعتماد نماید.

دکتر ق. قاسم زاده
بهمن ۱۳۳۶

از خوانندگان تمنا میشود
قبل از مطالعه کتاب غلطهای
مذکور در صفحه ۳۰۳ را
تصحیح فرمایند

قسمت اول

تشکیلات سیاسی فرانسه ازدورهٔ قبل ازانقلاب کبیر تاسقوط ناپلئون اول

فصل اول

دورهٔ قبل از انقلاب

مبحث اول

پادشاه و وزرای او

در دوره ملوك‌الطوایفی خاك فرانسه به چندین تیول (۱) یا سرزمینهای خودمختار تقسیم میشد و درهریك از نواحی مزبور یك امیر با اختیارات نامحدود حکومت میکرد . رعایای تیول اتباع امیر شناخته میشدند وهریك‌ازامراء (اشراف و روحانیون) درقلمرو حکومت خود از اتباع خویش مالیات و عوارض دریافت میداشتند - با امرای دیگر و حتی باسلاطین فرانسه قراردادهای سیاسی و بازرگانی واقامت وغیره منعقد میساختند - اعلان جنگ میدادند - جنگ را بادشمن متارکه کرده قرارداد صلح را با او امضا میکردند - شخصاً یا بوسیله قضاتیکه خودشان انتخاب میکردند اختلافات حقوقی حاصله بین‌مردم وجرائم ارتکابی‌راموردرسیدگی قرارداده احکام قطعی صادر مینمودند . هرچند صاحبان تیول درانتخاب سلاطین فرانسه شرکت داشتند وخود را تبعه اومیدانستند مع‌الوصف پادشاه بمنزله یکی از امرای محلی بوده و فقط در قلمرو تیول خود اعمال حاکمیت میکرد و دخالتی در اداره امور تیول دیگر نداشت و روی همین اصل بودکه ویرا شخص اول بین افراد مساوی (۲) مینامیدند . امراء به پادشاه باج میدادندکه میزان و طرز پرداخت آن بموجب قرارداد یابدون قرارداد مخصوصی برطبق عرف وعادت معین میگردید بعلاوه درزمان جنگ امراء عده‌ای سرباز با اسلحه و اسب و زین و یراق وآذوقه ولوازم دیگر دراختیار سلاطین قرارمیدادند . نه تنها صاحبان تیول بلکه شهرهای

---

۱ - Fief   ۲ - Primus inter pares

آزاد ورؤسای مذهبی نیز هریك درقلمرو خود استقلال داشتند .

از اوائل قرن دوازدهم ببعد سلاطین فرانسه با توسعه قلمرو حکومت خود و استفاده از نفوذ معنوی مذهب کاتولیك و دخالت دراختلافات موجوده بین امرای محلی بتدریج توانستند اختیارات امرا را محدود نموده با اتباع آنها ارتباط مستقیم پیدا کنند - مالیات و عوارض مطالبه و دریافت دارند - برای تمام نواحی فرانسه قوانین وضع نموده بموقع اجرا بگذارند - نظمیه ومحاکم تشکیل‌دهند - فرماندهی نیروی نظامی‌را بعهده بگیرند وحتی رؤسای مذهبی‌را تحت‌نظرقراردهند . باتقویت حکومت مرکزی فرانسه و توسعه تسلط آن بر نواحی مختلف آن کشور سلطنت انتخابی‌درفرانسه از بین رفته سلطنت موروثی‌جانشین‌آن گردید بدین‌معنی که پادشاه پسر بزرگتر خود را بولایتعهد تعیین میکرد مع‌الوصف انتخاب ولیعهد مستلزم موافقت نجبا و روحانیون بود که بتدریج اهمیت سابق خود را از دست داده بیشتر جنبه تشریفاتی پیدا کرد . برطبق رسوم و عادات دوره مورد بحث زنان ومردانیکه قرابت آنها با پادشاه بوسیله زنان بود از حق رسیدن بمقام سلطنت محروم بودند واین‌ترتیب که بطریقه سالیك (۱) معروف است نه تنها درفرانسه قبل و بعدازانقلاب کبیر معمول بود بلکه اکنون هم علاوه برممالك اسلامی دربلژیك و سوئد و نروژ ودانمارك و پارهٔ ممالك سلطنتی دیگرمرسوم است .

قبل‌از انقلاب ۱۷۸۹ سلاطین فرانسه بوسیله چند نفر مستوفی (۲) وظایف خودرا انجام میدادند . درسال ۱۷۱۵ دوك دورلئان (۳) نایب‌السلطنه فرانسه امریهٔ صادر کرد که بموجب آن در غالب وزارتخانه‌ها شوراهای اداری تشکیل گردید که درنتیجه وزراء بصورت مخبرین شوراها درآمده و مجری تصمیمات و مصوبات آنها گردیدند ولی سه سال‌بعد یعنی درسنه۱۷۱۸ براثرعدم اطلاع اعضای شوراهای وزارتی از امور وزارتخانهای مربوطه وکارشکنی وزراء شوراها منحل گردیدند ووزراء بااختیارات وقدرتی که قبل‌از۱۷۱۵ داشتند وزارتخانها را اداره میکردند . شماره وزارتخانها و حدود وظایف وزراء دائماً و همیشه درحال تحول بود ولی بااینهمه وزارت امورخارجه ووزارت جنگ بدون تغییر تا انقلاب کبیر برقرار بود .

۱- Salique
۲- Secrétaire d' Etat
۳- Duc d' Orléans

اداره بحریه نظامی ومستعمرات باوزارت جنگ بود . چهاروزیر کشورو جودداشت بدین‌معنی که تمام ایالات فرانسه به‌چهارناحیه تقسیم شده واداره هریك از آنهابعهده یکی ازوزراء مزبور بود . ازلحاظ امورمالی نیزایالات فرانسه به چهارقسمت تقسیم شده ودررأس هریك از آنها یك خزانه‌دار (۱) قرارداشت که مأمور وصول عایدات املاك‌دولتی بود درصورتیکه وصول‌مالیات با متصدیان دیگری موسوم‌به مأمورین عالی دارائی بود (۲) . و اما درزمان سلطنت فرانسوا اول (۳) و هانری دوم (٤) تغییرات اساسی دراداره امورمالی فرانسه بعمل‌آمده و یك سازمان مرکزی جدیدی موسوم به خـزانه داری صرفه‌جوئـی (٥) تشکیل یافت کـه رئیس آن (٦) بمنزله وزیردارائی بوده مسئول وصول عایدات املاك دولتی ومالیات درتمام نواحی‌فرانسه گردید واز لحاظ امورمالی‌خاك فرانسه به شانزده ناحیه تقسیم واداره هریك ازآنها به یك پیشکارمالی تفویض‌شده‌بود که طبق‌دستور خزانه‌دار کل (وزیردارائی) انجام وظیفه‌میکرد. قبل‌ازانقلاب کبیرهیئت‌دولت‌راوزیرداد گستری(۷)وزیر امورخارجه وزیر جنگ خزانه‌دار کل (وزیر دارائی) و دووزیردیگر بانتخـاب پادشاه تشکیل میدادند ووزرای دیگرازعضویت درهیئت‌دولت محروم‌بودند. وزراء برای‌رسیدگی به مسائل مهم تحت ریاست پادشاه تشکیل جلسه میدادند .

مبحث دوم

مجالس طبقاتی (۸) ومجالس رجال (۹)

مطابق یکی از اصولی کـه دردوره ملوك‌الطوایفی معمول و مجری بوده وتااندازه‌ای درزمان قبل‌ازانقلاب ۱۷۸۹ مورد عمل واقع میگردید سلاطین فرانسه بدون جلب موافقت روحانیون (۱۰) و اشراف (۱۱) و سکنه شهرهای آزاد وضع مالیات نمیکردند و چون جلب نظر هریك از آنان خالی از اشکال نبود بنابراین

۱– Trésorier de France
۲– Généraux des finances
۳– François Ier
٤– Henri II
٥– Trésorerie de l' Epargne
٦– Trésorier général
۷– Chancelier
۸– Etats généraux
۹– Assemblée des notables
۱۰– clergé
۱۱– noblesse

سلاطین فرانسه بر آن شدند که طبقات ممتاز (روحانیون و اشراف) وطبقه سوم (۱) را برای شور و بحث در امور مالیاتی و امور مهم دیگر دعوت کنند . مجالس طبقاتی مختص به فرانسه قبل از انقلاب نبوده بلکه درسایر ممالك اروپای غربی نیز ازقبیل انگلستان ـ اسپانیا ـ پرتغال ـ لهستان ـ هلند ـ امپراطوری مقدس ژرمن مرسوم بود بدین معنی که در کشورهای مزبور روحانیون عالیمقام و اشراف درجه اول شخصاً و سایر روحانیون و اشراف و سکنه شهرها بوسیله نمایندگان خود برای مشورت درامور مملکتی دعوت میشدند . دربعضی ممالك علاوه بر روحانیون و اشراف و نمایندگان شهرها و کلای دهقانان آزاد نیز درمجالس طبقاتی شرکت داشتند . معمولا نمایندگان هریك از طبقات سه گانه علیحده تشکیل جلسه میدادند . هرچند تصمیمات مجالس مزبور جنبه مشورتی داشته برای سلاطین لازم‌الاجرای نبود بااینهمه اکثراً مصوبات مجالس مورد قبول واقع گردیده و بموقع اجرا گذارده میشد .

درفرانسه مجالس طبقاتی از اوائل قرن چهاردهم (سال ۱۳۰۲) تا اوائل قرن هفدهم (سال ۱٦۱٤) تشکیل میگردید . علت انعقاد مجالس طبقاتی درسال ۱۳۰۲ اختلافات شدید موجود بین فیلیپ چهارم (۲) پادشاه فرانسه و پاپ بونیفاس هشتم(۳) بود بدین ترتیب که پادشاه میخواست به نفوذ طبقات متوسل شده از توقعات بیمورد و بیجای پاپ و دخالتهای ناروای وی درامور داخلی فرانسه جلوگیری کند وهمین مجالس مقرر داشتند که درامورغیرمذهبی سلاطین استقلال کامل داشته وفقط مسئول خداوند میباشند و پاپ مجاز نیست درامور غیرمذهبی فرانسه دخالت کند . قرن چهاردهم ونیمه اول قرن پانزدهم دوره فعالیت وازاواسط قرن پانزدهم تااوائل قرن هفدهم دوره ضعف وناتوانی مجالس طبقاتی بشمارمیرود . مجالس مزبور از ۱٦۱٤ تا انقلاب ۱۷۸۹ تشکیل نمیشد .

مجالس طبقاتی اصولا انتخابی بود ولی بعضی اوقات نمایندگان را خود پادشاه تعیین میکرد . برای انتخاب نمایندگان مجالس اصول و قواعد ثابتی وجود نداشته بلکه اصول و قواعد مزبور برحسب زمان و مکان تغییر میکرد . مطابق یکی از اصولیکه درتمام ادوار و تمام ایالات فرانسه رعایت میشد این بود که افراد منسوب

---

۱ ـ tiers état

۲ ـ Philippe IV

۳ ـ Boniface VIII

به هریك از طبقات سه گانه بمنظور انتخاب نماینده گان خود درمجالس طبقاتی حوزه مخصوصی تشکیل میدادند . انتخابات روحانیون واشراف مستقیم وانتخابات شهرها وبلوکات (۱) غیرمستقیم و بدو وحتی سه درجه بود . درانتخابات طبقات ممتاز فقط روحانیون واشرافی شرکت میکردند که صاحب تیول بودند ودرانتخابات طبقه سوم اشخاصی میتوانستند رأی دهند که بدولت مالیات میپرداختند . اشخاص مزبور در حوزه های انتخابیه مجامعی تشکیل داده و از بین خود یا از خارج یك عده را انتخاب میکردند و منتخبین درجه اول درانتخابات درجه دوم نماینده گان خود را درمجالس طبقاتی تعیین مینمودند . انتخاب کننده گان طبقات سه گانه بتعیین نماینده گان اکتفا نکرده بلکه راجع بامور مهم مملکتی دستوراتی بنماینده گان خود داده و آنهارا ملزم به اجرای آن دستورات مینمودند و چنانچه نماینده گان بعلل و جهاتی انجام دستورات موکلین خود را غیرمقدور تشخیص میدادند دراین صورت لازم بود که دستورات جدیدی تحصیل کنند و نماینده گانی که برخلاف دستورات موکلین خود درمجالس طبقاتی اظهاراتی نموده و رأی میدادند علاوه برسلب نماینده گی به موکلین خود جریمه میپرداختند . نماینده گان مجالس طبقاتی از خزانه دولت مقرری دریافت نمیداشتند بلکه حق الزحمه وهزینه ایاب وذهاب آنهارا خود موکلین میپرداختند .

تاریخ و محل انعقاد مجالس طبقاتی بموجب فرمان پادشاه معین میگردید . پادشاه شخصاً یابوسیله نماینده خودمجالس را افتتاح وعلل دعوت نماینده گان طبقات سه گانه را اعلام مینمود و تقاضاهای خود را باستحضار آنها میرسانید . نماینده گان فقط پیشنهادات پادشاه را مورد رسیده گی قرار میدادند و مجاز نبودند خودشان طرحهائی تقدیم نموده و تصویب آنراخواستار شوند . مجالس طبقاتی جلسات جداگانه تشکیل و مسائل مرجوعه را مورد شور قرار میدادند و تصمیماتی میگرفتند و اما برخلاف این اصل درسال ۱۴۶۷ و ۱۴۸۴ بطور استثناء نماینده گان روحانیون واشراف وطبقه سوم جلسات مشترك تشکیل داده ومسائل جزء دستور را دراین جلسات مطرح و تصمیمات لازم اتخاذ نمودند بعلاوه درسال ۱۳۵۶ نماینده گان مجالس بااینکه جلسات جداگانه تشکیل داده بودند مع الوصف یك کمیسیون مشترك مرکب از اشراف

---

۱ – paroisse

و روحانیون و طبقه سوم انتخاب و کمیسیون مزبور را مأمور نمودند که تا انعقاد مجالس جدید با اختیارات تام بنـام و از طرف مجالس طبقاتی تصمیماتی بگیرد. بهر حال موارد فوق‌الذکر جنبه استثنائی داشته و قاعده کلی این بود که نمایندگان طبقات جلسات جداگانه تشکیل میدادند. وظایف مجالس طبقاتی ثابت نبود و باتحولات زمانی تغییر میکرد. مجالس را پادشاه معمولا برای تصویب مالیات جدید و مشاوره درباره امور مهم مملکتی دعوت مینمود. مالیات برای مدت معینی مثلا دو سال و اغلب تحت شرایط خاصی به‌تصویب میرسید. نظریات مجالس چه‌در امور مالی و چه‌در امور غیرمالی برای پادشاه الزام‌آور نبود بدین‌ترتیب که وی میتوانست از قبول و اجرای تصمیمات مجـالس خودداری کند و حتی درموارد ضروری حق داشت بدون طرح موضوع درمجالس وضع مالیات نماید. واما درپارهٔ موارد فوق‌العاده بعضی مجالس بطور استثناء اختیارات خیلی وسیع داشتند کـه بی‌شباهت به‌وظایف و اختیارات پارلمانهاوحتی‌مجالس مؤسسان عصرحاضر نبود مثلامجالس طبقاتی دردوره اجلاسیه ۱۳۵۵ نه تنها مالیات لازم برای ادامه جنگ با انگلستان را تصویب نمودند بلکه مالیات موضوعه‌را بوسیله نمایندگان خوددریافت و بمصرف میرسانیدند و نیزمجالس طبقاتی دردوره اجلاسیه ۱۳۵۸ یك کمیسیون ۳۲ نفری ازبین اعضای خود انتخاب و کمیسیون مزبور را مأمور نمودند که بعضی از وزراء و اعضای شورای دولتی را ازکار برکنار و اعضای جدیدی بجای آنهـا تعیین نماید و همچنین درسـال ۱۴۲۰ پس‌ازشکست فرانسه درجنگ با انگلستان وانعقاد عهدنامه صلح تروآ(۱) مجالس طبقاتی هانری پنجم(۲) پادشاه انگلستان را بولیعهدی فرانسه ودرسال۱۵۹۳پس‌از خلع هانری سوم از خاندان والوا (۳) هانری چهارم را به پادشاهی تعیین کردند. بعلاوه برحسب عرف وعادت آن زمان سلاطین فرانسه محق نبودند قسمتی ازخاك فرانسه را به یك دولت بیگانه واگذار کنند مگرآنکه قبلا مجالس طبقاتی‌را منعقد ساخته وموافقت آنهارا جلب کرده باشند ونیزچنانچه پادشاه بلاوارث میمرد یا ازمقام سلطنت منفصل میشد مجالس طبقاتی برای انتخـاب پادشاه جدید منعقد میگردید. بعضی‌ازنمایندگان مجالس طبقاتی محدودنمودن املاك روحانیون واشراف ـ وضع

۱ــ Troyes
۲ــ Henri v
۳ــ Valois

مالیات بر املاک کلیساها و صومعه‌ها (۱) - دخالت در انتخاب وزراء و توسعه اختیارات شهرها را درخواست مینمودند و حتی مدعی بودند که پادشاه نمیتواند از اجرای تصمیمات مجالس طبقاتی استنکاف ورزد.

این بود بطور اجمال و اختصار قواعد مربوط به‌طرز تشکیل و وظایف مجالس طبقاتی. و اما علاوه بر مجالس مزبور قبل از انقلاب کبیر در فرانسه مجلس دیگری نیز بنام مجلس رجال وجود داشت که اعضای آنرا پادشاه از بین روحانیون درجه اول و نجبا و مأمورین عالیرتبه شهرداریها (۲) ومستشاران محاکم عالی (۳) انتخاب میکرد. مجالس رجال در ادوار مختلف خاصه در قرن شانزدهم که مجالس طبقاتی را سلاطین بعلت توسعه و تقویت قدرت و توانائی خود دعوت به‌تشکیل جلسات نمیکردند منعقد میگردید. مجلس رجال نیز مانند مجالس طبقاتی وضع مالیات میکرد و مالیات موجوده را مورد تجدید نظر قرار میداد ودر سایر مسائل مرجوعه اظهار نظر میکرد. جلسات مجلس رجال معمولا در حضور پادشاه تشکیل میشد. هرچند تصمیمات مجالس رجال جنبه مشورتی داشته و پادشاه ملزم نبود تصمیمات مجالس مزبور را اجرا کند مع‌الوصف وی معمولا نظریات مجالس رجال را مورد موافقت قرارداده و دستور اجرای آنرا صادر مینمود. بطوریکه تاریخ سیاسی دوره قبل‌ازانقلاب کبیر حکایت میکند پارهٔ اقدامات اصلاحی سلاطین فرانسه متکی به نظریات و پیشنهادات مجالس رجال بود. آخرین مجلس رجال درسال ۱۷۸۸ درشهر ورسای (٤) منعقد گردیده و لزوم انعقاد مجالس طبقاتی را که از اوائل قرن هفدهم تشکیل نمیشد تأیید و تأکید نمود.

مبحث سوم

پارلمان (٥)

درفرانسه قبل از انقلاب ۱۷۸۹ نه تنها مجالس طبقاتی و مجالس رجال بلکه دادگاههای عالی موسوم به‌پارلمان نیز وظایف سیاسی مهمی انجام میدادند. پارلمان

---

۱ - monastère

۲ - Officiers municipaux

۳ - Magistrats des cours souveraines

٤ - Versailles

٥ - Parlement

پاریس و پارلمانهای شهرهای بزرك مانند تولوز(۱) گرنوبل (۲) بردو(۳) دیژون(٤) روآن (٥) متس (٦) بزانسون (۷) علاوه بر وظایف قضائی کلیه قوانین و فرامین و دستخط های پادشاه را به ثبت میرسانیدند و این امر جنبه تشریفاتی نداشته بلکه پارلمانها پس از تشخیص مطابقت قوانین و فرامین و دستخط های مزبور با عرف و عادت آنها را ثبت مینمودند و پارلمانها مجاز بودند از ثبت قوانین و فرامینیکه ناقض رسوم و عادات فرانسه بود استنکاف ورزند ویا آنهارا باپاره‌ای اصلاحات کلی یا جزئی ثبت کنند. ثبت قوانین و احکام پادشاه این عیب و نقص را داشت که بعضی پارلمانها آنرا ثبت میکردند و پارلمانهای دیگر تقاضای ثبت را رد مینمودند که در نتیجه قوانین و احکام پادشاه در بعضی ایالات مجری بوده و در ایالات دیگر اجراً نمیشد. نه تنها قوانین و فرامین بلکه عهدنامه‌هائی که سلاطین فرانسه با کشورهای خارجی منعقد میساختند قبل از اجرا میبایست به ثبت برسد منتهی ثبت قراردادهای بین‌المللی فقط در پارلمان پاریس بعمل میآمد وسایر پارلمانها از حق ثبت محروم بودند. عدم ثبت قوانین و فرامین و عهدنامه‌های بین‌المللی را پارلمان بوسیله معروضه یا توسط نمایندگان اعزامی بعرض پادشاه میرسانید.

واما پادشاه میتوانست به پارلمانها دستور دهد که قوانین و احکام و قراردادهای بین‌المللی را بدون جرح و تعدیل به ثبت برسانند و اجرای چنین دستوری الزامی بود منتهی پارلمانها من باب اعتراض در دفاتر خود قید میکردند که ثبت بدستور پادشاه انجام یافته است. چنانچه پارلمانها از انجام دستور پادشاه خودداری میکردند دراینصورت پادشاه شخصاً یا بوسیله نماینده خوددر جلسه پارلمان حضور بهم رسانیده به مستشاران پارلمان امر میکرد که در حضور وی قوانین و فرامین و قرارداد های بین‌المللی را به ثبت برسانند و این اقدام پادشاه را «تخت عدالت» (۸) مینامیدند. علاوه بر ثبت قوانین و غیره پارلمانها حق داشتند بطور موقت تا تصویب قانون جدیدی نظامنامه‌های لازم‌الاجرائی تنظیم و بموقع اجرا بگذارند ولی بهرحال

۱– Toulouse
۲– Grenoble
۳– Bordeaux
٤– Dijon
٥– Rouen
٦– Metz
۷– Besançon
۸– Lit de justice

پارلمانها مجاز نبودند قوانین مصوب و عادات و رسوم معموله را بوسیله نظامنامه لغو کنند.

هرچند ثبت قوانین و فرامین پادشاه و قراردادهای بین‌المللی و تنظیم نظامنامه‌های موقت که ازوظایف عادی پارلمانها بود اهمیت فراوان داشت بااین‌همه درچندمورد فعالیت پارلمانها توسعه فوق‌العاده یافته وحکومت فرانسه عملادردست آنها قرار گرفته بود. یکی از موارد مزبور دردوره شورش پیش آمد کرد بشرح اینکه پس‌ازمرك هانری سوم درسال ۱۵۸۹ حکومت پاریس بدست شورشیان افتاد وهانری چهارم پادشاه جدید فرانسه به پارلمان پاریس دستور داد که پایتخت را ترك گفته به‌شهر تور (۱) نقل مکان کند. چند نفر از مستشاران از امر پادشاه متابعت کرده عازم تورشدند درصورتیکه مستشاران دیگر ازانجام دستورمزبور استنکاف ورزیده درپاریس‌ماندند وجلسات پارلمان‌را درآن شهرتشکیل‌دادند و کلیه تصمیمات حکومت انقلابی را تسجیل نموده ودردفاترخود به ثبت رسانیدند وامادرسال ۱۵۹۳ پارلمان پاریس با حکومت انقلابی اختلاف عقیده پیدا کرده و با تصمیم حکومت مزبور دائربرواگذاری تاج و تخت فرانسه به یك شاهزاده خارجی مخالفت نمود و درسال ۱۵۹٤ دوك دومائی‌ین (۲) را از ریاست حکومت انقلابی معزول نموده وبه‌شورشیان دستورداد که هانری چهارم پادشاه قانونی‌فرانسه‌را بشناسند وازاجرای اوامر او استنکاف نورزند و ضمناً پارلمان پاریس تمام تصمیمات مجالس طبقاتی را که دردوره شورش منعقدگشته وباحکومت انقلابی‌همکاری میکردند لغو و انحلال مجالس مزبوررا اعلام نمود.

مورد دوم که پارلمانها درفرانسه بحد اعلای قدرت و توانائی رسیده بودند اوائل سلطنت لوئی چهاردهم میباشد بدین‌معنی که لوئی‌سیزدهم (۳) بموجب فرمان مورخ ۲۰ آوریل ۱۶۳۲ که دردفاتر پارلمان به ثبت رسیده بود آن داطریش(٤) ملکه فرانسه ومادرولیعهد صغیر را به نیابت سلطنت انتخاب کرده بود که پس‌ازفوت وی با جلب نظر یك هیئت هفت نفری فرانسه را بنام وازطرف پادشاه صغیر (لوئی چهاردهم) اداره کند. هرچندفرمان‌مذکوردرفوق‌بواسطه‌ثبت‌درپارلمان‌لازم‌الاجرا

---

۱ - Tours
۲ - Duc de Mayenne
۳ - Louis XIII
٤ - Anne d' Autriche

بود ولی بعداز فوت لوئی سیزدهم پارلمان پاریس برخلاف رأی قبلی خود هیئت نیابت سلطنت را بنابه‌تقاضای آن‌داطریش‌منحل و نیابت سلطنت را بدون قیدوشرط باوتفویض نمود .

یکی‌دیگرازمواردی که‌پارلمان درفرانسه‌حاکم مطلق و نامحدودبود مربوط به‌آغاز سلطنت لوئی پانزدهم میباشد بشرح اینکه لوئی چهاردهم بموجب وصیتنامه یك شورای نیابت سلطنت تشکیل داده وشورای مزبوررا مأمورنمود که بعدازفوت اوبنام وازطرف پادشاه صغیر (لوئی پانزدهم) وظایف سلطنتی را انجام دهد ولی دوك‌دورلئان (۱) که بموجب وصیتنامه پادشاه متوفی بریاست شورای سلطنتی معین شده بود به پارلمان پاریس مراجعه و باستناد اینکه مطابق رسوم و عادات فرانسه حق نیابت سلطنت با اواست درخواست نمود که پارلمان قسمتی از وصیتنامه لوئی چهاردهم‌را که‌مربوط به‌شورای نیابت‌سلطنت‌بود کان‌لم‌یکن‌و بلااثردانسته‌واورا بتنهائی نایب‌السلطنه فرانسه بشناسد . پارلمان این تقاضا را موجه دانسته و فرمان انحلال شورای نیابت سلطنت را صادر و دوك‌دورلئان را نایب‌السلطنه اعلام نمود .

یك‌مورددیگر آنکه لوئی پانزدهم درسال ۱۷۷۰ فرمانی صادر کرد که‌بموجب آن اقتدارمطلق و نامحدود سلاطین فرانسه را تأیید و تأکید نموده و یکبار دیگر اعلام داشت که قدرت سلاطین ناشی از خداوند میباشد و هیچ مقامی نمیتواند آنرا محدود کند . چون پارلمان پاریس حاضر به‌ثبت این‌فرمان وتصدیق صحت آن‌نمیشد لذا پادشاه در جلسه پارلمان حضور بهمرسانیده درخواست کرد که فرمان موردنظر دردفاترپارلمان به ثبت برسد . چون مستشاران پارلمان ازانجام این تقاضاخودداری نموده ودسته جمعی از سمت خود استعفا کردند مأمورین نظمیه بدستورپادشاه بآنها اخطار کردند که‌استعفای خودراپس گرفته وفرمان پادشاه را به ثبت برسانند وچون مستشاران مستعفی‌حاضر نمیشدند استعفای‌خودراپس‌بگیرند پادشاه پارلمان پاریس‌را منحل کرد و بمأمورین انتظامی دستور داد که مستشاران یاغی را از پاریس تبعید کنند وضمناً انجام وظایف پارلمان پاریس به شورای پادشاهی (۲) تفویض گردید . پارلمانهای محلی نیز که با پارلمان منحله پاریس اظهارهمدردی نموده و نظر آنرا

۱- Duc d' Orléans

۲- Conseil du roi

درموضوع عدم ثبت فرمان مورخ ۱۷۷۰ صحیح میدانستند منحل گردیده و بجای آنهاهیئتهای جدیدی بنام شورای اعلی (۱) تشکیل یافت واما لوئی شانزدهم درسال ۱۷۷٤ فرمان لوئی پانزدهم را دائر براانحلال پارلمانها و تشکیل شورای پادشاهی در پاریس وشوراهای اعلی درشهرهای دیگر فرانسه لغو نموده و پارلمانهای سابق را در پاریس و درولایات برقرار کرد.

وهمچنین درسال ۱۷۸۷ لوئی شانزدهم بنابه‌پیشنهاد تورگو(۲) وزیر دارائی آزادیخواه واصلاح‌طلب فرانسه قوانین‌جدیدی‌دائر برالغای سدهای گمرکی‌درداخل فرانسه و آزادی تجارت غله و الغای کاراجباری بی‌مزد (۳) و ایجاد مالیات براراضی ومالیات تمبر و استقرار انجمنهای ایالتی وغیره که اکثراً مورد علاقه وتقاضای طبقه سوم بود وضع و ثبت قوانین مزبور را از پارلمان تقاضا کرد و چون پارلمان مایل به ثبت آن قوانین نبود لذا پادشاه شخصاً درپارلمان پاریس حاضر شده ثبت قوانین مورد نظر را درخواست کرد.

پارلمان بااین‌اقدام لوئی شانزدهم اعتراض کرده تقاضانمود که مجالس‌طبقاتی منعقد گردد تاقوانین مورد اعتراض پارلمان را موردرسیدگی‌قرارداده تصمیم مقتضی اتخاذ کند. بعلاوه درهمان سال پارلمان با ثبت فرمان پادشاه دائر برصدور اوراق قرضه مخالفت‌نمود که بالنتیجه دوک دورلئان و چند مستشاردیگر که سایر کارمندان پارلمان‌را تحریك‌بمقاومت میکردندبازداشت وتبعید گردیدند سپس پارلمان سرکش منحل وپارلمان جدیدی (٤) مرکب از بعضی مستشاران پارلمان منحل شده وپاره‌ای از شاهزادگان و روحانیون و اشراف و مأمورین عالیمقام دربار سلطنتی و حکام ومستشاران‌دیوان محاسبات وغیره تشکیل گردید که‌اعضای آنراپادشاه تعیین میکرد درصورتیکه مستشاران پارلمان سابق تماماً موروثی بودند این‌اقدام لوئی‌شانزدهم که هیچکس انتظار آنرانداشت یك هیجان وعصبانیت بی‌سابقه، وبی‌نظیری درمحافل مؤثر و با نفوذ پاریس و ایالات ایجاد نمود ودرنتیجه همین هیجان و اضطراب بود که پادشاه فرانسه مجبور شد پارلمان نوظهور را منحل و پارلمان سابق را برقرار کند وضمناًدستورانعقادمجالس‌طبقاتی‌را که‌موردتقاضای‌پارلمان‌پاریس وپارلمانهای

۱ – Conseil supérieur　　۲ – Turgot
۳ – corvée　　٤ – Cour plénière

محلی بود صادر نمود واما باانعقادمجالس مزبور در سال ۱۷۸۹ وسرنگون شدن ترتیبات سابق و الغای امتیازات روحانیون و اشراف و اعلام اصل تساوی درمقابل قانون پارلمانهادر فرانسه منحل گردیده و ثبت قوانین و فرامین در دفاتر پارلمانها از بین رفت .

مبحث چهارم

شورای پادشاهی وشورای عالی (۱)

یکی از ارکان مهم تشکیلات دولتی فرانسه قبل از انقلاب کبیر شورای پادشاهی بود که در قرن هیجدهم از اعضای ذیل تشکیل میشد :

۱ـ اعضای انتصابی که از طرف پادشاه از بین مأمورین عالیرتبه دولت تعیین شده وقابل عزل بودند .

۲ـ اشخاصیکه دارای مشاغل مهمی بودند ازجمله چند نفر از رؤسای دربار سلطنتی ووزراء .

۳ـ افراد خاندان سلطنتی و جمعی از اشراف وروحانیون که اعضای موروثی شورای مزبور بودند .

٤ـ اعضای افتخاری که از طرف پادشاه انتخاب میشدند . اعضای مزبور عملا درجلسات شوری حاضر نمیشدند .

شورای پادشاهی دارای وظایف مهمی بود ازجمله اینکه بنابه پیشنهاد پادشاه مسائل مهم سیاسی واداری ومالی را موردبحث قرارداده ونظریات مشورتی خودرا بعرض میرسانید . شورای پادشاهی علاوه بروظایف مذکور درفوق یك محکمه عالی بود و باین عنوان اختلافات حقوقی حاصله بین مردم و همچنین دعاوی اداری را حل وفصل مینمود ونیز دعاوی حقوقی و جزائی را که پادشاه بعنوان ریاست عالیه قوه قضائیه به شورای مزبور ارجاع میکرد رسیدگی نموده رأی خودرا برای تصویب و اجرا بعرض پادشاه میرسانید . شورای سلطنتی به چند شعبه تقسیم میشد و هریك ازشعبات قسمتی ازوظایف مندرج بالارا انجام میداد .

درزمان سلطنت لوئی چهاردهم اعضای موروثی و افتخاری ازشورای عالی

۱ـ Grand Conseil

خارج شدند وفقط عدهٔ معدودی که صلاحیت و توانائی عضویت را داشتند درشورای مزبور باقی ماندند. انتصاب وعزل اعضای مزبور با پادشاه بود.

در نیمه دوم قرن پانزدهم شارل هشتم (۱) پادشاه فرانسه شورای دیگری بنام شورای عالی تشکیل داد که اعضای آن ازطرف پادشاه انتخاب میشدند. شورای عالی را چهار شورای مستقل ذیل تشکیل میدادند:

۱- شورای دولتی یا امور خارجه (۲). این شورا وظیفه داشت که مسائل مربوط به جنگ و صلح را مورد رسیدگی قرارداده و عهدنامه‌های بین‌المللی را تصویب کند. وزیر امور خارجه بعنوان مخبر درمذاکرات شورای مزبور شرکت میکرد. اعضای شورای دولتی عنوان وزرای افتخاری راداشته وپس ازعزل یااستعفا عنوان وزیرافتخاری را حفظ میکردند.

۲- شورای اموردداخلی (۳). شورای مزبور وظیفه داشت که مسائل مربوط به اموردداخلی را موردرسیدگی قرارداده وتصمیمات مقتضی اتخاذ کند. کلیه اعضای شورای عالی و وزیر دادگستری و وزراء دیگر وهمچنین اشخاصیکه پادشاه تعیین میکرد شورای امور داخلی را تشکیل میدادند. چهار نفر وزیر که عهده‌دار امور داخلی فرانسه بودند بعنوان مخبر درمذاکرات شورای مزبور شرکت میکردند. تنظیم نظامنامه‌های اجرای قوانین از وظایف همین شورا بود بعلاوه شورای امور داخلی بعنوان محکمه عالی اداری به شکایات مردم از حکام و سایر مأمورین دولت رسیدگی کرده احکام قطعی صادر مینمود.

۳- شورای امورمالی (٤). وزیر دارائی و وزیردادگستری وچند نفر عضو دیگر که ازطرف پادشاه انتخاب میشدند شورای امورمالی را تشکیل میدادند. کلیه مسائل مربوط به دخل و خرج دولت درشورای مالی مورد رسیدگی قرارمیگرفت بعلاوه کلیه اختلافات حاصله بین ادارات دارائی از یکطرف و مودیان مالیاتی و مستأجرین املاک‌دولتی ومقاطعه‌کاران وغیره‌ازطرف دیگر برای‌رسیدگی واتخاذ تصمیم نهائی باین شورارجوع میشد.

۱ - Charles VIII

۲ - Le Conseil d' Etat ou Conseil des affaires étrangères

۳ - Le Conseil des dépêches

٤ - Le Conseil des finances

٤- شورای اصحاب دعوی یاشورای خصوصی (١) · تمام وزراء و چند مأمور وقاضی عالیرتبه عضواین شورا بودند . ریاست شورای اصحاب دعوی باوزیرداد گستری بود . شورای مورد بحث وظایف دیوان کشور را انجام میداد . چند نفر قاضی (٢) بعنوان مخبر دراین شورا انجام وظیفه مینمودند · ازمیان مخبرین شورای خصوصی حکام و پیشکاران دارائی وسایر مأمورین عالیمقام دولتی انتخاب میشدند . علاوه بر چهار شورای اصلی مذکور درفوق چند شورای دیگر نیزازجمله شورای بازرگانی(٣) درفرانسه قبل از انقلاب وجود داشت که از ذکر آنها محض احتراز از تطویل کلام خودداری میشود .

مبحث پنجم

مقامات ایالتی

قبل از انقلاب ١٧٨٩ خاك فرانسه به چهل ایالت (٤) تقسیم میگردید و اداره هریك از ایالات بیك قائم‌مقام پادشاه (٥) یا والی واگذار میشد . والی جانشین پادشاه درحوزه مأموریت خودبوده و باین‌عنوان نظارت درتمام ادارات دولتی داشت بعلاوه والی فرماندهی نیروی نظامی متمرکز درقلمرو حکومت خود را داشته ودرمواقع شورش و عصیان مجاز بود قوای نظامی تحت فرماندهی خود را بکار برده و نظم وامنیت رابرقرار کند . بعنوان جانشین پادشاه والی شوراهای محلی رامنعقد میساخت و فرامین پادشاه را بآنها ابلاغ میکرد . درقرن شانزدهم و نیمه اول قرن هفدهم اختیارات ولات باندازهٔ وسیع بود که آنهامجاز بودند در حوزه مأموریت خودمالیات وضع نمایند ومقصرین سیاسی وجنایتکاران غیرسیاسی را محاکمه کنند وحتی حکم اعدام درباره آنهاصادر نمایند و نیزولات میتوانستند اشخاصیرا که ازطرف دادگاهها محکوم میشدند مورد عفو قراردهند ویا تخفیفی درمجازات آنها قائل شوند . چون ولات تمام این وظایف را بعنوان نایب مناب پادشاه انجام میدادند ازاینرو پادشاه میتوانست تصمیمات واحکام آنها را لغو و تصمیم و حکم دیگری صادر کند . مقام

---

١ — Le Conseil des parties ou Conseil privé

٢ — maîtres des requêtes

٣ — Le Conseil du commerce

٤ — province

٥ — Lieutenant général du roi

والی موروثی بود و پس‌ازفوت او به پسر بزرگترش انتقال مییافت .

و اما ولات که درزمان هنری سوم (۱۵۷٤ - ۱۵۸۹) و لوئی سیزدهم (۱٦۱۰-۱٦٤۳) بحد اعلای قدرت و توانائی رسیده بودند درنیمه دوم قرن هفدهم و درقرن هیجدهم (زمان سلطنت لوئی چهاردهم و لوئی پانزدهم) بتدریج قسمت اعظم‌وظایف سابق خودرا ازدست داده فقط پارهٔ وظایف غیرمهم از جمله فرماندهی افتخاری نیروی نظامی حوزه مأموریت خود را حفظ نمودند و اغلب اوقات خارج ازمحل مأموریت خود اقامت داشتند .

از نیمه اول قرن هفدهم حکومت مرکزی درهریك از ایالات علاوه‌برو الی نماینده دیگری هم بنام پیشکار (۱) داشت که درتمام امور حوزه ایالتی نظارت میکرد دردوره موردبحث که‌ولات فاقدقدرت واختیاری‌بودند پیشکاران درحوزه مأموریت خود بعنوان حاکم مطلق تمام دستگاه اداری و قضائی را تحت‌الشعاع قرارداده ومیتوانستند مستخدمین‌دولت را منفصل کنند به‌جرائم سیاسی و پارهٔ جرائم مهم دیگر رسیدگی کرده احکام صادر نمایند . پیشکاران درامور مالی نیز وظایف مهمی داشتند بدین معنی که مالیات مستقیم متعلق به هر یك از ایالات را بین ولایات تقسیم می‌نمودند و به شکایات مؤدیان مالیات مستقیم رسیدگی میکردند . بعلاوه پیشکاران ریاست نظمیه را عهده‌دار بوده و باین عنوان مقررات پلیسی تنظیم و بموقع اجرامیگذاشتند یادرموارد‌مهم برای‌تصویب بشورای پادشاهی میفرستادند وهمچنین پیشکاران‌نظارت‌در تجارت‌وزراعت‌داشتند . احضارسر بازان چریك(۲) وجمع آوری مشمولین کارهای‌اجباری بی‌مزدنیز باپیشکاران‌بود. تصمیمات‌پیشکاران قابل‌تجدیدنظر درشورای‌پادشاهی‌بودجزامورمالی که‌دردیوان‌محاسبات(۳)رسیدگی‌میشد. اختلافات حاصله‌بین‌پیشکاران‌وسایرمقامات‌محلی نیز جهت‌رسیدگی‌واتخاذتصمیم‌قطعی به‌شورای پادشاهی ارجاع میشد . هریك از ایالات به‌چند ولایت تقسیم میشد و پیشکاران در هریك از ولایات یك نفر نماینده داشتند که طبق دستور آنها انجام وظیفه‌میکردند.

درنیمه اول قرن سیزدهم در بعضی ایالات مجالس ایالتی طبقاتی (٤) برای رسیدگی‌بامورمالیاتی وسایرمسائل‌مربوط به‌ایالات منعقدمیگردید واز قرن‌چهاردهم

---

۱ — intendant　　۲ — milice

۳ — Chambre des comptes　　٤ — Etats provinciaux

تا قرن هفدهم مجالس مزبور عمومیت پیدا کرده و در تمام ایالات فرانسه دائر بود و از آن تاریخ ببعد مجالس ایالتی در چند ایالت از قبیل برتان (۱) بورگون (۲) پروانس (۳) لانگدك (٤) باقی مانده ودر ایالات دیگر تدریجاً منحل گردید. مجالس ایالتی مانند مجالس طبقاتی کشوری از طبقات سه گانه روحانیون و اشراف و طبقه سوم تشکیل میگردید ولی برخلاف این قاعده کلی در بعضی ایالات مجالس مزبوررا طبقات ممتاز (روحانیون و اشراف) تشکیل میدادند و افراد طبقهٔ سوم از شرکت در آن مجالس محروم بودند. فرق اساسی که بین مجالس طبقاتی کشوری ومجالس ایالتی وجود داشت این بود که نمایندگان مجالس طبقاتی کشوری تماماً انتخابی بودند درصورتیکه درمجالس ایالتی فقط قسمتی از اعضاء انتخابی بوده وبقیه بواسطه عناوین یااملاك یابالاخره مقامی که داشتند درمجالس مزبور عضویت پیدامیکردند. در بعضی ایالات از جمله برتان وبورگون تمام نجبا درمجالس ایالتی عضویت داشتند. شهرها از لحاظ نمایندگی درمجالس ایالتی مساوی نبودند بدین معنی که بعضی از آنها یك یاچندنماینده انتخاب مینمودند درصورتیکه شهرهای دیگر ازاین حق محروم بودند. درجمعی ازایالات کشاورزان آزاد نیز حق رأی داشتند.

اصولا هریك از طبقات سه گانه جداگانه تشکیل جلسه میداد ولی این ترتیب عمومیت نداشت بدین معنی که در بعضی ایالات روحانیون واشراف وطبقهٔ سوم مجلس واحدی تشکیل میدادند. هریك ازاعضای مجالس ایالتی مجاز بود بجای خود شخص دیگری را ازطبقه خود بمجلس بفرستد. حق انعقاد مجالس ایالتی باپادشاه یا نماینده او بود. راجع به مواقع انعقاد مجالس مزبور مقررات ثابتی وجودنداشت بدین ترتیب که در بعضی ایالات و پارهٔ ادوار مجالس هرسال یکبار و در ایالات و ادوار دیگر هردوسال وحتی هرسه سال یك دفعه منعقدمیگردید. درهریك ازمجالس کلیه مسائل مورد بحث باکثریت آراء عده حاضر درجلسه حل میشد و تصمیم مجالس سه گانه مستلزم موافقت لااقل دومجلس بود درایالاتی که دارای مجلس واحدمرکب از نمایندگان روحانیون واشراف وطبقه سوم بودند تصمیمات باکثریت آراء کلیه اعضاء حاضر درجلسه

۱ – Bretagne　　۲ – Bourgogne

۳ – Provence　　٤ – Languedoc

اتخاذ میگردید . هریك ازمجالس ایالتی از بین‌اعضاء خود کمیسیونی تشکیل میداد که دراجرای تصمیمات متخذه نظارت داشته باشد .

درسال ۱۷۸۷ درایالاتی که فاقد مجالس‌بودند مجالس جدیدی بنام مجامع ایالتی (۱) تشکیل گردید ولی مجالس مزبور دوام زیاد نداشت و براثر انقلاب وسرنگون شدن‌دستگاه سیاسی واداری‌دورهٔ‌قبل‌از۱۷۸۹ تمام‌مجالس‌اعم ازمجالس سابق که فوقاً شرح داده شد ومجالس جدیدالتأسیس منحل گردید .

---

۱ – Assemblée provinciale

فصل دوم

انقلاب ۱۷۸۹ وقانون اساسی ۱۷۹۱

مبحث اول

علل وجهات انقلاب کبیر

بطوریکه درفصل اول متذکر گردید قبل از انقلاب ۱۷۸۹ جمعیت فرانسه به سه طبقه تجزیه میشد که طبقه اول را روحانیون طبقه دوم را اشراف و طبقه سوم را سکنه شهرها وزارعین آزاد تشکیل میدادند. از ۲۵ میلیون جمعیت فرانسه درحدود ۱۳۰۰۰۰ روحانیون و ۱۴۰۰۰۰ اشراف بودند. روحانیون دارای املاکی بودند که مساحت آن تقریباً یك چهارم اراضی حاصلخیز فرانسه را تشکیل میداد. روحانیون از رعایای خود بهره مالکانه میگرفتند که میزان آن بالغ بر ۱۲۵ میلیون لیور (۱) بود. علاوه بر بهره مالکانه روحانیون درحدود ۱۰۰ میلیون لیور عوارض دریافت میداشتند و این عوایدسرشار یك قسمت متعلق به خود روحانیون بوده وقسمت دیگر مال صومعه ها بود. ازوجوه هنگفتی که عایدشان میشد روحانیون به پادشاه فرانسه قرض میدادند. روحانیون از پرداخت مالیات معاف بوده فقط سالیانه مبلغی بعنوان اعانه (۲) بدولت میپرداختند. برخلاف روحانیون درجه اول وضع مالی کشیشهای شهرها و قراء اکثراً پریشان بود وروی همین اصل آنها متمایل به طبقه سوم بوده و عامل مؤثری درایجاد وتوسعه انقلاب بشمار میرفتند.

اشراف نیز بدودسته تقسیم میشدند. دسته اول را اشراف درجه اول تشکیل میدادند که دردربار وادارات دولتی وارتش شاغل مشاغل مهم بودند وعلاوه برعایدات حاصله از املاك خود وعوارض دریافتی اززارعین ازخزانه و دربار حقوق و کمك

۱- livre (واحد پولی فرانسه قبل ازانقلاب).

۲- don gratuit

خرج دریافت میداشتند . اشراف نیز مانند روحانیون از پرداخت مالیات معاف بوده فقط سالیانه مبلغی برسم اعانه بلاعوض بدولت میپرداختند و حتی دوره تحصیلی دانشجویان اشرافی کمتر از طبقه سوم بود . واما نجبائیکه فاقد عایدات کافی ازاملاك خود و حقوق و کمك خرج بودند بزحمت امرار معاش نموده و متمایل به طبقه سوم بودند و از نظریات و آرزوهای آنها جانبداری میکردند .

شاغلین مشاغل آزاد - بانکداران - ارباب صنایع - تجار - اصناف - کارگران مستخدمین دولت و غیره که جزء طبقه سوم بشمار میرفتند با اینکه مصالح و منافع اجتماعی و اقتصادی آنها هم آهنگی نداشت ولی چون تمام این دستجات مخالف سلطنت نامحدود و طبقات ممتاز بودند ازاینرو جبهه واحدی تشکیل داده وعزم راسخ داشتند که با تمام وسائل ممکنه سازمان سیاسی و اجتماعی آن زمان را واژگون ساخته تشکیلات جدیدی بوجود آورند .

۷۵ درصد سکنه فرانسه را دهاقین تشکیل میدادند که قسمتی از آنان مانند برده مجاز نبودند زمین ارباب خود را ترك گویند . قسمت اعظم روستائیان آزاد فاقد زمین بوده آنرا ازملاکین اجاره میکردند ویا دراراضی آنها به عملگی اشتغال داشتند . دهقانان علاوه برمالیاتیکه بصورت پول یا جنس بدولت میپرداختند بهروحانیون عشرعایدات و به ملاکین عوارض میدادند . بااین وضع دهقانان اراضی خودرا ترك گفته روانه شهرها میشدند و چون تهیه کار درشهرها مشکل بود بدین جهت مجبور به گدائی میشدند یا ولگردی و راهزنی میکردند .

قبل از انقلاب از ۷۲۰۰۰۰ نفر جمعیت پاریس یك ششم یعنی ۱۲۰۰۰۰ نفر ولگرد (۱) بودند که عامل مؤثر اغتشاشات و بی نظمیهای دورهٔ انقلاب بشمار میرفتند وهیچ مقامی اعم از پادشاه ودولت ومجلس ملی واحزاب و انجمنهای سیاسی وحتی سیاسیون تندرو نمیتوانستند ازشرارت آنها جلوگیری کنند. برای تشریح فقر وسیه روزی مردم فرانسه قبل از انقلاب مراجعه به خاطرات سیاح انگلیسی آرتوریونگ (۲) که دراواخر قرن هیجدهم ازفرانسه دیدن کرده بود کافی بنظر میرسد . درخاطرات خود سیاح نامبرده چنین مینویسد :

۱- sans - culotte

۲- Arthur Yung

« فقر قسمت اعظم مردم فرانسه وضع ناگوار زراعت رکود در تجارت وصنایع سنگینی مالیات وعوارض ولخرجی دربار کسردائمی بودجه‌عمومی کشور معاملات‌استقراضی‌پیوستگی‌مصادرامور وطبقات‌ممتاز به‌رژیم‌سیاسی‌واجتماعی‌موجود درآن زمان وعدم میل‌آنها باصلاحات خلاصه تمام این عوامل زمینه مساعدی برای شورش مردم گرسنه مهیانموده‌است وحتی جمعی ازروحانیون واشراف عدم رضایت خودرا ازوضع موجود ابرازومصراً ومؤکداً تشکیل مجالس طبقاتی را درخواست مینمایند » .

در بروز انقلاب عقاید فلاسفه قرن هیجدهم مانند ولتر (۱) دیدرو (۲) مونتسکیو (۳) مابلی (٤) و بالاخص ژان ژاك روسو (٥) فوق‌العاده مؤثر بود . عقاید نویسندگان مزبور که محدود نمودن سلطنت والغاء ترتیب طبقاتی و برقراری اصل تساوی و آزادی را خواستار بودند نه تنها بین طبقه سوم بلکه میان قسمتی از روحانیون و اشراف و حتی گارد سلطنتی نیز طرفدار داشت . جنگ امریکای شمالی واعلان استقلال سیزده مستعمره امریکائی انگلستان در٤ ژویه ۱۷۷٦واصول مندرج درقانون اساسی مورخ ۱۷۸۷ ممالك متحده امریکای شمالی از عوامل مهم ومؤثر انقلاب ۱۷۸۹ بشمار میرود . دربارفرانسه که تحت فشار طبقات ممتاز وطبقه سوم قرارگرفته بود چنانچه از روحانیون و اشراف حمایت میکرد با مخالفت طبقه سوم مواجه میشد و اگر از عناصر آزادیخواه که طبقه سوم را تشکیل میدادند طرفداری کرده وسیاست خودرا منطبق با آمال وآرزوهای آنها مینمود با مخالفت شدید روحانیون و اشراف روبرو میشد . بااین اوضاع و احوال دررأس حکومت میبایست شخصی قرارگیرد که به‌وظایف سنگین وپرمسئولیت خودپی‌برده باکاردانی و اراده خلل‌ناپذیر اقدامات لازم جهت تعدیل اختلافات موجوده بین طبقات ممتاز وعناصر اصلاح‌طلب بعمل‌آورده ازوقایع ناگوار انقلاب جلوگیری کند ولی متأسفانه درآن زمان سلطنت فرانسه دردست لرزان لوئی شانزدهم پادشاه خوش نیت ولی ضعیف‌الاراده بود که تحت‌نفوذدرباریان خاصه ملکه ماری‌آنتوانت (٦) وبرادرخود

۱– Voltaire
۲– Diderot
۳– Montesquieu
٤– Mably
٥– Jean - Jaques Rousseau
٦– Marie - Antoinette

کونت‌دارتوآ (۱) قرار گرفته بود .

دراوائل سلطنت لوئی شانزدهم تورگو (۲) وزیر دارائی وقت که یکی از هواخواهان طریقه فیزیوکرات(۳) بشمارمیرفت مصمم بودبه‌اصلاحات اساسی‌مبادرت نموده خطوط گمرکی را درداخل‌فرانسه‌ازبین‌ببرد وامتیازات‌صنفی‌را ملغی‌و آزادی کار و تجارت را اعلام کند ولی اقدامات این وزیر بصیر و نیک اندیش با مخالفت روحانیون واشراف درجه اول مواجه شد . بعدازتورگو نکر(٤)یکی‌ازبانکداران معروف‌آن زمان بوزارت دارائی انتخاب شد . نکرنیزمانند تورگومصمم بود اقدام باصلاحات اقتصادی ومالی بکند ولی عناصر محافظه کاراز نفوذ خود دردربار استفاده کرده نکر را وادار باستعفا نمودند .

لوئی شانزدهم که قادر به‌حل مشکلات سیاسی‌ومالی‌نبود بر آن شد که‌مجالس طبقاتی را که ازسال ١٦١٤ باین‌طرف تشکیل نمیشد منعقد سازد و برای تأمین این منظورفرمانی بتاریخ ۲۷ دسامبر ۱۷۸۸ صادر نمود که بموجب آن مقرر میگردید که طبقات سه گانه یعنی‌روحانیون واشراف وطبقه سوم‌نمایندگان خودرادرمجالس مزبور انتخاب ومعرفی نمایند . مطابق فرمان مزبور و نظامنامه انتخابات مورخ ٢٤ ژانویه۱۷۸۹قرار بود یك چهارم‌مجموع نمایندگان‌راروحانیون ربع دیگررا اشراف وبقیه دوچهارم را طبقه سوم انتخاب کنند ولی چون قرار بود هریك ازطبقات مانند سابق جداگانه رأی بدهند ازاینرو ترتیب بالا درتصمیمات طبقه‌سوم بلااثر بوده و روحانیون‌واشراف‌میتوانستنددرمجالس جبهه‌واحدی‌تشکیل‌داده نظریات‌طبقه‌سوم‌را بلااثر وخنثی کنند و روی همین اصل طبقه سوم وعناصر آزادیخواه و اصلاح طلب دو طبقه دیگر درخواست میکردند که هریك از نمایندگان یك رأی داشته باشد . همانطور که درادوار سابق‌معمول بود درسال ۱۷۸۹ انتخابات روحانیون واشراف مستقیم و انتخابات طبقه سوم به دو حتی سه درجه صورت گرفت . در انتخابات طبقات‌ممتازفقط روحانیون‌واشرافی‌شرکت‌میکردند که‌مالك‌تیول‌بودنددرصورتیکه درانتخابات طبقه سوم کسانی میتوانستند رأی بدهند که بدولت مالیات مستقیم میپرداختند . انتخابات نمایندگان مجالس از ۷ فوریه تا ۲۷ آوریل درمحیط نسبتاً

۱- Comte d'Artois
۲- Turgot
۳- Physiocrates
٤- Necker

آرام انجام یافته و مردم با علاقه فراوان رأی میدادند. قرار بود طبقات سه‌گانه ۱۲۰۰ نفر نماینده انتخاب نمایند که ۳۰۰ نفر آنرا روحانیون، ۳۰۰ نفر دیگر را اشراف و بقیه ۶۰۰ نفر را طبقه سوم تعیین کنند ولی عده انتخاب شدگان کمتر از ۱۲۰۰ نفر بود. بین انتخاب شدگان قریب ۲۰۰ نفر وکیل دادگستری در حدود ۲۰۰ نفر کشیش شهرها و دهات بودند. رأی دهندگان طبقه سوم ۱۵ نفر از اشراف و روحانیون درجه اول را بنمایندگی انتخاب کرده بودند. شهر پاریس با حومه ۵۶ نفر وکیل به مجالس طبقاتی فرستاده بود.

مجالس طبقاتی در ۵ ماه مه ۱۷۸۹ در ورسای از طرف لوئی شانزدهم افتتاح یافت و تا اواسط ماه ژوئن نمایندگان مشغول مباحثه در موضوع طرز تشکیل جلسات بودند بدین معنی که وکلای طبقه سوم درخواست میکردند که کلیه نمایندگان اعم از روحانیون و اشراف و طبقه سوم مجلس واحدی تشکیل دهند درصورتیکه نمایندگان طبقات ممتاز با این پیشنهاد مخالفت کرده از مجالس سه‌گانه طرفداری مینمودند. چون نمایندگان طبقات سه‌گانه نتوانستند این مشکل را حل و اختلاف حاصله فیمابین را رفع نمایند لذا وکلای طبقه سوم که نمایندگی نود و شش درصد ملت فرانسه را داشتند در ۱۷ ژوئن مجلس ملی (۱) تشکیل دادند و از نمایندگان روحانیون دعوت کردند که در جلسات مجلس مزبور شرکت جویند. چندی بعد عده‌ای از روحانیون و نجبای درجه دوم بنمایندگان طبقه سوم ملحق شده و آمادگی خود را برای حضور در مجلس ملی اعلام کردند. چون لوئی شانزدهم به گارد مجلس دستور داده بود که از تشکیل جلسات مجلس ملی ممانعت شود در ۲۰ ژوئن نمایندگان مجلس مزبور جلسه فوق العاده در محل موسوم به ژودوپوم (۲) تشکیل داده و بنا به پیشنهاد تارژه (۳) وکیل دادگستری و یکی از واضعین قانون مدنی فرانسه قسم یاد کردند که بدون توجه بمخالفت روحانیون و اشراف جلسات مجلس ملی را تشکیل و قانون اساسی فرانسه را تنظیم و تصویب نمایند وقبل از انجام این منظور از هم جدا نشوند. در ۲۳ ژوئن لوئی شانزدهم در مجلس ملی حضور یافته و با لحن آمرانه درخواست کرد که نمایندگان از تشکیل مجلس ملی خودداری نموده و هریك از طبقات سه‌گانه

۱- Assemblée nationale

۲- Jeu de Paume

۳- Target

مجلس جداگانه ترتیب دهد وضمناً لوئی شانزدهم اعلام کرد که چنانچه نمایندگان جلسات مجلس ملی را ادامه داده و تصمیماتی اتخاذ کنند تصمیمات آنها کان‌لم‌یکن و بلااثر تلقی خواهد گردید. نمایندگان طبقه سوم از اجرای امر پادشاه استنکاف ورزیده ازطالارجلسه خارج نشدند.

واما لوئی شانزدهم براثرمقاومت شدید نمایندگان طبقه سوم تغییرعقیده داده در ۲۷ ژوئن به روحانیون و اشراف توصیه کرد که در مجلس ملی حاضر شده بانمایندگان طبقه سوم همکاری و تشریك مساعی نمایند. این تقاضای لوئی شانزدهم مورد قبول نمایندگان روحانیون واشراف واقع گردید و در ۱٤ ژوئیه مجلس ملی باحضور کلیه نمایندگان یك کمیسیون هشت‌نفری انتخاب کرد تا طرح قانون اساسی فرانسه را تهیه و برای شور و تصویب به مجلس ملی تقدیم کند. و اما چون تنظیم طرح قانون اساسی و تصویب آن درمجلس ملی مستلزم وقت و دقت بیشتری بود وازطرفی‌هم جمعی از نمایندگان ازطرف موکلین خود مأموریت داشتند که هرچه زودتر اعلامیه‌ای که حاوی حقوق وامتیازات افراد مردم باشد تنظیم وابلاغ نمایند لذا مجلس ملی درجلسه۱۲ اوت کمیسیون مخصوصی برای تهیه طرح اعلامیه مورد نظر انتخاب کرد و در جلسه ۲٦ اوت طرح تنظیمی سیس (۱) را که مورد موافقت کمیسیون مخصوص واقع گردیده بود باپاره‌ای اصلاحات تصویب نمود ومقررداشت که‌اعلامیه‌مزبور(۲) سرلوحه‌قانون‌اساسی‌فرانسه قرار گیرد. روز بعدیعنی‌در۲۷ اوت بحث درطرح قانون اساسی شروع شده وتا اوائل ماه سپتامبر۱۷۹۱ بطول انجامید ودرجلسه۳ سپتامبر به‌تصویب مجلس ملی رسید ودرهمان روزیك هیئت شصت‌نفری طرح مصوب را به‌لوئی‌شانزدهم تقدیم‌نمود تاپس‌از توشیح بموقع‌اجرا گذارده شود. وی پس‌ازتردید وتعمق ومشورتهای طولانی در ۱۳ سپتامبرموافقت خودرا با طرح مصوب به نمایندگان اطلاع داد ودر ۱٤ سپتامبر درمجلس ملی حاضر شده قسم یاد کرد که قانون اساسی فرانسه را محترم شمرده و وسائل اجرای آنرا فراهم سازد. پس از توشیح و ابلاغ قانون اساسی مورد بحث مجلس ملی در ۳۰ سپتامبر منحل و فرمان انتخابات مجلس ملی جدید موسوم به کنوانسیون ملی (۳) ازطرف

۱- Sieyès ۲- Déclaration des droits de l' homme et du citoyen
۳- Convention nationale

پادشاه صادر گردید و در ۲۱ سپتامبر ۱۷۹۲ مجلس جدیدالانتخاب افتتاح یافت .

مبحث دوم

اعلامیه حقوق بشر

اعلامیه حقوق بشر مصوب ۲٦ ماه اوت ۱۷۸۹ که جزء لاینفك قانون اساسی مورخ ۳سپتامبر ۱۷۹۱ میباشد دارای یك مقدمه و ۱۷ماده است. نمایندگان مجلس ملی فرانسه که ازپیروان فلاسفه بزرك قرن هیجدهم بودند درمقدمه اعلامیه مزبور که بعضی اصول آن اقتباس از اعلامیه حقوق مورخ ۱۳ فوریه ۱٦۸۹ انگلستان (۱) و اعلان استقلال ۱۳ مستعمره امریکائی مورخ ٤ ژوئیه ۱۷۷٦ (۲) و قانون اساسی مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۷۸۷ ممالك متحده امریکای شمالی است بشرح زیر بیان مطلب میکردند :

« افراد جامعه دارای یك سلسله حقوق طبیعی مقدس مسلم و غیرقابل انکار میباشند . بی‌اطلاعی مصادر امور ازوجود این حقوق یا عدم رعایت آنها یگانه علت فلاکت و بدبختی اجتماعات بشری است . »

سپس اعلامیه مزبور اختیاراتی بنام حقوق بشر برای افراد مردم قائل شده که مفاد آن ازاین‌قرار است :

افراد مساوی و آزاد بدنیا میآیند و بنابراین باید درتمام مدت عمر خویش از آزادی و برابری درحقوق بهره‌مند گردند . اختلافات اجتماعی فقط درصورتی جایز است که مصالح ومنافع عمومی آنرا ایجاب کند (ماده اول) .

مرام اجتماعات سیاسی همانا حفظ وحراست حقوق طبیعی اشخاص است واین حقوق عبارت است از آزادی ـ حق مالکیت ـ امنیت و حق دفاع درمقابل ظلم (ماده دوم) .

حق حاکمیت ناشی ازخود ملت بوده هیچ فردی از افراد و هیچ طبقه‌ای از طبقات مردم نمیتوانند فرمانروائی کنند مگر بنمایندگی ازطرف ملت (ماده سوم) .

۱ـ Declaration of Right

۲ـ Declaration of Independence

آزادی عبارت ازاین است که اشخاص بتوانند هرکاری را که صلاح ومقتضی بدانند انجام دهند بشرط اینکه عملیات آنها صدمه به حقوق دیگران وارد نسازد . حقوق اشخاص را فقط قانوناً میتوان محدود کرد (ماده چهارم) .

قانون عملیاتی را میتواند ممنوع کند که مضر بحال جامعه باشد وهرعملیکه قانوناًممنوع نیست مجاز ومشروع میباشد وهیچکس‌را نمیتوان وادار به عملی کرد که درقانون منظور نگردیده است (ماده پنجم) .

قانون‌معرف ومظهر اراده عمومی‌بوده وتمام افراد می‌توانندشخصا یابوسیله نماینده‌گان خود درتدوین‌آن شرکت جویند (ماده ششم) .

ازلحاظ حمایت و از حیث مجازات تمام افراد درمقابل قانون مساوی هستند و افرادیکه ازلحاظ معلومات وصلاحیت اخلاقی مساوی باشند حق رسیدن بمقامات دولتی واشتغال بمشاغل عمومی را دارا خواهندبود (ماده‌هفتم) .

قانون فقط مجازاتی‌را میتواند معین کند که لزوم وضرورت‌آن آشکارباشد . هیچکس‌را نمیتوان مورد مجازات قرارداد مگربموجب قانونی که قبل‌ازوقوع جرم به‌تصویب رسیده ابلاغ و بموقع اجرا گذاشته شده باشد (ماده هشتم) .

هرفردی بی گناه شناخته میشود مگراینکه تقصیر او به ثبوت برسد وهرعمل شدیدی که اعمال‌آن در باره متهم ضرورنباشد باید بسختی‌مورد مجازات واقع گردد (ماده نهم) .

هیچکس را نمیتوان برای عقاید حتی عقیده مذهبی مورد تعقیب قرارداد مشروط براینکه ابرازآن عقیده مخل نظم عمومی نگردد (ماده دهم) .

چون انتشار عقاید و نظریات شخصی یکی از امتیازات اساسی افراد میباشد لذاهرفردی مجازاست آزادانه سخن گوید، بنویسد و نوشته‌های خودرابصورت‌نشریه دربیاورد . سوء استفاده ازاین حق درموارد مقرر درقانون قابل تعقیب است (ماده یازدهم) .

تضمین حقوق بشرمستلزم داشتن نیروی‌انتظامی‌است که بنفع‌عموم و نه‌برای اشخاصیکه آنرا اداره میکنند ایجاد شده است (ماده دوازدهم) .

بمنظورنگاهداری نیروی انتظامی و تأمین هزینه آن ایجاد مالیات میشود . مالیات باید با درنظر گرفتن توانائی مؤدیان دریافت شود (ماده سیزدهم) .

تمام مردم حق دارند شخصاً یا بوسیله نمایندگان خود لزوم وضع مالیات را تأیید نموده و آزادانه با آن موافقت کنند ومأخذ وسهم‌بندی وطریقه دریافت ومدت آنرا معین و درمصرف آن نظارت کنند (ماده چهاردهم).

جامعه حق دارد از کلیه مستخدمین دولت درباره انجام وظایف محوله بآنها بازخواست نماید (ماده پانزدهم).

اجتماعاتیکه حقوق بشر و اصل تفکیک قوا را رعایت نمیکنند فاقد قانون اساسی میباشند (ماده شانزدهم).

چون حق تملك یك حق مقدس وغیرقابل تجاوز میباشد بدین جهت ازهیچکس نمیتوان سلب مالکیت نمود مگر درمواردیکه مصلحت عمومی ایجاب کند مشروط براینکه قیمت عادله ملك مورد نظر قبلا تعیین وقبل از خلع ید به مالك پرداخته شود (ماده هفدهم).

این بود مفاد اعلامیهٔ حقوق بشر مورخ ۲٦ اوت ۱۷۸۹. اصل حاکمیت ملی وآزادی وبرابری درقسمت اعظم قوانین اساسی بعدی فرانسه ثبت گردیده بود.

اصول مذکور درفوق درقرن نوزدهم به سایر ممالك راه یافته و در قوانین اساسی آنها قید گردید.

مبحث سوم

هیئت تقنینیه (۱)

بموجب ماده اول ازفصل سوم قانون اساسی ۱۷۹۱ حق حاکمیت ناشی ازملت بوده قوه قانونگذاری را هیئت تقنینیه قوه اجرائیه را پادشاه وقوه قضائیه را قضاتی اعمال میکردند که ازطرف مردم انتخاب میشدند.

هیئت تقنینیه را مجلس واحدی تشکیل میداد که ۷۴۵ عضو آن برای مدت دوسال انتخاب میشدند. هریك از ۸۳ ولایت فرانسه(۲) یك حوزه انتخابیه تشکیل میداد. عده نمایندگانی که درهریك ازحوزه‌ها انتخاب میشدند باوسعت خاك وتعداد جمعیت ومقدار مالیات پرداختی بدولت بستگی داشت بدین‌ترتیب که ازمجموع ۷۴۵ کرسی نمایندگی ۲۴٦ کرسی بالسویه بین ۸۲ ولایت تقسیم میشد که نتیجتاً هرولایتی ازلحاظ

۱- Corps législatif

۲- département

وسعت خاك دارای سه کرسی بوده وفقط ولایت پاریس که وسعت آن کمتر ازولایات دیگر بود فقط یك کرسی داشت ۲٤۹ کرسی دیگر با درنظر گرفتن تعداد جمعیت بین ولایات قسمت میشد و بقیه ۲٤۹ کرسی براساس میزان مالیات پرداختی بدولت بین ۸۳ ولایت توزیع میگردید.

بااینکه اعلامیه حقوق بشرمصوب ۲٦ اوت۱۷۸۹ تمام افرادرا درمقابل قانون مساوی میدانست معذلك قانون اساسی مورد بحث اتباع فرانسه را به دودسته تقسیم نموده برای افراد دسته اول (۱) حق شرکت درانتخابات را قائل میشد واشخاصی را که جزء دسته دوم بودند ازدخالت درانتخابات ممنوع میساخت. دسته اول را کسانی تشکیل میدادند که علاوه برتابعیت فرانسه و ۲۵ سال عمر واقامت درحوزه انتخابیه معادل اجرت لااقل سه روز کاررا بدولت مالیات میپرداختند. ورشکستان به تقصیر، اشخاصیکه اشتغال به نوکری داشتند وهمچنین کسانیکه تحت تعقیب جزائی بودند حق نداشتند درانتخابات شرکت کنند. بعلاوه رأی دهندگان ملزم بودند قسم وفاداری نسبت به ملت و پادشاه یادنموده وتعهد کنند که قانون اساسی را محترم خواهندشمرد. قرار بود هردوسال یکبار صورت اسامی افرادیکه واجد شرایط قانونی بودند تهیه و دو ماه قبل از انتخابات منتشر گردد و اشخاص ذینفع حق داشتند بمحاکم صالحه مراجعه واصلاح صورت مورد اعتراض را تقاضا کنند.

انتخابات بدودرجه بود بدین ترتیب اشخاصی که واجد شرایط مقرر درقانون اساسی بودند درحوزه های فرعی مجامع بدوی (۲) تشکیل داده از بین کسانیکه حق رأی داشتند یك عده را انتخاب میکردند وافرادیکه بدین ترتیب تعیین میشدند درمرکز حوزه ولایتی مجلسی بنام مجمع انتخاباتی (۳) تشکیل داده چند نفر را به عضویت هیئت تقنینیه انتخاب مینمودند. درانتخابات درجه دوم علاوه برنمایندگان اصلی نمایندگان علی البدل نیز انتخاب میشدند. عده نمایندگان علی البدل بالغ برثلث نمایندگان اصلی بود درصورت عدم تصویب اعتبارنامه یا فوت یااستعفای نمایندگان اصلی نمایندگان علی البدل جانشین آنها درمجلس میشدند. وزراء - مأمورین دولت - کارمندان وزارت دربار- مستخدمین شهرداری - فرماندهان گاردملی و پارهٔ دستجات دیگر مجاز نبودند

۱- citoyens actifs

۲- Assemblée primaire

۳- Assemblée électorale

بنمایندگی انتخاب شوند مگر اینکه قبل از انتخابات از شغل خود استعفا داده باشند. قضات نیز باحفظ شغل خود نمی‌توانستند به‌عضویت هیئت تقنینیه انتخاب شوند. تجدید انتخابات نمایندگان هیئت تقنینیه مطابق مقررات قانونی بدون فرمان پادشاه بعمل می‌آمد. در تمام دوره قانونگذاری و همچنین در ظرف دوسال از تاریخ انقضای دوره مزبور نمایندگان از حق نیل بوزارت و اشتغال بمشاغل عمومی و دریافت حقوق و مستمری و حقوق تقاعد و قبول مأموریت موقت از قوه مجریه ممنوع بودند.

علاوه بر وضع قوانین وایجاد مالیات و تصویب بودجه کل کشور هیئت تقنینیه وظایفی داشت که اهم آنها از این‌قرار بود:

۱ـ حق پیشنهاد طرحهای قانونی.

پیشنهاد طرحهای قانونی اختصاص بخود نمایندگان داشته وپادشاه و وزرای او از اعمال این حق محروم بودند و چون رعایت این اصل ممکن بود لطمهٔ بمنافع کشوروارد ساخته وقوه مجریه را در انجام وظایف خودعاجز کند بدین‌جهت قانون اساسی ۱۷۹۱ به پادشاه حق‌میداد که توجه‌نمایندگان هیئت تقنینیه را به یك موضوع قانونی جلب وتقاضا کند طرحی که مورد نظراواست تنظیم و تصویب‌شود واین‌حق بوسیله پیامی که پادشاه به هیئت تقنینیه میفرستاد صورت میگرفت. بدیهی است که‌مجلس حق‌داشت باین‌تقاضای ریاست قوه مجریه ترتیب اثر نداده‌از تهیه و تصویب طرح مورد تقاضای پادشاه استنکاف ورزد.

۲ـ اعلان جنگ.

اعلان جنگ برحسب پیشنهاد پادشاه و موافقت هیئت تقنینیه بعمل‌می‌آمد.

۳ـ تصویب قراردادهای بین‌المللی.

قراردادهای صلح واتحاد نظامی و بازرگانی وغیره بدون‌تصویب هیئت تقنینیه قابل اجرا نبود.

۴ـ اجازه ورود نیروی نظامی خارجی.

ورود قوای نظامی بیگانه بخاك یاسواحل‌فرانسه مستلزم موافقت قبلی هیئت تقنینیه بود.

۵ـ تعیین عدهٔ نیروی زمینی ودریائی.

هیئت تقنینیه بنابر پیشنهاد پادشاه عدهٔ‌نیروی زمینی و‌تعداد کشتی‌های جنگی‌را

معین ومسائل دیگرمربوط به ارتش وبحریه نظامی را حل وفصل میکرد .

۶- اجازه فروش املاك دولتی .

اجازه فروش املاك متعلق بدولت ازوظایف هیئت تقنینیه بود .

۷- اعطای عناوین وغیره .

اعطای عناوین افتخاری ونشان نیز ازطرف هیئت تقنینیه بعمل میآمد .

۸- تعقیب وزراء ومأمورین عالی‌مقام دولت .

هیئت تقنینیه قرار تعقیب وزراء و سایر مأمورین عالیرتبه را صادر میکرد و همچنین سایر اشخاص متهم به قیام برضد امنیت و استقلال کشور یا نقض قانون اساسی را مورد تعقیب قرارمیداد .

جلسات هیئت تقنینیه با حضور لااقل ۲۰۰ نفر نماینده تشکیل میشد و برای اتخاذتصمیم موافقت نصف بعلاوه یك عده حاضردرجلسه ضروری بود . جلسات مجلس علنی بود ومذاکرات آن چاپ و منتشر میشد ولی مجلس برحسب تقاضای پنج نفر نماینده جلسات خودراسری اعلام میکرد . طرحهای‌قانونی باستثنای طرحهای فوری سه بار وهردفعه بفاصله‌هشت‌روز رسیدگی‌میشد. نمایندگان درآغازدورهٔ تقنینیه‌قسم یادمیکردند که نسبت به‌ملت و پادشاه وفادار بوده‌ومقررات‌قانون‌اساسی‌وسایرقوانین‌را اجرا نمایند . نمایندگان مجلس علاوه‌برعدم مسئولیت برای نطق و رأی از تعرض نیزمصون بودند بدین‌معنی که بجزموارد جرائم مشهوده توقیف و تعقیب و محاکمه آنها بدون اجازه مجلس جایز نبود .

مبحث چهارم

سلطنت - ولایتعهد - نیابت‌سلطنت - قیمومت

پادشاه بنمایندگی و ازطرف ملت حکمران سلطنت میکرد . وی درحضور نمایندگان هیئت تقنینیه قسم وفاداری نسبت به ملت ادا کرده ومتعهد میشد که باتمام وسائل‌مشروع حامی‌قانون‌اساسی باشد وموجبات‌اجرای قانون مزبور وسایر قوانین فرانسه‌را فراهم‌کند . درصورت تعطیل‌مجلس پادشاه‌بوسیله اعلامیه وفاداری‌خودرا نسبت به ملت وقانون اظهارداشته ومتعهد میشد که پس‌از انعقاد هیئت تقنینیه مراسم

تحلیف را درحضور نمایندگان ملت انجام دهد . شخص پادشاه مقدس واز مسئولیت مبری بود .

ولایتعهد با نزدیکترین قوم و خویش پادشاه بود . زنان و مردانیکه قرابت آنها باپادشاه بوسیله زنان بود از حق نیل به ولایتعهد محروم بودند . چنانچه درموقع سلطنت ولیعهد ۱۸ سال تمام نداشت صغیر شناخته شده ووظایف سلطنت رابنام وازطرف او نایب السلطنه انجام میداد . نیابت سلطنت با نزدیکترین اقوام ذکور پادشاه بود بشرط اینکه علاوه بر ۲۵ سال عمر تابعیت فرانسه را دارا بوده و وارث احتمالی تاج وتخت یك کشور خارجی نبوده باشد . چنانچه بین اقوام ذکور پادشاه شخصی که واجد شرایط مندرج بالا باشد پیدا نمیشد دراینصورت درظرف یك هفته از تاریخ جلوس پادشاه صغیر هیئت تقنینیه و درغیاب مجلس مزبور وزیر دادگستری وظیفه داشتند ازاشخاصیکه واجد شرایط انتخاب کردن نمایندگان هیئت تقنینیه بودند دعوت کنند که درهر ناحیه (۱) یك نفر را باکثریت مطلق آراء انتخاب نمایند . اشخاصی که به ترتیب بالاانتخاب میشدند درمقر هیئت تقنینیه حاضرشدهدرمدت چهل روزازتاریخ آغازسلطنت پادشاه صغیر یك نفر را به نیابت سلطنت فرانسه تعیین میکردند سپس صورت مجلسی تنظیم نموده به هیئت تقنینیه ارسال میداشتند . هیئت مزبور صحت انتخاب نایب السلطنه را چه از لحاظ واجدبودن شرایط قانونی و چه از حیث قانونی بودن جریان انتخابات مورد رسیدگی قرار داده فرمان انتخاب او را صادر مینمود . نایب السلطنه دارای کلیه وظایف واختیاراتی بود که قانون اساسی برای شخص پادشاه قائل میشد . نایب السلطنه مانند پادشاه مسئول عملیات واقدامات خودنبودوقبل از اینکه به انجام وظایف قانونی خود مبادرت کند درمقابل نمایندگان هیئت تقنینیه مراسم تحلیف را انجام میداد و تعهد میکرد که نسبت به ملت و پادشاه صغیر وفادار بوده ووسائل اجرای قانون اساسی وسایر قوانین فرانسه را فراهم کند . از آغاز سلطنت پادشاه صغیر تاانتخاب نایب السلطنه وانجام مراسم تحلیف ازطرف وی انجام وظایف قوه مجریه با هیئت وزیران بود .

قیمومت پادشاه صغیر با مادر او بود و چنانچه پادشاه صغیر مادر نداشت یا مادر او شوهر اختیار میکرد درهریك ازاین دومورد قیم را هیئت تقنینیه تعیین میکرد .

---

۱ — district

انتخاب نایب‌السلطنه و اخلاف او بسمت قیم پادشاه صغیر ممنوع بود. زنان نیز حق انتخاب شدن به قیمومت را نداشتند.

قانون اساسی ۱۷۹۱ که روی اصل حاکمیت ملی استوار گردیده بود ظاهراً قانون اساسی سلطنتی ولی درمعنی قانون‌اساسی جمهوری‌بشمار میرفت ودلیل آن این‌بود که واضعین قانون مزبور اعتماد به دربار وقت نداشتند وازاین‌رو بر آن شدند که‌اختیارات پادشاه‌رافوق‌العاده محدود کنند. وظایف پادشاه را قانون‌اساسی۱۷۹۱ بشرح زیرمعین نموده بود:

۱- پادشاه از حق وتوی مطلق (۱) یا امتناع بلاشرط از توشیح و ابلاغ لوایح مصوب هیئت تقنینیه محروم‌بوده‌فقط مجاز بود از حق وتوی‌نسبی (۲) استفاده کند. هنگام بحث درموضوع وتو نمایندگان هیئت تقنینیه بدودسته مخالف ومتضاد قسمت شده‌بودندبدین‌ترتیب دسته‌اول که ازطرف سییس معروف راهنمائی‌میگردید باستناد اینکه اصل حاکمیت ملی‌قابل تجزیه نیست باحق وتوی مطلق مخالفت کرده و مدعی بودند که با تفویض این حق به پادشاه سلطنت نامحدود درفرانسه تجدید خواهد شد و اما دسته دیگر از نمایندگان حق وتو را اساس و پایه رژیم سلطنتی شناخته اصرارداشتند که این حق درقانون اساسی‌برای پادشاه منظور گردد. پس‌از مذاکرات طولانی و پرهیجان مجلس ملی درجلسه مورخ ۱۱ سپتامبر ۱۷۸۹ حق وتوی‌نسبی‌برای پادشاه قائل‌شده ومقررداشت چنانچه‌براثراستنکاف پادشاه‌از‌توشیح و ابلاغ طرحهای مصوب هیئت تقنینیه طرح مورد اختلاف بین قوه مقننه و ریاست قوه مجریه دردوره قانونگذاری جدید به تصویب میرسید دیگر پادشاه حق نداشت از توشیح و ابلاغ آن طرح قانونی خودداری کند. قوانین مالیاتی از توشیح مستثنی بود.

۲- بطوریکه دربالا اشاره شد پادشاه از حق پیشنهاد لوایح قانونی ممنوع بوده فقط میتوانست بوسیله پیام توجه هیئت تقنینیه را به یك موضوع قانونی جلب وتقاضا کند که نمایندگان طرح قانونی مورد لزوم را تهیه وتصویب کنند.

۳- بدون‌موافقت هیئت تقنینیه پادشاه حق‌نداشت‌اعلان جنگ دهد وقرارداد صلح را امضاء کند.

۱- veto absolu

۲- veto suspensif

۴- نه تنها عهدنامه صلح بلکه پیمان اتحاد نظامی و قراردادهای بازرگانی وسایرقراردادهای بین‌المللی نیزمستلزم موافقت قبلی هیئت تقنینیه بود .

۵- پادشاه حق نداشت هیئت تقنینیه را منحل یا جلسات آنرا برای مدت معینی تعطیل کند .

۶- پادشاه دورهٔ اجلاسیه هیئت تقنینیه را افتتاح نموده مسائلی را که بعقیده وی بایستی مورد توجه واقع گردد باستحضار نمایندگان میرسانید .

۷- درایام تعطیل پادشاه حق‌داشت هیئت تقنینیه‌را بطور فوق‌العاده منعقد کند.

۸- پادشاه بعنوان رئیس قوه مجریه نظارت عالی برادارات دولتی داشت و نظم و آسایش عمومی را حافظ و نگهبان بود . استقرار امنیت خارجی کشور و دفاع ازحقوق فرانسه وحفظ وحراست دارائی آن نیز ازوظایف پادشاه بود .

۹- پادشاه فرمانده کل قوای بری وبحری بوده باین عنوان فرماندهان ارتش ونیروی دریائی را عزل‌ونصب مینمود . اعطای‌درجه مارشالی وامیرالبحری باپادشاه بود . پادشاه دو ثلث دریاداران نصف امرای لشکر و فرماندهان کشتی‌های جنگی و ژاندارمری - یك ثلث سرهنگ و نایب سرهنگهای ارتش و یك ششم معاونین فرماندهان کشتی‌های جنگی‌را نصب وعزل مینمود . انتصاب افراد خانواده سلطنتی بفرماندهی نیروی بری و بحری مستلزم موافقت هیئت تقنینیه بود .

۱۰- پادشاه مأمورین سیاسی و کنسولی فرانسه را درممالك بیگانه تعیین میکرد . انتخاب افراد خانواده سلطنتی بسمت مأمورین سیاسی بنا به پیشنهاد پادشاه و موافقت هیئت تقنینیه بعمل‌میامد .

۱۱- پادشاه نظارت درضرب مسکوکات‌داشت ومأمورین عالیرتبه‌ضرابخانه را انتخاب میکرد . تمثال پادشاه روی مسکوکات منقوش میشد .

مخارج دستگاه‌سلطنتی‌درموقع‌جلوس‌پادشاه تاآخرسلطنت‌او معین میگردید. برای اداره امورمالی دربار یك نفر مدیر تعیین میشد و اشخاصیکه طلبی از پادشاه داشتند بطرفیت مدیر نامبرده اقامه دعوی درمحاکم مینمودند . پادشاه دارای گارد مخصوص‌بود . گارد پادشاه عبارت بود از ۱۲۰۰ نفر پیاده نظام و ۶۰۰ نفرسوارنظام. اجرای‌احکام پادشاه مستلزم موافقت وزراء بود . درسه مورد پادشاه ازمقام سلطنت منفصل میشد مورد اول اینکه درمدت یك ماه از تاریخ تشکیل هیئت تقنینیه ازاداء

قسم خودداری میکرد یا قسم خود را پس‌میگرفت مورد دوم آنکه پادشاه بمنظور جنگ با ملت فرانسه فرماندهی یك ارتش بیگانه را عهده دار میشد و یا از مقاومت در مقابل نیروی نظامی خارجی خودداری میکرد یك مورد دیگر اینکه پادشاه خاك فرانسه را ترك گفته ودرظرف مدتی که هیئت تقنینیه معین میکرد از باز گشت به کشور خود استنکاف میورزید. ولیعهد نیز بدون اجازه پادشاه وموافقت هیئت تقنینیه مجاز نبود از فرانسه خارج شودو چنانچه وی پس از رسیدن به‌سن ۱۸سال به‌تقاضای هیئت تقنینیه ازمراجعت بفرانسه استنکاف میورزید دراین‌صورت ازمقام ولایتعهدی مستعفی شناخته میشد.

پادشاه فرانسه وظایف خودرا توسط وزراء انجام میداد. عزل و نصب‌وزراء با پادشاه بود. افراد خاندان سلطنتی - نمایندگان هیئت تقنینیه - مستشاران‌دیوان کشور واعضای هیئت عالی منصفه (۱) ازحق رسیدن بمقام وزارت ممنوع بودند. قبل ازشروع بانجام وظائف محوله وزراء قسم یاد میکردند که به‌ملت وفادار بوده وقانون اساسی وسایر قوانین را محترم خواهند شمرد. همانطور که در بالا اشاره شد فرامین پادشاه بدون امضای متصدی وزارتخانه مربوطه قابل‌اجراء نبود و وزیر با امضای‌فرمان‌پادشاه مسئولیت‌صدور واجرای‌آن فرمان را بعهده میگرفت. وزراء ملزم بودند سالیانه گزارش‌جامعی‌راجع به‌کارهای وزارتخانه‌های‌خود تهیه و به‌هیئت تقنینیه تقدیم کنند. وزراء درمقابل هیئت تقنینیه‌مسئولیت سیاسی نداشتند بدین‌معنی که نمایندگان نمی‌توانستند با ابراز عدم اعتمادآنها را وادار باستعفا کنند و اما از لحاظ‌جزائی وزراء مسئول بودند و قرار تعقیب آنها را هیئت تقنینیه صادر و دیوان عالی ملی (۲) مرکب از مستشاران دیوان کشور واعضای هیئت عالی منصفه‌آنهارا محاکمه میکرد. ازلحاظ حقوقی نیز وزراء مسئول عملیات واقدامات خود بودند. وزراء مجاز بودند درهیئت تقنینیه حضور بهمرسانیده در باره وزارتخانهای خود اظهاراتی بنمایند. مجلس نیز حق داشت وزراء را بـرای دادن توضیحـات لازم احضار کند.

محاکم در مقابل پادشاه وهیئت تقنینیه استقلال‌کامل داشتند. قضات را مردم برای‌مدت‌معینی انتخاب‌میکردند. نه‌تنها قضات‌بلکه مستخدمین ادارات نیز ازطرف

---

۱ -- Haut juré

۲ -- Haute Cour nationale

مردم انتخاب میشدند . دررأس دستگاه قضائی دیوان کشور قرار گرفته بود. محاکم حق نداشتند بعلت عدم مطابقت با قانون اساسی از اجرای قوانین عادی خودداری کنند. دیوان عالی ملی نه تنها وزراء بلکه مأمورین عالیرتبه دولت و همچنین مرتکبین جرائم سیاسی را محاکمه میکرد . قرار تعقیب آنها را هیئت تقنینیه صادر مینمود .

تجدیدنظر درقانون اساسی تابع مقررات ذیل بود :

چنانچه هیئت تقنینیه درسه دورهٔ متوالی تقاضای متحدالمضمونی مبنی برلزوم تجدیدنظر در بعضی موادقانون اساسی را می نمود مجلس خاصی بنام مجلس تجدیدنظر(۱) منعقد میگردید . مجلس مزبور را ۷٤٥ نفر نماینده هیئت تقنینیه جدید و ۲٤۹ نفر نماینده مخصوص که به تناسب سکنه شهرستانها انتخاب میشدند تشکیل میدادند . هیئت تقنینیه دورهٔ اول ودوم قانونگذاری از تقاضای تجدیدنظر ممنوع بودند . نمایندگان دورهٔ قبل که تغییرقانون اساسی را درخواست نموده بودند مجاز نبودند بهعضویت مجلس تجدیدنظر انتخاب شوند. تصمیمات مجلس تجدیدنظر بدون توشیح ازطرف پادشاه قابل اجرا بود .

Assemblée de Revision – ۱

فصل سوم

قانون اساسی ۲۴ ژوئن ۱۷۹۳

مبحث اول

هیئت تقنینیه ـ شورای اجرائیه

بطوریکه در بالا اشاره شد اولین مجلس ملی (مؤسسان) فرانسه پس از تصویب قانون اساسی ۱۷۹۱ و توشیح و ابلاغ آن از طرف لوئی شانزدهم منحل و مجلس دیگری برطبق مقررات قانون اساسی مزبور منعقد گردید . مجلس اخیرالذکر دردهم اوت ۱۷۹۲ لوئی شانزدهم را ازمقام سلطنت منفصل وقرار بازداشت اورا درصومعه معروف لوتامپل (۱) صادر نمود وچون پس ازخلع پادشاه وتغییر رژیم سیاسی انحلال مجلس مزبور وتشکیل مجلس مؤسسان جدیدضروری بنظر میرسید ازاین رو در ۱۱ اوت ۱۷۹۲ فرمان انتخابات مجلس مؤسسان ونظامنامه جدیدانتخابات صادر وابلاغ گردید . بموجب فرمان مزبور تمام اتباع فرانسه بشرط داشتن ۲۱ سال عمروعایدی شخصی یا مزدکار و یکسال اقامت در حوزه انتخابیه مجاز بودند در انتخابات درجه اول شرکت کنند. انتخاب کنندگان درجه اول با داشتن ۲۵ سال عمرمیتوانستند بعنوان منتخب درانتخابات درجه دوم شرکت جسته وبنمایندگی تعیین شوند.مجلس جدید موسوم به کنوانسیون ملی که برای تدوین وتصویب قانون اساسی جدیدفرانسه منعقدگردیده بود درتاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۷۹۲ اولین جلسه خودرا تشکیل ودرهمان روزفرمانی دائر بالغاء رژیم سلطنتی واستقرار حکومت جمهوری صادر نمود .

مجلس کنوانسیون در ۱۱ اکتبر ۱۷۹۲ کمیسیونی مرکب از دانتون (۲) ژانسونه (۳) بریسو (٤) بارر (٥) سییس ، کوندورسه (٦) و چند نفردیگر که از

---

۱ — Le Temple　۲ — Danton
۳ — Gensonné　٤ — Brissot　٥ — Barrère
٦ — Condorcet

انقلابیون معروف بشمار رفته و اکثراً عمال فعال حزب ژیروند(۱) بودند تشکیل داد که قانون اساسی جدید فرانسه را تنظیم و برای شور و تصویب به مجلس تقدیم کند. کمیسیون مزبور تا اواسط ماه فوریه ۱۷۹۳ مشغول تهیه طرح قانون اساسی بوده ودر آن تاریخ طرح تنظیمی را بوسیله کوندورسه وژانسونه مخبرین خود به کنوانسیون تقدیم کرد. طرح مزبور اصل حاکمیت بلاواسطه را برطبق فلسفه سیاسی ژان ژاك روسو مورد قبول و عمل قرارداده و به مردم حق میداد که درمجامع اولیه نه تنها نمایندگان هیئت تقنینیه بلکه هفت نفروزیر را نیز برای مدت دوسال انتخاب کنند. بعلاوه طرح مزبور بمردم حق میداد که طرحهای قانونی تهیه و برای شور و تصویب به هیئت تقنینیه پیشنهاد کنند و چنانچه لایحه پیشنهادی مجامع اولیه را هیئت تقنینیه رد و مردم فرانسه آنرا در رفراندوم تصویب میکردند دراینصورت هیئت تقنینیه منحل میشد و نمایندگانی که درهیئت منحل شده رأی مخالف داده بودند از حق انتخاب شدن به عضویت مجلس جدید محروم میشدند. تجدید نظر در قانون اساسی نیز مستلزم تصویب مردم بود. اعلامیه حقوق بشر که سرلوحه طرح مورد بحث قرار گرفته بود حق مقاومت در مقابل ظلم و تعدی را برای مردم قائل شده و حدود اعمال این حق را موکول بیك قانون عادی میکرد درصورتیکه ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر مورخ ۲۶ اوت ۱۷۸۹ حق مقاومت را بدون هیچگونه قید وشرطی برای مردم قائل شده بود.

دوماده دیگر (۲۳و۲٤) دراعلامیه حقوق طرح مورد بحث تازگی داشت یکی اینکه اعلامیه مزبور علم و دانش را یکی از حوائج ضروری وطبیعی مردم دانسته وجامعه را ملزم میکرد که وسائل تعلیم و تربیت افراد را فراهم کند ودیگری آنکه اعلامیه مزبور جامعه را مکلف میکرد که معاش افراد بی بضاعت را تأمین کند و حدود انجام این تعهد را قرار بود یك قانون متعارفی معین نماید.

طرح مزبور که از طرف عمال مؤثر و متنفذ حزب ژیروند تنظیم شده بو درهیئت تقنینیه بامخالفت شدید حزب تندرو ژاکوبن (۲) مواجه شد و پس از وقایع خونین ماه مه و بازداشت ومحاکمه و اعدام نمایندگان با نفوذ حزب ژیروند طرح تنظیمی آنها از بین رفته و هیئت تقنینیه درجلسه ۲ ژوئن کمیته نجات عمومی (۳) را که بمنظور تقویت قوه مجریه ومبارزه با مخالفین حکومت انقلابی تشکیل یافته بود

۱ – Gironde ۲ – Jacobin ۳ – Comité du salut public

مأمور نمود که طرح جدیدی تهیه و به تصویب مجلس برساند. کمیته نجات عمومی طرح جدید قانون اساسی را برای تصویب به هیئت تقنینیه تقدیم نمود که پس از دو هفته مذاکره و مداقه با پارهٔ اصلاحات در ۲٤ ژوئن مورد قبول نمایندگان واقع گردیده به آراء عمومی ارجاع و با کثریت قریب باتفاق (۱۸۰۱۹۱۸ رأی موافق درقبال فقط ۱۱٦۱۰ مخالف) به تصویب رسید.

قانون اساسی مصوب ۲٤ ژوئن ۱۷۹۳ که اصول مندرج دراعلامیه حقوق بشر مورخ ۲٦ اوت ۱۷۸۹ را با پارهٔ اصلاحات سرلوحه خود قرارداده بود دارای ۱۲٤ ماده میباشد که اهم آنها ازاین قرار است:

حاکمیت ناشی ازملت بوده وملت را تمام مردم تشکیل میدهند. مردم نه تنها نمایندگان مجلس ملی بلکه مستخدمین دولت اعضای هیئت منصفه مستشاران دیوان کشور و اعضای دادگاههای جنائی را انتخاب می کنند (مواد ۷-۸-۹).

کلیه اشخاصیکه در فرانسه متولد شده و در آن کشور اقامت داشتند پس از رسیدن به سن ۲۱ سال حق داشتند در انتخابات شرکت کنند. اتباع خارجه نیز باداشتن ۲۱ سال عمر، یك سال اقامت در فرانسه وعایدی شخصی یا ازدواج بازن فرانسوی میتوانستند حق رأی داشته باشند بعلاوه اتباع خارجه که هزینه معاش یك پیرمرد فرانسوی را تأمین یا یك طفل فرانسوی را به فرزندی قبول میکردند میتوانستند در انتخابات شرکت کنند (ماده ٤).

انتخابات مستقیم بود واشخاصیکه واجد شرایط قانونی بودند برای هر ٤۰۰۰۰ نفر جمعیت با کثریت مطلق آراء یك نفر نماینده انتخاب میکردند. درصورت عدم حصول اکثریت مطلق انتخاب نماینده تجدید میشد و در انتخابات ثانوی اکثریت نسبی کافی بود.

علنی یا مخفی بودن انتخابات موکول به تصمیم خود انتخاب کنندگان بود (مواد ۱٦-۲۲-۲٦)

کلیه اتباع فرانسه که واجد شرایط انتخابات کردن بودند میتوانستند بوکالت انتخاب شوند (ماده ۲۸).

پارلمان دارای یك مجلس بود که اعضای آن برای مدت یکسال انتخاب میشدند ودر اول ماه مه انتخابات مجلس تجدید میشد (مواد ۳۲و٤۰).

برای تشکیل جلسات مجلس حضور نصف بعلاوه یك مجموع نمایندگان کافی بود. تصمیمات با کثریت نمایندگان حاضر در جلسه اتخاذ میگردید (مواد ۴۲ و ۴۹).

نمایندگان مصونیت سیاسی داشتند بدین معنی که مقامات رسمی و اشخاص نمیتوانستند اعضای مجلس ملی را برای نطقی که در پارلمان ایراد نموده و رأیی که میدادند نه در دوره قانونگذاری و نه بعد از انقضای آن تعقیب نمایند. علاوه بر مصونیت سیاسی نمایندگان دارای مصونیت جزائی نیز بودند بدین ترتیب که بازداشت و تعقیب آنها منوط به اجازه مجلس بود. درموارد جرائم مشهوده مقامات انتظامی میتوانستند نمایندگان را دستگیر کنند ولی ادامه بازداشت، تعقیب و محاکمه آنها منوط باجازه مجلس بود (مواد ۴۳-۴۴).

علاوه بروضع قوانین وایجاد مالیات وتصویب بودجه مجلس دارای وظایفی بود که اهم آنها ازاین قراراست:

اعلان جنگ بامجلس بود. مجلس هرسال عدهٔ نیروی زمینی ودریائی رامعین مینمود. ورود ارتش بیگانه بهخاك فرانسه و نیروی دریائی خارجی به بنادر آن کشور مستلزم اجازه مجلس بود. استقرار حکومت نظامی بدون موافقت هیئت تقنینیه ممنوع بود. تصویب کلیه قراردادهائی که دولت فرانسه باممالك بیگانه منعقد میساخت باهیئت تقنینیه بود. قرار تعقیب اعضای شورای اجرائیه (۱) و مستخدمین دولت را هیئت تقنینیه صادر مینمود و همچنین تعقیب اشخاصیکه متهم به توطئه برعلیه امنیت عمومی بودند با هیئت تقنینیه بود. نصب و عزل فرماندهان نیروی زمینی و دریائی ازوظایف هیئت مزبور بشمارمیرفت (ماده ۵۵).

قوه مجریه بعهده شورائی بود که ۲۴ نفر عضوآنرا هیئت تقنینیه بنا بهپیشنهاد مردم انتخاب میکرد بشرح اینکه در هریك از ولایات اشخاصیکه حق شرکت در انتخابات هیئت تقنینیه را داشتند یك نفررا انتخاب مینمودند وهیئت تقنینیه از بین آنها اعضای شورای اجرائیه را برای مدت دوسال تعیین میکرد و هرسال انتخاب نصف اعضای شورای اجرائیه تجدید میشد. عزل ونصب وزراء با هیئت اجرائیه بود ولی هیئت مزبورحق نداشت آنها را از بین اعضای خود انتخاب کند. اعضای شورای اجرائیه مجاز بودند درجلسات هیئت تقنینیه حضوریافته راجع بهامور وزارتخانهای

Conseil exécutif – ۱

خود اظهاراتی بنمایند و همچنین هیئت تقنینیه حق داشت وزراء را برای ادای توضیحات لازم احضار کند (مواد ۶۲ الی ۷۷).

مبحث دوم

تقسیمات کشور - تشکیلات قضائی - امور مالی - نیروی نظامی - تجدید نظر در قانون اساسی - حقوق بشر

خاك فرانسه به ولایات تقسیم میشد و هر ولایتی مرکب از چند بخش (۱) بود و هر بخش را چند دهستان (۲) تشکیل میداد. فرمانداران و بخشداران و دهداران و سایر مأمورین ولایت و بخش و دهستان را مردم برای مدت دوسال انتخاب میکردند و هرسال انتخاب نصف آنها تجدید میشد. تعیین حدود و نوع وظائف مأمورین محلی موکول به تصویب قانون مخصوصی بود (مواد ۷۸ الی ۸۴).

افراد حق داشتند اختلافات حقوقی خودرا برای رسیدگی به داوران خصوصی یعنی حکمهائی که خودشان انتخاب میکردند رجوع کنند. تصمیمات داوران خصوصی قطعی بود مگر در مواردیکه اصحاب دعوی در قرارداد داوری حکم داوران را قطعی ندانسته و برای خود حق تقاضای تجدیدنظر قائل میشدند و نیز مردم میتوانستند اختلافات خودرا به دادرسان بخش (۳) رجوع کنند. دادرسان بخش را مردم انتخاب میکردند و مدت مأموریت آنها یکسال بود. قانون اساسی علاوه بر داوران خصوصی و دادرسان بخش داوران عمومی (۴) را نیز منظور و مقرر داشته بود که آنهارا مردم برای یکسال انتخاب کنند.

داوران عمومی بنا به تقاضای اصحاب دعوی به احکام صادره ازطرف داوران خصوصی یا دادرسان بخش رسیدگی کرده حکم قطعی صادر مینمودند. دادرسی درمحاکم بخش و نزد داوران عمومی علنی و مجانی بود (مواد ۸۵ تا ۹۵).

محاکمات جزائی با حضور هیئت منصفه بعمل میآمد. تعقیب متهمین مستلزم شکایت به هیئت منصفه بود مگر درمواردیکه قرار تعقیب متهمین را هیئت تقنینیه

---

۱ - District   ۲ - Commune   ۳ - juge de paix

۴ - arbitres publics

صادر میکرد . نه تنها محاکمه بلکه بازپرسی نیزعلنی بود . تشخیص وقوع جرم با هیئت منصفه بود ودادگاه جنائی فقط مواد مربوطه قانون جزا را درباره متهمی که مجرم شناخته میشد اجرا میکرد . قضات دیوان جنائی را مردم برای مدت یکسال انتخاب میکردند . دررأس محاکم‌دیوان کشور قرار گرفته بود (مواد ۹٦تا۱۰۰).

تمام افراد مردم مشمول مالیات بودند . کلیه وجوه حاصله ازمالیات وعایدات دیگر دولت درخزانه‌داری کل تمرکز یافته و هزینه وزارتخانه ها را خزانه داری پرداخت میکرد . هیئت تقنینیه چندنفررا ازخارج برای نظارت درخزانه‌داری‌تعیین میکرد (مواد ۱۰۱ الی ۱۰٦) .

تمام افراد مشمول نظام‌وظیفه‌بوده والزام داشتند تمرین‌نظامی بکنند. برای استقرارصلح وامنیت داخلی کشور مقامات مربوطه می توانستند کتباً تقاضا کنند که عدهٔ نیروی نظامی در اختیار آنها گذاشته شود ولی بمنظور دفاع از استقلال و تمامیت ارضی فرانسه فقط شورای اجرائیه مجاز بود قوای نظامی را مورد استفاده قراردهد (مواد ۱۰۷ الی ۱۱۳) .

چنانچه درنصف بعلاوه یك ولایات یك‌عشر مجامع اولیه تقاضای تجدیدنظر درمواد قانون اساسی را میکردند هیئت تقنینیه ملزم بود مجامع مزبور را در تمام ولایات منعقد کند واگراکثریت‌آن مجامع با تجدید نظر در قانون اساسی موافقت میکردند دراین صورت مجلس کنوانسیون ملی (مؤسسان) تشکیل گردیده ومواد موردنظررا تغییرمیداد (مواد ۱۱۵ الی۱۱۷) .

راجع به‌روابط جمهوری‌فرانسه باملل دیگرمواد ۱۱۸ و۱۱۹ و۱۲۰ و۱۲۱ قانون اساسی ۱۷۹۳ چنین مقررمیداشت :

ملت فرانسه دوست حقیقی وواقعی ملل‌آزاد میباشد (ماده ۱۱۸) .

ملت فرانسه درامور داخلی دول دیگردخالت نمیکند (ماده ۱۱۹) .

ملت فرانسه برای اشخاصیکه‌بعلت‌آزادیخواهی از کشورخودخارج شده‌اند حق پناه قائل است (ماده ۱۲۰) .

ملت فرانسه با دشمنی که خاك فرانسه را اشغال نموده صلح نخواهد کرد (ماده ۱۲۱) .

قانون اساسی ۱۷۹۳ حقوق واختیارات ذیل‌را برای فرانسویان قائل شده و

رعایت احترام آنرا تضمین میکرد :

مساوات درمقابل قانون ومحاکم - آزادی فردی - تامین جانی ومالی - حق تملك اموال منقول و غیرمنقول - آزادی عقاید مذهبی - حق تظلم و بالاخره استفاده از تمام حقوق بشری (ماده ۱۲۲) .

برطبق ماده ۱۲۳ قانون اساسی موردبحث جمهوری فرانسه درستی وصداقت - شهامت و ازخودگذشتگی - زهد وتقوی - پیری و کهنسالی - مهر ومحبت وحتی فلاکت و بدبختی مردم را بانظراحترام مینگریست. بموجب ماده مزبور ملت فرانسه قانون اساسی خودرا تحت حمایت وحفاظت اشخاص صالح وپاکدامن قرار میداد .

ماده ۱۲٤ مقرر میداشت که اعلامیه حقوق بشر ومتن کامل قانون اساسی باید بر کتیبه‌ها درعمارت هیئت تقنینیه و درمیدانهای عمومی ترسیم شود .

فصل چهارم

قانون اساسی ۲۲ اوت ۱۷۹۵

مبحث اول

جریان تنظیم و تصویب قانون اساسی ۱۷۹۵

پس از تصویب قانون اساسی ۲۴ ژوئن ۱۷۹۳ مجلس کنوانسیون (مؤسسان) می‌بایست منحل شده و مجلس دیگری طبق مقررات قانون اساسی جدید تشکیل گردد واما اوضاع داخلی ومشکلات بین‌المللی فرانسه بقاء یك‌دولت قوی و توانا را ایجاب میکرد و چون وجود چنین دولتی تحت لوای قانون اساسی جدید که بیشتر جنبه فلسفی داشت غیرمقدور بود از این جهت مجلس کنوانسیون بنا به پیشنهاد سن‌ژوست (۱) درجلسه ۱۰ اکتبر ۱۷۹۳ تصمیم گرفت که تا استقرار صلح و اعاده اوضاع عادی در فرانسه ازاجرای قانون‌اساسی جدید خودداری شود سپس دراواخر ۱۷۹۳ مجلس تمام‌اقتدارات دولتی‌را به کمیته نجات‌عمومی تفویض وتمام‌وزارتخانه‌ها و کمیته‌ها وانجمن‌ها وسایرمقامات رسمی وغیررسمی را تابع کمیته مزبور نمود نه تنها وزارتخانه‌ها ومقامات دیگر حتی خود کنوانسیون‌ملی قدرت وتوانائی خود را ازدست‌داده ودریك محیط رعب ووحشت بی‌نظیر کلیه پیشنهادات کمیته نجات‌عمومی را بدون کوچکترین ایرادی تصویب مینمود.

واما در ۹ ترمیدور (۲) سال دوم جمهوری ۲۷ ژویه ۱۷۹۴) درنتیجه بازداشت ومحاکمه واعدام روبسپیر (۳) وسن‌ژوست و سایر اعضاء متنفذ ومؤثر کمیته نجات عمومی رژیم ترور (٤) درفرانسه پایان یافت و قوانین مصوب ۱۷۹۳ و ۱۷۹٤ که اختیارات نامحدودی برای کمیته مزبور قائل‌شده بود ملغی وانجمن انقلابی پاریس که کانون بی‌نظمی وهرج ومرج بودمنحل گردید وصلاحیت دادگاه انقلابی نیزمحدود

Saint - Just - ۱ 9 thermidor - ۲ Robespierre - ۳
terreur - ٤

گشت. در اول آوریل و ۲۰ مه ۱۷۹۵ شورشیان مجلس کنوانسیون را اشغال و اجرای قانون اساسی ۱۷۹۳ را تقاضا نمودند. کنوانسیون مبادرت باقدامات جدی و شدید برعلیه شورشیان نموده ومحرکین آنها را بدادگاه انقلابی جلب وداد گاه آنان را محاکمه ومحکوم باعدام نمود.

پس از خاموش کردن شورش واز بین بردن یاغیان موضوع اجرای قانون اساسی ۱۷۹۳ در مجلس کنوانسیون مورد بحث قرار گرفته و نمایندگان منسوب به حزب میانه‌رو ژیروند که پس از ۹ ترمیدور به مجلس کنوانسیون باز گشت نموده بودند با اجرای قانون اساسی‌مزبور که ازطرف نمایندگان حزب ژاکوبن در یك محیط ترس و وحشت تهیه و به‌نمایندگان مجلس‌تحمیل شده بود جداًوشدیداً مخالفت کردند زیرا آنها این خوف ونگرانی را داشتند که با اجرای قانون اساسی ۱۷۹۳ وتجدیدانتخابات و تشکیل مجلس‌جدید حکومت‌فرانسه یکبار دیگر بدست تروریستها افتاده واوضاع قبل‌از نهم ترمیدور تجدید خواهدشد. اینك پس ازمذاکرات‌طولانی مجلس کنوانسیون درماه مارس ۱۷۹۵ یك کمیسیون یازده‌نفری جهت‌تجدیدنظر در بعضی مواد قانون اساسی ۱۷۹۳ تشکیل داد ولی کمیسیون مزبور پس از مطالعه دقیق تغییر بعضی مواد قانون‌اساسی مزبوررا کافی ندانسته ودرجلسه ۲۳ژوئن ۱۷۹۵ به مجلس کنوانسیون پیشنهاد کرد که بجای تجدیدنظر در بعضی مواد قانون اساسی ۱۷۹۳ قانون اساسی جدیدی تنظیم و به‌تصویب برسد. این پیشنهاد موردقبول واقع گردید ومجلس کنوانسیون درمدت دوماه طرح پیشنهادی کمیسیون یازده‌نفری را مورد شور ومذاکره قرار داده ودرجلسه مورخ ۲۲ اوت ۱۷۹۵ آنرا با اصلاحات کلی قبول کرد سپس طرح مزبور بآراء عمومی ارجاع و باکثریت ۹۱۶۳۳٤ رأی موافق دربرابر ٤۱۸۹۲ مخالف بتصویب‌رسید. علاوه برموافقت باطرح جدیدقانون اساسی وارجاع آن بآراء عمومی مجلس کنوانسیون مقررداشت که ازمجموع ۷۵۰ نفرنماینده کنوانسیون ۵۰۰ نفر بحکم قرعه بنمایندگی پارلمان جدید تعیین گردند ومنظوراین بود که‌یك‌نوع هسته از نمایندگان باسابقه وبااطلاع مجلس کنوانسیون درپارلمان‌جدید ایجاد گردد تانمایندگان جدیدالانتخاب بتوانند وظایف‌قانون گذاری رابدون‌زحمت واشکال‌زیاد انجام‌دهند. این‌تصمیم مجلس کنوانسیون نیز به‌رفراندوم ارجاع وباکثریت ۱٦۷۷۵۸ رأی موافق درقبال ۹۵۳۷۳ رأی مخالف تصویب‌شد.

پس از رفراندوم واعلام نتیجه آن و تصویب قانون عفوعمومی مجلس کنوانسیون در تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۷۹۵ منحل و برطبق قانون اساسی جدید اقدام به تشکیل مجلس پانصد نفری (۱) و مجلس شیوخ(۲) گردید .

قانون اساسی ۱۷۹۵ دارای ۳۱ ماده مربوط به حقوق و تکالیف بشر و ۳۷۷ ماده اصلی میباشد که به ۱٤ فصل تقسیم شده است . از لحاظ شماره مواد ، قانون اساسی ۱۷۹۵ مفصل‌ترین قوانین اساسی فرانسه بشمارمیرود . از ۳۷۷ ماده اصلی فقط یك قسمت شامل مسائل کلی واساسی بوده و بقیه مربوط به مسائلی است که ممکن بود حل و فصل آنها به قوانین متعارفی موکول و حتی در نظامنامه داخلی مجالس منظور گردد.

مبحث دوم

اعلامیه حقوق و تکالیف بشر (۳)

اعلامیه حقوق و تکالیف بشر که سرلوحه قانون اساسی ۱۷۹۵ میباشد باجمله ذیل شروع میشود :

«ملت فرانسه در قبال واجب‌الوجود (٤) اعلامیه ذیل را که حاوی حقوق و تکالیف بشرمیباشد اعلام میکند» .

حقوق بشر :

ماده اول ـ حقوق افرادیکه بطوراجتماع زندگی میکنند عبارت است از آزادی - برابری ـ امنیت و حق تملك .

ماده دوم ـ آزادی عبارت ازاین‌است که اشخاص بتوانند هرکاری راکه مایل باشند انجام دهند مشروط براینکه عمل آنها صدمهٔ بحقوق دیگران وارد نسازد .

ماده‌سوم- برابری‌عبارت ازاین است که‌قوانین حمایت کننده وقوانین‌مجازات کننده برای‌عموم یکسان باشد . اصل‌برابری با اختلافات‌طبقاتی وامتیازات‌موروثی مانعةالجمع است .

ماده‌چهارم ـ امنیت یاآسایش‌خاطرمستلزم این است که هیئت اجتماع وسائل

---

۱ - Conseil des cinq - cents   ۲ - Conseil des anciens

۳ - Déclaration des droits et des devoirs de l'homme

٤ - Etre suprême

حفظ حقوق افرادرا تأمین کند .

ماده پنجم ـ حق مالکیت عبارت از این است که اشخاص بهر نحوی که‌مقتضی وصلاح بدانند تصرفاتی دراموال‌خود نموده ازعایدات آن و همچنین از ثمرهٔ کار و پیشه خود بهره‌مند گردند .

ماده‌ششم ـ قانون مظهر اراده‌عمومی‌است که‌بوسیله اکثریت‌مردم یاا کثریت نمایندگان مردم تجلی میکند .

ماده‌هفتم ـ عملی که قانوناً ممنوع نشده باید مجاز باشد . هیچکس‌ملزم نیست عملی را انجام دهد که درقانون پیش‌بینی نشده‌باشد .

ماده هشتم ـ هیچکس‌را نمیتوان‌به‌دادگاه احضار نموده مورد اتهام قرارداد و بازداشت کرد مگر در موارد مقرر در قانون و با رعایت تشریفاتی که قانون منظور میدارد .

ماده‌نهم ـ اشخاصیکه‌شخصاً یابوسیله‌دیگران عملیات غیرقانونی انجام‌میدهند مجرم شناخته شده وقابل مجازات میباشند .

ماده دهم ـ هر نوع سختگیری وشدت عمل غیر قانونی نسبت به‌شخص متهم باید شدیداً مجازات شود .

ماده یازدهم ـ هیچکس‌را نمیتوان محاکمه کرد مگر پس‌ازاستماع دفاع‌او یا احضار وی به محکمه .

ماده دوازدهم ـ مجازاتی که درقانون معین میگردد نباید از حد لزوم تجاوز کند . نوع مجازات باید با اهمیت جرم مطابقت داشته‌باشد .

ماده‌سیزدهم ـ هر نوع‌عملیکه برای‌تشدید مجازات قانونی معمول گردد‌جنایت محسوب میشود .

ماده چهاردهم ـ هیچ‌قانونی‌اعم ازمدنی وجزائی عطف بماسبق نمیکند .

ماده پانزدهم ـ هر کس میتواند نسبت به‌وقت و کارخود قبول تعهد کند ولی هیچکس‌مجاز نیست‌نفس‌خودرا بفروشد ونیزهیچکس‌را نمیتوان‌موردمعامله‌قرارداد.

ماده شانزدهم ـ مالیات برای تأمین منافع عمومی وضع میشود . مالیات باید بادرنظرگرفتن بنیه مالی مؤدیان تعیین ودریافت شود .

ماده هفدهم ـ حاکمیت ناشی ازمجموع افراد است .

ماده هیجدهم - هیچ فردی و هیچ دسته‌ای نمی‌توانند خود را منشاء حاکمیت بدانند.

ماده نوزدهم - بدون نمایندگی قانونی هیچکس نمیتواند حکومت کند یا یکی از وظایف عمومی را انجام دهد.

ماده بیستم - هرفردی حق دارد بطور مستقیم یا غیرمستقیم در وضع قوانین و انتخاب نمایندگان ملت ومأمورین دولت شرکت کند.

ماده بیست ویکم - وظایف عمومی را نمیتوان مورد تملك قرارداد.

ماده بیست ودوم - امنیت اجتماعی بدون تفکیك قوا و تعیین حدود وظائف هریك از آنها و بدون مسئولیت مستخدمین غیرمقدور است.

تکالیف بشر:

ماده اول - اعلامیه حقوق تعهداتی برای قانونگذاران قائل است. حفظ و نگهداری جامعه‌ایجاب میکند اشخاصیکه اجتماع را تشکیل میدهند به تکالیف خود آشنا بوده وآنرا انجام دهند.

ماده دوم - تمام تکالیف بشر ناشی ازدواصل ذیل است که بدست طبیعت در قلوب مردم منقوش گردیده‌است یکی اینکه آنچه را که مایل نیستید در باره شما معمول دارند نسبت بدیگران انجام ندهید دیگر آنکه باشخاص خوبی کنید تاآنها نیز بشما خوبی کنند.

ماده سوم - تکالیف هرفردی نسبت بجامعه عبارت است از دفاع آن - خدمت بجامعه - اطاعت ازقوانین واحترام اشخاصیکه وضع قوانین میکنند.

ماده چهارم - کسی که آدم خوب پدر خوب برادر خوب رفیق خوب وشوهر خوب نیست ممکن نیست عضو خوب جامعه باشد.

ماده پنجم - کسیکه براستی و صداقت از قوانین پیروی نکند ممکن نیست آدم خوبی باشد.

ماده ششم - کسیکه علناً قوانین‌را نقض کند باجامعه درحالت جنگ است.

ماده هفتم - کسیکه قوانین راآشکارا نقض نکرده ولی با مهارت وتردستی وحیله ازرعایت آن استنکاف ورزد جامعه‌را جریحه‌دار میسازد وخود را ناشایسته نیکی واحترام معرفی میکند.

ماده هشتم - زراعت - عملیات تولیدی دیگر - وسائل کار و نظم اجتماعی بوجود

و بقاء مالکیت شخص بستگی دارد .

ماده نهم - درمواردیکه قانون مقرر میدارد ، هرفردی ازافراد جامعه موظف است بمنظور حفظ آزادی و برابری ومالکیت نفس خودرا دراختیاروطن قراردهد.

مبحث سوم

هیئت قانون گذاری

قانون اساسی ۱۷۹۵ ازانتخابات عمومی ومستقیم که درقانون اساسی ۱۷۹۳ پیش بینی شده بود عدول کرده انتخابات دودرجه ومأخذ تمول را برای شرکت در انتخابات برقرار نمود . توضیح آنکه برطبق ماده ۸ ازفصل دوم قانون اساسی ۱۷۹۵ کسانیکه درفرانسه متولد شده ومقیم آن کشور بودند بشرط داشتن لااقل ۲۱ سال عمر وپرداخت مالیات مستقیم از حقوق سیاسی بهره مندمیگردیدند .اشخاصیکه واجد شرایط مندرج بالا بودند با یکسال اقامت در حوزه انتخابیه می توانستند در مجامع اولیه(۱) شرکت کنند . در هربخش برای حداقل ٤٥٠ وحداکثر ۹۰۰ نفر رأی دهنده یک مجمع اولیه تشکیل میشد بهرحال هربخشی میبایست لااقل یک مجمع اولیه داشته باشد ولواینکه شماره رأی دهندگان آن کمتراز ٤٥٠ نفرباشد . هریک از مجامع اولیه از بین رأی دهندگان برأی مخفی برای مدت یکسال یک منتخب برای هر دویست نفر رأی دهنده اعم از حاضر یاغائب تعیین میکرد .

برای شرکت درمجامع درجه دوم (۲) اشخاص علاوه بر۲۵ سال عمر بایستی مالك یا مستأجر زمین یا خانه مسکونی باشند . مجامع درجه دوم سالی یك مرتبه درروز مقرر درماده ۳۶ قانون اساسی منعقد گردیده ودرظرف مدت ده روز برأی مخفی وباکثریت آراء نمایندگان هیئت قانونگذاری و مستشاران دیوان کشور و اعضاء هیئت منصفه وقضات وپارهٔ مستخدمین دولتی را انتخاب میکردند. قانون اساسی ۱۷۹۵ هیئت قانونگذاری را بدومجلس تقسیم کرده بود که یکی شورای شیوخ و دیگری مجلس پانصدنفری نامیده میشد. شورای شیوخ دارای ۲۵۰ نفر عضو بود.

برای انتخاب شدن به عضویت شورای مزبور داشتن لااقل ٤٠ سال عمر - تأهل و ۱۵ سال اقامت (بلافاصله قبل از انتخاب شدن) درفرانسه ضروری بود برای انتخاب شدن بنمایندگی شورای پانصد نفری ۳۰ سال عمر شش سال اقامت در خاك

---

۱ - Assemblée primaire ۲ - Assemblée éleetorale

فرانسه (بلافاصله قبل از انتخاب شدن) لازم بود ولی شرط سن (۳۰ سال) قبل از سال هفتم جمهوری (۱۷۹۹) قابل اجرا نبوده و تا آن تاریخ برای عضویت مجلس مزبور داشتن لااقل ۲۵ سال عمر کافی بود.

مواد ٤٥ الی ۷۲ قانون اساسی ۱۷۹۵ دارای مقرراتی بود که اهم آن بشرح زیر است:

بهیچوجه وعنوان هیئت قانونگذاری مجاز نبود هیچیك از وظایف خود را به یك یا چند نفر از اعضاء خود یا اشخاص خارج واگذار کند (ماده ٤٥).

مجالس مقننه حق نداشتند وظائف قوه مجریه وقوه قضائیه را شخصاً یا بوسیله نمایندگان خود انجام دهند (ماده ٤٦).

نمایندگی هیئت قانونگذاری بامشاغل عمومی دیگر مانعة الجمع بود (ماده ٤٧).

هیئت قانونگذاری هرده سال یکبار با در نظر گرفتن شماره جمعیت هریك ازولایات عده نمایندگان آنها را در مجلس شیوخ ومجلس ۵۰۰ نفری معین مینمود واین تصمیم مجالس تاده سال دیگر قابل تجدید نظر نبود (مادتین ۵۰ و ۵۱).

موکلین مجاز نبودند بنمایندگان خود در هیئت قانونگذاری دستوراتی (۱) داده وآنها را ملزم به انجام آن دستورات بکنند (ماده ۵۲).

نمایندگان هریك ازمجلسین برای مدت سه سال انتخاب میشدند وهرسال انتخاب یك ثلث آنها تجدید میشد (ماده ۵۳).

هیچکس نمیتوانست بیشتر از شش سال متوالی به عضویت هیئت قانونگذاری انتخاب شود (ماده ۵۵).

جلسات شورای شیوخ و شورای ۵۰۰ نفری دائمی بود ولی تعطیل جلسات مجلسین مانعی نداشت (ماده ۵۹).

رئیس ومنشی مجلس شیوخ ومجلس پانصد نفری برای یکماه انتخاب میشدند (ماده ٦١).

جلسات مجالس اصولا علنی بود ولی هریك ازمجلسین بنا به تقاضای صد نفر ازاعضاء خود میتوانست جلسات محرمانه تشکیل دهد. مذاکرات درجلسه محرمانه بعمل میآمد ولی تصمیم میبایستی درجلسه علنی گرفته شود (مواد ٦٤ و٦٦).

۱ – Mandat impératif

هیچیك ازمجالس مجاز نبود کمیسیونهای دائمی داشته باشد وفقط درصورت لزوم میتوانست کمیسیون مخصوصی برای مطالعه در موضوع معینی تشکیل دهد و کمیسیون مخصوص پس از بحث در موضوع مورد نظر وتهیه گزارش و تقدیم آن به مجلس مربوطه منحل میشد (ماده ۶۷) .

اعضای هیئت قانونگذاری از خزانه دولت مقرری دریافت میداشتند که میزان سالیانه آن بالغ بربهای سی هزار کیلو گرم گندم بود (ماده ۶۸) .

هیئت مدیره (۱) مجاز نبود در دایره‌ای که مرکز آن در محل انعقاد مجالس واقع گردیده وشعاع آن بالغ برشصت کیلومتر بود نیروی نظامی متمرکز سازد یا عبور دهد مگر به تقاضا یا با اجازه هیئت قانون گذاری (ماده ۶۹) .

برای تشکیل جلسات شورای شیوخ و اتخاذ تصمیمات لازم حضور لااقل نصف بعلاوه یك مجموع نمایندگان آن شورا ضروری بود درصورتیکه بـرای تشکیل جلسات شورای ۵۰۰ نفری وشروع مذاکرات ودادن رأی حضور لااقل ۲۰۰ نفر لازم بود. شورای شیوخ فقط مجاز بود طرحهای مصوب شورای ۵۰۰ نفری را بدون جرح و تعدیل تصویب یا ردنماید . اصولا شورای شیوخ مانند شورای ۵۰۰ نفری طرحهای قانونی را سه مرتبه مورد شور قرارمیداد . تصمیم شورای ۵۰۰ نفری مبنی برفوریت طرح برای شورای شیوخ الزامی نبود بدین معنی که شورای مزبور میتوانست فوریت طرح مصوب شورای ۵۰۰ نفری راقبول یا رد کند . چنانچه شورای شیوخ طرحهای مصوب شورای ۵۰۰ نفری را رد میکرد دراینصورت شورای اخیرالذکر فقط بعداز یکسال میتوانست همان طرح را برای شور مجدد وتصویب به شورای شیوخ ارسال دارد معذلك شورای ۵۰۰ نفری مختار بود درطرحی که ازطرف مجلس شیوخ رد شده بود تغییراتی بعمل آورده آنرا بدون رعایت مدت یکسال برای تصویب به مجلس شیوخ بفرستد . تغییر محل انعقاد جلسات مجالس ازوظائف اختصاصی مجلس شیوخ بوده وتصمیم شورای مزبور دراینمورد قطعی ولازم الاجرا بود .

---

(۱) Directoire

مبحث چهارم

قوه مجریه

قوه مجریه را یك هیئت پنج نفری موسوم به هیئت مدیره اعمال میکرد انتخاب اعضای هیئت مدیره با هیئت قانون گذاری بود بدین ترتیب که شورای پانصدنفری برأی مخفی و باکثریت مطلق آراء پنجاه نفر را که واجد شرایط قانونی بودند انتخاب و به‌شورای شیوخ معرفی میکرد وشورای مزبور از بین آنها پنج نفر را بعضویت هیئت‌مدیره تعیین میکرد . برای انتخاب شدن به‌عضویت هیئت مدیره داشتن ٤٠ سال عمرضروری بود. مدیران از بین اشخاصی انتخاب میشدند که سابقه‌نمایندگی هیئت قانون گذاری را داشته یا وزیر بودند و این شرط فقط ازسال نهم جمهوری (۱۸۰۱) قابل اجرا بود . مدت مأموریت مدیران پنج‌سال‌بود وهرسال انتخاب یکی از آنها تجدید میشد ولی درچهارسال اولی (از ۱۷۹۵ تا ۱۷۹۹) هرسال یکی مدیران بحکم قرعه خارج و جانشین او برطبق مقررات مذکور در فوق انتخاب میشد . هیچیك ازمدیران خارج‌شده نمی‌توانست بعضویت هیئت مدیره انتخاب شود مگر پس ازانقضای مدت پنج‌سال. درصورت فوت یااستعفاء یکی از مدیران‌جانشین او درمدت ده‌روز انتخاب میشد . مدیران هریك متناوبا سه‌ماه ریاست هیئت مدیره را عهده‌دار بودند . برای رسمیت جلسات هیئت‌مدیره حضور سه‌نفرمدیر ضروری بود

هیئت مدیره مسئول امنیت داخلی وخارجی فرانسه بود . هیئت مدیره بمنظور اجرای قوانین مصوب هیئت قانون گذاری ابلاغیه (۱) صادرمیکرد . حق پیشنهاد طرح‌های قانونی اختصاص به هیئت قانون گذاری‌داشته ومدیران ازاعمال این حق ممنوع بودند واما برای اینکه رعایت این اصل لطمهٔ باموردولتی وارد نسازد و مدیران درانجام وظائف خود عاجز نمانند قانون اساسی بآنها اجازه میداد که توجه هیئت‌تقنینیه‌را به‌لزوم تصویب‌قانون‌جدیدی یاحذف ویاتکمیل یکی‌ازقوانین‌مصوب جلب نمایند . قوای نظامی فرانسه دراختیار هیئت مدیره بود ولی مدیران دردوران

۱ – proclamation

اشتغال و همچنین دو سال بعد از انقضای مأموریت خود مجاز نبودند فرماندهی نیروی مسلح فرانسه را عهده‌دار شوند . انتصاب فرماندهان ارتش با هیئت مدیره بود . نظارت دراجرای قوانین نیز بعهده هیئت‌مدیره بود . هیئت مدیره وزراء را نصب و عزل مینمود . عده وزراء و وظائف آنهارا هیئت قانون گذاری معین میکرد . شماره وزراء نمیبایست کمتر از شش و بیشتر ازهشت‌نفر باشد . مدیران مجاز نبودند وزراء را از بین اقوام نسبی وسببی خود تعیین کنند . وزراء شورائی تشکیل نمیدادند و مقام نخست‌وزیری وجودنداشت . وزراء مسئول اجرای قوانین مصوب هیئت قانون گذاری واعلامیه‌های هیئت مدیره بودند . هیچیك ازمدیران مجاز نبود از فرانسه خارج شود مگر دوسال بعد ازانقضای دوره عضویت خود در هیئت مدیره بعلاوه هیچیك ازمدیران حق نداشت بیشتر ازپنج‌روزازمقر هیئت مدیره خارج شود ونیز مدیران نمی‌توانستندبه‌محلی که‌فاصله آن تاجایگاه هیئت‌مدیره از ۴۰ کیلومتر تجاوز میکرد نقل‌مکان کنند مگر با اجازه هیئت قانون گذاری . مقرهیئت مدیره در همان محلی بود که جلسات هیئت قانون گذاری تشکیل میشد . حقوق سالیانه هریك از مدیران بالغ بربهای پانصدهزار کیلو گرام گندم بود درصورتیکه مقرری سالیانه نمایندگان مجلسین برابر قیمت سی‌هزار کیلو گرم گندم بود .

مبحث پنجم

قوه قضائیه

هیئت قانون گذاری وهمچنین مدیران و وزراء مجاز نبودند در امور قضائی دخالت کنند . دادرسان نیز حق نداشتند در اعمال قوه مقننه و قوه مجریه شریك و سهیم باشند . دادرسی مجانی بود . عزل‌دادرسان بدون محاکمه و اثبات تقصیر جایز نبود. جلسات‌دادگاه‌ها علنی‌بود مگر درمواردیکه علنی بودن آنها از لحاظ منافع ملی‌وجلوگیری ازانتشارات‌منافی عصمت‌ضروری‌بود. احکام دادگاهها بایستی‌مدلل ومتکی به‌قوانین‌بوده‌ودرجلسه‌علنی‌محکمه‌قرائت‌شود. قضات‌رامردم‌انتخاب‌میکردند.

قانون اساسی به اصحاب دعوی حق میداد که اختلافات حقوقی خود را به

داوری ارجاع کنند. احکام داوران قابل اعتراض نبود مگر در مواردیکه طرف
طبق قرارداد داوری این حق را برای خود قائل میشدند.

در هر بخشی یك دادگاه بخش بایك دادرس (۱) ویك یا چندمعاون (۲) د
بود. دادرسان بخش و معاونین آنها برای دو سال انتخاب میشدند. تجدیدانتخ
آنها برای یك یاچند دورهٔ دیگر مانع قانونی نداشت. بموجب قانون اساسی ۱۷۹۵
علاوه بر دادگاه بخش در هر یك از شهرستانها یك دادگاه حقوقی (۳) و د
شهرهای بزرگ دادگاه تجارت دائر بود. هریك از محاکم حقوقی دارای لااقل
عضو اصلی و ۵عضو علی‌البدل بود. محاکم حقوقی به احکام صادره از طرف داور
ودادگاههای بخش ومحاکم تجارت استینافاً رسیدگی میکردند. دادگاه حقو
به‌شعبات تقسیم میشد. رؤسای شعب را دادرسان دادگاه حقوقی از بین خود انتخ
میکردند. احکام صادره از دادگاههای حقوقی را نزدیکترین دادگاه‌های حقوقی استین
رسیدگی می‌نمودند.

در هر ولایتی حداقل سه و حداکثر شش دادگاه جنحه (۴) دائر بود. دادگ
جنحه را یك رئیس دوقاضی بخش یا معاونین آنها تشکیل میدادند. رئیس دادگ
جنحه از بین اعضای دادگاه حقوقی برای مدت دوسال انتخاب میشد. وظائف دادست
را در دادگاه جنحه نماینده قوه مجریه (۵) انجام میداد. احکام دادگاه جنحه استین
در دادگاه جنائی (۶) رسیدگی میشد. در هر ولایتی یك دادگاه جنائی وجودداشـ
دادرسان دادگاه جنائی از بین قضات محکمه حقوقی انتخاب میشدند. در محـ
جنائی رسیدگی باتهامات جنائی با حضور هیئت منصفه بعمل میآمد. دادستان محـ
جنائی و دادیاران را هیئت مدیره انتخاب میکرد.

در رأس تشکیلات قضائی دیوان کشور (۷) قرار گرفته بود. عده مستشا

۱ – Juge de paix
۲ – assesseur
۳ – Tribunal civil
۴ – Tribunal correctionnel
۵ – Commissaire du pouvoir exécutif
۶ – Tribunal criminel
۷ – Tribunal de cassation

دیوان کشور نبایستی از سه‌چهارم مجموع ولایات فرانسه تجاوز کند. مستشاران دیوان کشور برای مدت پنج‌سال انتخاب میشدند و هرسال انتخاب یك‌پنجم آنها تجدید میشد. انتخاب مستشاران مزبور در مجامع ولایتی بعمل میآمد و تجدید انتخاب مانع قانونی نداشت. هریك از مستشاران یك قایم‌مقام‌داشت که او نیز در مجامع ولایتی برای پنج‌سال انتخاب میشد. دادستان دیوان کشور و معاونین اورا هیئت‌مدیره نصب و عزل مینمود. دیوان کشور علاوه بررسیدگی تمیزی به احکام نهائی محاکم به تقاضای احاله دعاوی ازمحکمه‌ای به محکمه دیگر نیز رسیدگی میکرد و همچنین وظائف محکمه‌عالی انتظامی‌را انجام میداد. بموجب ماده ۲۵٦ قانون‌اساسی ۱۷۹۵ چنانچه‌دیوان کشورحکم‌نهائی‌یکی‌ازمحاکم‌را نقض کرده وپرونده‌امریکبار دیگر موردرسیدگی‌ماهوی قرارمیگرفت واصحاب‌دعوی حکم‌جدیدرا نیز مورداعتراض قرار میدادند دراین‌صورت‌موضوع به هیئت‌قانون گذاری احاله میشد وهیئت‌مزبور درموضوع‌مورداختلاف‌قانونی وضع نموده‌سپس پرونده‌امررا به‌دیوان کشورارجاع مینمود نظر هیئت قانون گذاری که بصورت قانون درآمده بود برای دیوان کشور الزام‌آورده‌بوده ودیوان‌مزبور وظیفه‌داشت با درنظر گرفتن‌رأی‌هیئت‌قانونگذاری حکم جدیدی صادر کند.

برای محاکمه نمایندگان شورای‌پانصدنفری وشورای شیوخ واعضای‌هیئت مدیره یك‌دیوان عالی دادگستری (۱) دائر بود. دادگاه مزبور را پنج نفر قاضی چندنفرعضو هیئت‌منصفه ودو نفرمدعی‌ملی(۲)تشکیل‌میدادند. دیوان‌عالی‌دادگستری طبق فرمان هیئت قانون گذاری منعقد میگردید. پس ازصدور فرمان هیئت قانون گذاری مبنی بر تشکیل دیوان عالی دادگستری دیوان کشور بـا حضور تمام مستشاران بحکم قرعه پانزده نفر را از بین اعضای خود تعیین میکرد و در همان جلسه از بین عده مزبور پنج نفر برأی مخفی وبا کثریت آراء بعضویت دیوان عـالی دادگستری انتخاب میشدند. اعضای دادگاه مزبور از بین خود یك‌نفر را بریاست

---

۱ – Haute Cour de justice   ۲ — Accusateurs nationaux

تعیین می نمودند. اعضای هیئت منصفه در مجامع ولایتی برای مدت یکسال انتخاب میشدند.

مبحث ششم

تجدید نظر در قانون اساسی

تقاضای تجدید نظر در قانون اساسی از طرف شورای شیوخ بعمل میامد و شورای پانصدنفری آنرا قبول یارد میکرد . چنانچه درمدت نه‌سال سه‌بار وهردفعه بفاصله سه‌سال مجلس شیوخ تجدیدنظر در قانون اساسی را تقاضا مینمود و شورای پانصدنفری بااین تقاضاموافقت میکرد مجلس خاصی موسوم به‌مجلس تجدیدنظر (۱) جهت تغییر قانون اساسی تشکیل میشد . اعضای مجلس تجدیدنظر را ولایات از قرار دو نماینده ازهرولایت انتخاب میکردند. طریقه انتخاب اعضای مجلس تجدیدنظر همان طریقه‌ای بود که قانون‌اساسی برای انتخاب‌نمایندگان شورای شیوخ وشورای پانصد نفری منظور میداشت. شرایط انتخاب‌شدن بعضویت مجلس تجدیدنظر نیزهمان‌شرایطی بود که قانوناً برای عضویت شورای پانصد نفری مقرر گردیده بود . نمایندگان شورای پانصدنفری وشورای شیوخ ازانتخاب شدن به‌عضویت مجلس تجدیدنظردر قانون اساسی ممنوع بودند . مجلس تجدیدنظردرظرف‌مدت سه‌ماه (حداکثر)طرح مواد مورد تجدیدنظر را تهیه وبرای تصویب به‌مجامع اولیه ارجاع مینمود.

Assemblée de revision – ۱

فصل پنجم

قانون اساسی ۱۳ دسامبر ۱۷۹۹

(سال هشتم جمهوری)

درظرف مدت دوسال از تاریخ تصویب واجرای قانون اساسی ۱۷۹۵ نمایندگان شورای شیوخ وشورای پانصدنفری باهیئت مدیره تشریک مساعی وهمکاری صمیمانه میکردند وهیچگونه اختلاف قابل ملاحظه‌ای بین آنها پیش آمد نکرده بود وعلت این همکاری و تشریک مساعی این بود که قسمت اعظم نمایندگان هیئت قانونگذاری واعضای هیئت مدیره پابند اصول مندرج درقانون اساسی ۱۷۹۵ بوده وخودرا ملزم باجرای اصول مزبور میدانستند. واما درسال ۱۷۹۷ (سال پنجم حکومت جمهوری) که انتخاب یك ثلث نمایندگان مجلسین تجدید میشد عده‌ای از مخالفین سرسخت هیئت مدیره به‌عضویت شورای پانصدنفری و شورای شیوخ انتخاب شدند که نتیجتاً سیمای سیاسی مجالس تغییر کرده واکثریت بدست مخالفین دولت افتادواز آن تاریخ به بعد نمایندگان هیئت قانون گذاری وخاصه شورای پانصدنفری به مخالفت ومبارزه بـا مدیران مبادرت نمودند واین مبارزه باندازه‌ای شدیدبود که یکی از نمایندگان شورای پانصدنفری موسوم به‌ویلوت (۱) درجلسه مورخ ۳ سپتامبر ۱۷۹۷ پیشنهاد کرد که مجلس قرار بازداشت سه نفر ازمدیران موسوم به بارراس (۲) روبل (۳) ولاروی‌یرله‌پو (٤) را صادر کند . این پیشنهاد یك هیجان وعصبانیت بی نظیری درهیئت مدیره ایجاد نمود که درنتیجه مدیران در ٤ سپتامبر بوسیله نیروی نظامی شورای پانصد نفری و شورای شیوخ را مورد محاصره قرار داده ودستور بازداشت نوزده نفر از مخالفین فعال دولت ازجمله ویلوت را صادر کردند سپس نمایندگان مجالس را وادار نمودند

---

۱ – Willot　۲ – Barras　۳ – Rewbell
٤ – Lareveillière – Lépeaux

که چندلایحه پیشنهادی دولت را که تماماً جنبه انقلابی داشته و ناقض قانون اساسی بود تصویب کنند . هیئت مدیره باین اقدامات غیرقانونی اکتفا نکرده نمایندگان را وادار نمود که قرار تعقیب پنجاه‌وسه نفر از اعضای شورای پانصدنفری و شورای شیوخ وحتی‌دو نفر ازمدیران موسوم به کارنو(۱) و بارتلمی (۲) را که با اقدامات وعملیات غیرقانونی سه‌مدیر دیگر مخالفت میکردند صادر نمایند بعلاوه هیئت مدیره بمنظور طرد مخالفین خود از هیئت قانون گذاری انتخابات ۳۹ولایت را کان‌لم‌یکن و بلااثر اعلام نمود . انتخابات ۱۷۹۸ (سال ششم جمهوری) بنفع دولت تمام‌شد وهیئت‌مدیره در هریك از شوراها اکثریت موافق دولت‌را حفظ نمود و اما در انتخابات ۱۷۹۹ (سال هفتم جمهوری) یکبار دیگر مخالفین دولت توفیق حاصل نمودند و باتکاء اکثریتی که‌در هریك ازمجالس بدست آورده‌بودندمدیرانی‌را که‌مسئول کودتای(۳) ٤سپتامبر ۱۷۹۷ بودنداز کار بر کنار وبجای آنها هواخواهان خودرا تعیین نمودند این‌عمل هیئت‌قانونگذاری مانند کودتای٤سپتامبر یك‌اقدام انقلابی‌بوده و بامقررات قانون اساسی ۱۷۹۵ مباینت داشت .

نظر به‌جریانات مزبور واحتمال بروز جنگ داخلی بوناپارات (٤) ژنرال فاتح وجوان فرانسه که درآن‌موقع‌فرماندهی‌نیروی اعزامی فرانسه درمصر رااداشت سواحل رودنیل را ترك گفته در۹ اکتبر۱۷۹۹ دربندرفرژوس (٥) واقع در شمال غربی بندر نظامی تولون (٦) پیاده شده وازآنجا عازم پاریس گردید ومردم‌فرانسه که ازظلم وتعدی و کشت و کشتار یك مشت ماجراجو بجان‌آمده بودند با آغوش باز حکومت مطلق‌العنان او را قبول نمودند و بدون هیچ قید و شرطی بدولت او تن دردادند واوامرش را گردن‌نهادند . برای‌تشریح‌اوضاع ناروای فرانسه‌آن‌زمان وتوضیح علل وموجباب سقوط هیئت مدیره وواگذاری حکومت نامحدود فرانسه به‌ناپلئون بوناپارت استناد به‌قضاوت تی‌یر(۷) مورخ نامی فرانسه‌کافی بنظرمیرسد

---

۱ – Carnot ۲ – Barthélemy ۳ – coup d' Etat
٤ – Bonaparte ٥ – Fréjus ٦ – Toulon
۷ – Thiers

مورخ نامبرده درجلد اول صفحه ۲ - ۵ تألیف خود موسوم به تاریخ کنسولا وامپراطوری (۱) راجع به سقوط هیئت مدیره و استقرار حکومت ناپلئون بشرح زیر اظهارعقیده میکنند :

« آنانکه پس از طوفان کنوانسیون این جمهوری مخصوص را بوجود آورده بودند باستحکام و تعالی عمل خود یقین نداشتند اما پس از رژیم خونینی که طی کرده بودند یافتن طریقی دیگر و انجام عملی بهتر برای آنها دشوار بود. درواقع محال بود که آنها بتوانند بفکر بوربن‌ها (۲) بیافتند چه احساسات کلیه مردم برضد آنها بود و همچنین نمیتوانستند خودرا درداماں سرکرده‌ای نامدار بیاندازند زیرا در آن هنگام هیچیك از فرماندهان ما آنقدر افتخار بدست نیاورده بود که مردم را جذب و تسخیر نماید بعلاوه هنوز تجربه تخیلات و تصورات را از بین نبرده بود تازه از چنگال کمیته نجات عمومی خلاصی یافته بودند و فقط جمهوری خون‌آلود ۱۷۹۳ مرکب از یك مجلس واحد که تمام قوای ثلاثه‌را دراختیار داشت مورد محك قرار گرفته بود فقط یك کار باقی بود که عبارت باشد از یك جمهوری اعتدالی که در آن قوا عاقلانه تقسیم شده واداره امور آن بدست مردمان تازه‌ای سپرده شود که نسبت بتمام اجحافاتیکه کشور فرانسه را بوحشت انداخته بود بیگانه باشند .

آزمایش جمهوری جدید چهارسال بطول انجامید (از ۱۳ برومر سال چهارم تا ۱۸ برومر سال هشتم) و با صداقت وحسن نیت ازطرف کسانیکه اغلب درستکار ودارای نیات عالیه بودند عمل گردید . بعضی افراد تندخلق یـا کسانیکه در درستی آنها شك میرفت ازقبیل بار راس توانسته بودند نام خـود را داخل صورت اسامی دولتهائی بنمایند که دراین چهارسال هریك پس ازدیگری سرکار آمدند ولی روبل لاروی یرله‌پو ، لوتورنور (۳) روژه‌دو کوس (٤) اشخاص درستکار وبعضی ازآنها بسیار لایق و نفر آخر آنان سییس مرد فوق‌العاده بلند مـرتبه ای بود . معـهذا

---

۱ - Histoire du Consulat et de l' Empire

۲ - Bourbons ۳ - Le Tourneur

٤ - Roger – Ducos

جمهوری دیر کتوار بزودی صورت اسفنا کی بخود گرفت که در آن جنبه هرج ومرج به بیرحمی میچربید . مردم را اعدام نمیکردند ولی تبعید مینمودند کسی مجبور نبود اسکناسهای جدید را بزور تهدید بمرگ قبول کند ولی پرداختی هم بکسی نمیشد. سربازان بدون سلاح ونان بجای آنکه فاتح باشند مغلوب میشدند ودورهٔ نارضایتی غیرقابل تحملی جانشین دورهٔ وحشت وترور شده بود . از آنجا که ضعف نیز گاهی خشم وغضب ازخود ظاهر میسازد این جمهوری اعتدالی که منظور آن ملایمت بود دو تصمیم جابرانه گرفت یکی قرضه تصاعدی اجباری ودیگری قانون گروگیری(۱) وتصمیم اخیر باآنکه جنبه خونین نداشت یکی ازوقیح ترین توهین‌های زائیده افکار بیرحمانه احزاب بود .

جای تعجب نیست فرانسه که درسال ۱۷۹۹ نمیشد در آن اسم بوربن‌هارا برد پس ازدیر کتواری دیگر بجمهوری عقیده نداشت وخود را در آغوش آن فرمانده جوان فاتح مصر وایتالیا انداخت که بیگانه نسبت به‌احزاب بوده وبهمه آنها باچشم بی‌اعتنائی می‌نگریست وبا اراده قوی درامور کشوری ونظامی متساویا ابراز لیاقت نموده وجاه‌طلبی که ازخود ظاهر نمود نه فقط ایجاد ترس و وحشت نکرد بلکه با کمال امیدواری مورد استقبال واقع گردید . برای بدست گرفتن دولت فتوحات و وافتخاراتی کمتر از آنچه او بدست آورده بودکافی بود زیرا چندی قبل از او ژنرال ژوبر (۲) را به‌نوی (۳) اعزام داشتند تا بتواندعناوینی راکه‌نداشت بدست آورده وانقلابی را که درتاریخ ۱۸ برومر بوقوع پیوسته بود برپاسازد. آن بیچاره درنوی مغلوب ومقتول گردید ولی بوناپارت جوان غالب‌وخوشبخت بطور معجزه آسائی از خطرات جنگ ودریا نجات‌یافته وازمصر بفرانسه برگشت‌ودراولین دفعه‌ای که‌ظاهر گردید هیئت مدیره درهم شکست . تمام احزاب باستقبال او رفتند و از او تقاضای برقراری امنیت وفتح وصلح را نمودند معهذا قدرت یکنفر ممکن نبود در یکروز جانشین آن دوره عوام‌فریبی شود که ظالم ومظلوم‌همه بنوبه خود ازاقتدار بهره‌مند

۱- otage   ۲- Joubert   ۳- Novi

شده بودند . ظواهر میبایستی محفوظ بماند و برای آنکه کشور خسته و کسل فرانسه مجدداً مقتدر گردد اول دولت محلل فاتح ترمیم کننده و نیمه جمهوری لازم بود خلاصه اینکه حکومت کنسولا قبل از رسیدن به امپراطوری ضرورت داشت ».

و اما ناپلئون به‌محض ورود به‌پاریس با لوسین بوناپارات (۱) رئیس شورای پانصدنفری، لمرسیه (۲) رئیس شورای شیوخ وسییس عضوهیئت‌مدیره و تالیران (۳) ورجال ناراضی دیگر تماس گرفته و به کمك ویاری آنها وسائل کودتای ۱۸ برومر سال هشتم (۸ نوامبر ۱۷۹۹) را فراهم ساخت وپس از آن اعضای شورای شیوخ روز ۹ نوامبر تشکیل جلسه‌داده ودراین‌جلسه پس از استماع اظهارات یکی از نمایندگان درباره احتمال ورود اعضای حزب تندرو ژاکوبن به پاریس و امکان تجدید ترور قراری مبنی براتنقال هیئت قانونگذاری به‌شهر سن کلو (٤) واقع در حومه پاریس صادر وفرماندهی نظامی ناحیه‌هفدهم را که سن کلو نیز جزء آن بود به‌ناپلئون بوناپارت تفویض نمودند . برطبق نقشه قبلی جلسات شورای پانصد نفری وشورای شیوخ در سن کلو تشکیل شد و ناپلئون با یك عده نظامی وارد طالار جلسه شورای پانصد نفری شده و نمایندگان را بوسیله سربازان خود از جلسه بیرون کرد و همان روز شورای پانصد نفری تحت ریاست لوسین بوناپارت با حضور فقط یك عشر اعضای خود تشکیل جلسه داده انحلال هیئت مدیره را اعلام وهیئت دیگری بنام کمیسیون اجرائیه کنسولی (۵) تشکیل‌داد و ناپلئون بوناپارات وسییس وروژه‌دوکوس‌را بسمت کنسول تعیین نمود . بعلاوه شورای پانصد نفری که بصورت شورای پنجاه نفری درآمده بود هیئت تقنینیه‌را تا ۱۹ فوریه ۱۸۰۰ تعطیل کرده وبرای هریك‌ازمجالس یك کمیسیون موقت انتخاب کرد که درغیاب شورای پانصدنفری وشورای شیوخ قوه قانونگذاری را اعمال ونواقص قانون اساسی ۱۷۹۵ را رفع کنند. تصمیمات‌شورای پانصدنفری‌مبنی برانحلال هیئت‌مدیره وتشکیل کمیسیون اجرائیه کنسولی وتعطیل هیئت تقنینیه وتأسیس کمیسیونهای موقت مورد موافقت مجلس‌شیوخ واقع گردیده

---

۱ – Lucien Bonaparte ۲ – Lemercier ۳ – Taleyrand
٤ – Saint-Cloud ۵ – Commission exécutive consulaire

و هریك از کمیسیونهای مزبور یك کمیسیون فرعی تشکیل داد که موضوع تکمیل قانون اساسی ۱۷۹۵را مورد مطالعه قرار داده و نظریات خودرا به‌تصویب کمیسیون مربوطه برساند.

کمیسیونهای فرعی طرحی را که سییس تهیه کرده بود مورد مطالعه قرار داده آنرا با نظر موافق برای تصویب به کمیسیونهای اصلی مجلسین ارسال داشتند و کمیسیونهای مزبور همان طرح را با پارهٔ اصلاحات جزئی تصویب نمودند و اما نظر بعدم موافقت ناپلئون باطرح مصوب کمیسیونهای مجلسین یك کمیته چند نفری تشکیل یافت که مطابق نقشه ناپلئون طرح مصوب کمیسیونهای مجلس شیوخ و شورای پانصد نفری را مورد تجدید نظر قراردهد. طرح تنظیمی کمیته مزبور به ناپلئون اطلاع داده شده و مورد قبول وی واقع گردید سپس بجای اینکه طرح مورد قبول ناپلئون به تصویب کمیسیونهای مجالس برسد بدستور نامبرده در شب ۱۳ دسامبر اعضای کمیسیونهای مزبور احضار و طرح قانون اساسی جدید را امضا نمودند.

بموجب ماده ۹۵ طرح جدید طرح مزبور بایستی بآراء عمومی ارجاع و پس از تصویب در رفراندوم بموقع اجرا گذاشته شود. ارجاع به آراء عمومی تازگی نداشت زیرا چنانکه در بالا اشاره شد قوانین اساسی ۱۷۹۳ و ۱۷۹۵ نیز در رفراندوم به تصویب رسیده بود ولی چون نحوه ارجاع بآراء عمومی در طرح جدید قانون اساسی پیش‌بینی نشده بود بنابراین در ١٤ دسامبر ۱۷۹۹ قانونی وضع گردید که بموجب آن در هر ناحیه دفتر مخصوصی بازو از مردم درخواست شد که درظرف ۳ روز از تاریخ وصول طرح جدید موافقت یا مخالفت خودرا باآن طرح اعلام کنند. واما قبل‌ازاینکه رفراندوم انجام یافته و طرح پیشنهادی ناپلئون به‌تصویب ملت فرانسه برسد قانون‌اساسی جدید بموقع اجرا گذاشته شد و سه نفر کنسول شورای دولتی را تشکیل داده و وزراء جدید وسی و یك نفر سناتور را تعیین نمودند و روز بعد سناتورهای انتصابی بقیه بیست و نه نفر سناتور را انتخاب کردند سپس مجلس سنا که بترتیب مذکور در فوق تشکیل شده

د صدنفرعضومجلس تریبونا (۱) وسیصد نفرعضوهیئت تقنینیه (۲) را تعیین کرد.
کمیسیونهای شورای پانصدنفری وشورای شیوخ پس از تشکیل شورای دولتی وسنا تریبوناوهیئت تقنینیه انحلال خود را اعلام نمودند ودر ۷ فوریه ۱۸۰۰ نتیجه آراء عمومی بشرح زیر اعلام گردید :

از ۳۰۱۲۵۶۹ رأی دهنده ۳۰۰۹٤٤۵ نفرقانون اساسی جدید را قبول و بقیه رأی دهندگان آنرا رد کرده بودند .

قانون اساسی ۱۳ دسامبر ۱۷۹۹ مشتمل بر ۷ فصل و۹۵ ماده است که۱٤ ماده اولی آن مربوط به حقوق سیاسی افراد بوده و بقیه ۸۱ ماده شامل مجالس مقننه (مواد ۱٤ الی ۳۸) حکومت (مواد ۳۹تا۵۹) محاکم (مواد ٦۰تا۷۵) ومقررات کلی (مواد ۷٦ الی آخر) میباشد .

مبحث دوم

حقوق سیاسی افراد

مواد مربوط به حقوق سیاسی افراد چنین مقررمیداشت :

هرفردی که درخاك فرانسه متولد شده وپس از رسیدن به سن ۲۱ سال کامل اسم خود را درمحل تولد خویش به ثبت رسانده ویکسال درفرانسه سکونت میکرد تبعه فرانسه شناخته میشد . چنانچه یك تبعه بیگانه پس از رسیدن به سن ۲۱ سال تمام تصمیم خود را مبنی برسکونت درخاك فرانسه بمقامات مربوطه اعلام وده سال متوالی در فرانسه اقامت میکرد تبعه فرانسه شناخته میشد . بموجب ماده ۵ قانون اساسی ۱۷۹۹ اشخاص ذیل از اعمال حقوق حاصله از تابعیت فرانسه و شرکت در انتخابات محروم بودند :

۱- ورشکستگان به تقصیر ووراث آنها ۲- اشخاصیکه نوکری میکردند ۳- کسانیکه بموجب احکام محاکم از تصرف در اموال خود ممنوع یا تحت تعقیب

۱- Tribunat ۲- Corps législatif

جزائی بودند ۴ـ اشخاصیکه از حضور دریك دادگاه جنائی خود داری میکردند

برای استفاده ازمزایای تابعیت فرانسه و شرکت در انتخابات یکسال اقامت درحوزه انتخابیه ضروری بود . ساکنین هریك ازحوزه‌ها از بین خود یك عده را که صلاحیت اداره امورملی را داشتند انتخاب میکردند . شماره انتخاب شوندگان نبایستی از عشر مجموع اشخاصیکه حق رأی داشتند تجاوز کند . اشخاصی که در یك بخش انتخاب میشدند لیستی تشکیل میدادند که از بین آنها مامورین بخش تعیین میشدند . کسانیکه جزء لیستهای بخش یك ولایت بودند از بین خود عده‌ای را که بالغ بر عشر انتخاب کنندگان بود تعیین میکردند و این اشخاص جزء لیست ولایتی منظورگردیده و از بین آنها مامورین ولایتی تعیین می شدند و بالاخره افرادیکه جزء لیستهای ولایتی بودند از میان خود یك عده را که بالغ بر یك دهم رأی دهندگان بود انتخاب میکردند . همین اشخاص یك لیست ثابت ملی تشکیل میدادند وازبین آنها مامورین ملی تعیین میشدند . اشخاصیکه جزء صورتهای بخش ولایتی وملی بودند هرسه سال یکباردرلیستهای مربوطه تجدید نظر بعمل آورده و درگذشتگان و اشخاصی را که در ظرف سه سال گذشته بعلت ترك تابعیت فرانسه نوکری ورشکستگی وعلل دیگر از اعمال حقوق سیاسی محروم گردیده بودند از لیستهای مورد تجدید نظر خارج و بجای آنها اشخاص دیگری را تعیین میکردند بعلاوه هرسه سال یکبار رأی دهندگان مجاز بودند به تشخیص وصلاحدید خود و باکثریت مطلق آراء پاره‌ای از افراد جزء لیستهای سه‌گانه بخش ولایتی و ملی را از صورتهای مزبور حذف نمایند وبجای آنها اشخاص دیگر را انتخاب کرده وجزء صورتهای سه‌گانه قراردهند .

بحث سوم

سنای نگهبان (۱)

سنای نگهبان دارای هشتاد نفرعضو بود که‌مادام‌العمرانتخاب شده وقابل‌عزل

۱– Sénat conservateur

بودند . در بدو امر مجلس سنا دارای شصت نفر عضو بود و قرار بود در مدت ده سال از تاریخ تصویب قانون اساسی ۱۷۹۹ سالیانه دو نفر بعدهٔ سناتورها اضافه شود تا در سال ۱۸۰۹ شماره آنها به هشتاد نفر برسد. انتخاب سناتورها بترتیب ذیل بعمل میآمد :

هیئت قانونگذاری و مجلس تریبوناو کنسول اول هریك از آنها یك نفر را به مجلس سنا معرفی میکردند و مجلس مزبور از بین آنان یك نفر سناتور تعیین میکرد. برای انتخاب شدن بـه عضویت مجلس سنا داشتن چهل سال عمر ضروری بود . کنسول اول پس از انقضای مدت ماموریت خود یا استعفاء از مقام کنسولی استحقاقاً سناتور میشد درصورتیکه دو کنسول دیگر فقط پس از پایان دوره کنسولـی بمقام سناتوری نایل میگردیدند . اهم وظایف مجلس سنا ازاین قرار بود :

۱ـ مجلس سنا از بین اشخاصیکه جزء لیست ملی بودند نمایندگـان هیئت قانونگذاری و تریبوناو کنسولها و مستشاران دیوان کشور و دیوان محاسبات را انتخاب میکرد .

۲ـ مجلس سنا موظف بود به تشخیص خود یا بنابه تقاضای کنسول اول یا مجلس تریبوناکلیه قوانین وفرامین را که با قانون اساسی مباینت داشت کان لم یکن بلااثر اعلام کند .

۳ـ مجلس سنا کمیسیونی برای رسیدگی بمحاسبات دولت انتخاب میکرد . اعضای کمیسیون مزبور که عده آنها بالغ برهفت نفر بود از بین اشخاصی تعیین میگردیدند که جزء لیست ملی بودند . واما با اینکه سناتورها ما دام العمر تعیین شده قابل عزل و انتصاب بسایر مشاغل دولتی نبودند معذلك نتوانستند و ظایف قانونی خود را انجام داده قوانین وفرامین دوره کنسولی را که مباینت باقانون اساسی داشت باطل کنند .

جلسات مجلس سنا علنی نبود ومذاکرات مجلس مزبور منتشر نمیشد . مقرری سناتورها بالغ بریك دوازهم حقوق کنسول اول بود .

مبحث چهارم

پارلمان

پارلمان دارای دو مجلس بود که یکی تریبونا ودیگری هیئت قانونگذاری نامیده میشد. مجلس تریبونا دارای صد نفر عضو بود. چنانکه در بالا اشاره شد اعضای مجلس تریبونا را مجلس سنا از بین اشخاصیکه جزء لیست ملی بودند انتخاب میکرد. نمایندگان مجلس تریبونا بایستی لااقل ۲۵ سال عمر داشته باشند. دوره نمایندگی مجلس مزبور پنج سال بود و هر سال انتخاب یك پنجم نمایندگان تجدید میشد. مجلس تریبونا لوایح پیشنهادی دولت را مورد شور و مذاکره قرارداده آنها را تصویب یارد مینمود سپس سه نفر از اعضای خود را مامور میکرد که در جلسه هیئت قانونگذاری حاضر شده دلایل موافقت یا مخالفت خود را باستحضار نمایندگان آن مجلس برسانند بعلاوه مجلس تریبونا میتوانست مصوبات هیئت قانونگذاری و تصمیمات دولت را از لحاظ عدم مطابقت باقانون اساسی به مجلس سنای نگهبان ارجاع والغاء آنرا درخواست کند وهمچنین مجلس تریبونا حق داشت نظر مشورتی خود راجع به نواقص دستگاه اداری فرانسه ولزوم اصلاح آن را بدولت اطلاع دهد. قبل از تعطیل جلسات خود مجلس تریبونا میتوانست یك کمیسیون موقت انتخاب کند که در صورت لزوم نمایندگان را برای تشکیل جلسه فوق‌العاده دعوت نماید. جلسات تریبونا علنی بود. مقرری سالیانه نمایندگان مجلس تریبونا ۱۵۰۰۰ فرانك بود.

هیئت قانونگذاری دارای سیصد نفر عضو بود و هریك از ولایات لااقل یك نماینده درمجلس مزبور داشتند. برای انتخاب شدن به عضویت هیئت قانونگذاری داشتن لااقل سی سال عمر ضروری بود. نمایندگان مجلس مورد بحث مانند اعضای مجلس تریبونا برای مدت پنج سال انتخاب میشدند وهرسال انتخاب یك پنجم آنها تجدید میشد. انتخاب نمایندگان برای یك دوره دیگر فقط یکسال بعداز انقضای دوره نمایندگی آنها مجاز بود ولی اعضای مجلس مزبور بدون فاصله یکساله میتوانستند به عضویت مجلس تریبونا ومشاغل عمومی تعیین شوند. جلسات هیئت قانونگذاری هرسال در ۲۱ ماه نوامبر تشکیل یافته وچهار ماه طول می کشید واما درخلال تعطیل هشت ماهه دولت میتوانست مجلس مزبور را بطور فوق‌العاده منعقد نماید. برای

رسمیت جلسات هیئت قانونگذاری و اتخاذ تصمیمات حضور دو ثلث لااقل مجموع
نمایندگان ضروری بود. مجلس تریبونا ومجلس سنا وشورای دولتی نیز باحضور
دو ثلث اعضاء خویش جلسات خودرا تشکیل میدادند.

هیئت قانونگذاری پس‌از کسب اطلاع ازمفاد لوایح مصوب مجلس تریبونا
واستماع دلایل نمایندگان مجلس مزبور لوایح قانونی را بدون هیچگونه شور و
مذاکره برأی مخفی وبا کثریت آراء تصویب یارد میکرد و روی همین اصل هیئت
قانونگذاری را مجلس بی زبان مینامیدند. جلسات هیئت قانونگذاری هم مانند
مجلس تریبونا علنی بود ولی به تقاضای دولت یا عده‌ای از نمایندگان جلسه سری
تشکیل میشد. مطابق ماده ٣٤ قانون اساسی عده مستمعین در جلسات هر یك از
مجلسین نمی‌بایستی بیشتر از ٢٠٠ نفر باشد. مقرری سالیانه نمایندگان هیئت
قانونگذاری بالغ برده هزار فرانك بود. کنسول‌اول لوایح‌مصوب‌هیئت قانونگذاری
را درظرف مدت ده‌روز ازتاریخ صدور، ابلاغ و بموقع اجرا می‌گذاشت ولی در
خلال این مدت وی میتوانست از ابلاغ واجرای لوایح مزبور بعلت عدم مطابقت
باقانون اساسی خود داری کرده والغای‌آن لوایح را ازسنای حافظ و حامی قانون
اساسی درخواست کند.

مبحث پنجم

قوه مجریه

قوه مجریه دردست سه نفر کنسول بود که برای مدت ده سال تعیین میشدند
وانتخاب هریك از آنها بطور نامحدود قابل تجدید بود. حکومت فرانسه در دست
بوناپارت کنسول اول بوده ودو کنسول دیگر وظائف مشورتی داشتند و بوناپارت
قانونامجاز بود به نظریات‌آنها ترتیب اثر نداده به تشخیص وصلاحدید خود امورمهم
مملکتی را حل و فصل نماید و تصمیمات خود را بموقع اجرا بگذارد. حقوق
کنسول‌اول پانصد هزارفرانك و حقوقی که به هریك ازدو کنسول دیگرداده میشد
بالغ برسه عشرحقوق کنسول‌اول یعنی‌صدوپنجاه هزارفرانك بود. کنسول اول‌دارای

وظائف واختیاراتی بود که اهم آنها ازاین قراراست :

۱ـ کنسول اول قوانین مصوب مجالس مقننه را ابلاغ نموده و بموقع اجرا میگذاشت .

۲ـ عزل و نصب اعضای شورای دولتی و وزراء وسفرای کبار و نمایندگان دیگرفرانسه‌درخارجه وافسران‌نیروی زمینی ودریائی‌ورؤسای ادارات‌و کمیسرهای دولتی نزد محاکم باکنسول اول بود .

۳ـ کنسول اول اعضای دادگاه های حقوقی وجنائی را باستثنای مستشاران دیوان کشور و امنای صلح تعیین میکرد ولی او حق عزل هیچیك از قضات را نداشت .

٤ـ کنسول اول لوایح قانونی برای شوروتصویب به مجلس تریبونا پیشنهاد میکرد و از نظر تسهیل اجرای قوانین مصوب نظامنامه تنظیم مینمود بدون اینکه اجرای‌آن قوانین راتوقیف یاتعویق نماید .

٥ـ کنسول اول باممالك بیگانه روابط سیاسی برقرار نموده و قرارداد های متارکه جنگ وصلح واتحاد نظامی وپیمانهای بیطرفی واقامت وبازرگانی وغیره را منعقد میساخت و اما قرار دادهای صلح و اتحاد نظامی و همچنین اعلان جنگ مستلزم موافقت مجالس مقننه بود و کنسول اول میتوانست از مجلس‌تریبونا وهیئت قانونگذاری تقاضا کند که بحث و اتخاذ تصمیم در باره قرار دادهای اخیر الذکرو همچنین اعلان جنگ بجای جلسه علنی درجلسه محرمانه انجام یابد . بموجب ماده ٥١ قانون اساسی مورد بحث مواد سری هیچ قرار دادی مبطل مواد آشکار آن نبود .

٦ـ تامین امنیت داخلی ودفاع ازسرحدات فرانسه بعهده کنسول اول بود .

۷ـ کنسول اول نیروی زمینی ودریائی را اداره میکرد .

۸ـ کنسول‌اول‌مجاز بود بدون‌انجام تشریفات قانونی دستور بازداشت‌اشخاصی را که از نظر توطئه برعلیه دولت موردسوء ظن بودند صادر نماید بشرط اینکه در

رف مدت ده روز از تاریخ بازداشت، متهمین بمقامات صلاحیت‌دار قضائی تسلیم‌شوند.

۹ـ ضرب مسکوکات با رعایت قوانین مصوب مجلسین با کنسول اول بود.

قانوناً هیچیك از اقدامات و عملیات کنسول اول بدون امضاء یکی از وزراء بل اجراء نبود (ماده ٥٥ قانون اساسی).

شورای دولتی که دارای چهل نفر عضو بود بنا به پیشنهاد کنسول اول لوایح نونی تهیه مینمود که درصورت موافقت کنسول اول برای شور و تصویب به‌مجلس یبونا فرستاده میشد.

مبحث ششم

تشکیلات قضائی

هر بخشی دارای یك یا چند امین صلح بود. امنای صلح را ساکنین بخش رای مدت سه سال انتخاب میکردند. وظیفه امنای صلح این بود که اصحاب دعوی اسازش دهند ودرصورت عدم حصول سازش به طرفین دعوی توصیه میکردند که ختلاف حاصله فیمابین را بوسیله داوران حل وفصل نمایند.

برای رسیدگی بدعاوی حقوقی محاکم بدایت (۱) و محاکم استیناف (۲) اثر بود. سازمان و حوزه محاکم مزبور و حدود صلاحیت آنها درقانون اساسی معین گردیده موکول به تصویب یك قانون متعارفی شده بود.

در موارد جرائمی که مستلزم مجازات بدنی یاشرم‌آور (۳) بود هیئت منصفه دوی (٤) دعوی را رد یا قبول میکرد.

درصورت پذیرفتن دعوی از طرف هیئت بدوی هیئت منصفه دیگری درداد گاه قضائی به پرونده امر رسیدگی کرده متهم را مقصر یا بی گناه می‌شناخت سپس قضات

۱- Tribunal de première instance
۲- Tribunal d'appel
۳- peine infamante
٤- jury d'accusation

دادگاه جنائی باستناد مواد مربوطه قانون‌جزا حکم محکومیت یا برائت ویراصادر مینمودند . حکم‌دادگاه جنائی قابل‌استیناف نبود وطرفین‌دعوی فقط حق داشتند از احکام‌مخالف قانون استدعای تمیز نمایند .

جرائمی که مستلزم‌مجازات بدنی وشرم‌آور نبود در محاکم جنحه رسیدگی میشد . احکام محاکم مزبوررا دادگاههای جنائی استینافاً رسیدگی میکردند .

در رأس تشکیلات قضائی فرانسه دادگاه تمیز قرار گرفته بود . مستشاران دادگاه تمیزو همچنین کمیسر های دولتی نزد دادگاه مزبور از بین اشخاصی تعیین میشدند که جزء لیست ملی بودند . قضات محاکم بدایت و استیناف و دادگاه های جنحه و جنائی و کمیسرهای دولتی نزد محاکم اخیرالذکر از بین اشخاصی انتخاب میشدند که جزء لیستهای بخش یا شهرستان بودند. تمام قضات بجز امنای‌صلح مادام العمر انتخاب‌میشدند و همانطوریکه در بالا اشاره شد مدت ماموریت امنای صلح سه سال بود .

سناتورها نمایندگان مجلس تریبونا و هیئت قانونگذاری و اعضای شورای دولتی مسئول عملیات واقدامات مربوطه بوظائف خود نبودند ولی چنانچه اعضای مجالس مزبورمرتکب جرائمی میشدند که مشمول مجازات بدنی یاشرم آور بود جلب موافقت مجلس مربوطه دردادگاه های عمومی محاکمه میشدند . قرار تعقیب وزراء راکه مرتکب جرائم‌مزبورمیشدند شورای دولتی صادرومحاکم عمومی آنها را محاکمه میکردند . وزراء درموارد‌ذیل مسئول بودند :

۱- برای هراقدام دولتی که مجلس سنا آنرا خلاف قانون اساسی اعلام مینمود .

۲- برای عدم اجرای قوانین ونظامنامه ها .

۳- برای دستوراتی که برخلاف قانون اساسی وقوانین متعارفی ونظامنامه‌ها صادر میکردند .

در هریك از موارد مذکوره فوق مجلس تریبونا نظر خود را راجع

قیب وزیر مورد اتهام باستحضار هیئت قانونگـذاری میرسانید و هیئت نامبرده
ں از احضار متهم و استماع دفاع او ویرا بی گناه اعلام یا او را تسلیم دادگاه
الی مینمود .

دیوان عالی مرکب بود از چندنفرمستشار دادگاه تمیز بانتخاب آن دادگاه و
یئت منصفه که اعضای آن از بین اشخاصی که جزء لیست ملی بودند انتخاب میشدند.
ار تعقیب قضات را که در حین انجام وظیفه مرتکب جرائمی میشدند دادگاه تمیز
ادر و محاکم عمومی آنها را محاکمه میکردند .

مبحث هفتم

مقررات کلی

فصل هفتم (مواد ۷۶ الی ۹۵) قانون اساسی ۱۷۹۹دارای پارهٔ مقررات کلی
بود که اهم آنها ازاین قرار است :

خانه هر کسی که در خاك فرانسه اقامت دارد یك پناهگاه غیر قابل تجاوز
شناخته میشود وهیچکس نمیتواند بدون اجازه ساکنین وارد خانه‌ای بشود مگردر
ورد حریق یا طغیان آب (ماده ۷۶) .

قرار توقیف اشخاص باید متضمن نکات ذیل باشد :

۱- دلایل توقیف و تصریح مواد قانونی که باستناد آن قرار بازداشت صادر
شده است .

۲- صدور قرار توقیف ازطرف مقام صلاحیتدار .

۳- ابلاغ قرار توقیف و تسلیم رونوشت آن به بازداشت شده (ماده ۷۷) .

ماده ۷۸ وچند ماده دیگر رؤسای بازداشتگاهها را ملزم مینمود کـه بدون
حکم کتبی مقام صلاحیتدار هیچ یك‌از محبوسین‌را در توقیفگاه نپذیرندو به محبوسین
جازه ملاقات بااقوام ودوستان خود بدهند مگر در مواردیکه قاضی چنین ملاقاتی
را ممنوع کرده باشد . عدم رعایت مقررات مزبور جرم تلقی‌شده و مرتکبین مورد

تعقیب جزائی قرار میگرفتند . شدت عمل و سختگیری هنگام دستگیری و بازداشت
در توقیفگاه بجز آنچه که قانون اجازه میداد جرم شناخته میشد .

مطابق ماده ۸۳ هر فردی از افراد حق داشت شکایات خود را به مقامات رسمی
و خاصه مجلس تریبونا ارسال دارد. تسلیم عرایض بطور دسته جمعی به مجلس مزبور و
سایر مقامات دولتی ممنوع بود .

جرائم نظامی در محاکم مخصوص و طبق آئین دادرسی خاصی رسیدگی
میشد (ماده ۸۵) .

به کلیه نظامیانیکه ضمن دفاع از وطن مجروح شده بودند وهمچنین به زنان
و اطفال افسران و سربازانیکه در میدان جنگ یا براثر جراحات وارده در جنگ
فوت کرده بودند مستمری داده میشد (ماده ۸۶) .

هنگام شورش مسلحانه یا آشوب وعصیانیکه امنیت کشور را تهدید میکرد
دولت با اجازه قبلی مجالس مقننه میتوانست درمحل معینی و برای مدت محدودی
قانون اساسی را معلق نماید و چنانچه مجالس درحال تعطیل بودند دولت مجاز بود
مبادرت باقدام مزبور بکند منتهی مجالس بایستی بدون فوت وقت منعقد گردند
اقدام دولت را تائید یا رد نمایند (ماده ۹۲) .

ماده ۹۳ قانون اساسی مورد بحث اعلام میکرد به فرانسویانیکه بعداز ۱۴
ژوئیه ۱۷۸۹ [تاریخ اشغال دژمعروف باستیل (۱) بدست انقلابیون پاریس] خاک
فرانسه را ترک کرده و مورد عفوقانونی واقع نگردیده بودند اجازه بازگشت به
فرانسه داده نخواهد شد. بموجب همین ماده اموال مهاجرین بطورقطع بنفع دولت
ضبط میشد .

ماده ۹۵ دولت را موظف میکرد که قانون اساسی را به تصویب ملت
فرانسه برساند .

(۱) Bastille

فصل ششم

قانون اساسی سال دهم جمهوری (۱۸۰۲)

مبحث اول

طرد مخالفین دولت از مجالس و انتخاب ناپلئون بسمت کنسول مادام العمر

عناصر تندرو فرانسه (ژاکوبن) از شخص ناپلئون و وسائل حکومتی وی و قانون اساسی سال هشتم جمهوری رضایت نداشتند و درخواست میکردند قانون اساسی مزبور که برخلاف فصل سیزدهم (مواد ۳۳۶ الی ۳۵۰) قانون اساسی سال سوم جمهوری وضع و در رفراندوم بمردم تحمیل شده بود منسوخ گردیده قانون اساسی سابق بموقع اجرا گذاشته شود و اما برخلاف آنچه که عناصر افراطی درخواست میکردند ناپلئون و اطرافیان او معتقد بودند که باید تغییراتی در قانون اساسی مورخ ۱۷۹۹ بعمل آید تا دولت بتواند با قدرت و توانائی بیشتری با عناصر تندرو مبارزه کرده ملت فرانسه را از شر آنها رهائی بخشد.

در ۲۴ دسامبر ۱۸۰۰ ناپلئون مورد سوءقصد واقع گردید. موضوع سوء قصد به ناپلئون درشورای دولتی مطرح وشورای مزبور باستناد اینکه قانون اساسی حافظ و حامی راهزنان نیست تصمیم گرفت از مجلس سنا سئوال کند آیا تبعید تروریستها وسیلهٔ مؤثری برای حفظ و حراست قانون اساسی میباشد یانه؟ مجلس سنا باین سئوال شورای دولتی جواب مثبت داد که در نتیجه صد وسی نفر از عناصر انقلابی بازداشت و به مستعمره گیان (۱) واقع در امریکای جنوبی تبعید شدند. و اما تبعید عدهٔ کثیری تروریست بامریکای جنوبی برای ناپلئون کافی نبود بلکه او مصمم بود که اقدامات جدی تری جهت از بین بردن مخالفین خود و تثبیت حکومت خویش بعمل آورد. ناپلئون در

Guyane – ۱

مجلس تریبونا وهیئت قانونگذاری مخالف زیادداشت که گاهی لوایح اورا رد کرده وعملیات واقدامات ویرا مورد انتقاد شدید قـرار میدادند . نظر به مخالفت مجلس تریبونا وهیئت قانونگذاری با لوایح پیشنهادی دولت و خاصه طرح قانون مدنی ناپلئون بر آن شد که مخالفین خودرا ازمجالس مزبور دور کند.

بطوریکه در بالا خاطر نشان گردید مطابق قانون اساسی ۱۷۹۹ اعضای مجلس تریبونا وهیئت قانونگذاری را مجلس سنا برای مدت پنج سال از بین اشخاصی که جزء لیست ملی بودند تعیین مینمود وهرسال انتخاب یك پنجم آنها بایستی تجدید شود وتجدید انتخاب قرار بود درخلال سال دهم جمهوری یعنی ۱۸۰۲ انجام یابد . هرچند درماده ۳۸ قانون اساسی مزبور طریقه تجدید انتخاب یك پنجم اعضای مجالس پیش بینی نشده بود معذلك مردم فرانسه یقین داشتند که مجلس سنا بحکم قرعه یك پنجم نمایندگان را ازمجالس خارج وبجای آنها از لیست ملی اعضای جدیدی تعیین خواهد کرد واما مجلس سنا پس ازوصول پیام دولت برخلاف انتظار افکارعمومی در جلسه مورخ ۱۸ مارس ۱۸۰۲ ازمجلس تریبونا بیست نفر وازهیئت قانونگذاری شصت نفر را که همگی ازمخالفین سرسخت دولت بودند بدون قرعه خارج نمود .

این تصمیم خلاف اصول و منطق مجلس سنا که طبق دستور ناپلئون انتخاب گردیده بود برای تسکین حسّ جاه طلبی وبلندپروازی کنسول اول کافی نبود وی با تثبیت مقام خود درداخل فرانسه وتوسعه فتوحات خویش درجنگ میخواست که اورا مادام العمر بریاست قوه مجریه انتخاب کنند واختیارات وامتیازات بیشتری برای او قائل شوند . پس ازانعقاد پیمان صلح آمین(۱) بتاریخ ۲۵ مارس ۱۸۰۲ بین فرانسه ازیك طرف وانگلستان اسپانیا وهلند ازطرف دیگر شورای دولتی پیشنهاد کرد که بعنوان قدردانی وحق شناسی از خدمات ناپلئون درجنگ وانعقاد عهدنامه صلح که جنگ را با سه دولت توانای آن زمان بنفع فرانسه خـاتمه داده وصلح وصفـا را در اروپای غربی برقرار میساخت ناپلئون مادام العمر به سمت کنسول اول انتخاب شود

س از تائید این پیشنهاد ازطرف مجلس تریبونا و هیئت قانون گذاری موضوع به
آراء عمومی ارجاع و با کثریت ۳۵۶۸۸۸۵ رأی موافق در برابر ۸۳۶۵ رأی مخالف به
تصویب رسید که نتیجتاً مجلس سنا بموجب تصویبنامه (۱) مورخ ۲ اوت ۱۸۰۲ ناپلئون
را کنسول مادام العمر اعلام نمود .

واما آراء متجاوز از سه ملیون و نیم فرانسوی دائر به مادام الحیوة بودن مقام
کنسول اول نتوانست موجبات رضایت ناپلئون را فراهم سازد . وی مصمم بود که
تجدید نظری درقانون اساسی سال هشتم بعمل آورده اختیارات بیشتری تحصیل کند
برای تأمین این منظور ناپلئون طرح قانون اساسی جدید فرانسه را تنظیم و برای
رسیدگی به شورای دولتی ارسال داشت و شورای مزبور طرح پیشنهادی کنسول اول
را پس ازمذاکره خیلی مختصر قبول کرد سپس مجلس سنا طرح مزبور را در جلسه
۴ اوت ۱۸۰۲ تصویب نمود و همین طرح بدون ارجاع به رفراندوم بموقع اجرا
گذارده شد .

مبحث دوم

مجامع انتخاباتی

قانون اساسی ۱۸۰۲ سه نوع مجامع انتخاباتی منظور داشته بود که عبارت بود
از مجمع ناحیه (۲) هیئت رأی دهندگان بخش (۳) و هیئت رأی دهندگان شهرستان (۴).
مجمع ناحیه‌ای را کلیه ساکنین محل که واجد شرایط قانونی بودند تشکیل میدادند.
رئیس مجمع ناحیه‌ای را کنسول اول برای مدت پنج سال انتخاب میکرد و دو نفر از مسن ترین
و دو نفر هم از جوانترین رأی دهندگان برای نظارت در انتخابات تعیین میشدند. از نظر
تسهیل در انجام وظائف محوله مجمع ناحیه‌ای به مجامع فرعی تقسیم میشد . کنسول
اول از بین دو نفر که مجمع ناحیه‌ای پیشنهاد میکرد یکی را بسمت امین صلح تعیین

---

۱ Senatus consulte — ۲ Assemblée de canton
۳ — Collège électoral d' arrondissement
۴ — Collège électoral de département

مینمود و بهمین ترتیب یك نفر بعنوان جانشین امین صلح انتخاب میشد . امنای صلح و جانشینان آنها برای مدت ده سال تعیین میشدند مجامع ناحیه‌ای اعضای شوراهای شهر را از بین صد نفر که بیشتر از دیگران مالیات میپرداختند تعیین میکردند و هر ده سال نصف اعضای شوراهای شهر تجدید میشد. شهردار ومعاونین اورا کنسول اول برای پنج سال انتخاب میکرد . تجدید انتخاب مانعی نداشت . مجمع ناحیه ای چند نفر را که قانون با درنظر گرفتن تعداد سکنه منظورداشته بود بعضویت هیئت رأی دهندگان بخش وچندنفر راهم بعضویت هیئت رأی دهندگان شهرستان انتخاب میکرد. دولت مجامع ناحیه‌ای را منعقد نموده و دورهٔ جلسات و دستور مذاکرات مجامع مزبور را معین میکرد .

هریك ازهیئت‌های رأی دهندگان بخش برای هرپانصد نفر سکنه یك عضو داشت بهر حال عدهٔ اعضای هیچیك از هیئت های مزبور نمیتوانست بیشتر از دویست و کمتر از صد و بیست نفر باشد وهیئت‌های رأی دهندگان شهرستانها برای هرهزار نفر سکنه یك عضو داشتند واین عده نبایستی بیشتر ازسیصد و کمتر ازدویست نفر باشد . اعضای هیئت‌های انتخاب کنندگان بخش و شهرستانها مادام‌العمر انجام وظیفه میکردند . چنانچه یکی ازاعضای هیئت‌های مزبورعملی خلاف‌شرافت انجام میداد یا اقدامی برعلیه مصالح کشور میکرد هیئت مربوطه بنا به تقاضای دولت و باکثریت سه‌ربع آراء میتوانست اورا ازعضویت خارج کند وهمچنین اگر یکی از اعضاء بدون عذر موجه درسه جلسه متوالی حاضر نمیشد از او نیز سلب عضویت میشد . کنسول اول رؤسای هیئتهای رأی دهندگان بخش وشهرستانهارا تعیین میکرد. در هریك از بخش‌ها ازششصد نفر مؤدی که بیشتر از مؤدیان دیگر مالیات مستقیم میپرداختند صورت برداری میشد وهیئت رأی دهندگان بخش از بین اشخاص مزبور عدهٔ مقرر درقانون را به‌عضویت هیئت شهرستان انتخاب میکرد و ضمناً کنسول اول حق داشت ده نفر از بین اشخاصی که دارای نشان افتخار (۱) بوده یا خدمات شایانی بملت فرانسه انجام داده بودند به‌عضویت هریك از هیئتهای بخش تعیین کند

---
۱ – Légion d'honneur

بعلاوه کنسول اول حق داشت به صلاحدید خود بیست نفر را به عضویت هریك از هیئتهای شهرستان انتخاب کند و از این بیست نفر ده نفر بایستی از مؤدیانی که بیشتر از دیگران مالیات مستقیم میپرداختند بوده و ده نفر هم از بین دارندگان نشان افتخار یا اشخاصی که خدمات قابل توجهی بملت فرانسه کرده بودند انتخاب شده باشند .

هریك از هیئتهای ولایتی دو نفر را برای هر کرسی خالی در شورای شهرستان پیشنهاد میکرد و کنسول اول از بین آنها یك نفر را به عضویت شورای مزبور تعیین مینمود . اعضای شوراهای شهرستان برای پانزده سال انتخاب میشدند و هر پنج سال یك ثلث آنها تجدید میشد . هریك از هیئتهای رأی دهندگان شهرستان دو نفر را بعضویت مجلس تریبونا دو نفر دیگر را به عضویت هیئت قانون گذاری و دو نفر را هم بنمایندگی مجلس سنا پیشنهاد میکرد و از بین این اشخاص نمایندگان مجالس مزبور یعنی تریبونا و هیئت قانونگذاری و سنا تعیین میشدند . در صورت عدم رعایت قوانین و سایر مقررات دولت حق داشت هیئتهای رأی دهندگان را منحل و دستور تجدید انتخابات هیئتهای مزبور را صادر کند .

مبحث سوم

کنسولها

بموجب قانون اساسی ۱۸۰۲ وظائف قوه مجریه به سه نفر کنسول تفویض شده بود . کنسولها مادام العمر انجام وظیفه میکردند . کنسولها نمایندگی مجلس سنا را داشته ریاست مجلس مزبور را نیز عهده دار بودند . چون ناپلئون دو روز قبل از تصویب قانون اساسی سال دهم جمهوری بموجب تصویبنامه مورخ ۲ اوت ۱۸۰۲ مجلس سنا مادام العمر بسمت کنسول اول انتخاب شده بود از اینجهت قانون اساسی مزبور به بیان طریقهٔ انتخاب کنسول دوم و سوم اکتفا کرده مقرر میداشت که در صورت بلاتصدی بودن یکی از این دو مقام کنسول اول یك نفر را برای احراز آن مقام به مجلس سنا پیشنهاد خواهد کرد و در صورت مخالفت سنا باشخص پیشنهاد شده کنسول اول بایستی شخص دیگری را پیشنهاد کند و چنانچه این دفعه هم کاندیدای پیشنهاد

شده از طرف ناپلئون بامخالفت سنا مواجه میشد دراین صورت نامبرده برای دفعه سوم شخص ثالثی را معرفی میکرد و این دفعه مجلس سنا موظف بود فرمان انتصاب او را بسمت کنسول صادر کند.

کنسول اول میتوانست به تشخیص و صلاح دید خود یك نفر را بعنوان جانشین خود در نظر گرفته انتصاب اورا از سنا خواستار شود وهمچنین کنسول اول مجاز بود بموجب وصیتنامه یك نفررا به قائم مقامی خود تعیین کند و چنانچه چنین شخصی مورد قبول سنا واقع نمیگردید هریك از کنسولهای دوم وسوم شخص دیگری را به سنا معرفی میکردند ودرصورت عدم موافقت باشخاص پیشنهادشده اشخاص دیگری پیشنهاد میشدند ومجلس سنا ناچار یکی از آنها را بسمت جانشین کنسول اول تعیین وفرمان اورا صادر میکرد. چنانچه کنسول اول قبل از فوت جانشین خودرا به مجلس سنا پیشنهاد نکرده ویا بموجب وصیتنامه هیچ کس را به قائم مقامی خود تعیین نمینمود درهریك ازاین دومورد مجلس سنا بنا به پیشنهاد کنسول دوم وسوم یك نفررا بسمت کنسول اول انتخاب میکرد و تمام این تشریفات بایستی درظرف ۲٤ ساعت پس از فوت کنسول اول انجام یابد.

اهم وظائف کنسول اول بشرح زیر بود:

۱ ـ کنسول اول حق پیشنهاد لوایح قانونی راداشت.

۲ـ کنسول اول وزراء ومأمورین عالیمقام کشوری و نظامی را عزل و نصب مینمود.

۳ ـ فرماندهی قوای بری و بحری با کنسول اول بود.

٤ ـ کنسول اول پس ازطرح موضوع درشورای خصوصی(۱) قراردادهای بین المللی منجمله عهدنامه‌های صلح واتحاد نظامی را منعقد وتصویب مینمود.

۵ ـ کنسول اول بنا به پیشنهاد هیئت‌های ولایتی اعضای شوراهای شهرستان را انتخاب میکرد.

٦ ـ کنسول اول حق داشت بدون پیشنهاد هیئت‌های رأی دهندگان یك عده را از

۱ Conseil privé

ی اهل علم وهنر واشخاصی که خدمات شایانی به فرانسه نموده بودند به عضویت
لس سنا تعیین کند بشرط اینکه براثر این انتصابات مجموع سناتورها از صد و
ت نفر تجاوز نکند .

۷ - انتصاب اعضای شورای خصوصی با کنسول اول بود فقط کنسول دوم و
م بواسطه مقام خود درشورای خصوصی عضویت داشتند .

۸- کنسول اول با جلب نظر مشورتی شورای خصوصی میتوانست محکومین
اسی وغیر سیاسی را مورد عفو قراردهد یا تخفیفی درمجازات آنها قائل شود .

مبحث چهارم

شورای خصوصی - شورای دولتی - تریبونا - هیئت قانونگذاری - دیوان کشور

اهم وظائف مجلس سنا بشرح زیر بود :

۱ - مجلس سنا مسائلی را که در قانون اساسی پیش بینی نشده ولی برای
رای آن کمال ضرورت را داشت حل وفصل مینمود .

۲ - مجلس سنا قانون اساسی را تفسیر میکرد .

۳ - حق انحلال مجلس تریبونا وهیئت قانونگذاری با مجلس سنا بود .

٤ - مجلس سنا احکام محاکم را که از لحاظ امنیت کشور زیان آور بود
ض میکرد .

٥ - مجلس سنا مقررات لازم‌الاجرائی برای مستعمرات فرانسه وضع مینمود .

٦ - مجلس سنا در تمام خاک فرانسه یابعضی نقاط آن حکومت نظامی برقرار
کرد .

۷ - مجلس سنا درصورت لزوم هیئت منصفه را در بعضی ولایات منحل میکرد.
تمام این تصمیمات را مجلس سنا بنا به پیشنهاد دولت یعنی کنسول اول اتخاذ
کرد . بطور کلی تصمیمات مجلس سنا باکثریت عادی آراء یعنی نصف بعلاوه یك
ء حاضردرجلسه اتخاذمیگردید مگردرمورد تکمیل وتفسیرقانون اساسی ووضع
رات برای مستعمرات که مستلزم موافقت دو ثلث سناتورها بود . طرح مصوبات

مجلس سنا قبلادرشورای خصوصی مرکب از سه نفر کنسول دو نفرازوزراء دوسناتور دو نفر عضو شورای دولتی ودو نفرهم که دارای نشان درجه‌اول افتخار بودند مورد شور قرار میگرفت .

سناتور ها از رسیدن به پارهٔ مقامـات عالی و قبول مأموریت موقت ممنوع نبودند . وزارت بـا عضویت‌مجلس‌سنا مانعة‌الجمع نبود و وزرائیکه سناتور نبودند میتوانستند بدون حق رأی درجلسات مجلس سنا شرکت کنند .

عده اعضای شورای دولتی بالغ بر پنجاه نفر بود. وزراء با حق‌رأی درجلسات شورای دولتی شرکت مینمودند . اعضای شورای دولتی‌را کنسول اول‌تعیین‌میکرد. ریاست شورای دولتی با وزیر دادگستری بود . شورای دولتی طبق دستور دولت لوایح قانونی تهیه کرده و بوسیله نمایندگان خود ازلوایح پیشنهادی‌خویش درهیئت قانونگذاری دفاع مینمود . علاوه برتهیه لوایح قانونی شورای دولتی نظامنامه های اجرای قوانین مصوب را تنظیم و بدولت پیشنهـاد میکرد و همچنین شورای دولتی بعنوان‌محکمه‌عالی اداری به‌شکایات‌مردم‌ازادارات‌دولتی رسیدگی کرده احکام‌قطعی صادر مینمود .

پارلمان دارای دومجلس بود که یکی تریبونا و دیگری هیئت قانونگذاری نامیده میشد .

ماده ۷۶ قانون اساسی ۱۸۰۲ مقرر میداشت که از ۱۸۰۵ ببعد (سال سیزدهم جمهوری) مجلس تریبونا دارای پنجاه‌نفر عضو خواهدبود وهر سه‌سال انتخاب‌نصف این عده تجدید خواهد شد. مجلس تریبونا به‌چند شعبه تقسیم‌میشد . مجـلس مزبور لوایح پیشنهادی دولت را مورد شور قرار داده آنرا تصویب یارد مینمود سپس چند نفر ازاعضای خودرامأمورمیکرد که درجلسه‌هیئت قانونگذاری حضور بهمرسانیده دلایل مخالفت یاموافقت‌خودرا بالوایح‌پیشنهادی دولت باستحضار آن‌مجلس‌برسانند.

عدهٔ نمایندگان ولایات درهیئت قانونگذاری بسته به‌تعداد جمعیت‌آنها بود .

هیئت قانونگـذاری پس از استمـاع دلایل نمایندگان مجلس تریبونا لوایح مصوب مجلس مزبور را رد یا تصویب مینمود . انعقـاد تعطیل وتمدید دوره اجلاسیه هیئت

انو نگذاری بادولت بود درصورتی که انحلال مجلس مزبور بموجب تصویبنامه مجلس
بنا بعمل میآمد .

دررأس تشکیلات قضائی دیوان عالی تمیز قرار گرفته بود . مستشاران دیوان
بور را مجلس سنا بنا به پیشنهاد کنسول مادام العمر تعیین میکرد . ریاست کل دیوان
الی تمیز با وزیر دادگستری بود بعلاوه دولت مجاز بود ریاست محاکم استیناف را
ز به وزیر دادگستری که قاضی اعظم نامیده میشد واگذار کند .

فصل هفتم

قانون اساسی ۱۸۰۴ (سال دوازدهم جمهوری)

مبحث اول

تفویض مقام امپراطوری به ناپلئون بناپارت

تصویب قانون اساسی جدید

درماه مارس ۱۸۰۴ چند نفر ازهواخواهان خاندان بوربون (۱) که در ر
آنها ژورژ کادودال (۲) نامی قرار گرفته بود توطئه برعلیه ناپلئون نمودند . هر
این توطئه بلااثر مانده و ژورژ کادودال و مسببین دیگر محاکمه واعدام‌شدند و
اطرافیان کنسول‌اول این‌سوء قصدرا مورداستفاده سیاسی قرارداده بوسیله فرماندار
وفرماندهان ارتش‌وقضات ومستخدمین ادارات وهیئت‌های انتخاباتی ودستجات د
به‌ناپلئون تبریك و تهنیت گفته از او درخواست کردند که بمنظور استقرار ام
وجلوگیری ازعملیات تروریستی مقام امپراطوری را قبول نموده وآنرا درخا
خود موروثی کند . مجلس سنا نیز در اواخر ماه مارس بنا به پیشنهاد فوشه (
معروضه‌ای به کنسول اول تقدیم وازاوتقاضا نمود که عنوان امپراطوری را بپذیر
و بدین‌وسیله خدمت بزرك دیگری بملت فرانسه انجام دهد .

پس‌از دریافت معروضهٔ مجلس سنا ناپلئون شورای دولتی را منعقد کر
پیشنهاد مجلس سنا را مورد مطالعه قرارداده ونظر خودرا اعلام کند . درجلسه
آوریل ۱۸۰۴ مجلس تریبونا نیز یکی‌از نمایندگان پیشنهاد کرد که مقام امپراطو
به‌ناپلئون تفویض گردد . موضوع جهت مطالعه به کمیسیون‌مخصوصی‌ارجاع کرد
واین کمیسیون تقاضای مذکوررا تائید وبه‌مجلس تریبوناپیشنهاد کرد که ناپلئون

۱- Bourbon

۲- Georges Cadoudal

۳- Fouché

امپراطور فرانسه اعلام نموده واین عنوان را قابل انتقال به وراث ذکوروی بداند.
مجلس تریبونادر جلسه سوم ماه مه ۱۸۰٤ گزارش کمیسیون مخصوص رامبنی بر تفویض مقام امپراطوری به شخص ناپلئون ووراث ذکوراو تصویب نمود و چون هیئت تقنینیه در حال تعطیل بود ازاین رو نمایندگان حاضردرپاریس احضارو حضوراً رأی مجلس تریبونا را تأیید نمودند. واما پیشنهاد نمایندگان مجلس سنا وتصمیم مجلس تریبونا وموافقت عده‌ای ازاعضای هیئت تقنینیه که در آنموقع درپاریس حضورداشتند برای ارتقاء کنسول اول بمقام امپراطوری کافی بنظرنمیرسید بلکه لازم بود که‌مجلس سنا با صدور تصویبنامه این اقدام را تسجیل کند. اینك مجلس مزبور درجلسه مورخ ۱۸ ماه مه ۱۸۰٤ پس‌ازاستماع گزارش کمیسیون مخصوصی که برای رسیدگی باین موضوع تشکیل یافته بود تصویبنامه‌ای(۱) دایربرتفویض مقام‌امپراطوری به‌ناپلئون وجانشینان اوصادر نمود سپس‌سناتورها دسته‌جمعی در قصرسن کلوحضور بهم‌رسانیده تصمیم سنا را به نامبرده اطلاع دادند. بنابه‌تقاضای ناپلئون تصویبنامه مجلس سنا بآراء عمومی ارجاع و با ۳۵۷۲۳۲۹ رأی موافق درمقابل فقط ۲۵٦۹ مخالف تأیید گردید ودر ٦ ماه نوامبر ۱۸۰٤ مجلس سنا نتیجه آراء عمومی را اعلام نمود.

مبحث دوم

ولایتعهد - نیابت سلطنت - قیمومت امپراطور صغیر

قانون اساسی ۱۸ ماه مه ۱۸۰٤ (سال دوازدهم جمهوری) دارای ۱٤۲ ماده است که قسمت اعظم آن مربوط به ولایتعهد نیابت سلطنت افراد خانواده سلطنتی شخصیتهای برجسته وافسران ارشد ومسائل مشابه میباشد. ماده اول مقرر میداشت:

«حکومت جمهوری به یکنفر امپراطور تفویض میشود که دارای عنوان امپراطور فرانسویها میباشد. قضاوت بنام امپراطور بعمل میآید».

ماده دوم قانون اساسی ۱۸۰٤ ناپلئون بوناپارت کنسول اول را امپراطور اعلام می‌نمود. **بموجب مواد ۳ الی ۸** قانون اساسی‌موردبحث ولایتعهد بااعقاب ذکور ناپلئون بود.

(۱) Senatus - consulte organique

زنان ومردانیکه قرابت آنهاباناپلئون بوسیله زنان بوده از حق نیل بولایتعهد ورسیدن بمقام امپراطوری محروم بودند. درصورت نداشتن اولاد ذکور، ناپلئون می‌توانست پسران و نوه‌های پسری برادران خودرابفرزندی انتخاب کند که در نتیجه آنها مانند اعقاب طبیعی و قانونی ناپلئون حق رسیدن به ولیعهدی را دارا میشدند واگرناپلئون بعدازپذیرفتن اولاد برادران خودبفرزندی دارای اولاد ذکورقانونی میشددراینصورت‌اولادمزبوراز نظر نیل به‌ولایتعهدبراولادخوانده‌مقدم‌شناخته‌میشدند چنانچه ناپلئون‌فاقد اولادطبیعی قانونی واولادخوانده بود ولایتعهد حتماً به‌برادروی ژزف‌بوناپارت(۱) واعقاب ذکوراو تفویض‌میشد و درصورت فوت‌ژوزف‌بوناپارت یا امتناع او از قبول مقام امپراطوری یا بالاخره فقدان اولاد ذکور وی ولایتعهد به‌برادر کوچکتر ناپلئون لوئی‌بوناپارت(۲) واولاد ذکوراومیرسید. درصورتیکه ناپلئون و برادران او فاقد اولاد ذکور بودند مجلس سنا یکنفررا به‌مقام امپراطوری انتخاب میکرد و تا انتخاب امپراطورجدید انجام‌وظایف وی باهیئت‌وزیران بود.

اعضای ذکور خاندان سلطنتی که حق نیل بولایتعهد را داشتند در سن ۱۸ سالگی در مجلس سنا و شورای دولتی عضویت پیدا میکردند. ریاست خاندان امپراطوری با ناپلئون بود و مشارالیه بموجب فرمان روابط خود را با اقوام خود معین‌میکرد. افراد خاندان‌امپراطوری‌بدون‌اجازه ناپلئون‌مجاز نبودندازدواج کنند برادران ناپلئون و پسران قانونی او از خزانه دولت مستمری دریافت میداشتند.

درصورت فوت امپراطوروليعهد وقتی میتوانست شخصاً‌مملکت را اداره کند که دارای ۱۸ سال بود واگر باین سن نرسیده بود یکنفر بعنوان نایب‌السلطنه از طرف و ازطرف امپراطور صغیر مملکت را اداره میکرد. نایب‌السلطنه بایستی ۲۵ سال عمرداشته‌باشد. زنان از حق‌نیابت سلطنت محروم بودند. نایب‌السلطنه را امپراطور ازبین نزدیکترین اقوام ذکور خود تعیین میکرد و درصورت فقدان اقوام ذکور نایب‌السلطنه از بین شخصیتهای برجسته (۳) انتخاب میشد. درصورت عدم انتخاب نایب‌السلطنه ازطرف امپراطور مجلس سنا یکنفر را از افراد ذکور خاندان امپراطوری به‌نیابت سلطنت تعیین میکردو چنانچه‌درخانواده سلطنتی کسی که‌دارای

۱- Joseph Bonaparte

۲- Louis Bonaparte

۳- Titulaires de grandes dignités de l'Empire

۲۵ سال عمر بوده باشد پیدا نمی‌شد دراین‌مورد مجلس سنا از بین شخصیتهای برجسته امپراطوری یکنفر را بعنوان نایب‌السلطنه انتخاب مینمود . در دوره نیابت سلطنت وسه‌سال بعدازرسیدن امپراطورصغیر به سن بلوغ مجلس سنانمیتوانست باتصویبنامه قانون اساسی را تغییر دهد .

برطبق ماده ۲٤ قانون اساسی نایب‌السلطنه بطورکلی تمام وظائف امپراطور صغیررا انجام میداد ولی ازحق عزل وزیرداد گستری ووزیر امورخارجه و انتصاب سناتورهای جدید و پارهٔ شخصیتهای دیگرممنوع بود . نایب‌السلطنه بنام امپراطور صغیر وازطرف او مملکت را اداره میکرد و مسئول عملیات و اقدامات خود نبود . نایب‌السلطنه موظف بودکلیه لوایح قانونی و نظامنامه‌های اجرای قوانین را قبلا درشورای نیابت سلطنت که مرکب از شخصیتهای برجسته بود طرح کند ولی نظر شورای مزبور دراین‌مورد جنبه مشورتی داشته برای نایب‌السلطنه لازم‌الاجرا نبود اما اعلان جنگ وانعقاد قراردادصلح وقراردادهای اتحادنظامی وبازرگانی مستلزم موافقت نصف بعلاوه یك از اعضای شورای نیابت سلطنت بود و درصورت تساوی آراء موافق و مخالف نایب‌السلطنه اختلاف موجوده بین اعضای شورای مزبور را حل‌وتصمیم قطعی‌اتخاذ مینمود . مقرری‌نایب‌السلطنه بالغ برربع مقرری پادشاه بود.

قیمومت امپراطورصغیر بامادرش‌بود وچنانچه ولیعهد فاقد مادر بود امپراطور یك‌نفررا به قیمومت جانشین صغیرخود تعیین میکرد . درصورت فوت مادرامپراطور صغیروعدم‌انتخاب قیم ازطرف امپراطورمتوفی‌مجلس سنایکنفررا از بین شخصیتهای برجسته به‌قیمومت تعیین مینمود بهرحال سنا حق نداشت نایب‌السلطنه و اعقاب او وهمچنین زنان را به قیمومت امپراطور نابالغ انتخاب کند .

بحث سوم

سنا - شورای دولتی - هیئت تقنینیه - مجلس تریبونا

یکی از ارکان مهم دستگاه دولتی مجلس سنا بود که از دستجات ذیل تشکیل میشد :

۱- افراد ذکورخاندان سلطنتی .

۲- شخصیتهای برجسته امپراطوری .

۳- بیست و چهار نفر که امپراطور از بین اعضای هیئت های ولایتی تعیین میکرد .

٤- اشخاصیکه امپراطور به تشخیص و صلاحدید خود به سناتوری انتخاب می نمود .

امپراطور از بین اعضای مجلس سنا یکنفر را برای مدت یکسال بریاست مجلس مزبور تعیین میکرد . مجلس سنا دارای دو کمیسیون دائمی بود که یکی کمیسیون آزادی شخصی و دیگری کمیسیون آزادی مطبوعات نامیده میشد . هریك از این دو کمیسیون هفت نفرعضوداشت که مجلس سنا از بین اعضای خود انتخاب میکرد . وظائف کمیسیونهای مزبور بشرح ذیل بود :

اشخاصیکه از طرف مقامات انتظامی دستگیر شده و درظرف مدت ده روز از تاریخ توقیف برای محاکمه بمقامات قضائی تسلیم نمیشدند میتوانستند شخصا یا بوسیله وکلاء و اقوام خود به کمیسیون آزادی شخصی مجلس سنا شکایت کنند کمیسیون موضوع را به وزیری که حکم بازداشت شاکی را صادر نموده بود اطلاع میداد. چنانچه بازداشت شدگان درظرف ده روز برای محاکمه به مقامات قضائی تسلیم نمیشدند وزراء ملزم بودند موضوع را باستحضار کمیسیون برسانند و اگر بنظر کمیسیون مصالح کشور ادامه توقیف را ایجاب نمی کرد دراینصورت کمیسیون از وزیر طرف شکایت درخواست میکرد که محبوس را آزاد کند یا او را تسلیم دادگستری نماید . درصورت عدم انجام این تقاضا مجلس سنا بنابه پیشنهاد کمیسیون آزادی شخصی، وزیری را که از انجام تقاضای موجه کمیسیون استنکاف می ورزید باتهام بازداشت غیر قانونی مورد تعقیب قرار میداد .

علاوه بر کمیسیون آزادی فردی یك کمیسیون مخصوص دیگری هم بنام کمیسیون آزادی مطبوعات وجود داشت بشرح اینکه مؤلفین، صاحبان چاپخانهها و کتابفروشیها و مدیران جراید حق داشتند از موانعی که مقامات دولتی در چاپ وانتشار کتب ومجلات وروزنامهها وغیره ایجادمیکردند بکمیسیون آزادی مطبوعات عارض شوند . چنانچه به تشخیص کمیسیون موانع موردتظلم را مصالح کشور ایجاب نمی نمود ازوزیر طرف شکایت درخواست میشد که اقدام غیرقانونی خودرا لغو کند واگروزیرازانجام چنین تقاضائی خودداری میکرددراینصورت مجلس سنا بنابه پیشنهاد

کمیسیون مطبوعات قرار تعقیب آن وزیر را صادر می‌نمود. این دو کمیسیون مانند ایر مقامات رسمی دورهٔ ناپلئون جنبه تشریفاتی داشته و دائماً و همیشه اقدامات عملیات خلاف قانون ناپلئون و وزراء او را تسجیل میکردند و اما وظیفه اساسی جلس سنا همانا تشخیص مطابقت قوانین مصوب هیئت تقنینیه با قانون اساسی بود دین‌معنی که قوانین بلافاصله پس‌از تصویب به‌مجلس سنا فرستاده میشد و مجلس ربور حق داشت درظرف مدت ٦ روز از تاریخ تصویب قانون آنرا بعلت مباینت اقانون اساسی غیرقابل‌اجراء اعلام کند سپس تصمیم مجلس سنا باستحضار امپراطور برسید و وی پس‌از استعلام نظر مشورتی شورای دولتی رأی سنا را تأیید نموده اجرای قانون مصوب هیئت تقنینیه خودداری میکرد یا نظر سنارا رد نموده قانون صوب را بموقع اجراء میگذاشت.

یکی دیگر از ارکان دستگاه دولتی شورای دولتی بشمار میرفت. ورای دولتی موظف بود لوایح قانونی و نظامنامه‌های اجرای قوانین مصوب (۱) را یه کند علاوه براین شورای دولتی بعنوان محکمه عالی اداری بشکایات مردم ادارات دولتی رسیدگی میکرد. برای رسمیت جلسات شورای دولتی که اختصاص تهیه لوایح قانونی و تنظیم نظامنامه‌های اجرای قوانین داشت حضور دو ثلث اعضاء روری بود و برای سایر امور اکثریت عادی کافی بود. شورای دولتی بشش شعبه انین و امور داخلی وامور مالی و امور نظام و امور بحریه نظامی و امور تجارتی سیم میشد. وزراء بواسطه مقام خود درشورای دولتی عضویت داشتند.

در تکمیل مواد ۷۵ و ۷٦ و ۷۷ قانون اساسی سال دوازدهم جمهوری ناپلئون ۲۲ ژوئیه ۱۸۰٦ فرمانی صادر نمود که بموجب آن سازمان ووظائف شورای دولتی ین‌میگردید. بااینکه شورای‌دولتی درزمان‌ناپلئون جنبه‌مشورتی داشته و تصمیمات ن برای دولت لازم‌الاجرا نبود معذلك ناپلئون بشورای مزبور علاقه واعتماد زیاد شته وقبل‌ازاینکه تصمیمی در امور مهم مملکتی اتخاذ کند نظر شورای مزبوررا خواست وبراثر همین اعتماد واطمینان بود که شورای دولتی درتدوین قانون مدنی نون جزاء قانون تجارت و اصول محاکمات نقش‌مهمی ایفاءنمود.

هیئت تقنینیه دو نوع جلسه داشت که یکی رسمی و دیگری خصوصی بود.

۱- Règlement d'administration publique

درجلسه‌رسمی، هیئت تقنینیه پس‌ازاستماع نمایندگان شورای دولتی ومجلس تریبو بدون شور ومذاکره بلایحه قانونی رأی مخالف یا موافق میداد . و اما بنابتقاضا پنجاه نفر عضو هیئت قانونگذاری یا نمایندگان شورای دولتی و یا بالاخره طبق تصمیم رئیس هیئت برای شور ومذاکره جلسه خصوصی تشکیل میشد . مذاکرات جلسه خصوصی قابل انتشار نبود .

اعضای مجلس تریبونا برای مدت ۱۰سال انتخاب میشدند وهرپنج سال انتخاب نصف آنها تجدید میشد . مجلس تریبونا سه نفر را برای مخفی و باکثریت آرا درنظرگرفته و بامپراطور پیشنهاد میکرد و مشارالیه از بین آنها یکنفر را برای مدت دو سال بریاست مجلس تریبونا تعیین مینمود . تریبونا به سه شعبه (قوانین امورداخلی وامورمالی) تقسیم میشد . رسیدگی بلوایح قانونی درشعب سه‌گانه بعمل میآمد ومجمع عمومی مجلس تریبونا ازرسیدگی بلوایح ممنوع بود .

برای‌محاکمه‌افرادخاندان سلطنتی وشخصیت‌های‌برجسته ووزراء وسناتورها واعضای شورای دولتی وافسران ارشد دادگاهی بنام دادگاه عالی امپراطوری (۱) دائربود . بعلاوه دادگاه مزبوراشخاصی‌را که متهم به‌توطئه برعلیه شخص امپراطور وولیعهد بودند و همچنین مجرمین سیاسی و مأمورین عالیمقام نظامی و کشوری را محاکمه میکرد . دادرسان دیوان عالی امپراطوری عبارت بودند ازشاهزادگان شخصیتهای‌برجسته امپراطوری، وزیر دادگستری و عده‌ای از سناتورها و اعضای شورای‌دولتی ومستشاران‌دیوان کشور. سناتورهااعضای شورای دولتی ومستشاران دیوان کشوربترتیب سابقه خدمت درداد‌گاه‌عالی‌امپراطوری عضویت پیدامیکردند علاوه بردادستان که امپراطورانتخاب‌مینمود دادگاه‌شش‌نفر دادیار داشت که سه‌نفر را امپراطور وسه‌نفر دیگر راهیئت تقنینیه بنابه‌پیشنهادمجلس‌تریبونا تعیین‌میکرد ریاست دادگاه با مهردار اعظم(۲) بود . جلسات دادگاه باحضورشصت نفردادرس تشکیل میگردید . جلسات دادگاه اصولا علنی بود . هر چند احکام دادگاه قطعی و غیرقابل تجدید نظر بود معذلك برای اجرای احکامی که متضمن مجازات بدنی یا رسوا کننده بود موافقت امپراطورضرورت داشت .

۱- Haute Cour impériale

۲- Archi – chancelier de l'Empire

پس از تصویب قانون اساسی سال دوازدهم جمهوری چند تصویبنامه از مجلس
ا گذشت که اهم آنها از اینقرار است :

۱ـ تصویبنامهٔ مورخ نوزدهم اوت ۱۸۰۷ کـه بموجب آن مجلس تریبونا
حل گردید .

۲ـ تصویبنامهٔ مورخ ۱۲ اکتبر ۱۸۰۷ که برطبق آن مقرر گردید قضاتی که
آنتاریخ مادام‌العمر انتخاب میشدند برای مدت معینی تعیین گردند .

۳ـ تصویبنامه مورخ ۵ فوریه ۱۸۱۳ کـه برطبق آن مجلس سنا حق نیابت
طنت را برای زن امپراطور قائل شد .

٤ـ تصویبنامهٔ مورخ ۱۵ نوامبر ۱۸۱۳ که مطابق آن ماده ۸ قانون اساسی
۱۸۰ مورد تجدیدنظر قرار گرفته و حق انتخاب رئیس هیئت تقنینیه به امپراطور
ویض گردید .

قسمت دوم

تشکیلات سیاسی فرانسه از سال ۱۸۱٤ تا ۱۸۷۰

فصل اول

قانون اساسی مصوب ٤ ژوئن ۱۸۱٤

مبحث اول

سقوط ناپلئون - بازگشت خاندان بوربون - قانون اساسی جدید

پس از اشغال پاریس از طرف ارتش متفقین مجلس سنا در اول ماه آوریل ۱۸۱٤ بریاست تالیران (۱) تشکیل جلسه داده یك حکومت موقت مرکب از تالیران مارشال برنونویل (۲) مارشال پیرمونتسکیو (۳) ژوکور (٤) دالبرگ (۵) که یکی از رجال نامی آنزمان بشمار میرفت. و شارل موریس (٦) وزیر امور خارجه دوره مدیره و کنسولی و امپراطوری تشکیل داده و در سوم آوریل ناپلئون را از مقام امپراطوری منفصل و در همان جلسه بنا به پیشنهاد تالیران بازگشت خاندان بوربون را تصویب نمود. نظر به اهمیت موضوع انفصال ناپلئون از مقام امپراطوری و انتقال تاج و تخت فرانسه به لوئی هیجدهم بدرج تصویبنامه مزبور مبادرت میشود. مفاد تصویبنامه بشرح زیر است.

نظر باینکه در سلطنت مشروطه وجود پادشاه متکی به قانون اساسی یا قرارداد اجتماعی است.

---

۱ - Talleyrand
۲ - Maréchal Beurnonville
۳ - Maréchal Pierre de Montesquieu
٤ - Jaucourt
۵ - Dalberg
٦ - Charles Maurice

نظر باینکه ناپلئون بوناپارت درایام زمامداری متین و عاقلانه خود ملت را
وار ساخته بود که در آتیه انتظار اقدامات حکیمانه وعادلانه‌ای ازاوداشته باشد
سپس پیمانی که اورا بامردم فرانسه بهم می‌پیوست بخصوص با برقراری مالیاتها
ارض مخالف قانون وسوگندی که هنگام جلوس برتخت سلطنت یاد کرده بود
ال شد .

نظر باینکه با عدم تشکیل جلسات هیئت قانونگذاری و انکار عنوان و سهم
ت مزبور درنمایندگی ملی به حقوق ملت سوء قصد نمود .

نظر باینکه برخلاف ماده ۵۰ قانون اساسی مورخ ۲۲ فریمر (۱) سال هشتم
مقرر میدارد اعلان جنگ باید به‌صورت لایحه قانونی بقوه مقننه پیشنهاد و پس از
العه تصویب واجرا گردد به یك سلسله جنگ اقدام نمود .

نظر باینکه برخلاف مقررات قانون اساسی چندین فرمان اعدام صادر نمود
وجب دوفقره‌فرمان مورخ ۵ مارس گذشته جنگی‌را که‌برای برآوردن جاه‌طلبی
ندپروازی او برپا شده بود ملی میشناخت .

نظر باینکه با فرامین خود درباره زندانهای دولتی قوانین اساسی را نقض
ده است .

نظر باینکه مسئولیت وزیران را از بین برده و کلیه اقتدارات را درهم نموده
ستقلال هیئت قضات را نابود ساخته است .

نظر باینکه آزادی مطبوعات را که یکی از حقوق مسلم ملت بشمار میرود
تحت سانسور مستبدانه نظمیه خودقرارداده ودرعین زمان ازمطبوعات بمنظور
اکاذیب و مطالب موهن برای دول خارجی استفاده نموده و در انتشار اسناد
ارشهائی که درسنا قرائت شده تحریفاتی بعمل آورده است .

چون بجای آنکه طبق سوگندخودفقط بنفع سعادت وعظمت‌فرانسه حکومت
ناپلئون ازمذاکره صلح تحت شرایطی که منافع ملی قبول آنرا لازم میدانست
رافت فرانسه لطمه وارد نمیآورد امتناع ورزیده و بدینطریق فلاکت وبدبختی
را بحد اعلی رسانده است .

چون ازکلیه وسائل‌اعم از افراد و وجوهی که دراختیاراو گذاشته شده بود

۱ – frimaire ماه سوم تقویم جمهوری (از ۲۱ نوامبر تا ۲۰ دسامبر) .

سوء استفاده نموده وزخمی‌ها را بدون مداوا و کمك و تغذیه ترك کرده و اقدا
بعمل آورده که نتیجه آن تخریب شهرها و تقلیل سکنه دهستانها و بروز قحطی و شیو
امراض مسری بوده است .

چون بعلل مذکور دولت امپراطوری که بموجب تصویبنامه مورخ ۲۸ فلوریال(۱)
سال دهم ایجاد شده بود دیگر وجود ندارد و خواسته تمام فرانسویان استقرار نظ
است که نخستین نتیجه آن برقراری صلح و آشتی بین تمام دول عضو خانواده بزر
اروپا میباشد .

سنا مراتب ذیل را اعلام میدارد :

ماده اول ـ ناپلئون بوناپارت ازمقام امپراطوری منفصل وحق جانشینی افر
خانواده او نیز ملغی میگردد .

ماده دوم ـ ملت وارتش فرانسه ازسوگند وفاداری نسبت به ناپلئون بوناپار
معاف میشوند .

ماده سوم ـ این فرمان بدون تأخیر بوسیله پیام حکومت موقت فران
به تمام ولایات و سپاه‌ها فرستاده خواهد شد و در تمام محله های پایتخت منتش
خواهد گردید .

تصمیم مجلس سنا مبنی برانفصال ناپلئون از مقام امپراطوری در جلسه سو
آوریل ۱۸۱٤ به تصویب هیئت تقنینیه رسید . ناپلئون که با گارد امپراطور
در قصر فونتن بلو(۲) بسر میبرد در ٤ آوریل بنفع پسر سه ساله خود موسوم
دوك دو رایخشتادت (۳) از مقام امپراطوری استعفا کرد ولی براثر اصرار متفقین
۱۱ آوریل بدون قید و شرط کناره گیری نموده و در ۲۰ آوریل عازم جزی
الب (٤) واقع در دریای مدیترانه گردید .

و اما قبل از استعفای ناپلئون مجلس سنا يك کمیسیون هفت نفری جهت تهیه طر
قانون اساسی جدید انتخاب نمود. طرح تنظیمی کمیسیون مزبور در جلسه ٦ آوریل
باتفاق آراء بتصویب رسید و روز بعد یعنی در ۷ آوریل هیئت تقنینیه نیز هم
طرح را باتفاق آراء تصویب نمود . قرار بود طرح مصوب که قانون اساسی سنا (۵

۱ـ floréal ماه هشتم سال جمهوری (از ۲۰ آوریل تا ۱۹ مه) .

۲ـ Fontainbleau — ۳ـ Duc de Reichstadt

٤ـ Elbe — ۵ـ Constitution sénatoriale

...ه میشد به آراء عمومی ارجاع گردد ولی براثر مخالفت لوئی هیجدهم ازارجاع آراء عمومی صرفنظر شده و خودطرح از بین رفت سپس کمیسیون جدیدی مرکب ...مایندگان پادشاه و مجلس سنا و هیئت تقنینیه تشکیل گردید که طرح قانون اساسی ...ید فرانسه را تنظیم و به تصویب برساند . در ٤ ژوئن ۱۸۱٤ طرح پیشنهادی ...میسیون درجلسه مشترك مجالس باحضور پادشاه قرائت وپس از تصویب ، ازطرف ...شاه ابلاغ و بموقع اجرا گذاشته شد .

قانون اساسی جدید موسوم به منشور اساسی (۱) دارای یك مقدمه و ۷٦ ماده ...اشد . متن مقدمه ازاینقرار است :

« خداوند متعال که پس از غیبت طولانی مارا مجدداً بکشورمان خوانده وظائف ...ی بعهده ما محول فرموده است . اولین احتیاج اتباع ما صلح بود ماهم بلادرنك ...ن پرداختیم واین صلح که برای فرانسه مانند بقیه اروپا لازم بود بامضاء رسید . ...ضاع کنونی کشور احتیاج به یك قانون اساسی داشت ما آنرا وعده کرده بودیم ...کنون ابلاغ مینمائیم . با توجه باینکه درفرانسه تمام قدرت دراختیار پادشاه است ...سلاف ما اعمال آنرا با درنظر گرفتن شرایط زمانی تغییرداده بودند بدین طریق ...ای تنومند(۲) مزایائی برای رعایاقائل شده سپس لوئی مقدس(۳) و فلیپ جمیل(٤) ...وق آنها را تائید نموده وتوسعه دادند .

قوانین لوئی یازدهم وهانری دوم (٥) و شارل نهم (٦) اساس برقراری نظم ...ائی وتوسعه آن بوده است وبالاخره لوئی چهاردهم تقریباً کلیه قسمتهای ادارات ...لتی را بوسیله فرامین مختلفه با درایتی که تا آنزمان از آن بالاتر دیده نشده بود ...یم نمود . ماهم بمثال پادشاهان سلف خود از تأثیر ترقیات روزافزون و روابط ...یدی که ترقیات مزبور درجامعه ایجاد نموده و تمایلی که درنیم قرن اخیر بافکار ...ماند وتحولاتی که ازآن حاصل گردیده مستحضرهستیم وتوجه نموده‌ایم که آمال ...ع ما برای ایجاد یك قانون اساسی ناشی ازاحتیاجات حقیقی آنان میباشد ولی باقبول این ...ال احتیاط کامل بعمل آورده‌ایم که قانون مزبور لایق ما و ملتی باشد که افتخار ...فرمانروائی آنرا داریم افراد دانا وعاقلی ازمیان طبقه اول کشور به نمایندگان شورای ما

۱ – Charte constitutionnelle
۲ – Louis le Gros
۳ – Saint Louis
٤ – Philippe le Bel
٥ – Henri II
٦ – Charles IX

ملحق شده‌اند که این عمل مهم را انجام دهند در عین حال که اذعان داریم اروپای روشنفکر انتظار یك حکومت مشروطه آزادرا دارد بخاطر نیزداریم که وظیفه اولی ما نسبت بملت این است که بنفع آن حقوق و مزایای تاج و تخت خودرا محفوظ بداریم .

ما امیدواریم که در نتیجه تجربه ، ملت یقین حاصل کرده باشد که فقط قدرت عالیه است که میتواند بمؤسساتی که ایجاد مینماید نیرو و دوام و عظمتی را که خود دارد بدهد . بدینطریق زمانی که درایت سلاطین با نیات ملل تطبیق مینماید قانون اساسی دارای دوام خواهد بود ولی هنگامی که باشدت عمل واستفاده از ضعف دولت امتیازاتی کسب مینمایند آزادی عمومی مانند تاج و تخت سلطنتی درخطر خواهد بود . اصول قانون اساسی را در اخلاق فرانسوی و آثار مقدس قرون گذشته کاوش نموده و بدین لحاظ طبقه نجبا را یکی ازمبانی ملی تشخیص داده‌ایم که باید خاطرات گذشته و تجربیات را بایکدیگرمربوط ساخته وازمنه قدیم وجدید را باهم به‌پیوندد ومجلس مبعوثان را جانشین مجالس قدیمی کردیم که نسبت بمنافع ملت ابرازجدیت نموده ووفاداری واحترام خودرانیز نسبت بمقام سلطنت ظاهرنماید . باسعی درارتباط سلسله ایام که تجاوزات ناروائی آنرا ازهم گسیخته بود کلیه مصائبی را که درغیاب مابملت واردنموده بودند همانطور که آرزوداریم ازصفحه تاریخ محو گردد ازخاطر خود محو نمودیم . خوشوقت از رجعت دراین خانواده بزرك درمقابل ابراز آنهمه علاقه جزاظهار و بیان تسلی نمیتوانیم پاسخی دهیم و گرامی‌ترین ادعیه ما این است که تمام فرانسویان مانند برادر بایکدیگر زندگی نمایند و هیچ خاطره تلخی امنیتی راکه باید درتعقیب اعطاء فرمان رسمی امروز ایجادگردد متزلزل نسازد .
با اطمینان بمقاصد و اتکاء بوجدان خود درمقابل مجلس که بسخن ما گوش میدهد تعهد مینمائیم که نسبت باین قانون اساسی وفادار باشیم و درپیشگاه آنکه سلاطین و ملل را در یك ترازو می‌سنجد مجدداً سوگند یاد میکنیم کـه آنرا حفظ نمائیم .
مطابق میل خود و با اعمال آزادانه اقتدارات سلطنتی با این شرایط موافقت داشته ومنشوراساسی را ازطرف خود و همچنین ازطرف جانشینانمان ، باتباع خود برای همیشه اعطاء میداریم . »

فصل اول - (مواد ۱ تا ۱۲) قانون اساسی اعطائی درخصوص حقوق ووظائف مردم چنین مقرر میداشت :

« فرانسویان بدون توجه به عناوین و مقام درمقابل قانون مساوی هستند . تمام فرانسویها به تناسب دارائی خودمالیات وعوارض میپردازند . تمام مردم فرانسه بدون استثناء حق اشتغال بمشاغل نظامی و کشوری را دارند . آزادی شخصی فرانسویها تضمین میشود بدین معنی کـه هیچکس را نمیتوان دستگیر و بازداشت نمود مگر با رعایت شرایط قانونی ودرمواردیکه قانون پیش‌بینی میکند . هر کس مجاز است باآزادی کامل طبق قوانین مذهب خودعمل کند. بااینکه تمام مذاهب بطور مساوی مورد حمایت دولت میباشدمعذلك مذهب کاتولیك آئین دولتی شناخته میشود. مأمورین مذهب کاتولیك وسایر ادیان مسیحی از خزانه دولت حقوق میگیرند . فرانسویها با رعایت قوانین مربوطه حق دارند عقاید و نظریات خود را منتشر کنند . حق تملك اموال منقول وغیرمنقول غیرقابل نقض ومصون از تعرض و تجاوز میباشد ولی درمواردیکه منافع دولت ایجاب کند سلب مالکیت جایز است مشروط براینکه قیمت ملك مورد نظر پرداخته شود . تعقیب و مجازات اشخاص برای نظریاتی کـه قبل‌از بازگشت خانواده بوربون به فرانسه اظهار داشته‌اند و رأییکه داده‌اند ممنوع است . نظام اجباری ملغی وطریقه استخدام افراد وملاحان را قانون معین خواهد کرد» .

مبحث دوم

پادشاه و وزراء

بموجب قانون اساسی ٤ ژوئن ۱۸۱٤ اهم وظائف پادشاه بشرح زیر بود :

۱ـ ازلحاظ ریاست قوه مجریه پادشاه وزراء وسایرمامورین عالیمقام نظامی و کشوری‌را عزل و نصب مینمود. فرماندهی کل قوای زمینی ودریائی باپادشاه بود. پادشاه اعلان جنگ میداد و قرارداد صلح و اتحاد نظامی و عهدنامه‌های بازرگانی و اقامت و غیره را منعقد میساخت . پادشاه نمایندگان سیاسی و کنسولی به ممالك خارجه میفرستاد و نمایندگان ممالك مزبور را می‌پذیرفت . پادشاه حق‌داشت در تمام کشور یا یك قسمت آن حکومت نظامی اعلان کند . براثراستقرارحکومت نظامی آزادی شخصی ومسکن و مطبوعات و اجتماعات وغیره بطور موقت لغو یا محدود گردیده و اداره تمام کشور یا قسمتی ازنقاط آن به مأمورین نظامی واگذار میشد و همچنین محاکمه بعضی جرائم بدادگاههای نظامی ارجاع میشد . اعطای عناوین

اشرافی و درجات و نشان و غیره با پادشاه بود . ضرب مسکوکات با رعایت قوانین مربوطه بنام پادشاه بعمل میآمد .

۲- پادشاه دراعمال قوه مقننه شریك وسهیم بوده و باین عنوان دوره اجلاسیه مجلس مبعوثان ومجلس اعیان را افتتاح میکرد . حق تعطیل مجالس باپادشاه بود . پادشاه مجاز بود مجلس مبعوثان را منحل کند ولی ملزم بود مجلس جدید را درظرف سه ماه از تاریخ انحلال مجلس سابق منعقد سازد . حق پیشنهاد لوایح قانونی باپادشاه بود ومجالس مقننه ازاعمال این حق محروم بودند فقط قانون اساسی به هریك از مجلسین اجازه میداد که با جلب موافقت مجلس دیگر توجه پادشاه را به یك موضوع قانونی جلب واستدعا کند که راجع به آن موضوع یك لایحه قانونی تهیه و برای شور وتصویب بهمجالس ارسال دارند . پادشاه حق داشت لوایح قانونی را به تشخیص و صلاحدید خود به مجلس مبعوثان یا مجلس اعیان پیشنهاد کند باستثناء لوایح مالی که بایستی قبلا به مجلس مبعوثان فرستاده شود . حق توشیح و ابلاغ قوانین با پادشاه بود .

۳- قضاوت ناشی از پادشاه بود . پادشاه قضات را تعیین میکرد . اعمال حق عفو وتخفیف مجازات با پادشاه بود .

شخص پادشاه مقدس و ازمسئولیت مبری بود . قبل از جلوس برتخت سلطنتی پادشاه قسم یاد میکرد که قانون اساسی را حافظ وحامی بوده وبرطبق آن سلطنت کند . مخارج دستگاه پادشاهی برای تمام دوره سلطنت معین میگردید .

بطوریکه فوقاً ذکرشد عزل و نصب وزراء باپادشاه بود بدون اینکه مجالس مقننه دخالتی دراین امرداشته باشند . وزراء مجاز بودند با حفظ مقام وزارت دریکی از مجلسین عضویت داشته باشند . وزراء درمقابل مجالس مسئولیت جزائی داشتند بدین معنی که قرار تعقیب آنها را مجلس مبعوثان صادر و مجلس اعیان آنها را محاکمه میکرد .

مبحث سوم

مجالس مقننه

پارلمان دارای دو مجلس بود که یکی مجلس اعیان (۱) و دیگری مجلس

۱- Chambre des pairs

مبعوثان(۱) نامیده میشد . اعضای مجلس اعیان را پادشاه مادام‌العمر یا بطور موروثی تعیین میکرد . چون عدهٔ نمایندگان مجلس اعیان محدود نبود لذا پادشاه میتوانست یك عده را به تشخیص و صلاحدید خود بعضویت مجلس مزبور تعیین نموده بدینوسیله قیافه سیاسی آن مجلس و بالنتیجه تمام دستگاه تقنینیه را تغییر دهد . افراد خانواده سلطنتی با اجازه پادشاه که برای یك دورهٔ تقنینیه صادر میشد درسن ۲۵ سالگی حق داشتند درمذاکرات مجلس شرکت نموده ورأی دهند درصورتیکه سایر اعضای مجلس مزبور درسن ۲۵ سالگی حق شرکت درجلسات را داشته ودرسن ۳۰ سالگی از حق رأی استفاده میکردند . ریاست مجلس اعیان با مهردار فرانسه (۲) بود ودرغیاب او یکی‌از اعضاء آن مجلس بانتخاب پادشاه وظائف ریاست را انجام میداد . جلسات مجلس اعیان علنی نبود .

اعضای مجلس مبعوثان ازطرف مردم انتخاب میشدند . برای رأی‌دادن داشتن لااقل ۳۰ سال عمر و پرداخت ۳۰۰ فرانك مالیات مستقیم لازم بود . و این دوشرط یعنی سی سال لااقل عمر و پرداخت ۳۰۰ فرانك مالیات مستقیم باندازه‌ای سنگین بود که از سی میلیون جمعیت فرانسه درحدود فقط صد هزار نفر حق رأی داشتند .

برای انتخاب شدن به عضویت مجلس مبعوثان ۴۰ سال لااقل عمر و پرداخت هزار فرانك مالیات مستقیم ضروری بود . اگر دریکی از ولایات عدهٔ اشخاصی که دارای ۴۰ سال عمر بوده وهزار فرانك لااقل مالیات مستقیم میپرداختند کمتراز پنجاه نفر بود دراین‌صورت به‌اشخاصی که کمتراز هزار فرانك مالیات میدادند اجازه داده میشد که به‌عضویت مجلس مبعوثان انتخاب شوند . منظور واضعین مقررات فوق‌الذکر این بود که افراد خیلی جوان و بی‌بضاعت را از حق رأی محروم نموده نمایندگی مجلس مبعوثان‌را منحصر بافراد پولدار ومسن کنند تاازانتخاب اشخاص آزادیخواه که بیشتراز طبقه جوانان بوده‌ومیباشند جلوگیری شود. درهرحوزه انتخابیه لااقل نصف اعضای مجلس مبعوثان بایستی از بین اشخاصی انتخاب شوند که‌درهمان حوزه سکونت داشتند . انتخابات مستقیم ومخفی بود و رأی متعدد بموجب قانون ۲۹ ژوئن ۱۸۲۰ معمول گردید بدین‌معنی اشخاصیکه بیشتراز میزان معین درقانون عایدی‌داشتند دارای

۱— Chambre des députés

۲— Chancelier de France

دو رأی بودند . رأی متعدد درفرانسه تا ۱۸۳۱ مرسوم بوده و در آن تاریخ ملغی گردید . اعضای مجلس مبعوثان برای ٥ سال انتخاب میشدند و هر سال انتخاب یك پنجم آنها تجدید میشد . برخلاف مجلس اعیان جلسات مجلس مبعوثان علنی بود ولی بنابه تقاضای پنج نفر نماینده جلسه سری تشکیل میگردید . از بین پنج نفر نماینده که مجلس مبعوثان پیشنهاد میکرد پادشاه یکنفر را بریاست آن مجلس تعیین مینمود. جلسات مجلسین درعین زمان شروع و پایان می یافت .

مجالس اصولا متساوی الحقوق بودند و اما برخلاف این اصل مجلس اعیان وظائف قضائی داشت بدین معنی که محاکمه وزراء ومتهمین به خیانت وتوطئه برضد امنیت کشور با مجلس مزبور بود . بعلاوه چنانچه یکی از نمایندگان مجلس اعیان مرتکب جنایتی میشد اورامجلس مزبورمحاکمه میکرد . نمایندگان مجلسین مصونیت جزائی داشتند بدین ترتیب که توقیف و محاکمه آنها درزمان اشتغال بدون اجازه مجلسی که در آن عضویت داشتند ممنوع بود مگر درموارد جرائم مشهوده . چون پیشنهاد لوایح قانونی اختصاص به پادشاه داشت ومجالس از اعمال این حق محروم بودند ازاین رو نمایندگان مجاز نبودند مواد اصلاحی به لوایح قانونی پیشنهاد کنند مگر با موافقت پادشاه .

فصل دوم

قانون اساسی مصوب ۲۲ آوریل ۱۸۱۵

مبحث اول

بازگشت ناپلئون به فرانسه و تصویب قانون اساسی جدید

بطوریکه فوقاً ذکر شد پس از اشغال پاریس ازطرف دول متفق و انفصال ناپلئون از مقام امپراطوری و تشکیل یك حکومت موقت مرکب از فرماندهان نامی و رجال سیاسی معروف فرانسه، در ٤ آوریل ۱۸۱٤ امپراطور ازمقام خود به نفع پسر سه ساله اش استعفا کرد ولی براثر اصرار متفقین ناپلئون در ۱۱ آوریل بدون قید وشرط از مقام امپراطوری دست کشیده ودر ۲۰ آوریل پس از تودیع با گارد امپراطوری عازم جزیره الب (۱) واقع دردریای مدیترانه شد. متفقین جزیره کوچك الب را تحت حکمرانی ناپلئون قرار دادند و نامبرده با حفظ عنوان امپراطور و دریافت مستمری مکفی درجزیره مزبور مستقرشد. وامادر کنگره وین (۲) که از سلاطین اطریش وروسیه وپروس ودانمارك وجمعی از سلاطین آلمان ورجال معروف اروپا مانند مترنیخ (۳) و لنگتن (٤) تالیران (٥) و رازوموسکی (٦) برای حل و فصل مسائل حاصله ازجنگهای ناپلئون تشکیل یافته بود چنین اظهارعقیده میشد که چون توقف ناپلئون درجزیره الب ممکن است برای امنیت و آسایش اروپا ایجاد خطر کند بنابراین صلاح است که وی به یك جزیره دورافتاده مانند سنت الن (۷) تغییرمکان داده شود بعلاوه اخبار واصله از پاریس حاکی ازاین بود که مردم فرانسه ازوسائل حکومتی لوئی هیجدهم ناراضی هستند وآرزودارند که ناپلئون ازمحل تبعید خود به فرانسه

۱— Elbe
۲— Vienne
۳— Metternich
٤— Wellington
٥— Talleyrand
٦— Rasoumovsky
۷— Sainte Hélène

مراجعت کرده و باردیگر زمام امورفرانسه را در دست قوی و توانای خود بگیرد.

نظر باینکه قاطبه اهالی فرانسه مایل به باز گشت امپراطورمستعفی بهفرانسه بودند و ازطرفی هم در کنگره وین اختلافات شدیدی بین دول ایجاد شده بود لذا ناپلئون مخفیانه جزیره البرا ترك کرد ودراول‌ماه مارس۱۸۱۵ درخلیج‌ژوآن(۱) واقع درجنوب فرانسه از کشتی پیاده شده روانه پاریس گردید و درطول راه مردم با آغوش باز اورا استقبال کردند و بار دیگر سرنوشت فرانسه را دردست توانای اوقراردادند. در ۲۰ مارس هنگامیکه لوئی هیجدهم بعجله از پاریس فرارمیکرد ناپلئون واردقصرمعروف توایلری (۲) شد واما قبل‌ازورود بپاریس ناپلئون درشهر لیون(۳) واقع سرراه پاریس فرمانی‌صادر کرد که‌بموجب‌آن مجلس اعیان ومجلس مبعوثان را که برطبق قانون اساسی اعطائی لوئی هیجدهم تشکیل یافته بود منحل واعلام می‌نمود که بدون فوت وقت مجلس جدیدی‌از نمایندگان ملت فرانسه تشکیل خواهد داد تا بادرنظر گرفتن منافع کشوروتمایلات وآرزوهای مردم قانون اساسی جدیدی وضع وبموقع اجرابگذارد. پس‌ازورودبپاریس‌ناپلئون کمیسیونی ازوزراء واعضای شورای دولتی ورجال معروف انتخاب‌نمود واین کمیسیون که تحت ریاست خود ناپلئون جلسات خود را تشکیل میداد طرحی را که رجل معروف فرانسه بنژامن کونستان (٤) تهیه کرده بود با پارهٔ اصلاحات قبول نمود واین طرح که سند الحاقی به قوانین اساسی امپراطوری (٥) نامیده میشد مطابق معمول حکومتهای انقلابی و خود ناپلئون بوناپارت بآراء عمومی ارجاع و باکثریت ۱۵۳۲۳۲۷ رأی موافق درمقابل فقط ٤۸۰۲ مخالف به تصویب رسید. در ۳۰ آوریل فرمان انتخابات مجلس مبعوثان صادر و پس‌از تعیین اعضای موروثی مجلس اعیان مجالس جدید در ۳ ژوئن منعقد گردید.

قانون اساسی۲۲ آوریل ۱۸۱۵ دارای یك مقدمه و٦۷ ماده میباشد. بااینکه قانون‌اساسی‌مزبور سندالحاقی به قوانین‌اساسی امپراطوری نامیده میشد ولی‌بیشتر شباهت به قانون اساسی ۱۸۱٤ اعطائی لوئی هیجدهم دارد بدین معنی که واضعین

۱- Jouan ۲- Tuileries

۳- Lyon ٤- Benjamin Constant

٥- Acte additionnel aux constitutions de l'Empire

قانون اساسی جدید پارهٔ موادقانون اساسی۱۸۱٤را مورد تجدیدنظرقرارداده و آنرا بصورت سند الحاقی به قوانین اساسی امپراطوری در آورده بودند.

درمقدمه قانون اساسی جدید، ناپلئون بوناپارت راجع به اصول و مبانی حکومت آینده فرانسه بشرح زیر اظهارعقیده میکرد:

«اززمانی که پانزده سال قبل ماطابق تصمیم ملت فرانسه حکومت این کشوررا بعهده گرفتیم درایام مختلف سعی و کوشش کردیم که قوانین مشروطیت را بادرنظر گرفتن حوائج و آرزوهای مردم واستفاده ازدروس حاصله از تجربیات گذشته تکمیل کنیم که در نتیجه قانون اساسی امپراطوری بصورت یك سلسله مقررات در آمد که موردقبول ملت فرانسه واقع گردید. مادرنظرداشتیم یك اتحادیه بزرگی ازدول اروپا تشکیل دهیم واین نقشه باروحیه مردم این عصرمطابقت داشته ووسائل پیشرفت تمدن را فراهم میساخت. برای تهیه زمینه تشکیل اتحادیه اروپا ما انجام بعضی اقدامات داخلی را بتأخیر انداختیم. یگانه منظور ما این است که بوسیله تثبیت واستحکام آزادی عمومی سعادت و نیکبختی ملت فرانسه را تأمین کنیم. برای رسیدن باین هدف لازم میدانیم تغییرات کلی درقوانین اساسی و تصویبنامه‌های سنا و سایر مقرراتی که بموجب آن این امپراطوری اداره میشود بعمل آوریم.

برای اینکه مقررات مفید ونافع دوره گذشته حفظ شده وازطرفی‌هم قوانین اساسی امپراطوری خودمان باتمایلات ملت وحوائج صلح اروپامنطبق گردد مامصمم شدیم یك سلسله مقررات مبنی برتغییر و تکمیل قوانین اساسی و تضمین حقوق مردم و بسط وتوسعه اختیارات هیئت نمایندگی به تصویب مردم برسانیم تا نتیجتاً آزادی سیاسی و آسایش و امنیت فردی با قدرت و توانائی دولت توأم بوده و دول بیگانه استقلال ملت فرانسه ومناعت تاج ما را محترم شمارند. با توجه باصول مندرج بالا موادذیل بنام سند الحاقی به قوانین اساسی امپراطوری به‌آراء عمومی‌ارجاع میشود تا مردم فرانسه آزادانه آنرا تصویب نمایند.»

ماده‌اول‌سندالحاقی مقررمیداشت که‌قوانین‌اساسی‌دوره کنسولاوامپراطوری که عبارت از تصویبنامه های مورخ ۲ و ٤ اوت ۱۸۰۲ و ۱۸ مه ۱۸۰٤ مجلس سنا باشد بشرط عدم مباینت با قانون اساسی جدید بقوت خود باقی است.

طبق ماده دوم اعمال قوه مقننه با امپراطور و نمایندگان پارلمان بود.

مبحث دوم

مجلس اعیان و مجلس مبعوثان

بموجب قانون اساسی جدید پارلمان فرانسه دارای دو مجلس بود که یکی مجلس اعیان و دیگری مجلس مبعوثان نامیده میشد . نمایندگان مجلس اعیان را امپراطور بطور موروثی تعیین میکرد . درصورت فوت یکی از اعضاء مجلس مزبور حق نمایندگی به پسر بزرگتر او انتقال می‌یافت . اعضاء مجلس اعیان در سن ۲۰ سالگی حق حضور در جلسات و حق شرکت در مذاکرات را داشتند و پس‌از رسیدن به سن ۲۵ سالگی میتوانستند رأی بدهند واما اعضاء خاندان امپراطوری از شرط سن مذکور مستثنی بوده در سن ۱۸ سالگی حق حضور در جلسات مجلس اعیان را داشتند ودرسن ۲۱ سالگی از حق رأی استفاده میکردند . مانند دوره لوئی هیجدهم تعداد نمایندگان مجلس اعیان نامحدود بود مجلس مزبور تحت ریاست مهردار امپراطوری(۱) جلسات خودرا تشکیل میداد وهمانطوریکه در تصویبنامه مورخ ۱۸مه۱۸۰٤ مجلس سنامقرر گردیده بود درغیاب مهردار امپراطوری یك‌نفر از نمایندگان مجلس اعیان بانتخاب امپراطور وظائف ریاست را عهده‌دار میشد .

نمایندگان مجلس مبعوثان را مردم برای مدت پنج سال انتخاب میکردند . ماده ۲۷ قانون اساسی ۱۸۱۵ مقررات قانون اساسی ٤ اوت ۱۸۰۲ مربوط به هیئت انتخاب کنندگان شهرستانها و بخش‌ها را با پارهٔ تغییرات تأیید میکرد . اهم این تغییرات ازاین‌قرار بود :

ازسال ۱۸۱٦ ببعد قرار بود اعضاء مجلس اعیان بانتخاب امپراطورمادام‌العمر ریاست هیئت‌های شهرستانهارا عهده‌دار شوند . ازتاریخ مزبور هیئت‌انتخاب کنندگان هریك از شهرستانها موظف بود از بین رأی‌دهندگان هریك از بخش‌ها یك رئیس ودو نایب رئیس‌انتخاب کند و برای‌انجام این‌منظور هیئت انتخاب کنندگان شهرستانها بایستی ۱۵ روز قبل‌از تشکیل مجامع بخش‌ها منعقد گردد . رأی دهندگان ملزم نبودند نمایندگان مجلس مبعوثان را از بین ساکنین حوزه انتخابیه خود تعیین کنند بلکه مجاز بودند آنها را ازمیان رأی دهندگان حوزه‌های دیگر نیزانتخاب نمایند .

Archi – chancelier de l’Empire – ۱

ارباب صنایع و تجار هریك از شهرستانها یك نماینده مخصوص از بین خودشان انتخاب میکردند .

تعداداعضاء مجلس مبعوثان بالغ بر۶۲۹نفر بود . برای عضویت مجلس مبعوثان ۲۵ سال عمر کافی بود . رئیس مجلس مبعوثان را خود نمایندگان انتخاب میکردند ولی انتخاب او مستلزم موافقت امپراطور بود . مجلس مبعوثان اعتبارنامه های نمایندگان را چه از حیث واجدبودن شرایط قانونی و چه ازلحاظ جریان انتخابات مورد رسیدگی قرارداده آنها را تصویب یا رد می‌نمود . نمایندگان مجلس مبعوثان وهمچنین اعضای مجلس اعیان مصونیت پارلمانی داشتند بدین‌معنی که درزمان اشتغال بازداشت و تعقیب آنها باتهام جنحه یا جنایت بدون اجازه مجلس مربوطه جایز نبود مگر درموارد جرائم مشهوده بعلاوه از تاریخ افتتاح تا ۴۰ روز بعداز پایان دورهٔ اجلاسیه نمایندگان مجلسین برای عدم پرداخت قروض قابل بازداشت نبودند . اعضای مجلس اعیان را باتهام جنحه یاجنایت خودمجلس اعیان محاکمه میکرد درصورتیکه محاکمه اعضاء مجلس مبعوثان بامحاکم دادگستری بود . عضویت درمجلس مبعوثان ومجلس اعیان بااستخدام دولتی مانعة‌الجمع نبود بهرحال فرمانداران (۱) و بخشداران(۲) درحوزه مأموریت خود قابل انتخاب نبودند بعلاوه محاسبین خزانه‌دولت مجاز نبودند با حفظ سمت خود قبول نمایندگی کنند .

جلسات هردومجلس علنی بود ولی ده نفرعضومجلس اعیان یا بیست‌وپنج نفر ازاعضاء مجلس مبعوثان حق‌داشتند تقاضای تشکیل جلسه محرمانه کنند . دولت نیز مجاز بود درخواست کند که مجالس برای استماع اظهارات وزراء جلسات محرمانه تشکیل دهند . امپراطور حق‌داشت مجلس مبعوثان‌را تعطیل یامنحل کند . درصورت انحلال بایستی دستور انتخابات جدید صادر و مجلس جدیدالانتخاب درظرف مدت شش ماه ازتاریخ انحلال مجلس سابق منعقد گردد . چنانچه مجلس مبعوثان تعطیل یا منحل میشد مجلس اعیان نمیتوانست تشکیل جلسه دهد .

حق پیشنهاد لوایح قانونی اختصاص بدولت داشته ومجالس ازاعمال این حق محروم بودند وفقط میتوانستند ازدولت تقاضا کنند که راجع به یك موضوع قانونی

۱— Préfets

۲— Sous – préfets

لایحهٔ تهیه و برای تصویب به مجالس پیشنهاد کنند. مواد اصلاحی به لوایح قانونی که ازطرف نمایندگان پیشنهاد میشد بایستی قبلا باستحضار وزراء رسیده و مورد قبول دولت واقع گردد و درغیر اینصورت مجالس موظف بودند لوایح پیشنهادی دولت را بدون جرح و تعدیل تصویب یا رد کنند. ازلحاظ اعمال قوه مقننه مجالس متساوی‌الحقوق بودند فقط لوایح قانونی دائربروضع مالیات و معاملات استقراض وسربازگیری وهمچنین بودجه کل کشور اول درمجلس مبعوثان مطرح سپس بتصویب مجلس اعیان میرسید. تفسیرقوانین مستلزم تصویب و توشیح قانون مخصوص بود.

مبحث سوم

محاکم - حقوق افراد

بموجب قانون اساسی ۱۸۱۵ تمام قضات را باستثنای امنای صلح و اعضای محاکم تجارت امپراطور تعیین میکرد. قضات برای تمام عمرانتخاب میشدند وقابل تغییر نبودند. هیئت منصفه مانند سابق دائربود. مجلس مبعوثان قرار تعقیب وزرا را صادر ومجلس اعیان آنها را محاکمه میکرد. قبل‌ازصدورقرار تعقیب وزراء مجلس نمایندگان میتوانست آنها را برای ادای توضیحات احضار کند و پس‌ازصدورقرار تعقیب، مجلس مبعوثان از بین اعضاء خود پنج نفررا انتخاب وآنها را مأمورمیکرد که مجرمیت وزیرمتهم‌را درمحضرمجلس اعیان ثابت کنند. رسیدگی‌بجرائم نظامی درصلاحیت‌دادگاههای نظامی‌بوددرصورتیکه جرائم‌غیرنظامی که‌افسران وسربازان مرتکب میشدند درمحاکم عمومی رسیدگی‌میشد. اعمال حق عفوعمومی و خصوصی وتخفیف مجازات محکومین با امپراطور بود.

مواد ۵۹ الی ٦۷ (فصل ششم) حقوق ذیل را برای افراد قائل شده بود:

« فرانسویان ازلحاظ پرداخت مالیات و از حیث اشتغال به مشاغل کشوری و نظامی مساوی هستند، هیچکس را نمیتوان از دادگاه قانونی محروم نموده دردادگاه فوق‌العاده محاکمه کرد. هیچکس‌رانمیتوان دستگیر وبازداشت وتعقیب نمودمگردرموارد مقرردرقانون وبارعایت تشریفاتی که قانوناًمنظور گردیده‌است.

آزادی عقاید مذهبی برای کلیه افراد تضمین میشود.

حق مالکیت وحق دریافت مطالبات ازدولت برای عموم محفوظ است.

اشخاص حق دارند عقاید و نظریات خودرا بدون سانسور انتشار دهند ولی مقامات مربوطه واشخاص متضرر حق تعقیب نویسنده را دارند.

جرائم مطبوعاتی با حضور هیئت منصفه رسیدگی میشود.

هرفردی میتواند نظریات ودرخواستهای خودرا باستحضار دولت و مجالس مقننه برساند.

تقدیم عرایض بطور دسته جمعی ممنوع است.

عرایض مردم در جلسات علنی مجالس خوانده میشود ودر صورت قابل توجه بودن توسط رؤسای مجالس بعرض امپراطور میرسد.

حکومت نظامی فقط درصورت اشغال قسمتی از خاك فرانسه ازطرف نیروی نظامی یك دولت بیگانه یا شورش داخلی برقرار میشود. درمورد اول حکومت نظامی را دولت بدون تصویب مجالس مقننه برقرار می کند ولی درصورت شورش داخلی استقرار آن مستلزم تصویب قانون مخصوصی است بهرحال چنانچه مجالس درحال انعقاد نباشند دولت مجاز است حکومت نظامی اعلان کند بشرط اینکه درظرف مدت ۱۵ روز پس از تشکیل جلسات مجالس یك لایحه قانونی دائر براجازه برقراری حکومت نظامی تهیه و به پارلمان پیشنهاد کند».

بموجب فصل سوم (مواد ٣٤ الی ٣٧) قانون اساسی موردبحث مالیات مستقیم برای یکسال ومالیات غیرمستقیم برای چندسال وضع میشد. درصورت انحلال مجلس مبعوثان مالیات مصوب مجلس منحل شده تاانعقاد مجلس مبعوثان جدید قابل دریافت بود. دریافت مالیات مستقیم وغیرمستقیم، انجام معاملات استقراضی دولت، فروش یا معاوضه املاك دولتی، ترتیب سربازگیری و واگذاری قسمتی از خاك فرانسه به یك دولت خارجی تمام این عملیات بموجب قانون صورت میگرفت. لوایح قانونی دایر بروضع مالیات ومعاملات استقراضی وسربازگیری وکلیه محاسبات مملکتی بایستی اول درمجلس مبعوثان عنوان شده باکثریت آراء قبول و بعد به تصویب مجلس اعیان برسد.

این بود اهم مقررات قانون اساسی ۲۲ آوریل ۱۸۱۵ واما پس از تصویب قانون اساسی جدید وانعقاد مجالس مقننه ناپلئون در ۱۲ ژوئن عازم میدان جنگ شد و در ۱۸ همانماه درمحلی موسوم به واترلو(۱) واقع در بلژیك مغلوب ویکبار دیگر از مقام

۱— Waterloo

امپراطوری به نفع پسر خود استعفا کرد و این تصمیم ناپلئون مورد تایید مجلس نمایندگان واقع گردید وضمناً مجلس مزبور درجلسه ۲۳ ژوئن یك حکومت موقت ۵ نفری بریاست فوشه (۱) جهت اداره فرانسه ویك کمیسیون ۹ نفری برای تنظیم قانون اساسی جدید انتخاب کرد. در ۲۹ ژوئن مجلس نمایندگان به بحث درطرح قانون اساسی جدید که مانوئل (۲) رجل سیاسی فرانسه تهیه کرده بود مبادرت نموده و تا ۷ ژوئیه قسمتی ازمواد طرح مزبوررا تصویب کرد .

در ۸ ژوئیه لوئی هیجدهم تحت حمایت ولنگتن به پاریس برگشت و قانون اساسی ٤ ژوئن ۱۸۱٤ را یکباردیگر بموقع اجرا گذاشته مجلس نمایندگان را منحل ودستور تجدید انتخابات را صادر نمود .

---

۱ — Fouché

۲ — Manuel

فصل سوم

انقلاب ماه ژوئیه ۱۸۳۰ و تغییر منشور اعطائی لوئی هیجدهم

مبحث اول

علل انقلاب ـ خلع شارل دهم ـ انتخاب لوئی دورلئان بسلطنت فرانسه

پس از فوت لوئی هیجدهم در سال ۱۸۲۴، تاج و تخت فرانسه به شارل دهم (۱) برادر ۶۷ ساله او انتقال یافت. مردم فرانسه که از حکومت ارتجاعی پادشاه متوفی راضی نبودند از سلطنت شارل دهم حسن استقبال کردند واما پارهٔ اقدامات او از جمله وضع قوانین برعلیه مذهب کاتولیك اعطای یك میلیارد فرانك خسارت به مهاجرین دورهٔ انقلاب کبیر موجبات عدم رضایت مردم را فراهم ساخت ولی مارتینیاك (۲) یکی از رجال آزادیخواه که در سنه ۱۸۲۸ به ریاست هیئت وزیران فرانسه انتخاب شده بود با پارهٔ اقدامات اصلاحی منجمله الغاء سانسور مطبوعات موفق شد عدم رضایت عناصر آزادیخواه و اصلاح طلب را تعدیل نموده و بطور محسوس کدورت موجوده بین ملت و پادشاه را مرتفع سازد. واما پادشاه واطرافیان او مشغول دسیسه برعلیه نخست وزیر خیرخواه و اصلاح طلب بوده اورا وادار به استعفاء نمودند وبجای وی پولینیاك (۳) که یکی از رجال مرتجع آن زمان بشمار میرفت به ریاست دولت تعیین شد.

در سال ۱۸۳۰ شارل دهم بنا به پیشنهاد پولینیاك مجلس مبعوثان را که قسمت اعظم آن ازمخالفین دولت تشکیل میشد منحل و دستور انتخابات جدید را صادر نمود ولی این اقدام شارل دهم بضرر او تمام شد زیرا درانتخابات جدید علاوه بر ۲۲۱ نفر مخالف

۱- Charles X

۲- Jean – Baptiste de Martignac

۳- Jules – Armand, prince de Polignac

دولت درمجلس منحل‌شده، ۴۹ نفر مخالف جدید بنمایندگی انتخاب شدند. چون دولت در انتخابات شکست خورده و همکاری او با مجلس جدیدالانتخاب غیرمقدور بود ازاین‌رو در ۲۵ ژوئیه یکباردیگر مجلس مبعوثان منحل و انتخابات جدید برای ۱۳ سپتامبر تعیین گردید و برای اینکه از انتخاب مخالفین دولت جلوگیری شود پادشاه قانون انتخابات را تغییر داد و همچنین آزادی مطبوعات را معلق ساخت تا اقدامات خلاف قانون اساسی وی سر و صدا بلند نکند. اقدامات دولت ارتجاعی شارل دهم یعنی انحلال مجلس جدیدالانتخاب، تغییرقانون انتخابات وازبین‌بردن آزادی مطبوعات بااعتراض شدیدنمایندگان مجلس منحل شده و مدیران جراید مواجه شد وعصبانیت بی‌نظیری درقاطبه مردم فرانسه ایجاد نموده و منجر به انقلاب گردید. نمایندگان مجلس منحل شده که درپاریس حاضربودند بتاریخ ۳۰ ژوئیه شارل دهم را بواسطه نقض قانون اساسی ازسلطنت خلع وهمانروز نیابت سلطنت را بطورموقت تا تعیین تکلیف تاج و تخت فرانسه به لوئی فیلیپ دورلئان (۱) پسر فیلیپ دورلئان (۲) پسرعموی لوئی شانزدهم که درمجلس کنوانسیون رأی به‌اعدام وی داده و خود او نیز دردورهٔ ترورمحکوم به‌اعدام شده بود تفویض کردند.

واما شارل دهم که بعجله پاریس را ترک گفته در سن کلو(۱) ورامبوئیه(۴) توقف کرده بود حکومت ارتجاعی پولینیاك را ازکار برکنار و امریه های مورخ ۲۵ ژوئیه ۱۸۳۰ راجع بانحلال مجلس مبعوثان و تغییر قانون انتخابات وازبین بردن آزادی مطبوعات راباطل‌نموده وازمقام‌سلطنت به‌نفع پسرش‌دوك‌دوبوردو(۵) استعفا داد ولی این عقب نشینی شارل دهم بلااثرماند بدین‌معنی که مجلس مبعوثان درجلسه ۶ اوت بمنظورتعیین‌تکلیف‌تخت‌وتاج‌فرانسه‌وتجدیدنظردرمنشوراعطائی‌یك کمیسیون ۸ نفری‌انتخاب کردوهمین کمیسیون به‌مجلس‌پیشنهادنمود که‌مقدمه‌منشور۱۸۱۴را که منافی‌با اصل حاکمیت‌ملی بود حذف وتغییراتی‌هم درپاره‌ای ازموادآن بعمل‌آورد و دوك‌دورلئان را بسلطنت انتخاب کند. این پیشنهاد و همچنین اعلامیه مربوطه درجلسه هفتم اوت مجلس مبعوثان مطرح وبا پارهٔ اصلاحات باکثریت ۲۱۹ موافق دربرابر ۳۳ مخالف به تصویب رسید. مجلس اعیان نیز درهمانروز تشکیل جلسه

۱- Louis – Philippe d' Orléans

۲- Philippe d' Orléans

۳- Saint – Cloud

۴- Rambouillet

۵- Duc de Bordeaux

داده با ۸۹ رأی موافق در مقابل ۱۰ رأی مخالف و ۱۴ ممتنع تصمیمات مجلس مبعوثان را دائر بر تغییر قانون اساسی ۱۸۱۴ و انتخاب دوك دورلئان به سلطنت فرانسه تأیید کرد.

در هفتم اوت مجلس مبعوثان اعلامیه‌ای راجع به لزوم تغییر سلطنت صادر نمود که مفاد آن بشرح زیر است:

«نظر به وضع حاصله از حوادث ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ ژوئیه و اوضاع و احوالی که بر اثر نقض قانون اساسی بوجود آمده است.

با توجه باینکه در نتیجه نقض قانون اساسی و مقاومت دلاورانه سکنه پاریس اعلیحضرت شارل دهم و والاحضرت لوئی آنتوآن (۱) پسر ارشد پادشاه و تمام افراد خانواده سلطنتی از فرانسه خارج میشوند.

مجلس مبعوثان اعلام میکند که تخت و تاج فرانسه عملاً و قانوناً بلاتصدی است ولازم است پادشاه جدیدی انتخاب شود.

و نیز مجلس مبعوثان اعلام میکند که طبق آرزو و آمال ملت فرانسه و نظر بمنافع و مصالح آن، منشور اعطائی لوئی هیجدهم که شئون ملی را جریحه دار میساخت و پارهٔ مواد آن مستلزم تجدید نظر میباشد.

منافع عمومی و فوری ملت فرانسه ایجاب میکند که سلطنت فرانسه بشرط موافقت با تصمیمات و پیشنهادات مجلس مبعوثان به والاحضرت لوئی فیلیپ دورلئان نایب السلطنه و نزدیکترین اقوام ذکور او واگذار شود.

نظر بآنچه که فوقاً ذکر شد از والاحضرت لوئی فیلیپ دورلئان نایب السلطنه تقاضا میشود که شرائط و تعهدات مندرج بالا را قبول نموده و قسم یاد کند که قانون اساسی ۱۸۱۴ را با تغییراتی که در آن قانون بعمل آمده محترم بشمارد و پس از انجام مراسم تحلیف معظم له عنوان پادشاه فرانسه را دارا خواهد بود.

مجلس اعیان نیز در جلسه ۷ اوت اعلامیه مذکور در فوق را تأیید نموده موضوع بلااثر بودن انتصابات اعضای مجلس مزبور را که در زمان سلطنت شارل دهم بعمل آمده بود موکول به حسن تدبیر، رأی و تصمیم نایب السلطنه میکرد.

در نهم اوت دوك دورلئان در جلسه مشترك مجلسین حضور بهمرسانیده پس از استماع تصمیمات مجلس مبعوثان و مجلس اعیان قسم یاد کرد که قانون اساسی جدید

۱ــ S.A.R. Louis Antoine, Dauphin

فرانسه را محترم شمرده منافع مردم را در نظر بگیرد و موجبات عظمت و نیکبختی ملت را فراهم سازد. قانون اساسی جدید در شماره ۱۴ اوت ۱۸۳۰ مجله رسمی (۱) فرانسه منتشر گردید.

مبحث دوم

پادشاه - وزراء

قانون اساسی مورخ ۱۴ اوت ۱۸۳۰ دارای یك مقدمه و ۷۰ ماده میباشد. درمقدمه لوئی فیلیپ پادشاه جدیدالانتخاب فرانسه فرمان ابلاغ مجدد و اجرای منشور اساسی مصوب ٤ ژوئن ۱۸۱٤ را که در نتیجه اصلاحات و تغییراتی که مجالس مقننه در آن بعمل آورده بودند بصورت قانون اساسی جدید در آمده بود صادر نمود.

۷۰ ماده قانون اساسی مورد بحث شامل مسائل ذیل میباشد:

۱- حقوق عمومی فرانسویان (مواد ۱ تا ۱۱).

۲- اختیارات پادشاه (مواد ۱۲ تا ۱۹).

۳- مجلس اعیان (مواد ۲۰ الی ۲۹).

٤- مجلس مبعوثان (مواد ۳۰ الی ٤٥).

٥- وزراء (مادتین ٤٦ و ٤٧).

٦- دستگاه قضائی (مواد ٤٨ تا ٥۹).

۷- حقوقیکه دولت تضمین میکرد (مواد ٦۰ تا ٦۷).

۸- مقررات مخصوص (مواد ٦۷ تا ۷۰).

چون کلیه شرائط رأی دادن و انتخاب شدن بعضویت مجلس مبعوثان درقانون اساسی جدید پیش بینی نشده بود و ماده ٦۹ قانون مزبور تعیین شرائط رأی دادن را مو کول به تصویب یك قانون متعارفی کرده بود بنابراین قانون مورد نظر در ۱۹ آوریل ۱۸۳۱ بتصویب مجلسین رسید. بعلاوه ماده ٦۸ قانون اساسی مقرر میداشت که ماده ۲۳ قانون مزبور که بموجب آن پادشاه محق بود اعضای مجلس اعیان را بطور موروثی یا مادام العمر تعیین کند دردورهٔ اجلاسیه ۱۸۳۱ مجلسین مورد تجدید نظر واقع گردد.

۱- Bulletin des lois

باتوجه بمدلول ماده مذکور درفوق مجلس مبعوثان درجلسه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۸۳۱ لایحهٔ پیشنهادی دولت را که برطبق آن موروثی بودن عضویت مجلس اعیان ملغی گردیده و پادشاه ملزم میشد اعضای آن مجلس را از بین شخصیتهای معین در قانون انتخاب کند تصویب کرد. چون مجلس اعیان مایل به تصویب لایحه مزبور نبود از این رو پادشاه بنا به پیشنهاد هیئت دولت و باستناد ماده ۲۳ قانون اساسی یك عدهٔ را به نمایندگی مجلس اعیان انتصاب کرد که درنتیجه مخالفت آن مجلس با لایحه پیشنهادی دولت برطرف گردیده و مجلس اعیان لایحه مزبور را با ۱۷۰ رأی موافق در برابر ۱۰۲ مخالف تصویب کرد.

اینك بادر نظر گرفتن مواد قانون اساسی مورخ ۱۸۳۰ ومفاد قانون انتخابات مورخ ۱۹ آوریل ۱۸۳۱ مجلس مبعوثان و قانون ۲۹ دسامبر ۱۸۳۱ راجع بطریقه انتصاب اعضای مجلس اعیان به بیان سازمان سیاسی فرانسه از تاریخ انقلاب ژوئیه ۱۸۳۰ تا انقلاب ۱۸٤۸ مبادرت میشود.

فرق عمده منشور اعطائی ۱۸۱٤ با قانون اساسی ۱۸۳۰ عبارت از این است که منشور ۱۸۱٤ را لوئی هیجدهم بمیل خود بملت فرانسه اعطا کرده بود درصورتیکه قانون اساسی ۱۸۳۰ قراردادی بود بین پادشاه و نمایندگان ملت و پادشاه فقط پس از ابراز موافقت با قانون اساسی مزبور واعلام وفاداری خود نسبت بآن، پادشاه فرانسه شناخته شد.

بموجب قانون اساسی ۱۸۳۰ اقتدارات دولتی را پادشاه مجلس مبعوثان و مجلس اعیان اعمال میکردند و قانون اساسی جدید اختیارات پادشاه را نسبت به سابق محدود نموده بود بدین معنی که پادشاه وهریك از مجالس حق پیشنهاد قانون را داشتند درصورتیکه قانون اساسی ۱۸۱٤ پیشنهاد لوایح قانونی را از وظائف اختصاصی پادشاه دانسته فقط به هریك از مجلسین اجازه میداد که باجلب موافقت مجلس دیگر توجه پادشاه را به یك موضوع قانونی جلب و تقاضا کند که راجع بآن موضوع یك لایحه قانونی تهیه و برای شور و تصویب به مجالس پیشنهاد کند. هرچند بموجب قانون اساسی ۱۸۳۰ پادشاه حق داشت از توشیح وابلاغ لوایح وطرحهای مصوب مجلسین خودداری کند ولی لوئی فیلیپ در تمام دورهٔ سلطنت خود فقط یك دفعه ازاین حق استفاده کرده از توشیح و ابلاغ قانون مصوب مجلسین که اهمیت زیاد نداشت امتناع کرد. قانون اساسی جدید به پادشاه حق میداد که بمنظور اجرای قوانین نظامنامه تنظیم و ابلاغ

کندولی وی مجاز نبود بوسیله نظامنامه از اجرای قوانین مصوب جلوگیری نماید. بموجب قانون اساسی ۱۸۳۰ پادشاه بجای مراسم تاجگذاری که جنبه مذهبی داشت در جلسه مشترك مجلسین قسم یاد میکرد که قانون اساسی و سایر قوانین را محترم شمرده و وسائل اجرای قوانین مزبور را فراهم سازد. مانند دورهٔ قبل از انقلاب ۱۸۳۰ پادشاه وزراء و سایر مأمورین عالیمقام کشوری و نظامی را نصب و عزل مینمود. پادشاه اعلان جنگ میداد و قراردادهای بین‌المللی را منعقد میساخت. پادشاه نمایندگان سیاسی و کنسولی به‌ممالك بیگانه میفرستاد و نمایندگان آنهارا میپذیرفت. حق تعطیل مجالس باپادشاه بود. پادشاه حق‌داشت فرمان انحلال مجلس مبعوثان را صادر کند ولی ملزم بود مجلس جدید را درظرف سه ماه از تاریخ انحلال مجلس سابق منعقد سازد.

پادشاه ریاست‌قوه قضائیه‌را دارا بوده و باین‌عنوان قضات‌را تعیین‌میکرد و حق عفو و تخفیف‌مجازات محکومین‌را اعمال‌مینمود. شخص پادشاه مقدس وازمسئولیت مبری بود. مخارج دستگاه پادشاهی را مجالس مقننه دراولین دوره اجلاسیه پس‌از جلوس‌پادشاه جدید برای‌تمام دوره سلطنت معین میکردند.

هرچنددرقانون اساسی‌جدید مسئولیت سیاسی وزراء درمقابل‌مجالس‌پیش‌بینی نشده بود ولی در عمل مسئولیت آنان در مقابل پارلمان معمول بود بدین معنی که پادشاه اعضاء هیئت دولت را ازبین اشخاصی که مورد اعتمادمجالس بودند تعیین میکرد وعملاً به‌مجالس حق میداد دولت را مورد استیضاح قراردهند و چنانچه اظهارات دولت قانع کننده بنظر نمیرسید دراین‌صورت مجلس مبعوثان میتوانست با ابراز عدم اعتماد دولت را وادار باستعفاء کند. مجلس اعیان ازاین حق استفاده نمیکردولی درپارهٔ مواردخوددولت برای‌تقویت‌مقام‌خوددرمجلس‌مبعوثان، ازمجلس اعیان تقاضای رأی اعتماد مینمود. بموجب ماده ٤٦ قانون اساسی ۱۸۳۰ وزراء مجاز بودند باحفظ مقام خود به‌نمایندگی‌مجلس‌مبعوثان انتخاب شوند یا به‌عضویت مجلس اعیان تعیین گردند و همچنین نمایندگان مجالس حق داشتند با حفظ عضویت خود درپارلمان قبول وزارت کنند. همانطوریکه درزمان سلطنت لوئی هیجدهم وشارل دهم‌معمول‌بود وزراء درمقابل پارلمان مسئولیت جزائی‌داشتندبدین‌ترتیب که مجلس مبعوثان قرارتعقیب آنها را صادرومجلس اعیان آنان را محاکمه میکرد.

مبحث سوم

مجلس اعیان - مجلس مبعوثان

ماده ۶۸ قانون اساسی ۱۸۳۰ از کسانی که در زمان سلطنت شارل دهم به عضویت مجلس اعیان تعیین شده بودند سلب نمایندگی کرده بود بعلاوه نمایندگان مجلسین موظف بودند قسم یاد کنند که به پادشاه جدید وفادار باشند و چون طرفداران سلسله ارشد خاندان بوربون حاضر نمیشدند چنین تعهدی بکنند بنابراین ٤٦ نفر از اعضای مجلس اعیان که از ادای سوگند وفاداری امتناع میکردند از نمایندگی منفصل شدند . وهمچنین ماده ۶۸ قانون اساسی ۱۸۳۰ مقرر میداشت که مجالس مقننه در دورهٔ اجلاسیه ۱۸۳۱ برطبق یك قانون متعارفی طریقه انتصاب اعضای مجلس اعیان را مورد تجدیدنظر قراردهند . باتوجه بماده فوق الذکر ماده واحده مورخ ۲۹ دسامبر ۱۸۳۱ موروثی بودن عضویت مجلس اعیان (موضوع ماده ۲۳ قانون اساسی ۱۸۳۰) را ملغی نموده مقرر داشت که از آن تاریخ ببعد نمایندگان مجلس مزبور را پادشاه مادام العمر از بین رجال (۱) از قبیل رئیس مجلس مبعوثان - کسانیکه لااقل سه دوره سابقه نمایندگی مجلس مبعوثان را داشتند - مارشالها و دریابانهای فرانسه - امرای لشکر و دریاداران بادوسال سابقه - وزراء - سفرای کبار با سه سال سابقه سفارت - وزرای مختار باشش سال سابقه وزارت مختاری - اعضای شورای دولتی باده سال سابقه - فرمانداران (۲) با ده سال سابقه فرمانداری - فرمانداران کل مستعمرات با پنج سال سابقه - رؤسای انجمنهای ولایتی (۳) که سه بار لااقل بریاست انجمن مزبور انتخاب شده بودند - شهرداران شهرهائیکه دارای لااقل سی هزار جمعیت بودند بشرط دودورهٔ عضویت انجمن شهر و پنج سال سابقه ریاست شهرداری - رؤسای دیوان کشور و دیوان محاسبات - دادستانهای دیوان کشور و دیوان محاسبات باپنج سال سابقه دادستانی - مستشاران دیوان کشور و دیوان محاسبات باپنج سال سابقه مستشاری - دادیاران دیوان کشور و دیوان محاسبات با ده سال سابقه - رؤسای کل محاکم سلطنتی (٤) باپنج سال سابقه قضاوت در آن محاکم - دادستانهای محاکم سلطنتی

۱- notabilités
۲- préfets
۳- Conseils généraux
٤- Cours royales

با ده‌سال سابقه ـ رؤسای محاکم‌تجارت باچهار دوره سابقه ریاست (درشهرهائیکه دارای لااقل سی‌هزار جمعیت بودند) ـ اعضای اصلی فرهنگستان ـ ملاکین و تجار و ارباب صنایع عمده که سه هزار فرانك مالیات مستقیم میپرداختند .

افرادذکور خاندان سلطنتی درمجلس اعیان عضویت داشتند . اعضای مجلس اعیان درسن ۲۵ سالگی حق شرکت درجلسات مجلس مزبور را داشته و درسن ۳۰ سالگی میتوانستند رأی بدهند و ریاست آن مجلس با مهردار فرانسه بود ودرغیاب او یکی از نمایندگان بانتخاب پادشاه وظایف ریاست را انجام‌میداد . توقیف اعضای مجلس اعیان مستلزم موافقت مجلس مزبور بود .

بموجب قانون انتخابات مورخ ۱۹ آوریل ۱۹۳۱ مجلس‌مبعوثان، حق‌رأی اختصاص به‌اشخاصی‌داشت که علاوه‌بر واجدبودن سایرشرایط مقرردرقانون مزبور، ۲۵ سال عمر داشته و ۲۰۰ فرانك مالیات مستقیم میپرداختند درصورتیکه بموجب قانون انتخابات مورخ ۵ فوریه ۱۸۱۷ برای رأی دادن ۳۰ سال عمر وپرداخت ۳۰۰ فرانك مالیات ضروری بود . درنتیجه‌اجرای قانون جدیدانتخابات عده رأی‌دهندگان نسبت بدوره‌قبل‌دو برابر شده بود. طبق‌قانون۱۸۱۷ چنانچه‌دریکی‌از حوزه‌های‌انتخابیه عدهٔ رأی دهندگان کمتر از ۱۵۰ نفر بود دراین‌صورت به اشخاصیکه کمتر از ۲۰۰ فرانك مالیات‌مستقیم میپرداختند (به‌ترتیب میزان‌مالیات پرداختی‌آنها) حق‌رأی‌داده میشد تا تعداد رأی دهندگان به ۱۵۰ نفر برسد . پاره‌ای اشخاص منجمله اعضای فرهنگستان وافسران متقاعد نیروی زمینی ودریائی با پرداخت ۱۰۰ فرانك مالیات مستقیم درانتخابات شرکت میکردند .

مقامات مربوطه صورت اسامی اشخاصی را که واجد شرایط رأی‌دادن بودند تنظیم و اعلام میکردند و هرسال یکمرتبه درصورتهای تنظیمی تجدید نظر میشد ومتوفیان واشخاصی که درخلال سال‌گذشته بعلت ترك تابعیت یا محکومیت ویاعلل قانونی‌دیگر‌ازحق رأی دادن محروم شده بودند ازصورتهای مورد تجدیدنظرخارج و بالعکس اشخاصی را که بعلت تحصیل تابعیت رسیدن به سن قانونی وغیره دارای رأی میشدند وارد صورت رأی دهندگان میکردند . درظرف مدت مقرر درقانون اشخاص‌ذینفع مجاز بودند به شورای‌فرمانداری(۱) مراجعه‌واصلاح صورت تنظیمی را

۱ـ Conseil de préfecture

درخواست کنند و پس از انقضای مدت قانونی صورتها قطعی محسوب شده و حق شرکت در انتخابات فقط باشخاصی داده میشد که جزء صورتهای نهائی بودند. فرمان انتخابات ازطرف پادشاه صادرمیگردید. درهرحوزه انتخابیه یك نفروکیل انتخاب میشد. مجموع اعضاء مجلس مبعوثان بالغ بر ۴۵۹ نفربود. به نمایندگی مجلس مبعوثان فقط اشخاصی میتوانستند انتخاب شوند که دارای ۳۰ سال عمر بوده و ۵۰۰ فرانك مالیات مستقیم میپرداختند درصورتیکه درزمان لوئی هیجدهم و شارل دهم برای انتخاب شدن به عضویت مجلس مبعوثان ۴۰ سال لااقل عمر و پرداخت ۵۰۰ فرانك مالیات مستقیم لازم بود. برای انتخاب شدن داشتن نصف آراء مأخوذه و ثلث مجموع آراء حوزه انتخابیه ضروری بود. در صورت عدم حصول حد نصاب مذکور درفوق انتخابات تجدید میشد و دردفعه دوم رأی‌دهندگان ملزم بودند از بین دو نفر که بیشتر از داوطلبان دیگر رأی داشتند یکی را بنمایندگی انتخاب کنند. انتخابات درمدت حداکثرده روز انجام مییافت. رسیدگی به اعتبارنامه‌های نمایندگان باخود مجلس بود. نمایندگان مجالس ازدریافت مقرری ممنوع بودند.

دورهٔ اجلاسیه مجالس درعین زمان شروع و پایان مییافت بجز مواردیکه مجلس اعیان بعنوان محکمه تشکیل جلسه میداد. افتتاح دورهٔ اجلاسیه پارلمان ازطرف پادشاه بعمل میامد. مجالس اصولاً متساوی‌الحقوق بودند واما برخلاف این اصل کلی مجلس اعیان وظائف قضائی داشت بدین ترتیب که وزراء واشخاصی را که متهم بخیانت به مملکت و توطئه برضد امنیت عمومی بودند مجلس اعیان محاکمه میکرد. قرار تعقیب وزراء را مجلس مبعوثان صادرمینمود. بعلاوه محاکمه نمایندگان مجلس اعیان متهم به ارتکاب جنحه یاجنایت با خود مجلس اعیان بود. لوایح مالی قبلا درمجلس مبعوثان رسیدگی وتصویب شده سپس برای تصویب به مجلس اعیان فرستاده میشد ولی دولت مجاز بود سایرلوایح را به تشخیص خود قبلا به مجلس مبعوثان یا مجلس اعیان تقدیم کند. چنانچه لوایح یا طرحهای قانونی در یك دورهٔ اجلاسیه ازطرف یکی از ارکان سه گانه قانونگذاری یعنی مجلس مبعوثان یامجلس اعیان ویا پادشاه رد میشد دراین صورت آن لایحه یاطرح قانونی نبایستی درهمان دورهٔ اجلاسیه برای تصویب به مجالس تقدیم شود.

مبحث چهارم

قوه قضائیه ـ حقوق عمومی افراد

ریاست قوه قضائیه با پادشاه بود و دادرسان بنام پادشاه قضاوت میکردند. قضات ازطرف پادشاه انتخاب میشدند وقابل عزل نبودند مگر امنای صلح که عزل وتغییرشغل آنها جایز بود. بموجب ماده ۵۳ قانون اساسی دولت مجاز نبود متهمین را ازمحکمه قانونی محروم نموده بمحکمه فوق‌العاده تسلیم کند. ضبط اموال بعنوان مجازات ممنوع بود. جلسات محاکم جنائی علنی بود مگردر مواردیکه علنی بودن آنها از لحاظ حفظ نظم عمومی وجلوگیری از انتشارات منافی عفت ضروری تشخیص داده میشد.

قانون اساسی ۱۸۳۰ اصل برابری را در مقابل قانون و از لحاظ پرداخت مالیات واشتغال بمشاغل کشوری ونظامی وآزادی فردی وآزادی مطبوعات و الغاء سانسور و آزادی عقاید مذهبی را اعلام مینمود. مذهب کاتولیك که درزمان سلطنت لوئی هیجدهم و شارل دهم مذهب دولتی شناخته میشد برطبق قانون اساسی جدید این امتیاز را از دست داده و در ردیف سایر ادیان مسیحی قرار میگرفت. فقط روحانیون مذهب کاتولیك و همچنین مأمورین سایر مذاهب مسیحی از خزانه دولت حقوق دریافت میداشتند.

ماده ۶۹ قانون اساسی ۱۸۳۰ حل و فصل مسائل ذیل را موکول به تصویب قوانین متعارفی مینمود:

۱ـ تشکیل هیئت منصفه برای رسیدگی بجرائم سیاسی ومطبوعاتی.
۲ـ مسئولیت وزراء وسایرمأمورین دولت.
۳ ـ تجدید انتخابات در حوزه هائیکه نمایندگان آنها شغل موظف دولتی قبول میکردند.
۴ـ ترتیب سربازگیری.
۵ـ سازمان گارد ملی.
۶ـ وضع استخدامی افسران نیروی زمینی ودریائی.
۷ـ طرز انتخاب وحدود وظائف انجمنهای ولایتی و بلوکی.

۸ـ موضوع آزادی تعلیم و تربیت .

۹ـ الغای رأی متعدد و تعیین شرائط رأی دادن و انتخاب شدن .

نظر بماده ٦۹ قانون اساسی ۱۸۳۰ مجالس مقننه در دوره‌های اجلاسیه ۱۸۳۰ و ۱۸۳۱ و ۱۸۳۳ و ۱۸۳٤ و ۱۸۳۵ و ۱۸۳۷ و ۱۸۳۸ چند فقره قانون تصویب نمودند که محض اجتناب از تطویل کلام از شرح آنها صرفنظر میشود .

فصل چهارم

انقلاب ۱۸٤۸ و اعلام حکومت جمهوری

مبحث اول

جریان انقلاب ـ تشکیل حکومت موقت

تصویب قانون اساسی جدید

درماه فوریه ۱۸٤۸ انقلابی درپاریس بوقوع پیوست که منجر به سقوط حکومت سلطنتی واستقرار حکومت جمهوری گردید . همانطور که انقلاب ماه ژوئیه ۱۸۳۰ درفرانسه شروع شده به بلژیك ولهستان سرایت نموده بود انقلاب ۱۸٤۸ نیز درفرانسه پدیدارشده به پروس و اتریش ومجارستان و ایتالیا راه یافته باعث شورش وعصیان در آن ممالك گردید . فرق وقایع ۱۸۳۰ فرانسه با حوادث خونین ۱۸٤۸ این بود که درسال ۱۸۳۰ ملاکین وتجار وارباب صنایع ومتمولین دیگر بمنظور خلع سلسله ارشد (۱) خانواده بوربون واستقرارسلسله اصغر(۲) خاندان مزبور اقدام به انقلاب نمودند درصورتیکه علت اساسی انقلاب ۱۸٤۸ مخالفت قسمت اعظم مردم فرانسه با قانون انتخابات ۱۹ آوریل ۱۸۳۱ بود . توضیح اینکه بموجب قانون مزبور حق شرکت درانتخابات مجلس مبعوثان فقط باشخاصی داده میشد که ۲۰۰ فرانك مالیات مستقیم میپرداختند وحق انتخاب شدن بنمایندگی منحصر به کسانی بود که ۵۰۰ فرانك مالیات مستقیم میدادند و این مأخذ باندازه‌ای سنگین بود که از سی میلیون جمعیت فرانسه آنزمان درحدود فقط دویست هزار نفر حق شرکت درانتخابات را داشتند.
واما کارگران وسایرعناصر تندرو تحت تأثیر تألیفات سوسیالیستهای آن دوره مانند پرودون (۳) لوئی بلان (٤) کابه (۵) و مندرجات تبلیغاتی و مقاله های تحریك آمیز

۱ـ branehe aînée
۲ـ branche cadette
۳ـ Proudhon
٤ـ Louis Blanc
۵ـ Cabet

روزنامه‌های رفرم(۱) و ناسیونال(۲) چاپ پاریس اکتفا بتجدید نظر در قانون انتخابات ۱۸۳۱ و اعلام انتخابات عمومی نکرده بلکه الغای حکومت سلطنتی و استقرار حکومت جمهوری را درخواست مینمودند. با توجه به تقاضاهای طبقات اصلاح طلب ملت فرانسه مخالفین دولت در مجلس مبعوثان پیشنهاد کردند میزان مالیاتی که رأی دهندگان بایستی بپردازند تقلیل یابد تا عدهٔ بیشتری از افراد بتوانند از حق رأی استفاده کنند. گیزو (۳) رئیس‌الوزراء و هواخواهان او در مجلس مبعوثان با این پیشنهاد مناسب وملایم مخالفت نمودند و این مخالفت بی‌جا وسوء سیاست پادشاه ووزرای او باعث شد که درروز ۲۲ فوریه عناصر تندرو پاریس اقدام به انقلاب کنند. الحاق گارد ملی(٤) به شورشیان پادشاه را وادار کرد گیزو را از کار بر کنار و موله(٥) نام را به نخست‌وزیری تعیین کند. روز بعد یعنی در ۲۳ فوریه انقلاب با شدت و حدت بیشتری تجدید شد و نظامیان بسوی مردم تیراندازی کردند که در نتیجه عده‌ای مقتول ومجروح شدند. انقلابیون مقتولین را بردوش گرفته در خیابانها تظاهراتی نمودند و مردم را علیه پادشاه ودولت تحریك میکردند ومصراً و مؤکداً الغای رژیم سلطنتی و استقرار حکومت جمهوری را درخواست مینمودند. پادشاه تی‌یر(٦) را که یکی از مخالفین دولت ومورد احترام مردم بود احضار واو را مأمور تشکیل کابینه کرد ولی این اقدام لوئی فیلیپ نتوانست آتش انقلاب را خاموش کند زیرا عناصر تندرو و انقلابی الغای حکومت سلطنتی واستقرار رژیم جمهوری رادرخواست‌میکردند. انتخاب مارشال بوژو(۷) بفرماندهی قوای متمرکز در پایتخت به عصبانیت مردم افزود و نظامیان از مقاومت درمقابل انقلابیون خودداری کرده وحتی با آنها همصدا شدند. در ٢٤ فوریه پادشاه به نفع نوه خودموسوم به کنت دوپاری(۸) از مقام سلطنت استعفا داده پاریس را ترك گفت ودر انگلستان پناهنده شد. درهمان روز کونت دوپاری باتفاق مادرش که ازطرف پادشاه مستعفی به نیابت سلطنت انتخاب شده بود در مجلس مبعوثان حضور بهمرسانید. اکثریت نمایندگان مایل بودند سلطنت کونت دوپاری و نیابت سلطنت مادر اورا قبول کنند ولی در آنموقع شورشیان وارد مجلس شده نمایندگان را بزور از طالار جلسات

---

۱ - Réforme
۲ - National
۳ - Guizot
٤ - garde nationale
٥ - Molet
٦ - Thiers
۷ - maréchal Bugeaud
۸ - Comte de Paris

بیرون کردند سپس یك حکومت موقت مرکب از لامارتین (۱) آراگو(۲) لوئی ـ بلان (۳) دوپون (٤) وهفت نفر دیگر تشکیل دادند . حکومت موقت بریاست دوپون بطور موقت تاتشکیل مجلس ملی رژیم جمهوری را اعلام و مجلس اعیان و مجلس مبعوثان را منحل نمود . در ماه مارس فرمان انتخابات عمومی صادر گردید . انتخابات در ۲۳ آوریل بعمل آمده و مجلس ملی باحضور ۹۰۰ نفر نماینده در ٤ ماه مه منعقد ودرهمانروز تصمیم حکومت موقت را دائر براستقرار حکومت جمهوری تأیید نمود سپس مجلس ملی استعفای حکومت موقت را قبول و در دهم ماه مه یك کمیسیون اجرائی (۵) مرکب از آراگو، لامارتین وسه نفر دیگر تشکیل و کمیسیون مزبوررا مأمور نمودکه تا تصویب قانون اساسی جدید و تشکیل حکومت دائمی فرانسه را اداره کند . در ۱۵ ماه مه عناصر تندرو که ازاقدامات مجلس ملی وعملیات کمیسیون اجرائی ناراضی بودند یکبار دیگر وارد مجلس شده نمایندگان را از طالار جلسه بیرون کردندوانحلال کمیسیون اجرائی را اعلام ویك حکومت موقت ازهواخواهان خود تشکیل دادند . درهمان روزعصیان خاموش گردیده ومسببین محاکمه ومجازات شدند . در۲۳ ژوئن همانسال عصیان شدیدتری بوقوع پیوست و مجلس ملی ژنرال کاونیاك (٦) را با اختیارات تام مأمورخاموش کردن شورش نمود . عصیان ٤ روزه ژوئن نیز مانند شورش ۱۵ مه بدون اخذ نتیجه پایان یافت و مجلس ملی بمنظور جلوگیری از تکرار شورش درپاریس حکومت نظامی اعلام نموده وکارگرانی را که ازولایات بپاریس آمده ودرآنجا اقامت کرده بودند بولایات تبعیدنمود وآزادی مطبوعات وتشکیل مجامع وانجمنها را محدود کرد .

واما قبل‌ازوقایع خونین ۱۵ مه مجلس ملی بتاریخ ۱۲ همان ماه یك کمیسیون ۱۸ نفری مرکب از نمایندگان احزاب مختلف جهت تنظیم قانون اساسی جدید تشکیل داد . کمیسیون مزبورطرح قانون اساسی را در ۱۳۹ ماده تنظیم ودر ۱۹ ژوئن برای شور و تصویب به مجلس ملی تقدیم کرد . مجلس طرح مزبور را با پارهٔ اصلاحات درجلسه ٤ نوامبر باکثریت ۷۳۹ رأی دربرابر ۳۰ رأی مخالف تصویب نمود سپس

---

۱ — Lamartine
۲ — Arago
۳ — Louis Blanc
٤ — Dupont
۵ — Commission exécutive
٦ — général Cavaignac

در ۱۰ دسامبر ۱۸٤۸ پرنس لوئی ناپلئون بوناپارت برادرزاده ناپلئون اول در انتخابات مستقیم و بلاواسطه با کثریت ۵۵۳٤۲۲٦ رأی که قسمت اعظم آن متعلق به کارگران ودهاقین بود بریاست جمهوری انتخاب شد.

مبحث دوم

اصول کلی - وظائف وحقوق مردم

قانون اساسی مورخ ٤ نوامبر ۱۸٤۸ دارای یك مقدمه و۱۱٦ ماده میباشد.
خلاصه مقدمه قانون اساسی مزبور ازاین قرار است:

« درمقابل خداوند بنام ملت فرانسه مجلس ملی اعلام میکند:

-۱-

فرانسه یك دولت جمهوری است. با برقراری حکومت جمهوری ملت فرانسه عزم دارد با آزادی کامل راه ترقی را طی کند ووسائل تقسیم عادلانه مالیات وعوارض وسایر تعهدات مردم را درقبال دولت وهمچنین مزایای اجتماعی را فراهم نماید وسطح زندگی هرفردی ازافراد را بوسیله تقلیل هزینه‌های عمومی وتعدیل مالیات بالا ببرد و با اصلاح ادارات دولتی و تکمیل قوانین مردم را بـه حد اعلای تکامل معنوی وآسایش وآسودگی برساند.

-۲-

فرانسه یك جمهوری دمکراسی وغیرقابل تقسیم است.

-۳-

جمهوری فرانسه حقوق و وظایفی راکه فوق قوانین موضوعه بوده و مقدم برآن قوانین میباشد تأیید میکند.

-۴-

شعار جمهوری فرانسه آزادی(۱) برابری(۲) و برادری (۳) است. اساس و پایه جمهوری فرانسه خانواده ، کار، مالکیت و نظم اجتماعی میباشد.

-۵-

ملت فرانسه بانظر احترام به سایر ملل مینگرد و میخواهد که ملل دیگر نیز متقابلا ملت فرانسه را محترم شمارند.

۱- liberté ۲- égalité ۳- fraternité

-۶-

افراد ملت نسبت به جمهوری فرانسه وظایفی دارند. ملت فرانسه نیز وظائفی را در برابر مردم عهده‌دار است.

-۷-

افراد مردم وظیفه دارند که وطن خود را دوست داشته باشند - به حکومت جمهوری خدمت کنند - بقیمت جان خود از فرانسه دفاع نمایند - به تناسب دارائی خود در پرداخت مالیات شریك وسهیم باشند.

-۸-

ملت فرانسه عزم راسخ دارد که از افراد و خانواده و دارائی و کار آنها حمایت کرده و فرهنك را برای عموم قابل استفاده کند. ملت فرانسه بوسیله ایجاد کار یا کمك مادی وسائل زندگی اشخاص محتاج و کسانی را که قدرت کار ندارند تأمین میکند»

فصل دوم (مواد ۲ الی ۱۷) قانون اساسی ۱۸۴۸ حقوقی برای اشخاص قائل شده بود که اهم آن از این قرار است:

« هیچکس را نمیتوان دستگیر و بازداشت نمود مگر بموجب قانون (ماده۲).

خانه اشخاص از تجاوز مصون است. هیچکس نمیتواند وارد خانه دیگری بشود مگر درموارد پیش‌بینی شده درقانون و بارعایت مقرراتی که درقانون منظور گردیده است (ماده ۳).

هیچکس را نمیتوان از محاکم قانونی محروم ساخت. تشکیل کمیسیون ومحاکم فوق‌العاده به‌هرعنوان و اسمی باشد ممنوع است (ماده ٤)

حکم اعدام درباره مجرمین سیاسی ملغی است (ماده ٥).

بردگی درهیچیك از سرزمینهای تحت حاکمیت فرانسه جایز نیست (ماده٦).

هرکس میتواند با آزادی خلل‌ناپذیر بآداب ورسوم مذهب خود عمل کند. دولت فرانسه بدون تبعیض از تمام مذاهب حمایت میکند روحانیون ادیانی که از طرف دولت شناخته شده‌اند یا در آتیه مورد شناسائی دولت واقع خواهند گردید حق دارند از خزانه دولت حقوق دریافت دارند (ماده ۷).

افراد مجازند انجمن ومجامعی تشکیل دهند- نظریات وعرایض خودرا بمقامات دولتی تسلیم کنند عقاید خودرا بوسیله مطبوعات یاوسایل دیگر اظهار نمایند مشروط براینکه اعمال این حق آزادی دیگران را محدود ننماید ومخل نظم عمومی نباشد.

بهیچ‌وجه‌وعنوان نمیتوان‌مطبوعات را تابع سانسور کرد (ماده ۸) .

تعلیم و تربیت آزاد است . آزادی تعلیم و تربیت بشرط شایستگی و صلاحیت اخلاقی پیش‌بینی شده درقانون و تحت‌نظر دولت اعمال میشود و تمام مؤسسات تعلیم و تربیتی بدون استثناء مشمول این نظارت میباشند (ماده ۹) .

تمام افراد بااحراز شرائط‌منظوره‌درقانون و بادر نظر گرفتن لیاقت و صلاحیت خود حق اشتغـال به‌کلیه مشاغل دولتی را دارند . عناوین اشرافـی و کلیه امتیازات طبقاتی وغیره ملغی است (ماده ۱۰) .

حق‌مالکیت محفوظ است معذلك‌درمواردیکه منافع عمومی‌ایجاب‌نماید‌دولت میتواند‌ازاشخاص سلب‌مالکیت کند مشروط‌براینکه قبل‌ازخلع‌ید بهای منصفانه‌ملك مورد نظر پرداخت شود (ماده ۱۱) .

ضبط اموال برای همیشه ملغی است (ماده ۱۲) .

قانون‌آزادی‌کار و حرفه را برای‌اشخاص تضمین میکند . جامعه‌بوسیله تعلیم ابتدائی ومجانی ـ تعلیم حرفه‌ای ـ برابری کارفرما و کارگرـ ایجادمؤسسات تعاونی واعتبار ـ ایجادکار بوسیله‌دولت وشهرستانها و بخشها ودهستانها برای‌اشخاصیکه‌فاقد کارمیباشند وسائل‌توسعه تولیدرافراهم میکنند . دولت به‌اطفال بی‌پدرومادرو علیلان و پیران بی‌بضاعت کمك میکند (ماده ۱۳) .

پرداخت قروض دولتی تضمین میشود . تعهداتی که دولت درمقابل طلبکاران خود تقبل نموده است قابل انکار نیست (ماده ١٤) .

مالیات برای تأمین منافع وآسایش عمومی وضع میشود . اشخاص با در نظر گرفتن تمکن و توانائی‌خود مالیات میپردازند (ماده ١٥) .

بدون قانون وضع مالیات نمیشود (ماده ١٦) .

مالیات مستقیم‌برای مدت یکسال وضع میشود ومالیات غیرمستقیم را میتوان برای چند سال ایجاد نمود (ماده ١٧) » .

ماده ۱۸ (فصل سوم) قانون اساسی موردبحث ملت را منشأ تمام قوای دولتی دانسته وتفویض آن‌قوارا بطورموروثی باشخاص منع‌میکرد . ماده ۱۹فصل مزبور تفکیك قوا را اولین شرط حکومت آزاد میدانست .

مبحث دوم

مجلس ملی (۱)

بموجب ماده ۲۰ قانون اساسی مورخ ۱۸۴۸ پارلمان فرانسه را مجلس واحدی موسوم به مجلس ملی تشکیل میداد . مجموع نمایندگان مجلس مزبور بالغ بر ۷۵۰ نفر بود که ۷۳۴ نفررا شهرستانهای اروپائی وبقیه ۱۶ نفررا الجزایر ومستعمرات فرانسه انتخاب میکردند. هریك از شهرستانها یك حوزه انتخابیه تشکیل میداد . عدهٔ نمایندگانی که درحوزه‌های انتخابیه تعیین میشدند متناسب با تعداد سکنه آن حوزه‌ها بود . انتخابات عمومی مستقیم وسری بود بدین معنی که تمام اتباع فرانسه باستثناء اشخاصیکه بموجب احکام قطعی دادگاهها از حقوق مدنی وسیاسی محروم گردیده بودند درسن ۲۱ سالگی بدون پرداخت مالیات با شش ماه اقامت درحوزه انتخابیه بطورمستقیم چند نفررا بنمایندگی مجلس ملی انتخاب میکردند .

واما ماده ۲۷ قانون اساسی مورد بحث به مجلس ملی اجازه میداد که بموجب یك قانون متعارفی مستثنیاتی ازاصل کلی مندرج بالاقائل شده وپارهٔ اشخاص‌را ازحق رأی دادن وانتخاب شدن محروم کند . نظر به ماده مذکوردرفوق قانونی در ۴ نوامبر ۱۸۴۹ به تصویب رسید که بموجب آن علاوه بر کسانیکه بموجب احکام قطعی محاکم ازحقوق مدنی وسیاسی محروم شده بودند اشخاص ذیل نیز نمیتوانستند ازحق رأی استفاده کنند :

۱ـ اشخاصیکه بموجب حکم محاکم جنحه از حق رأی محروم شده بودند .

۲ـ اشخاصیکه با تهام ارتکاب جنایت محکومیت بحبس پیدا کرده بودند .

۳ ـ کسانیکه با تهام سرقت، کلاهبرداری ، خیانت درامانت ، اختلاس اموال دولتی یا عملیات منافی عفت به سه ماه لااقل حبس محکوم شده بودند .

۴ـ اشخاصیکه برای رباخواری محکومیت پیدا کرده بودند.

۵ـ ورشکستگان به تقصیر .

۶ـ اشخاصیکه از تصرف دراموال خود ممنوع بودند .

---

۱ ـ Assemblée nationale

بموجب ماده۲۷ قانون اساسی موردبحث تمام انتخاب کنندگان بدون رعایت شرط اقامت درحوزه انتخابیه درسن ۲۵ سالگی حق داشتند بنمایندگی مجلس ملی انتخاب شوند . بطور کلی مشاغل دولتی باعضویت مجلس ما نعةالجمع بود بدینمعنی که مأمورین دولت که بنمایندگی انتخاب میشدند ملزم بودند قبل از تصویب اعتبار نامه‌های نمایندگی از شغل خود استعفاء بدهند و در غیراینصورت از مأموریت دولت معزول گردیده ودر نمایندگی باقی میماندند واما برخلاف این اصل کلی طبق ماده ۸۵ قانون انتخابات مورخ ۱۸۴۹ وزراء ، دادستان دیوان کشور ، دادستان محکمه استیناف پاریس ، فرماندار ایالت سن (۱) ، استادان دانشگاه پاریس ، اشخاصیکه ازطرف دولت مأمور انجام وظیفه موقت (حد اکثر تا شش ماه) میشدند و همچنین فرمانده گارد ملی ایالت سن مجاز بودند باحفظ شغل خود درمجلس ملی عضویت داشته باشند.

واما بموجب ماده ۸۱ قانون انتخابات مامورین مذکور درذیل دولت و پارهٔ مأمورین دیگر درحوزه مأموریت خود ازانتخاب شدن بنمایندگی مجلس ملی بطور مطلق ممنوع بودند :

۱- رؤسای کل و رؤسای شعب واعضای دادسرای محاکم استیناف .

۲- رؤساء ومعاونین ، بازپرسان و اعضای دادسرای محاکم بدایت .

۳ - فرمانداران ، رؤسای شهربانی ، بخشداران ، دبیران کل واعضای شورای فرمانداری .

٤- مأمورین عالیمقام دارائی .

٥- سرمهندسین شهرستانها ومهندسین بخش .

٦- رؤساء و بازرسان فرهنك .

۷- مدیران مدارس ابتدائی .

۸- روحانیون عالیمقام (۲) .

بعلاوه اشخاصیکه با دولت فرانسه قرارداد مقاطعه کاری منعقد ساخته بودند وهمچنین رؤسای راه‌آهن ازحق انتخاب شدن درتمام حوزه‌ها ممنوع بودند .

۱- préfet de la Seine

۲- archevêques, évêques, vicaires généraux

جلسات مجلس ملی دائمی بود معذلك مجلس میتوانست به صلاحدید خویش جلسات خودرا برای مدت معینی تعطیل کند . درصورت تعطیل کمیسیونی مرکب از اعضای هیئت رئیسه و ۲۵ نفر نماینده ازطرف مجلس ملی برأی مخفی و باکثریت مطلق آراء انتخاب میشدند که درمواردضروری نمایندگان را برای تشکیل جلسات فوق العاده مجلس دعوت نمایند . رئیس جمهوری نیزمجاز بود درایام تعطیل مجلس را بطور فوق العاده منعقد کند. اعضای مجلس ملی ازطرف تمام شهرستانها نمایندگی داشتند نه فقط ازطرف شهرستانهائی که آنها را انتخاب کرده بودند .

نمایندگان مجلس مجاز نبودند از موکلین خود دستورالعمل (۱) دریافت دارند . نمایندگان مجلس ملی با آزادی خلل ناپذیر میتوانستند درمجلس اظهاراتی کنند ورأی دهند بقسمی که مقامات دولتی و اشخاص حق نداشتند آنها را بواسطه نطقی که درمجلس ایراد کرده بودند و رأیی که داده بودند نه دردورهٔ قانونگذاری و نه بعداز دورهٔ نمایندگی تعقیب نمایند . درامور جزائی نیز مقامات مربوطه حق نداشتند نمایندگان مجلس ملی را دستگیرو تعقیب کنند مگر بااجازه اکثریت مجلس ولی درمورد جرائم مشهوده بازداشت و تعقیب نماینده مجاز بود و دراین مورد هم مقامات وابسته موظف بودند مراتب را باستحضار مجلس ملی برسانند . نمایندگان برای سه سال انتخاب میشدند . ٤٥روز لااقل قبل ازانقضای دورهٔ قانونگذاری تاریخ انتخابات جدید بموجب قانون معین میگردید واگر بفرض محال مجلس ملی ازتصویب چنین قانونی خودداری میکرد دراین حال رأی دهندگان قانوناً محق بودند سی روز مانده به آخر دورهٔ قانونگذاری به انتخاب نمایندگان خود مبادرت کنند . مجلس جدید یکروز بعدازانقضای دورهٔ مجلس سابق منعقد میگردید .

نمایندگان مجلس ملی ازخزانه دولت مقرری دریافت میداشتند ونمیتوانستند از قبول آن امتناع کنند . جلسات مجلس ملی علنی بود معذلك مجلس میتوانست بنابتقاضای جمعی از نمایندگان که عدهٔ آنرا قرار بودنظامنامه داخلی معین کند جلسه محرمانه تشکیل دهد. هریك از نمایندگان حق داشت طرحهای قانونی تهیه و برای شور ومذاکره به مجلس تقدیم کند . درموقع اخذ رأی حضور نصف بعلاوه یك مجموع نمایندگان درجلسه مجلس ضروری بود . بجزموارد ضروری کلیه لوایح وطرحهای

۱— mandat impératif

قـانونی بایستی سه مرتبه بفاصله لااقل پنج روز مورد شور و مذاکره واقع گردد. وزراء درمقابل مجلس ملی مسئولیت سیاسی داشتند بدین‌معنی که مجلس میتوانست باکثریت آراء آنها را وادار باستعفاء کند.

مبحث سوم

ریاست جمهوری - وزراء - شورای دولتی - تقسیمات کشور

قانون اساسی ۱۸۴۸ (ماده ۴۳) ریاست قوه مجریه‌را به رئیس جمهوری تفویض کرده بود. رئیس جمهوری بایستی هنگام تولد تبعه فرانسه بوده باشد بعبارت دیگر اشخاصی که تابعیت فرانسه‌راقبول کرده بودند ازانتخاب شدن بمقام ریاست جمهوری ممنوع بودندبعلاوه سن رئیس‌جمهوری نبایستی کمترازسی‌سال‌باشد. رئیس‌جمهوری برای چهار سال انتخاب میشد و انتخاب او فقط پس‌از چهارسال فاصله قابل تجدید بود. بعداز انقضای مدت مأموریت رئیس جمهوری درظرف مدت چهارسال معاون وی و همچنین اقوام نسبی و سببی او تا درجـه ششم نمیتوانستند بریاست جمهوری انتخاب‌شوند. انتخاب رئیس‌جمهوری دردومین یکشنبه ماه‌مه بعمل‌میآمد. وی برأی مخفی بطورمستقیم و باکثریت مطلق آراء کلیه رأی‌دهندگان شهرستانهای اروپائی فرانسه‌والجزایرانتخاب میشد. صورت مجالس‌انتخابات به‌مجلس ملی‌ارسال ومجلس مزبور پس‌از تأیید صحت انتخابات نتیجه آنرا اعلام میکرد و چنانچه هیچکدام از داوطلبان حائزاکثریت مطلق‌آراء نبوده ودومیلیون لااقل رأی نداشت ویابالاخره واجد شرایط قانونی نبود در هر یك از این سه مورد مجلس ملی از بین پنج نفر داوطلب کـه بیشتر از داوطلبان دیگر رأی داشتند یکنفر را بـرأی مخفی و باکثریت آراء بریاست جمهوری انتخاب میکرد. قبل از مبادرت بانجـام وظائف محولـه رئیس جمهوری بایستی درمجلس ملی حضور بهمرسانیـده بشرح زیر قسم یادکند:

« درحضور خداوند و درمقابل ملت فرانسه که نمایندگی آن با مجلس ملی است قسم یادمیکنم به جمهوری دمکراتیك واحد وغیرقابل‌تقسیم وفادار بوده و کلیه وظائفی راکه قانون اساسی به‌من محول نموده است انجام دهم ».

اهم وظائف رئیس جمهور بشرح ذیل بود:

۱- رئیس جمهوری وزرا را انتخاب وعزل مینمود . عدهٔ وزراء ووظائف آنها بموجب قانون معین میگردید .

۲- رئیس جمهوری پس‌از جلب نظرمشورتی هیئت وزیران مأمورین سیاسی فرانسه درممالك بیگانه - فرماندهان نیروی زمینی و دریائی - فرمانده گارد ملی ایالت سن - فرمانداران ولایات اروپائی فرانسه - فرمانداران الجزایر ومستعمرات فرانسه - دادستانها و سایر مأمورین عالیمقام دولتی را تعیین و عزل مینمود . رئیس جمهوری سایرمأمورین‌دولت‌را برطبق پیشنهادوزراء انتصاب وعزل مینمود .

۳- رئیس‌جمهوری مجاز بودمأمورین قوه مجریه‌را که ازطرف مردم انتخاب میشدند برای مدت حداکثر سه ماه ازکار بر کنار کند و همچنین میتوانست آنها را بشرط جلب نظر شورای دولتی ازخدمت منفصل‌نماید .

٤- رئیس‌جمهوری‌نیروی‌مسلح فرانسه‌رادراختیارداشت‌ولی‌شخصاًنمیتوانست فرماندهی‌آنرا بعهده بگیرد .

٥- رئیس جمهوری سفرای کبار و سایر نمایندگان سیاسی ممالك بیگانه را میپذیرفت . سفرای کباروسایرنمایندگان سیاسی فرانسه درخارجه بنمایندگی رئیس جمهوری انجام وظیفه میکردند .

٦- رئیس جمهوری عهدنامه‌های بین‌المللی را منعقد میساخت ولی هیچیك ازعهدنامه‌های مزبورقطعی نبود مگر پس‌ازتصویب مجلس ملی .

۷- رئیس جمهوری با جلب موافقت مجلس ملی اعلان جنگ میداد .

۸- حق پیشنهاد لوایح قانونی با رئیس جمهوری ومجلس ملی بود .

۹- رئیس جمهوری بنام ملت فرانسه قوانین فوری را درمدت سه روزوسایر قوانین را درظرف یکماه از تاریخ تصویب ابلاغ میکرد . درظرف مدتی که برای ابلاغ قوانین مقرر گردیده بود رئیس جمهوری میتوانست بوسیله پیام ازمجلس ملی تقاضا کند که‌قانون مصوب‌را موردتجدیدنظرقراردهد واگرمجلس‌ملی‌همان‌قانون‌را یکباردیگرتصویب میکرددراین‌صورت رئیس جمهوری ملزم‌بودآن قانون را مانند یك قانون فوری درظرف سه روز ابلاغ کند و درصورت امتناع ریاست جمهوری ازابلاغ قانونی که‌دودفعه به تصویب مجلس‌ملی رسیده‌بود رئیس‌مجلس حق‌ووظیفه داشت آن قانون را ابلاغ وبموقع اجرا بگذارد .

۱۰- اعلان حکومت نظامی مستلزم موافقت مجلس ملی بود .

۱۱- اقدام رئیس جمهوری مبنی برانحلال یا تعطیل یا هر گونه عملی که مانع کارهای مجلس ملی میشد خیانت به کشور محسوب میشد و براثر چنین اقدامی وی بحکم قانون اساسی از مقـام خود منفصل شده و قوه مجریه به مجلس ملی انتقـال می‌یافت ودیوان عالی‌دادگستری بلادرنك برای محاکمه رئیس جمهوری وهمدستان او تشکیل میشد .

۱۲- رئیس جمهوری حق عفوخصوصی‌وتخفیف مجازات را داشت ولی‌اعمال این حق مستلزم جلب نظر مشورتی شورای دولتی بود . عفو عمومی بوسیله قانون بعمل‌میآمد . عفووتخفیف مجازات رؤسای جمهورووزراء وسایراشخاصیکه ازطرف دادگاهها محکوم میشدند منوط بموافقت مجلس ملی بود .

رئیس‌جمهوری‌موظف‌بودهرسال‌بوسیله پیام وضع عمومی کشوررا باستحضار مجلس ملی برساند . کلیه اقدامات رئیس جمهوری بجز فرمان انتصاب و عزل اعضاء هیئت دولت بدون امضای یکی از وزراء بلااثر بود . رئیس جمهوری سالی ششصد هزارفرانك مقرری دریافت میداشت‌بعلاوه هزینه خانه مسکونی‌او بعهده دولت بود. رئیس جمهوری نمیتوانست از خاك فرانسه خارج شود مگر با اجازه مجلس ملی . در صورت فوت یا استعفاء رئیس جمهوری در مدت یکماه اقدام به انتخاب رئیس جدید میشد .

رئیس جمهوری یك قائم مقام داشت که مجلس ملی از بین سه نفر کـه وی پیشنهادمیکرد انتخاب مینمود . نایب رئیس نیز مانند رئیس جمهوری قبل‌از مبادرت به‌انجام وظائف‌خود قسم وفاداری نسبت به‌حکومت جمهوری یادمیکرد. درصورت عدم توانائی رئیس جمهوری برای‌انجام وظائف خود نایب رئیس وظائف ریاست جمهوری را انجام میداد .

مطابق قانون اساسی سال۱۸۴۸درفرانسه هیئتی‌بنام شورای دولتی(۱) وجود داشت که ریاست آن با نایب رئیس جمهوری بود . اعضای شورای دولتی را مجلس ملی برأی مخفی و اکثریت آراء انتخـاب میکرد . دوره مأموریت اعضای شورای دولتی شش سال بود و هرسه سال انتخاب نصف آنها تجدید میشد . تجدید انتخاب

۱- Conseil d'Etat

اعضای شورای مزبورمانع قانونی نداشت . عزل اعضای شورای دولتی بنابه پیشنهاد رئیس جمهوری وطبق تصمیم مجلس ملی بعمل میآمد . دولت وظیفه داشت که نظر مشورتی شورای دولتی را درباره کلیه لوایح قانونی که به مجلس ملی پیشنهاد میشد بخواهد بعلاوه شورای دولتی درخصوص طرحهای قانونی که نمایندگان به مجلس ملی تقدیم میکردند اظهار نظر میکرد و نیز شورای دولتی وظیفه داشت که نظامنامه‌های اجرای قوانین مصوب را تنظیم کند ودرعملیات ادارات دولتی نظارت داشته باشد . علاوه بروظائف مذکور در فوق مجلس ملی میتوانست وظائف دیگری نیز برای شورای دولتی قائل شود .

کشور فرانسه به شهرستانها (۱) تقسیم میشد وهرشهرستان مرکب از چند بخش (۲) وهربخش مرکب از چندبلوك (۳) وهربلوك مرکب از چند دهستان (٤) بود . سازمان اداری هریك ازشهرستانها رایك فرماندار(۵) یك شورای شهرستان(٦) و یك شورای فرمانداری (۷) تشکیل میدادند . در رأس هربخش یك بخشدار (۸) قرار گرفته بود . درهربلوك یك شورای بلوك (۹) دائربود ولی درشهرهائیکه بچند بلوك تقسیم میشدفقط یك شورا تشکیل میگردید . سازمان اداری هردهستان عبارت بود از یك دهدار(۱۰) ومعاونین او ویك شورای دهستان(۱۱) . انتخاب اعضای شوراهای شهرستان وشوراهای بلوك ودهستان بطورمستقیم بعمل میآمد . طرز انتخاب اعضای شورای شهرستان سن و شهر پاریس و شهرهائیکه متجاوز از بیست هزار جمعیت داشتند تابع مقررات خاصی بود . رئیس جمهور حق داشت پس از جلب نظر مشورتی شورای دولتی شوراهای شهرستان وشوراهای بلوك ودهستانرا منحل کند .

مبحث چهارم

محاکم - تجدید نظر درقانون اساسی

قضاوت بنام ملت فرانسه بعمل میآمد. جلسات محاکم علنی بودمگردرمواردیکه

۱– département
۲– arrondissement
۳– canton
٤– commune
۵– préfet
٦– Conseil général
۷– Conseil de préfecture
۸– sous - préfet
۹– Conseil cantonal
۱۰– maire
۱۱– Conseil communal

علنی بودن آنها از لحاظ مصالح کشور و جلوگیری از انتشارات منافی اخلاق عمومی ضروری تشخیص داده میشد. محاکم جنائی و همچنین محاکم جنحه که باتهامات سیاسی و مطبوعاتی رسیدگی میکردند باحضور هیئت منصفه تشکیل میشد. امنای صلح - اعضای محاکم بدایت - مستشاران محاکم استیناف - مستشاران دیوان کشور و دیوان محاسبات ازطرف رئیس جمهوری انتخاب میشدند. قضات مذکور درفوق بجز امنای صلح مادام العمر تعیین میشدند و عزل و انفصال موقت آنها مستلزم حکم محاکم صلاحیتدار بود. ماده ۸۸ قانون اساسی ۱۸۴۸ مقرر میداشت که محاکم نظام (۱) و دادگاههای تجدید نظر و محاکم تجارت و سایر دادگاه های اختصاصی که قبل از انقلاب سال ۱۸۴۸ دائر بود باسازمان و وظائفی که داشتند باقی بمانند مگر اینکه مجلس ملی بموجب یك قانون متعارفی در تشکیلات و وظائف آنها تغییراتی بعمل آورد. کلیه اختلافات حاصله بین محاکم ومقامات اداری بوسیله دادگاه مخصوصی که اعضای آنرا دیوان کشور وشورای دولتی از بین مستشاران خود برای مدت سه سال انتخاب مینمودند حل و فصل میشد. ریاست این دادگاه با وزیر دادگستری بود.

قرار تعقیب رئیس جمهور ووزرا را مجلس ملی صادر ودادگاه عالی دادگستری آنهارا محاکمه میکرد. همچنین مجلس ملی کلیه متهمین بارتکاب جنایت وسوء قصد یاتوطئه برعلیه امنیت داخلی وخارجی کشور را برای محاکمه بدادگاه عالی دادگستری تسلیم مینمود. دادگاه عالی دادگستری را پنج قاضی اصلی دو قاضی علی البدل وسی وشش عضو اصلی وچهارعضو علی البدل هیئت منصفه تشکیل میدادند. قضات اصلی و علی البدل دادگاه مزبور را دیوان کشور برای مدت یکسال برأی مخفی و باکثریت مطلق آراء از بین اعضای خود انتخاب میکرد. پنج قاضی اصلی از بین خود یکنفر را بریاست دادگاه انتخاب میکردند. اعضای اصلی و علی البدل هیئت منصفه از بین اعضای شوراهای شهرستانها انتخاب میشدند بهرحال انتخاب نمایندگان مجلس ملی به عضویت هیئت منصفه ممنوع بود. اعضای دادسرای دادگاه عالی دادگستری را رئیس جمهوری تعیین میکرد. قرار هیئت منصفه مبنی برمجرمیت متهم مستلزم موافقت دوثلث اعضاء آن بود.

---

۱ - Conseil de guerre

تجدیدنظر درقانون اساسی تابع مقررات ذیل بود :

چنانچه مجلس ملی درسال سوم دورهٔ قانونگذاری لزوم تغییر قانون اساسی یا تجدیدنظردر بعضی موادآنرا تشخیص میداد موضوع سه‌بار بفاصله هردفعه یکماه موردشوروواقع گردیده و نمایندگان‌مجلس که‌عدهٔ آنها نبایستی کمتراز پانصدنفر باشد باکثریت سه ربع آراء تصمیم‌بروضع قانون اساسی جدید یا تجدیدنظر درپارهٔ مواد قانون اساسی موجودمیگرفتند سپس مجلس مخصوصی (مؤسسان) برای تغییرقانون اساسی تشکیل میشد . مجلس مزبور که عدهٔ نمایندگان‌آن بایستی بالغ‌بر نهصدنفر باشد ملزم‌بود درظرف مدت سه ماه ازتاریخ انعقاد تغییرات لازم درقانون اساسی را بعمل‌آورده وانحلال خودرا اعلام کند .

فصل پنجم

کودتای ۱۸۵۱ وقانون اساسی ۱۸۵۲

مبحث اول

کودتا - رفراندوم (۱) - تصویب قانون اساسی جدید

پس از تصویب قانون اساسی ۱۸۴۸ مجلس مؤسسان در دوم ماه مه ۱۸۴۹ انحلال خودرا اعلام نمود وطبق مقررات قانون اساسی جدید مجلس دیگری بنام مجلس ملی منعقد گردید. اکثریت مجلس ملی را مخالفین حکومت جمهوری و هواخواهان رژیم سلطنتی تشکیل میدادند. چون درانتخابات فرعی آوریل ۱۸۵۰ عناصر تندرو بنمایندگی انتخاب شده بودند و نمایندگان اکثریت مجلس ملی این نگرانی را داشتند که در انتخابات عمومی ۱۸۵۲ اکثریت بدست نمایندگان دست چپ بیفتد درصدد چاره جوئی برآمده وتصمیم گرفتند که قانون انتخابات ۱۸۴۹ را تغییر دهند. چون انتخابات عمومی در قانون اساسی پیش‌بینی شده بود و مجلس ملی نمیتوانست مأخذ تمول را برای شرکت در انتخابات برقرار کند بنابراین نمایندگان اکثریت مجلس در ۳۱ ماه مه ۱۸۵۱ قانونی تصویب نمودند که بموجب آن برای رأی دادن سه سال اقامت درحوزه انتخابیه ضروری بود در صورتیکه مطابق قانون انتخابات ۱۵ مارس ۱۹۴۹ برای شرکت درانتخابات شش ماه اقامت کافی بود. منظورواضعین قانون جدید این بود که کارگران سیار که برای پیدا کردن کار از محلی بمحل دیگر نقل مکان میکردند نتوانند درانتخابات مجلس ملی شرکت کنند. درنتیجه اجرای این قانون سه میلیون نفر از رأی دادن محروم شدند. چون لوئی ناپلئون با این قانون مخالف بود و ازطرفی هم نمیتوانست از حق وتو یعنی عدم توشیح و ابلاغ قوانین مصوب مجلس ملی استفاده کند لذا طبق ماده ۵۸ قانون اساسی بوسیله پیام ازمجلس تقاضا نمود که درقانون مزبور تجدیدنظر کند ولی مجلس ملی قانون جدید

---

۱ - referendum

انتخابات را تأیید نمود که نتیجتاً رئیس جمهور مجبور شد آن قانون را توشیح و ابلاغ کند.

گذشته‌ازاین چون لوئی ناپلئون که دورهٔ سه‌ساله ریاست اودر نهم ماه دسامبر ۱۸۵۲ پایان‌مییافت مطابق ماده۴۵ قانون‌اساسی نمیتوانست بدون‌فاصله یکباردیگر بریاست جمهوری‌انتخاب شوداز طرفی‌هم تغییرماده مزبور نظر به‌دسته‌بندیهای سیاسی آنزمان مشکل و حتی غیرمقدور بنظر میرسید نامبرده در روز دوم دسامبر ۱۸۵۱ فرمانی صادر نمود که حاکی از اقدامات ذیل بود :

۱- برقرای حکومت نظامی (۱) .

۲- الغای قانون انتخابات مورخ ۳۱ ماه مه ۱۸۵۱ .

۳- انحلال مجلس ملی و تجدید انتخابات مجلس مزبور .

۴- انحلال شورای دولتی .

بعلاوه لوئی ناپلئون چند ماده قانون اساسی را مورد تجدید نظر قرار داده وتصویب آنرا به‌آراء عمومی ارجاع نمود . مواد مورد تجدیدنظر ازاین‌قرار بود :

۱- انتخاب رئیس جمهور برای مدت ده سال .

۲- تشکیل مجلس سنای حافظ و نگهبان قانون اساسی .

۳- تشکیل شورای‌دولتی‌جدید برای‌تهیه قوانین ودفاع‌از آن درمجلس‌ملی .

۴- الغای انتخابات جمعی و استقرار انتخابات فردی .

۵- مسئولیت سیاسی وزراء درمقابل رئیس جمهوری .

این بود پنج اصلی که قانون اساسی جدید فرانسه میبایست براساس آن تنظیم شود .

کودتای ۲ دسامبر و بازداشت مخالفین مؤثر و متنفذ لوئی ناپلئون ازقبیل ژنرال کاونیاك(۲)و تی‌یر(۳)تاریخ‌نویس‌ورجل‌سیاسی‌نامی‌فرانسه‌عصبانیت کم‌نظیری درمحافل سیاسی پاریس وشهرستانها ایجاد نموده و منجر به شورش گردید . هرچند ماده۹۱ قانون اساسی دیوان عالی دادگستری را موظف میکرد که لوئی‌ناپلئون را برای نقض قانون اساسی محاکمه کند ولی نظر به‌اوضاع واحوال آنزمان تشکیل

۱- état de siège

۲- Cavaignac

۳- Thiers

محکمه نه تنها مشکل بلکه غیرمقدور بود. نمایندگان مجلس ملی که هنوز توقیف نشده بودند از جمله ویکتورهوگو(۱) مردم را تحریك بمقاومت مینمودند که نتیجتاً در پاریس وشهرستانها حوادث خونینی بوقوع پیوست ودولت بانهایت شدت وحدّت توانست عصیان را خاموش ومسببین ومحرکین‌را اعدام یا به مستعمرات دور افتاده تبعید کند.

واما دررفراندومیکه درروزهای ۲۰و۲۱ دسامبر ۱۸۵۱ بعمل آمد از رأی - دهندگان تقاضا شد که به سؤال ذیل جواب بدهند:

«آیا ملت فرانسه باادامه حکومت لوئی ناپلئون بوناپارت موافق میباشد وباو اختیار میدهد که قانون اساسی جدید فرانسه را روی پنج اصل مندرج درفرمان مورخ ۲ دسامبر ۱۸۵۱ تنظیم کند»؟

دررفراندوم درحدود ۷۵۰۰۰۰۰ نفر بهسؤال لوئی ناپلئون جواب مثبت ونزدیك به ۶۵۰۰۰۰ نفر پاسخ منفی دادند.

پس از اعلام نتیجه رفراندوم لوئی ناپلئون کمیسیونی تشکیل داد که بادر نظر گرفتن پنج اصل مذکوردرفوق قانون اساسی جدیدی تنظیم و به تصویب وی برساند.

طرح قانون اساسی جدید در ۵۸ ماده بتاریخ ۱۴ ژانویه ۱۸۵۲ بهتصویب لوئی ناپلئون رسیده ودر ۲۹ مارس همانسال بموقع اجرا گذاشته شد.

مبحث دوم

ریاست جمهوری - وزراء

قانون اساسی ۱۴ ژانویه ۱۸۵۲ فرق زیاد باقانون اساسی سال هشتم جمهوری (۱۷۹۹) نداشت بدین‌معنی که قانون اساسی مزبور مانند قانون اساسی سال هشتم جمهوری منشأ ومبدأ اقتدارات دولتی‌را اراده ملی میدانست. بااینکه قانون اساسی تنظیمی لوئی ناپلئون روی اصل حاکمیت ملی قرار گرفته ووی خودرا مانند ناپلئون اول تعقیب کننده ودوام دهنده اصول انقلابی میدانست معذلك ماده ۳ قانون اساسی موردبحث مقرر میداشت که رئیس جمهور بوسیله وزراء، شورای دولتی، سنا وهیئت قانونگذاری حکومت میکند.

ازلحاظ ریاست قوه مجریه لوئی ناپلئون دارای اختیارات نامحدود بود بدین معنی

۱- Victor Hugo

که وی وزرأ و مأمورین نظامی و کشوری و اعضای شورای دولتی و سنا را عزل و نصب مینمود - فرماندهی نیروی نظامی با او بود - اعلان جنگ ازوظائف رئیس جمهور بود - رئیس جمهوردرزمان جنگ وایام صلح درتمام قلمروفرانسه یا قسمتی ازخاك آن حکومت نظامی اعلام میکرد وفقط ملزم بود فرمان برقراری حکومت نظامی را باستحضار سنا برساند - رئیس جمهور قراردادهای صلح اتحاد نظامی وبازرگانی وغیره را منعقد میساخت - برای اجرای قوانین نظامنامه تنظیم وفرامین صادرمیکرد . فرامین رئیس جمهور بدون امضای وزراء قابل‌اجرا بود .

ازحیث دخالت درقوه مقننه رئیس جمهور لوایح قانونی تهیه و برای شور و تصویب به هیئت قانونگذاری ارسال میداشت . نمایندگان از حق پیشنهاد قانون ممنوع بودند .

رئیس جمهور حق انعقاد - تعطیل - تمدید و انحلال هیئت قانونگذاری را داشت ودرصورت انحلال، هیئت قانونگذاری جدید بایستی درمدت ٦ ماه ازتاریخ انحلال مجلس قبلی منعقدگردد .

رئیس‌جمهوری حق‌داشت‌بدون‌قیدوشرط ازتوشیح‌وابلاغ‌قوانین‌مصوب‌هیئت قانونگذاری خودداری کند . تصویب و اجرای مصوبات مجلس سنا نیز با او بود .

قضاوت بنام رئیس جمهوربعمل میآمد . انتخاب قضات با ریاست جمهوربود .

رئیس جمهور حق عفو وتخفیف مجازات را داشت .

هرچند ماده پنجم قانون اساسی۱۸۵۲ رئیس جمهوررا درمقابل ملت مسئول میدانست ولی ماده مزبورومواد دیگرقانون اساسی طرق ووسایل تعقیب اورا معین نکرده بود . وزراء - اعضای مجلس‌سنا - نمایندگان هیئت قانگذاری - اعضای شورای دولتی - افسران نیروی زمینی و دریائی - قضات و سایر مستخدمین دولت سوگند وفاداری نسبت به قانون اساسی وشخص رئیس جمهوریادمیکردند . مقرری سالیانه رئیس‌جمهور بموجب تصویبنامه سنابرای تمام‌دورهٔ ریاست اومعین میگردید . چنانچه رئیس جمهور قبل‌از انقضای دورهٔ ده ساله فوت میکرد یا استعفاء میداد سنا از رأی‌دهندگان دعوت مینمود که‌بانتخاب رئیس‌جمهورجدید مبادرت کنند . رئیس جمهور حق‌داشت بموجب وصیتنامه سری که درمجلس سنـا ضبط میشد یك نفر را به‌جانشینی‌خوددر نظر گرفته وانتخاب‌اورا ازمردم‌خواستارشود. ماده۱۸قانون‌اساسی

مقرر میداشت که تا انتخاب رئیس جمهور جدید رئیس مجلس سنا باکمك وزراء مملکت را اداره خواهد کرد .

وزراء هیئتی تشکیل نمیدادند و بنابراین مقام نخست وزیری وجود نداشت‌ووزراءگزارشهای خود را به‌رئیس جمهور تقدیم نموده از او دستورالعمل دریافت میداشتند . هیئت قانونگذاری نمیتوانست وزراءرا مورداستیضاح قراردهد وآنها را با ابرازعدم اعتماد وادار باستعفاء کند وحتی‌سؤالاتی ازآنها بنماید. وزراء مجاز نبودند باحفظ مقام وزارتی‌درهیئت قانونگذاری عضویت‌داشته‌باشند وهمچنین حق نداشتند درجلسات هیئت قانونگذاری حضور بهمرسانیده از لوایح پیشنهادی دولت دفاع کنند . حق دفاع ازلوایح دولتی بعهده اعضای شورای دولتی بود .

برای تهیه لوایح قانونی و تنظیم نظامنامه‌های اجرای قوانین مصوب هیئت قانونگذاری هیئتی بنام شورای دولتی دائر بود . علاوه‌بر وظائف مزبور شورای دولتی بعنوان یك محکمه عالی‌اداری‌اختلافات حاصله بین‌اشخاص وادارات دولتی‌را حل و فصل میکرد . شورای دولتی وظائف خود را تحت نظر رئیس جمهور انجام میداد . عدهٔ اعضای شورای دولتی حد اقل چهل و حد اکثر پنجاه نفر بود. وزراء بواسطه مقام خود درشورای دولتی عضویت داشتند .

نصب وعزل اعضای شورای دولتی با رئیس جمهور بود . شورای مزبور تحت ریاست رئیس جمهورجلسات خودرا تشکیل میداد ودرغیاب اواداره جلسات شورا بانایب رئیس بود که ازطرف رئیس جمهور انتخاب میشد . بطوریکه دربالا اشاره شد چند نفر از اعضای شورای دولتی بانتخاب رئیس جمهور درهیئت قانونگذاری بنام رئیس جمهور ازلوایح پیشنهادی دولت دفاع میکردند .

مبحث سوم

هیئت قانونگذاری ـ سنا

اعمال قوه مقننه با مجلسی بود موسوم به هیئت قانونگذاری (۱) که اعضای آن‌برای مدت شش سال انتخاب میشدند . انتخابات عمومی‌بود ودرهرحوزه انتخابیه یکنفر بنمایندگی انتخاب میشد . دورهٔ اجلاسیه نبایستی ازسه ماه تجاوز کند . رئیس

---

۱ – Corps législatif

و نواب رئیس هیئت قانونگذاری را رئیس جمهور انتخاب میکرد . نظامنامه داخلی هیئت مزبور را نیز رئیس جمهور تصویب مینمود . نمایندگان از خزانه دولت مقرری دریافت نمیداشتند . محتاج به تذکر نیست که در نتیجه عدم پرداخت مقرری اشخاصیکه بوسیله کار و هنر خود امرار معاش میکردند از انتخاب شدن بعضویت هیئت قانونگذاری محروم بودند .

نمایندگی هیئت قانونگذاری با استخدام دولتی مانعة الجمع بود . جلسات هیئت قانونگذاری علنی بود ولی بنا بتقاضای پنج نفر نماینده جلسه محرمانه تشکیل میشد . فقط صورت رسمی مذاکرات و تصمیمات هیئت قانونگذاری قابل انتشار درجراید بود . هیئت قانونگذاری لوایح قانونی را که شورای دولتی تهیه میکرد مورد مذاکره قرار داده آنها را تصویب یا رد مینمود . نمایندگان مجاز نبودند مواد اصلاحی به لوایح قانونی پیشنهاد نمایند مگر با جلب موافقت شورای دولتی . افراد مردم حق نداشتند از ظلم و تعدی مأمورین دولت به هیئت قانونگذاری شکایت کنند یا نظریات خود در اراجع باصلاح قوانین مصوب و لزوم تدوین قوانین جدید باستحضار مجلس برسانند . منظور لوئی ناپلئون این بود که مردم با هیئت قانونگذاری تماس پیدا نکنند فقط برای حفظ ظاهر به مردم اجازه داده شده بود که شکایات خود را از مقامات دولتی و پیشنهادات خود را راجع باصلاح قوانین به مجلس سنا ارسال دارند .

بطوریکه در بالا اشاره شد قانون اساسی ۱۸۵۲ مقرر میداشت که انتخابات هیئت قانونگذاری براساس تعداد سکنه بعمل آمده و هر ۳۵۰۰۰ رأی دهنده یکنفر نماینده به هیئت مزبور خواهند فرستاد (مواد ۳٤ و ۳۵) . مطابق ماده ۳٦ انتخابات عمومی وفردی بود و نمایندگان برای شش سال انتخاب میشدند .

نظر باینکه مقررات مذکور در فوق برای انجام انتخابات کافی نبود و چون بموجب ماده ۵۸ قانون اساسی مورد بحث از تاریخ کودتا (۲ دسامبر ۱۸۵۱) تا انعقاد هیئت قانونگذاری رئیس جمهور میتوانست بموجب فرامین(۱) وضع قوانین کند لذا لوئی ناپلئون بتاریخ ۲ فوریه ۱۸۵۲ یک فرمان اساسی(۲) درخصوص شرایط رأی دادن

۱ – décret

۲ – décret organique

وانتخاب شدن وسایر مسائل مربوط بانتخابات را صادر کرد. علاوه بر امریه مزبور وی در ۲۰ فوریه ۱۸۵۲ امریه دیگری (۱) راجع به اوراق رأی - کیفیت استخراج و شمارش آراء و غیره صادر نمود. فرق امریه اول با امریه دوم این بود که امریه اول فقط بوسیله قانون قابل تغییر بود در صورتیکه امریه دوم را رئیس جمهور میتوانست مورد تجدید نظر قرار دهد. بموجب امریه مورخ ۲ فوریه ۱۸۵۲ عدهٔ نمایندگان دورهٔ اول هیئت قانونگذاری ۲۶۱ نفر معین شده بود. همانطور که در ماده ۳۵ قانون اساسی مقرر گردیده بود هر ۳۵۰۰۰ رأی دهنده یکنفر نماینده انتخاب میکردند و چنانچه تعداد رأی دهندگان یك حوزه بالغ بر ۶۰۰۰۰ نفر بود در این صورت از آن حوزه دو نفر نماینده انتخاب میشد. الجزایر ومستعمرات فرانسه از حق انتخاب نماینده محروم بودند. هریك از ایالات فرانسه با در نظر گرفتن تعداد سکنه به چند حوزه انتخابیه تقسیم ودر هریك از آنها یك نماینده انتخاب میشد. انتخابات عمومی مستقیم و مخفی بود. تاریخ انتخابات بموجب فرمان رئیس جمهور معین میگردید. برای انتخاب شدن اکثریت مطلق آراء ضروری بود و درصورت عدم حصول چنین اکثریتی انتخابات تجدید میشد. برای رأی دادن ۲۱ سال عمر و لااقل شش ماه سکونت (قبل از تاریخ انتخابات) در حوزه انتخابیه ضرورت داشت. نظامیان فقط درمحل سکونت دائمی خود و نه در محل خدمت حق داشتند در انتخابات شرکت کنند. اشخاصیکه بموجب احکام محاکم از حقوق مدنی و سیاسی محروم شده بودند وهمچنین کسانیکه برای سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، رباخواری، اختلاس اموال دولتی وجرائم مشابه محکومیت پیدا کرده بودند ونیز اشخاصیکه از تصرف دراموال خود ممنوع بودند وورشکستگان بتقصیر وولگردها بطور دائم و پارهٔ محکومین فقط درظرف مدت پنج سال از شرکت در انتخابات محروم بودند. مقامات وابسته اسامی اشخاصی را که واجد شرائط انتخاب کردن بودند تنظیم و اعلام میکردند. هرسال یکمرتبه در لیستهای تنظیمی تجدید نظر میشد و اشخاص ذیعلاقه حق داشتند به امنای صلح مراجعه واصلاح لیستهای مورد اعتراض را خواستار شوند. احکام امنای صلح قابل تمیز بود.

هریك از رأی دهندگان در سن ۲۵ سالگی بدون شرط اقامت در حوزه مربوطه

۱ - décret ordinaire

میتوانست بنمایندگی انتخاب شود . نمایندگی هیئت قانونگذاری با استخدام دولتی مانعةالجمع بود بدین‌معنی که مأمورین دولت میتوانستند بنمایندگی انتخاب شوند ولی پس‌از انتخاب شدن ملزم بودند از شغل‌دولتی استعفاء دهند و یانمایندگی را قبول نکنند. پاره‌ای‌از مستخدمین‌دولت ازقبیل‌رؤسا ودادستانهای‌محاکم‌استیناف- رؤسای محاکم حقوقی - دادستانهای جمهوری - رئیس کل گارد ایالات « سن » - رئیس شهربانی (۱) - فرمانداران و بخشداران - روحانیون عالیمقام مذهب کاتولیك و پارهٔ مأمورین دیگر درحوزه مأموریت خود از انتخاب شدن بطور مطلق ممنوع بودند .

قانون اساسی ۱۸۵۲ علاوه‌برهیئت قانونگذاری هیئت دیگری نیز بنام سنا بوجود آورده بود . عدهٔ اعضای مجلس سنا درسال اول هشتاد نفر معین شده بود و این‌عده برحسب ضرورت ممکن بود تا صد وپنجاه نفر افزایش یابد .

مارشالها، دریابانها و کاردینالها (۲) بواسطه مقام‌خود درسنا عضویت داشتند بعلاوه رئیس جمهوریك عده را ازبین رجال سیاسی‌وعلماء ومأمورین عالیمقام‌نظامی و کشوری‌وقضات ومالکین وتجاروارباب صنایع عمده بعضویت سنا انتصاب مینمود . عضویت مجلس سنا مادام‌العمر بود . مجلس سنا دروضع و تصویب قوانین شرکت نداشته بلکه حافظ و نگهبان قانون اساسی بود و باین عنوان کلیه قوانین مصوب هیئت قانونگذاری را از لحاظ مطابقت باقانون اساسی رسیدگی میکرد ووظیفه داشت از اجرای قوانین مصوب که‌با قانون اساسی و مذهب و اخلاق واصل برابری واصل مالکیت شخصی و آزادی فردی مباینت داشت جلوگیری کند بعلاوه سنا موظف‌بود بااجرای قوانینی که ممکن‌بود دفاع ازخاك فرانسه را بخطر بیاندازد مخالفت کند. وظائف مذکور درفوق باندازه‌ای مهم بود که مجلس سنا میتوانست به بهانه عدم مطابقت با قانون اساسی یا مباینت با دیانت و اخلاق و حق مالکیت واصل برابری و آزادی‌فردی ویابالاخره بخطرانداختن دفاع کشورفرانسه ازاجرای قوانین‌مصوب هیئت‌قانونگذاری جلوگیری کند واین‌وظیفه را مجلس‌سنا مستقلا بدون تقاضای ریاست جمهور یا مقام دیگری انجام میداد .

---

۱ - préfet de police

۲ - cardinal

علاوه بر وظایف مندرج بالا مجلس سنا دارای وظائف مهم ذیل بود :

۱- بنا بتقاضای دولت یا اشخاص کلیه مقررات لازم‌الاجرا را که ناقض قانون اساسی بود باطل میکرد .

۲- قوانین مربوط به الجزایر و مستعمرات فرانسه را تصویب مینمود .

۳- همانطور که قانون اساسی سال هشتم جمهوری (۱۳ دسامبر ۱۷۹۹) منظور داشته بود قانون اساسی ۱۸۵۲ نیز به سنا حق میداد مقرراتی که درقانون اساسی تصریح نشده ولی برای اجرای آن ضرورت داشت وضع کند .

٤- حق تفسیرقانون اساسی با مجلس سنا بود .

٥- بشرط موافقت قوه مجریه مجلس سنا حق‌داشت بعضی مواد قانون اساسی را تغییر دهد و چنانچه تغییرات مورد نظر مربوط به یکی از اصول پنجگانه مندرج درامریه ۲ دسامبر ۱۸۵۱ بود دراینصورت و فقط دراین‌مورد مصوبات سنا میبایست به رفراندوم ارجاع و به تصویب ملت برسد .

٦- درصورت انحلال هیئت قانونگذاری، برحسب ضرورت بنا بتقاضای دولت مجلس سنا میتوانست قوانینی برای حسن جریان امور وضع کند .

مبحث چهارم

دیوان عالی دادگستری

ماده ٥٤ قانون‌اساسی ۱۸٥۲ برای رسیدگی به توطئه وسوء قصد نسبت به رئیس جمهور و جنحه و جنایت برضد امنیت داخلی و خارجی کشور یك محکمه عالی دادگستری تأسیس کرده بود که بموجب فرمان ریاست جمهور منعقد میگردید . ماده ٥٥ قانون اساسی به مجلس سنا مأموریت داده بود که بوسیله تصویبنامه طرز تشکیل دادگاه مزبوررا معین کند . با توجه بماده مزبور مجلس سنا بتاریخ ۱۰ ژوئیه سال ۱۸٥۲ تصویبنامه‌ای در ۲۲ ماده تنظیم و بموقع اجرا گذاشت . بموجب تصویبنامه مزبور دیوان عالی دادگستری دارای دوشعبه اتهام (۱) ومحاکمه (۲) بود . هریك از شعب دارای پنج عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل بود که رئیس جمهور از بین

۱ - Chambre des mises en accusation
۲ - Chambre de jugement

مستشاران دیوان کشور تعیین مینمود بعلاوه رئیس جمهور رؤسای شعب را انتخاب میکرد. رئیس جمهور دادستان دیوان عالی دادگستری را برای مدت یکسال وسایر اعضای دادسرای دادگاه مزبور برای هرمحاکمه تعیین مینمود. دادرسی با حضور هیئت منصفه بعمل میآمد. هیئت مزبور سی وشش نفر عضواصلی و چهارعضوعلی‌البدل داشت که بحکم قرعه از بین اعضای شوراهای شهرستانها انتخاب میشدند. دادگاه عالی دادگستری تشکیل نمیگردید مگر بموجب امریه رئیس جمهور. اگر عقیده شعبه اتهام بربی‌تقصیری متهم بود قرارمنع تعقیب ویرا صادرمینمود و برعکس اگر شعبه مزبور عمل متهم را متضمن جرائم پیش‌بینی شده درماده ٥٤ قانون اساسی تشخیص میداد او را برای محاکمه به شعبه دوم (دادرسی) معرفی میکرد. قرارشعبه اتهام قطعی وغیرقابل اعتراض بود. چنانچه شعبه اتهام پرونده را قابل رسیدگی درديوان عالی دادگستری میدانست رئیس جمهور دستور انعقاد شعبه دوم را صادر و تاریخ و محل تشکیل جلسات آنرا معین میکرد. درظرف مدت ده روز از تاریخ صدور فرمان ریاست جمهوراعضای اصلی‌وعلی‌البدل هیئت منصفه‌انتخاب میشدند. عضویت هیئت منصفه بامقام وزارت عضویت مجلس سنا وشورای دولتی‌وهیئت قانونگذاری مانعةالجمع بود. تصمیمات هیئت منصفه مبنی‌بربی گناه یا مقصربودن متهم باکثریت بیست رأی اتخاذمیشد. دیوان عالی‌دادگستری برطبق قانون جزا دادرسی میکرد احکام محکمه مزبور قطعی وغیرقابل استیناف وتمیز بود.

مبحث پنجم

تبدیل رژیم جمهوری به حکومت سلطنتی - دورهٔ اصلاحات

بااینکه بموجب قانون اساسی ١٤ ژانویه سال١٨٥٢، فرانسه رسماً یك دولت جمهوری بود ولی درمعنی سازمان سیاسی آنکشور فرق محسوس و قابل توجهی با حکومت سلطنتی نداشت زیرا قوه مجریه تماماً دردست لوئی ناپلئون بود ووزرا هیچگونه مسئولیتی درمقابل هیئت قانونگذاری نداشتند بعلاوه رئیس جمهور حق انعقاد و تمدید و تعطیل و انحلال مجلس را داشت و مجاز بود از حق وتوی مطلق استفاده کرده قوانین‌مصوب هیئت‌قانونگذاری راتوشیح‌وابلاغ‌نکند. لوئی‌ناپلئون بی بهانه میگشت آنچه راکه عملا وجود داشت تسجیل کرده و بصورت حکومت

سلطنتی دربیاورد . بمنظور اجرای نقشه مزبور نامبرده در ماه اکتبر ۱۸۵۲ مسافرتی به ولایات کرد و مردم استقبال شایانی از او نمودند و الغاء رژیم جمهوری واستقرار رژیم سلطنتی را خواستار شدندودر نتیجه این تظاهرات مجلس سنا بنا به پیشنهاد جمعی از اعضاء خود در جلسه ۷ نوامبر ۱۸۵۲ تصویبنامه‌ای صادر نمود که بموجب آن حکومت جمهوری در فرانسه به حکومت سلطنتی تبدیل میشد ولوئی ناپلیون بوناپارت بنام ناپلئون سوم بمقام امپراطوری ارتقاء یافته و بعداز او سلطنت فرانسه به اولاد ذکوروی میرسید واین تصویبنامه مجلس سنا به رفراندوم ارجاع ودر ۲۱ و ۲۲ ماه نوامبر ۱۸۵۲ با کثریت ۷۸۲٤۱۸۹ رأی موافق در مقابل ۲۵۳۱٤۵ مخالف به تصویب رسید و در ۲ دسامبر ۱۸۵۲ ابلاغ گردید و تمام دول که با فرانسه روابط سیاسی داشتند لوئی ناپلئون را بعنوان امپراطور فرانسه شناختند وفقط الکساندردوم (۱) امپراطور روسیه بتصور اینکه ناپلئون سوم سیاست ناپلئون اول را تعقیب نموده وسائل جنگ با روسیه وسایر ممالك اروپا را فراهم خواهد ساخت چندی از شناسائی رژیم جدید فرانسه خودداری میکرد . قانون اساسی مورخ ۱٤ ژانویه سال ۱۸۵۲ با پاره‌ای تغییرات حاصله از تبدیل حکومت جمهوری به رژیم سلطنتی واصلاحاتی که بمنظور تقویت وتوسعه اختیارات امپراطور بعمل آمده بود بقوت خود باقی ماند .

واما بر اثر شکست فرانسه درمکزیك ومشکلات خارجی دیگر، ناپلئون سوم ناگزیر به تغییر سیاست داخلی خود گردیده اختیارات خودرا بطور محسوس محدود نمود وامتیازات بیشتری برای هیئت قانونگذاری وسنا قائل شد بشرح اینکه بموجب فرمان ۲٤ نوامبر ۱۸٦۰ به مجالس حق داد ازوزراء سؤالاتی راجع به سیاست داخلی وخارجی دولت بکنند وهمچنین بموجب فرمان مذکوردرفوق به هیئت قانونگذاری اجازه داده شد که بودجه هریك ازوزارتخانه‌ها راجداگانه تصویب نماید درصورتیکه پیش از صدور فرمان مزبور هیئت قانونگذاری بودجه کل کشور را چهار دیواری تصویب یا رد میکرد و نیز فرمان ۱۸٦۰ بمجالس حق داد که صورت مذاکرات خودرا بدون هیچگونه محدودیتی منتشر کنند. طبق امریه ۱۹ ژانویه ۱۸٦۷ هیئت قانونگذاری و سنا مجاز گردیدند دولت را استیضاح کنند . تصویبنامه مورخ ۸ نوامبر ۱۸٦۹ و ۲۰ آوریل ۱۸۷۰ مجلس سنا که در ۸ ماه مه سال ۱۸۷۰ به رفراندوم ارجاع شده

۱- Alexandre

بود تغییرات مهمتری درقانون‌اساسی ۱۸۵۲ بعمل آورد بدین‌معنی که به‌مجالس اجازه داده شد اعضای هیئت رئیسه خود را انتخاب کنند و طرحهای قانونی‌تهیه و بتصویب برسانند بعلاوه وزراء هیئتی تحت‌ریاست امپراطور تشکیل دادند و مسئول مجلسین شناخته شدند و نیز به‌مردم اجازه داده شد که به‌هیئت قانونگذاری و مجلس سنا تظلم کنند . بموجب ماده ۲٤ تصویبنامه ۲۱ ماه مه سال ۱۸۷۰ مجلس‌سنا، تجدیدنظر درقانون اساسی مستلزم پیشنهاد امپراطور وتصویب مردم بود وجلسات هردومجلس علنی گردید درصورتیکه مطابق‌قانون اساسی ۱۸۵۲ جلسات مجلس سنامحرمانه بود.

فصل ششم

قوانین اساسی ۱۸۷۵

مبحث اول

تغییر رژیم - تشکیل حکومت موقت
کیفیت تصویب قوانین اساسی جدید

پس از انتشار خبر شکست فرانسه درسدان (۱) و تسلیم ناپلئون سوم با یك ارتش صدهزار نفری به‌سپاه‌فاتح پروس (۲) یك‌عصبانیت و غوغای بی‌سابقه‌ای در پاریس و شهرستانهای فرانسه ایجاد شد. بمنظور جلوگیری از تغییر رژیم هیئت وزیران به پارلمان پیشنهاد کرد که یك شورای سلطنتی بانتخاب هیئت قانونگذاری تشکیل گردد تا درغیاب امپراطور، فرانسه را بنام وازطرف وی اداره کند. هنگامیکه این پیشنهاد درهیئت قانونگذاری مطرح بود مخالفین حکومت سلطنتی به سرپرستی گامبتا (۳) ژول‌فاور (٤) وژول‌فرری (٥) طالار جلسات هیئت قانونگذاری را اشغال وخلع ناپلئون را از سلطنت اعلام نمودند سپس عازم کاخ‌شهرداری (٦) پاریس‌شده یك حکومت‌موقت (۷) مرکب از گامبتا، ژول‌فاور، ژول‌فرری، آراگو، ژول‌سیمون (۸) وچند رجل نامی دیگر تشکیل دادند.

در ٤ سپتامبر حکومت موقت اعلامیه‌ای صادر نمود که بموجب آن حکومت امپراطوری درفرانسه ملغی و رژیم جمهوری برقرار گردید. درهمان روز هیئت قانونگذاری ومجلس سنامنحل گردید و چهار روز بعد یعنی در ۸ سپتامبر حکومت‌موقت امریه‌دیگری صادر نمود که مطابق آن‌مقرر گردید که مردم‌فرانسه‌طبق‌قانون‌انتخابات ۱۵ مارس ۱۸٤۹ هفتصد و پنجاه نماینده به‌مجلس‌ملی انتخاب کنند. انتخابات در ۸ ماه فوریه ۱۸۷۱ بعمل‌آمد ومجلس‌ملی بتاریخ ۱۲ فوریه درشهر بوردو (۹) منعقد گردید.

۱- Sedan
۲- Prusse
۳- Gambetta
٤- Jules Favre
٥- Jules Ferry
٦- Hôtel de Ville
۷- Gouvernement provisoire
۸- Jules Simon
۹- Bordeaux

حکومت موقت دراولین جلسه مجلس ملی استعفای خود را تقدیم و مجلس مزبور حکومت دیگری بنام حکومت دفاع ملی (۱) تشکیل داد. مجلس ملی علاوه بر تشکیل حکومت دفاع ملی و نظارت درعملیات آن و تصویب قوانین متعارفی و رسیدگی بامور دیگر وظیفه داشت که قانون اساسی جدید فرانسه را تنظیم و تصویب کند ولی تهیه و تصویب قانون اساسی جدید پنج سال جریان داشت. علت عمده این امر آنست که ازهفتصد و پنجاه نفر نماینده مجلس ملی درحدود چهارصد وهشتاد نفر طرفدار حکومت سلطنتی بودند ولی بین آنها توافق نظر نسبت به پادشاه آینده وجود نداشت بدین معنی که عده‌ای موسوم به طرفداران سلطنت مشروع (۲) درحدود صدو پنجاه نفر از سلسله ارشد خاندان بوربون جانبداری کرده و کنت دوشامبرون (۳) نوه شارل دهم پادشاه مخلوع فرانسه‌را بهسلطنت فرانسه پیشنهاد مینمودند. دسته دوم معروف به اورلانیست(٤) که عدهٔ آنها بالغ برسیصد نفر بود هواخواه سلسله اصغر خاندان بوربون بوده و کنت دوپاری (٥) نوه لوئی فیلیپ را پادشاه فرانسه میشناختند وبالاخره نزدیك به سی نفراز نمایندگان مجلس ملی طرفدار تجدید سلطنت خاندان ناپلئون بودند. بقیه‌دویست وهفتادنفر بااینکه ظاهراً از حکومت جمهوری طرفداری میکردند ولی درمسائل مهم مربوط به طرز تشکیل حکومت جمهوری و حدود وظائف ریاست جمهوری وروابط وی باپارلمان وحدت نظر بین آنها وجودنداشت ودرنتیجه این اختلافات بود که تنظیم وتصویب قانون اساسی جدید فرانسه پنج سال بطول انجامید مضافاً باینکه نمایندگان مجلس ملی تعهد کرده بودند که تا تخلیه خاك فرانسه از نیروی آلمان و اعاده وضع عادی از تصویب قانون اساسی جدید خودداری کنند واین تعهد موسوم به میثاق بوردو (٦) میباشد.

بطوریکه‌در بالااشاره شددر جلسه‌مورخ ۱۷ فوریه ۱۸۷۱ «تی‌یر» مورخ معروف و یکی ازرهبران مؤثرمقاومت‌ملی بریاست‌قوه مجریه انتخاب گردید. «تی‌یر» دارای نفوذفوق‌العاده درداخل‌فرانسه بود ودراثرهمین نفوذفوق‌العاده وی از۲٦ شهرستان بنمایندگی انتخاب شده‌بود. بعلاوه او بواسطه مخالفت با جنگ درمحافل بین‌المللی

۱- Gouvernement de la Défense nationale

۲- Légitimistes

۳- Comte de Chambrun

٤- Orléanistes

٥- Comte de Paris

٦- Pacte de Bordeaux

دارای معروفیت کم‌نظیر بود و این معروفیت درموقع انعقاد قرارداد صلح با آلمان ممکن بود مورداستفاده قرارگیرد. چون قانون مورخ ۱۷ فوریه ۱۸۷۱ مدتی برای ریاست «تی‌یر» قائل نشده بود و ازطرفی هم نامبرده درمسائل مربوط به سیاست عمومی دولت مسئول مجلس ملی شناخته میشد ازاین‌رو مجلس حق داشت با ابراز عدم اعتماد او را از مقام ریاست جمهوری معزول کند. بموجب قانون مورد بحث «تی یر» علاوه برریاست قوه مجریه وریاست هیئت وزیران نمایندگی مجلس ملی را نیز دارا بود.

در ۳۱ اوت ۱۸۷۱ قانون دیگری به تصویب رسید که بموجب آن مجلس ملی عنوان ریاست جمهوری را تا آخردورهٔ مجلس برای «تی‌یر» قائل شد وچون طبق ماده ۳ قانون جدید «تی‌یر» مسئول مجلس ملی بود ازاین‌رو مجلس مانند سابق میتوانست اورا ازمقام ریاست جمهوری منفصل کند. ماده ۲ قانون مذکور درفوق نه تنها رئیس جمهور بلکه وزرا را نیز درقبال قوه مقننه مسئول دانسته و رئیس جمهور را ملزم میکرد که احکام و سایر اقدامات خود را قبل از اجراء بامضای یکی از آنها برساند. «تی‌یر» که مخالف جدی حکومت سلطنتی بود واصرارداشت که وزراء او نیز طرفدار حکومت جمهوری باشند در ۱۸ ماه مه ۱۸۷۳ وزراء سلطنت خواه را ازهیئت دولت طرد وبجای آنها چند نفر جمهوریخواه را بوزارت انتخاب کرد و بدین‌ترتیب یك کابینه یکنواخت (۱) تشکیل داد و در ۱۹ همان ماه طرح قانون اساسی جدید را که براساس رژیم جمهوری تدوین شده بود جهت شور و تصویب به مجلس ملی تقدیم کرد. در ۲۳ ماه مه دوك دوبروئی (۲) که یکی ازسلطنت طلبان متنفذبشمار میرفت «تی‌یر» را بواسطه طرح قانون اساسی پیشنهادی وی مورد استیضاح قرارداد و روز بعد رئیس جمهوری درجلسه مجلس حاضر شده و ضمن جواب به استیضاح «دوبروئی» اظهار داشت که استقرار حکومت سلطنتی درفرانسه غیر مقدور است چه تخت و تاج را نمیتوان به سه قسمت‌تقسیم کرده هریك ازقسمتهای سه‌گانه‌را به یکی‌ازمدعیان سلطنت واگذار نمود. پس‌ازاستماع جواب «تی‌یر» مجلس‌ملی که اکثریت آنرامخالفین رژیم جمهوری تشکیل‌میدادند با کثریت ۳۶۰ رأی درمقابل ۳٤٤ مخالف نسبت باو ابراز عدم اعتماد نموده و وی را وادار

۱- homogène

۲- Duc de Broglie

باستعفاء کردند و درهمانروز مارشال ماك ماهون (۱) با کثریت ۳۹۱ رأی موافق در قبال یك مخالف و ۳۳۰ ممتنع که منسوب به احزاب چپ بودند بریاست جمهوری انتخاب شد.

واما بر خلاف ترتیب معموله درزمان ریاست جمهوری «تی یر» قانون ۲۰ نوامبر ۱۸۷۳ مارشال ماك ماهون را ازلحاظ سیاسی مسئول مجلس ملی نمیدانست بدین معنی که تاآخردورهٔ هفت ساله وی مجلس مجاز نبود اورا ازمقام ریاست جمهوری معزول کند و فقط وزراء درمقابل مجلس ملی مسئول بوده و مجلس با رأی عدم اعتماد میتوانست هیئت دولت یا بعضی ازاعضاء آنرا وادار به کناره گیری کند. نظر باینکه مارشال ماك ماهون درامور سیاسی اطلاعات لازم و تجربه کافی نداشت ازاین جهت اداره امور را به وزراء خود واگذار کرده بود ازطرفی هم چون قوه بیان نداشت ازحضور درجلسات مجلس اجتناب نموده بوسیله پیام بانمایندگان تماس میگرفت.

پس از خاموش کردن عصیان عناصر هرج و مرج طلب پاریس (۲) و انعقاد قرارداد صلح با آلمان و پرداخت غرامت جنگ و تخلیه خاك فرانسه ازارتش فاتح آلمان واعاده اوضاع عادی واستقرار آرامش، مجلس ملی درماه نوامبر ۱۸۷۳ یك کمیسیون سی نفری برای تهیه طرح قانون اساسی جدید فرانسه انتخاب کرد. مطالعات این کمیسیون که اکثریت آنراسلطنت طلبان اعتدالی تشکیل میدادند درحدود چهارده ماه طول کشیده و در ۲۱ ماه ژانویه ۱۸۷۵ مجلس ملی به شور درطرح تنظیمی کمیسیون مبادرت نمود. جمعی ازسلطنت طلبان بعلت اختلافات موجوده بین آنها ناچار تمایل خودرا نسبت بحکومت جمهوری ابرازداشتند مشروط براینکه پارلمان فرانسه دارای دو مجلس بوده و دخالت رئیس جمهور در امور مملکتی حتی المقدور زیاد باشد. در ۲٤ فوریه ۱۸۷۵ قانون تشکیل مجلس سنا، در ۲۵ همان ماه قانون سازمان قوای عالیه کشور ودر ۱٦ ژوئیه ۱۸۷۵ قانون مربوط به روابط قوای عالیه کشور از تصویب مجلس ملی گذشت. قوانین اساسی ۱۸۷۵ که مشتمل بر ۳٤ ماده بود مختصرترین و کوتاه‌ترین قوانین اساسی نه تنها فرانسه بلکه تمام ممالك دنیا بشمار میرود.

۱- marechal Mac – Mahon

۲- Communards

منظور واضعین قوانین اساسی ۱۸۷۵ ازاین اختصاراین بود که به حل وفصل مسائل کلی واساسی اکتفاشده حل وعقد سایرمسائل که ممکن بود اختلافات موجوده بین احزاب سیاسی را توسعه داده و مانعی برای تصویب قانون اساسی جدید ایجاد کند موکول به قوانین عادی گردد .

پس ازتصویب قوانین اساسی مزبور، مجلس ملی در۲ اوت ۱۸۷۵ قانون انتخابات مجلس سنا ودر ۳۰ نوامبر قانون انتخابات مجلس مبعوثان را تصویب کرد . درماه دسامبر ۱۸۷۵ مجلس ملی هفتادو پنج سناتور دائمی پیش بینی شده درماده اول قانون اساسی ۲۴ فوریه ۱۸۷۵ را تعیین نمود ودر ۳۰ ژانویه ۱۸۷۶ بقیه ۲۲۵ نفرسناتور ازطرف مردم بطور غیرمستقیم انتخاب شدند و بالاخره بتاریخ ۲۰ فوریه همانسال انتخابات مجلس مبعوثان انجام یافت ومجلسین در ۸ ماه مارس ۱۸۷۶ جلسات خودرا درشهر ورسای(۱) تشکیل دادند سپس همانروز مجلس ملی منحل وقانون اساسی جدید بموقع اجرا گذارده شد .

قوانین اساسی ۱۸۷۵ چند دفعه مورد تجدیدنظر واقع گردیده بود که تفصیل آن ازاین قرار است :

۱- ماده ۹ قانون اساسی مورخ ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ برای تشکیل جلسات مجلس مبعوثان و مجلس سنا و مقر قوه مجریه شهر کوچك و ساکت ورسای واقع درحومه پاریس رامعین کرده بود . قانونگذاران ۱۸۷۵ فرانسه بااین تصمیم میخواستند ازایجادشورش وتولیدبی نظمی که دریك شهربزرك مانند پاریس بیشترممکن الوقوع میباشد جلوگیری کرده و محیط آرام و ساکتی که لازمه قانونگذاری است برای مجالس فراهم سازند . واما پس ازاستقرار صلح و ایجاد امنیت و آرامش درپاریس مجلسین مجلس واحدی بنام مجلس ملی یا کنگره درورسای تشکیل داده وبموجب قانون مصوب ۲۱ ژوئن ۱۸۷۹ محل تشکیل جلسات مجالس و مقر قوه مجریه را از ورسای به پاریس انتقال دادند . و اما برطبق ماده ۳ قانون مزبور برای انتخاب رئیس جمهوری و تجدید نظر درقوانین اساسی مجلس ملی بایستی درشهر ورسای منعقد گردد .

۲- همانطور که دربالا اشاره شد بموجب ماده اول قانون اساسی ۲۴ فوریه ۱۸۷۵

۱- Versailles

مجلس سنا از ۳۰۰ نفر عضو تشکیل میشد که ۲۲۵ نفر آنرا مردم بطور غیرمستقیم انتخاب مینمودند و بقیه ۷۵ نفر را خود مجلس ملی در ماه دسامبر ۱۸۷۵ مادام‌العمر انتخاب کرده بود ودرصورت فوت یا استعفاء یا عدم توانائی هریك از این ۷۵ سناتور مجلس سنا درظرف مدت دوماه جانشین سناتور متوفی یا مستعفی یا سناتوری را که بعلت عدم توانائی صالح یا قادر بانجام وظائف سناتوری نبود تعیین مینمود. قانون مصوب ۱۴ اوت ۱۸۸۴ مجلس ملی مواد یك الی هفت قانون اساسی ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ مربوط به سنا را از قانون اساسی خارج ودرردیف قوانین عادی قرارداد سپس در ۹ دسامبر ۱۸۸۴ یك قانون متعارفی به تصویب مجلسین رسید که بموجب آن سناتوری دائمی ملغی و مقرر گردید که کلیه سناتورها را مردم انتخاب کنند. بعلاوه قانون مذکوردرفوق اعضای خانواده‌های بوربون (سلسله ارشد وسلسله اصغر) وخانواده ناپلئون را که درفرانسه سلطنت کرده بودند از حق انتخاب شدن بریاست جمهوری ممنوع ساخت وهمچنین قانون ۱۴ اوت ۱۸۸۴ رژیم جمهوری را درفرانسه غیرقابل تغییر اعلام نمود.

علاوه براصلاحات مندرج بالاقانون مصوب ۱۴ اوت ۱۸۸۴ قانون اساسی مورخ ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ راجع به سازمان قوای عالیه کشوررا مورد تجدیدنظرقرارداد.

توضیح اینکه ماده ۵ قانون اخیرالذکر مقرر میداشت که درصورت انحلال مجلس مبعوثان رئیس جمهوری درظرف مدت سه ماه از تاریخ انحلال انتخاب کنندگان را برای تعیین نمایندگان جدید دعوت کند. چون مدت سه ماه برای انتخابات مجلس جدید طولانی تشخیص داده شده بود ازاین‌روقانون ۱۸۸۴ رئیس جمهوری را ملزم میکرد که درصورت انحلال مجلس مبعوثان انتخابات جدید را درطرف دوماه بعمل آورده ومجلس جدیدالانتخاب را درمدت ده روز پس‌از پایان انتخابات منعقد سازد و نیز قانون مورخ ۱۴ اوت ۱۸۸۴ بند ۳ ماده اول قانون ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ را (که مطابق آن قرار بود مردم دراولین یکشنبه پس‌ازافتتاح دورهٔ اجلاسیه مجالس درمعابد جمع شده ازدرگاه خداوند درخواست کنند که نمایندگان را در انجام وظائف خود هدایت و رهبری کند) لغو کرد.

۳- دردهم اوت ۱۹۲۶ یکباردیگرقانون اساسی ۱۸۷۵ مورد تجدیدنظرواقع گردیدبشرح اینکه دولت بمنظور جلب اطمینان طلبکاران خود برآن‌شد که مؤسسه‌ای

بنام صندوق اداره اوراق قرضه دفاع ملی واستهلاك قروض‌عمومی(۱) تأسیس‌نموده ومقررات مربوط به صندوق مزبوررابصورت قانون اساسی‌دربیاورد . قانون مورخ دهم اوت ۱۹۲٦ ماده‌ای به قانون اساسی ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ ضمیمه کرد دائر براینکه عایدات دولت ازفروش توتون و تنباکو و همچنین وجوه حاصله از مالیات برارث وغیره ازسال۱۹۲۷ دراختیارصندوق‌استهلاك قروض‌عمومی‌قرار گیرد وچنانچه بعداً عایدات مذکور در فوق تقلیل یابد اعتباری که بالغ برمبالغ کسری باشد در بودجه کل کشورمنظور گردد .

٤- پس‌ازشکست فرانسه درمیدان جنگ واشغال پاریس بدست ارتش فاتح آلمان وامضای قرارداد متار که جنگ با آلمان وایتالیا نمایندگان مجلس مبعوثان وسناتورها درشهرویشی (۲) تشکیل کنگره داده دردهم ماه ژوئیه ۱۹٤۰ اختیارات تام به‌مارشال پتن (۳) رئیس‌مملکت تفویض ووی را مأمور نمودند که‌بوسیله فرامین قوانین اساسی ۱۸۷۵ را مورد تجدید نظر قرار دهد و احکام خود را بطور موقت تا تشکیل‌مجالس‌جدید بموقع اجرابگذارد . نظر به‌قانون دهم ژوئیه ۱۹٤۰مارشال پتن بوسیله فرامین مورخ ۱۱ ژوئیه و ۱۰ دسامبر۱۹٤۰ وچند فرمان دیگر تغییرات کلی درقوانین اساسی ۱۸۷۵ بعمل‌آورد که شرح آن بعداً خواهد آمد .

اینك با توجه به قوانین اساسی مورخ ۲٤ و ۲۵ فوریه و ۱٦ ژوئیه ۱۸۷۵ وتغییراتی که بعداً درقوانین مزبور بعمل‌آمده بود وبادرنظرگرفتن قوانین انتخابات مجلس مبعوثان ومجلس سنا وقوانین دیگر بشرح سازمان سیاسی فرانسه از ۱۸۷٦ تا ۱۹٤۰ (جمهوری سوم) مبادرت میشود .

مبحث دوم

ریاست جمهوری

بموجب ماده۲ قانون اساسی مورخ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ رئیس جمهوری درجلسه مشترك مجلس مبعوثان ومجلس سنا (مجلس ملی یا کنگره) باکثریت مطلق آراء انتخاب میشد . چون درقانون‌اساسی شرایط خاصی‌جهت‌احرازمقام ریاست جمهوری

۱- La caisse de gestion des bons de la défense nationale etd'amortissement dela dette publique

۲- Vichy

۳- Maréchal Pétain

پیش بینی نشده بود برای انتخاب شدن باین مقام اصولاً تابعیت فرانسه ۲۱ سال عمر و عدم محرومیت از حقوق سیاسی و مدنی کافی بود . و اما بطوریکه فوقاً اشاره شد قانون اساسی مورخ ۱۴ اوت ۱۸۸۴ افراد خانواده بوربون و خانواده ناپلئون را که سابقاً در فرانسه سلطنت میکردند از حق نیل بمقام ریاست جمهوری ممنوع میساخت. علت محرومیت مزبور این بود که نمایندگان جمهوریخواه فرانسه این نگرانی را داشتند که چنانچه یکنفر از خاندان بوربون یا ناپلئون بریاست جمهوری انتخاب شود ممکن است مانند ناپلئون اول و ناپلئون سوم از قدرت و نفوذ خود سوءاستفاده کرده رژیم جمهوری را لغو و حکومت سلطنتی را در فرانسه برقرار کند . و همچنین قانون اساسی ۱۸۷۵ مانعة‌الجمع بودن ریاست جمهوری را بامشاغل دیگر از جمله نمایندگی مجلس مبعوثان و مجلس سنا پیش بینی نکرده بود ولی نظر باصل تفکیك قوای ثلاثه عملا یکنفر نمیتوانست درعین زمان نمایندگی پارلمان و ریاست قوه مجریه را عهده‌دار گردد و چنانچه یکنفر سناتور یا مبعوث بریاست جمهوری انتخاب میشد از مقام نمایندگی مستعفی تلقی شده وبجای او یك مبعوث یا سناتور جدید انتخاب میگردید .

رئیس جمهوری برای مدت ۷ سال انتخاب میشد . تجدید انتخاب مانع قانونی نداشت ولی معمولا یکنفر فقط برای یك دوره بریاست جمهوری تعیین میشد . دورهٔ هفت ساله از تاریخ انتخاب شدن محسوب میگردید . رئیس جمهوری در تمام مدت ریاست قابل عزل از مقام خود نبود . لااقل یکماه قبل از انقضای دوره مأموریت خود رئیس جمهوری مجالس مقننه را برای انتخاب رئیس جمهوری جدید منعقد مینمود و چنانچه بفرض محال وی از انجام این وظیفه قانونی استنکاف میورزید در اینصورت نمایندگان مجلسین پانزده روز مانده به آخر دوره هفت ساله بدون دعوت از طرف رئیس جمهوری جلسه مجلس ملی را تشکیل داده و بانتخاب رئیس جمهوری جدید مبادرت مینمودند و اگر هنگام انقضای دورهٔ هفت ساله ریاست جمهور، مجلس مبعوثان در حال انحلال بود در این مورد اقدام فوری برای تسریع انتخابات بعمل میآمد تا مجلس جدیدالانتخاب و مجلس سنا جلسه واحدی تشکیل داده و رئیس جمهوری جدیدرا انتخاب کنند . درمورد فوت یااستعفاء یاعدم توانائی رئیس جمهوری وظائف ریاست قوه مجریه را تا انتخاب رئیس جمهوری جدید هیئت دولت انجام میداد .

وظائف ریاست جمهوری بشرح زیر بود :

۱- ازلحاظ دخالت درقوه مقننه

رئیس جمهوری حق داشت مجالس مقننه را هنگام تعطیل منعقد کند و همچنین موظف بود مجلس مبعوثان و مجلس سنارا بتقاضای نصف بعلاوه یك نمایندگان یکی از مجلسین دعوت به تشکیل جلسات فوق العاده نماید.

۲- ماده ۲ قانون اساسی مورخ ۱٦ ژوئیه ۱۸۷۵ به رئیس جمهوری اجازه میداد که جلسات مجالس را تعطیل کند ولی تعطیل نبایستی درهردورهٔ قانونگذاری بیشتر از دودفعه بعمل آید وهردفعه بیشتراز یکماه ادامه پیدا کند. دردوره جمهوری سوم از حق تعطیل مجالس فقط مارشال ماك ماهون استفاده کرده مجلس مبعوثان ومجلس سنا را ازشانزدهم ماه مه تا پانزدهم ژوئن ۱۸۷۷ تعطیل کرد.

۳- قانون اساسی ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ (ماده ٥) به رئیس جمهور حق میداد که قبل از انقضای دورهٔ قانونگذاری مجلس مبعوثان را با جلب موافقت مجلس سنا منحل نماید و از ۱۸۷۵ تا ۱۹٤۰ مجلس مبعوثان فقط یکبار درزمان ریاست مارشال ماك ماهون منحل گردید. برطبق ماده اول قانون اساسی مورخ ۱٤ اوت ۱۸۸٤ درصورت انحلال مجلس مبعوثان انتخابات مجلس جدید بایستی درظرف دوماه بعمل آمده ومجلس جدید درمدت ده روز از تاریخ ختم انتخابات منعقد گردد.

٤- رئیس جمهوری حق پیشنهاد لوایح قانونی را داشت. لوایح مالی وبودجه کل کشور بایستی قبلا به مجلس مبعوثان پیشنهاد شده سپس برای تصویب به مجلس سنافرستاده شود لوایح غیرمالی رادولت مخیربود بهمجلس مبعوثان یاسناپیشنهاد کند.

٥- رئیس جمهوری ملزم بود لوایح وطرحهای مصوب مجالس مقننه را درظرف یکماه ودرموارد فوری که تشخیص آن باهریك ازمجلسین بود درظرف سه روز از تاریخ تصویب توشیح و ابلاغ کند و چنانچه لوایح یا طرحهای مصوب مجلسین با قوانین اساسی مباینت داشت یااجرای آنها اصلاح مملکت نبود درهریك ازاین دومورد رئیس جمهوری حق داشت آن لوایح یا طرحها را درمدت مذکور درفوق بوسیله پیام ذکر دلایل به مجالس برگرداند وتقاضا کند که آن لایحه یا طرح را یکبار دیگر مورد رسیدگی قرار دهند و اگر مجالس مبعوثان و مجلس سنا متفقاً لایحه یا طرح مورد ایراد رئیس جمهوری را باکثریت مطلق آراء تصویب مینمودند دراین صورت وی موظف بود آنرا توشیح وابلاغ کند. درجمهوری سوم امتناع ازابلاغ قوانین

معمول نبود و رؤسای جمهور فرانسه دائماً و همیشه لوایح و طرحهای مصوب مجلسین را توشیح ابلاغ واجرا مینمودند.

۶- رئیس جمهوری بوسیله فرامین قوانینی برای مستعمرات و کشورهای تحت‌الحمایه وضع نموده بموقع اجرا میگذاشت.

۷- رئیس جمهوری حق داشت احکام و فرامین صادر کند مشروط براینکه احکام وفرامین وی با قوانین اساسی وقوانین متعارفی مباینت نداشته باشد.

ازلحاظ ریاست قوه مجریه رئیس جمهوری وظایف ذیل را دارا بود:

۱- بارعایت قوانین مصوب وی وزراء و سایر مأمورین کشوری و نظامی را عزل و نصب مینمود و امّا مجالس مقننه مجاز بودند قانونی وضع نموده حق نصب و عزل بعضی ازمأمورین نظامی و کشوری را به وزراء یا حکام ویا رؤسای ادارات مستقل یا بالاخره انجمنهای محلی یاخود مردم واگذار کنند. بموجب ماده ٤ قانون اساسی مورخ ۲۵ ماه فوریه ۱۸۷۵ رئیس جمهوری پس‌از جلب نظر مشورتی هیئت وزیران اعضای شورای دولتی را عزل و نصب مینمود. عزل و نصب یا تغییر مأموریت قضات تابع مقررات خاصی بود.

۲- رئیس جمهوری فرمانده کل قوای بری و بحری وهوائی بود. وی مجاز بود این وظیفه را شخصاً انجام دهد یا به یك یا چند افسرعالیمقام واگذار نماید.

۳- رئیس جمهوری با جلب موافقت مجالس مقننه اعلان جنگ میداد ولی درمورد تجاوز بخاك فرانسه وی مجاز بود بدون طرح موضوع درمجالس مقننه بمنظوردفاع ازاستقلال وتمامیت ارضی فرانسه فرمان عملیات نظامی را صادر کند.

٤- استقرار حکومت نظامی بوسیله قانون مخصوصی بعمل میامد ولی استثنائاً درایام تعطیل مجالس مقننه رئیس جمهوری باجلب موافقت هیئت وزیران میتوانست حکومت نظامی برقرار کند بهرحال پس‌از اعلان حکومت نظامی مجلس مبعوثان ومجلس سنا درظرف دوروز منعقد گردیده و حق داشتند امریه رئیس جمهوری را دائر براستقرار حکومت نظامی تأیید یا رد نمایند.

۵- رئیس جمهوری نمایندگان سیاسی و کنسولی به ممالك خارجه میفرستاد و نمایندگان آن ممالك را میپذیرفت.

۶- رئیس جمهوری قراردادهای بین‌المللی رامنعقد وتصویب مینمود ولی برای

عهدنامه‌های صلح ، قراردادهای بازرگانی، قراردادهائیکه قسمتی‌ازخاك فرانسه را به یك دولت بیگانه واگذار یایك قسمت‌ازقلمرویك دولت خارجی‌را به خاك فرانسه ضمیمه می‌نمود و یا بالاخره یکی از نقاط فرانسه را با نقطه‌ای از خاك یك کشور بیگانه معاوضه میکرد تصویب مجالس مقننه لازم بود . مجالس مقننه مجاز نبودند تغییراتی درطرح قراردادها بعمل آورند بلکه موظف‌بودند آن‌طرحهارا تصویب یا رد نمایند بعلاوه مجالس محق نبودند رئیس جمهور را ملزم کنند که تحت شرایط معینی قراردادی با یك یاچند دولت بیگانه منعقد سازد . رئیس جمهوری مجاز بود بدون تصویب مجالس قرارداد های بین‌المللی که از لحاظ سیاسی استتار آنها لازم بنظر میرسید منعقد کند ولی ملزم بود پس‌از رفع محظور قرارداد های مزبور را باستحضار مجالس برساند .

۷- اعطای درجات ونشان ازوظائف رئیس جمهوری بود .

ازلحاظ دخالت درقوه قضائیه رئیس جمهوری حق‌انتخاب قضات وحق اعمال عفو خصوصی و تخفیف مجازات را داشت . اعطـای عفو عمومی بوسیله قـانون بعمل میآمد .

رئیس جمهوری برای خیانت به مملکت مسئول بود و چنـانچه وی مرتکب جنایت یاجنحه عمومی میشد طبق مقررات قانون جزامحاکمه میشد . درموردخیانت به مملکت وموارد ارتکاب جنحه یاجنایت قرارتعقیب رئیس جمهوررامجلس‌مبعوثان صادر و مجلس سنا اورا محاکمه میکرد .

حقوق‌رئیس‌جمهوری‌دربودجه کل کشورمنظورمیگردید . حقوق‌وی‌درسال ۱۹۳۰ بالغ‌بر ۱۸۰۰۰۰۰ فرانك بود . علاوه‌برحقوق رئیس جمهوری سالیـانه بابت هزینه سفر و پذیرائی ۹۰۰۰۰۰ فرانك و ۹۰۰۰۰۰ فرانك هم جهت خرج نگاهداری منزل مسکونی خود ازخزانه دولت دریافت میداشت . مقر ومسکن رئیس‌جمهوری درقصر الیزه (۱)بود و قصرهای‌رامبوئیه (۲) وفونتن‌بلو (۳) را نیز برای گذراندن تعطیلات تابستانی دراختیارداشت .

۱- palais de l' Elysée

۲- chateau de Rambouillet

۳- château de Fontainbleau

مبحث سوم

وزراء

رئیس جمهوری توسط وزراء وظائف خودرا انجام میداد . درقوانین اساسی ۱۸۷۵عدهٔ و نوع وزارتخانه‌ها پیش‌بینی‌نشده‌بود ودرعمل‌هنگام تشکیل کابینه جدید برطبق‌فرمان ریاست جمهوری یك یاچند وزارتخانه منحل ووزارتخانه یاوزارتخانه های جدیدی‌تأسیس‌میشد و اماچون تصویب بودجه هریك‌از وزارتخانه‌ها بامجالس مقننه بود لذا مجلس مبعوثان ومجلس سنا باعدم تصویب بودجه وزارتخانهای جدید میتوانستنداز تشکیل آنها جلوگیری کنند بعلاوه‌مجالس‌مجاز بودند بموجب‌یك‌قانون معمولی وزارتخانه جدیدی‌تأسیس یایکی‌از وزارتخانه‌های موجوده را منحل‌نمایند.

هرچند قوانین اساسی۱۸۷۵ طرز انتخاب وزراء را پیش‌بینی‌نکرده بود ولی چون برطبق ماده ۳ قانون اساسی ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ انتصاب کلیه مأمورین کشوری و نظامی بارئیس جمهوری‌بودبنابراین وی حق‌داشت وزراء را نیز که جزء مأمورین دولت بشمارمیرفتند تعیین کندمضافاً باینکه درتمام ادوار تاریخ سیاسی‌فرانسه انتخاب وزراء باریاست قوه مجریه اعم ازپادشاه ورئیس جمهور بوده وقوانین اساسی۱۸۷۵ این حق را از ریاست جمهوری سلب نکرده و بمقام دیگری تفویض ننموده بود . درجمهوری سوم انتخـاب وزراء بشرح ذیل بعمل میآمد : درصورت استعفای هیئت دولت رئیس جمهوری با رؤسای مجالس مقننه و رهبران فراکسیونهای پارلمانی و رؤسای کمیسیونهای مهم مجلسین مشورت میکرد تا بدین وسیله تمایل اکثریت هریك ازمجالس را نسبت به نخست وزیرجدید تشخیص دهد . پس‌ازمذاکرات لازم رئیس جمهوری یکی از رجال سیاسی را مأمور تشکیل‌کابینه میکرد و شخصی که بدین‌ترتیب انتخاب میشد پس‌ازمذاکره ومشاوره باهمکاران سیاسی‌خودو نمایندگان سایرفراکسیونها آمادگی خودرا برای تشکیل دولت جدید باستحضار ریاست قوه مجریه میرسانید و رئیس جمهوری حکمی مبنی‌برانتصاب نخست وزیر جدید صادر میکرد و این حکم بامضای رئیس‌الوزراء مستعفی میرسید سپس نخست وزیر جدید همکاران خودرا انتخاب نموده وبریاست مملکت معرفی میکرد ووی حکم انتصاب

آنهارا اصادر مینمود واین حکم ریاست قوه مجریه بامضای نخست وزیر جدید میرسید.
پس از صدور احکام مزبور هیئت وزیران برنامه خودرا تنظیم کرده و آنرا نخست وزیر در مجلس مبعوثان و وزیر دادگستری (معمولا) درمجلس سنا قرائت نموده تقاضای رأی اعتماد میکردند واگر برنامه دولت و شخص وزراء مورد قبول وموافقت هریك ازمجلسین واقع نمیگردید نخست وزیراستعفای دسته جمعی وزرا را به رئیس جمهوری تقدیم میکرد و وی اقدام لازم برای حل بحران و تشکیل کابینه جدید بعمل میآورد ضمناً بنابتقاضای رئیس جمهوری وزرای مستعفی بطور موقت تاتشکیل کابینه جدید کارهای جاری وزارتخانه‌های مربوطه‌را انجام میدادند. درقوانین اساسی مورخ ۱۸۷۵ وهمچنین درقوانین متعارفی جمهوری سوم شرائط خاصی برای نیل بمقام وزارت پیش‌بینی نشده بود و بنابراین اتباع ذکور فرانسه بشرط داشتن ۲۱ سال تمام و عدم محرومیت از حقوق سیاسی ومدنی میتوانستند بوزارت انتخاب شوند. وزراء معمولا ازبین اعضای مجلس مبعوثان و مجلس سنا انتخاب میشدند ولی رئیس جمهور مجاز بود آنها را خارج از مجالس نیز انتخاب کند. وزارت با نمایندگی مجالس مانعةالجمع نبود بدین معنی که نمایندگان مجلسین با حفظ عضویت خود درپارلمان و استفاده ازحق رأی و سایر مزایای نمایندگی میتوانستند وظائف وزارتی را انجام دهند. اصولا عزل وزرا با رئیس جمهوری بود ولی وی فقط درمواردی ازاین حق استفاده میکرد که مجلس مبعوثان یا مجلس سنا نسبت به هیئت دولت یا بعضی از وزراء ابراز عدم اعتماد نموده و بطور غیرمستقیم عزل آنها را ازریاست جمهور خواستار میشدند. واما برخلاف اصل مذکوردر ۱٦ ماه مه ۱۸۷۷ مارشال ماك ماهون (رئیس جمهوری فرانسه از سال ۱۸۷۳ تا سنه ۱۸۷۹) هیئت‌دولت را بریاست ژول سیمون(۱) که مورداعتمادنمایندگان پارلمان بود معزول ودوك‌دوبروئی(۲) را به نخست وزیری تعیین نمود ومراتب را بوسیله پیام به‌مجالس اطلاع داد و چون مجلس مبعوثان با این اقدام مارشال ماك ماهون مخالف بوده و عقیده داشت که ریاست قوه مجریه مجاز نیست بدون ابراز عدم اعتماد ازطرف یکی از مجلسین وزرا را معزول کند از دادن رأی اعتماد به وزرای جدید امتناع کرد که درنتیجه رئیس جمهوری برطبق ماده ٥ قانون اساسی ۲٥ فوریه ۱۸۷٥

۱- Jules Simon
۲- duc de Broglie

پس از جلب موافقت مجلس سنا مجلس مبعوثان را منحل و دستور تجدید انتخابات مجلس منحل شده را صادر نمود .

وزراء هیئتی بنام شورای کابینه(۱) تشکیل میدادند که ریاست آن با نخست وزیر بودولی درموارد مهم هیئت وزیران تحت ریاست خودرئیس جمهوری منعقدمیگردید . هیئتی که ریاست آن با رئیس جمهوری بود شورای وزیران (۲) نامیده میشد .

همانطور که درسایر ممالك پارلمانی معمول بوده ومیباشد درفرانسه (جمهوری سوم) وزراء دو نوع مسئولیت داشتند که یکی مسئولیت سیاسی ودیگری مسئولیت جزائی بود . درامورسیاسی وزراء مسئول وضامن عملیات واقدامات یکدیگر بودند بدین معنی که اگر یکی از آنها ازحیث امریکه مربوط به سیاست عمومی دولت بود مورد عدم رضایت اکثریت نمایندگان مجلس مبعوثان یا مجلس سنا واقع میگردید کابینه میبایست استعفابدهد ولی اگراقدام یکی ازوزراء که مربوط به سیاست عمومی دولت نبودمورد مخالفت یکی ازمجلسین واقع گردیده واکثریت نمایندگان آن مجلس نسبت به وزیر مورد ایراد ابرازعدم اعتماد می نمودند آن وزیر بتنهائی استعفامیداد وسایر وزراء برسر جای خود میماندند مگر اینکه رئیس دولت یا نماینده او از آن وزیردفاع نموده وتمام کابینه را مسئول اقدام اومینمود . درامورجزائی وزراء منفرداً مسئول بودند بدین معنی که اگر یکی از آنها هنگام انجام وظائف محوله مرتکب جرمی میگردید سایراعضای کابینه ازحیث جزائی مسئول نبودند . قرار تعقیب وزراء را مجلس مبعوثان صادر ومجلس سنا آنها را محاکمه میکرد .

مبحث چهارم

سنا

دردورهٔ جمهوری سوم پارلمان فرانسه دارای دومجلس بود که یکی مجلس سنا ودیگری مجلس مبعوثان نامیده میشد . ماده اول قانون اساسی مورخ ۲۴ فوریه ۱۸۷۵ عدهٔ نمایندگان مجلس سنارا ۳۰۰ نفرمعین کرده بود که ۲۲۵ نفر آنرا ولایات اروپائی فرانسه و۳ ولایت الجزایروبعضی مستعمرات وبقیه ۷۵ نفررا مجلس مؤسسان مادام العمرانتخاب کرده بود . ازلحاظ تعداد جمعیت ولایات اروپائی فرانسه به ۴ طبقه

۱- conseil de cabinet

۲- conseil des ministres

تقسیم شده بود و هریك از دو ولایت سن (۱) و ولایت شمالی (۲) جزء طبقه اول محسوب و ۵ نفر سناتور انتخاب میکردند در صورتیکه شش ولایت طبقه دوم که عبارت از رون (۳) پادو کاله (٤) ژیروند (٥) سن سفلی (٦) فینستر (۷) و ساحل شمالی (۸) بود هریك ٤ سناتور و بیست و یك ولایت طبقه سوم هریك ۳ و بقیه ولایات هریك ۲ نفر سناتور تعیین میکردند . ناحیه بلفور (۹) و هریك از سه ولایت الجزایر ۲ سناتور و چهار مستعمره که عبارت از لامارتینیك (۱۰) گوادلوپ (۱۱) لاری اونیون (۱۲) وهند فرانسه (۱۳) بود هریك ۱ سناتور انتخاب مینمودند. بموجب ماده ٤ قانون اساسی مورخ ۲٤ فوریه ۱۸۷۵ برای انتخاب نمایندگان مجلس سنا در هر ولایتی هیئتی مرکب از نمایندگان آن ولایت در مجلس مبعوثان واعضای شورای ولایتی (۱٤) وشوراهای بخش (۱۵) و نمایندگان شوراهای بلدی (۱٦) ازقرار یك نماینده برای هرشورا تشکیل میگردید . سناتورها برای ۹ سال انتخاب میشدند وهر ۳ سال انتخاب یك ثلث آنها تجدید میشد . برای انتخاب شدن تابعیت فرانسه . ٤۰ سال لااقل عمر وعدم محرومیت از حقوق سیاسی و مدنی لازم بود . بطوریکه در بالا اشاره شد ۷۵ نفر سناتور را مجلس ملی (مؤسسان) در دسامبر ۱۸۷۵ با کثریت مطلق آراء مادام العمر انتخاب کرده بود و چنانچه بعلت فوت یا استعفاء یا علل دیگری یك کرسی سناتوری خالی میشد خود مجلس سنا در ظرف دو ماه جانشین سناتور متوفی یا مستعفی را تعیین مینمود .

واما چون بنظر غالب رجال آزادیخواه آن زمان عضویت دائمی سنا بااصول حکومت دمکراسی وفق نمیداد لذا در تاریخ ۱٤ اوت ۱۸۸٤ نمایندگان مجلسین در شهر ورسای کنگره (مجلس مؤسسان) تشکیل داده و ۷ ماده اول قانون اساسی ۲٤ فوریه ۱۸۷۵ را حذف و در ردیف قوانین عادی قرار دادند سپس بموجب قانون متعارفی مصوب ۹ دسامبر ۱۸۸٤ عضویت مادام العمر سنا را لغو نموده ومقرر داشتند که تمام سناتورها از طرف مردم

۱- département de la Seine
۲- dép. du Nord
۳- dép. du Rhône
٤- dép. du Pas-de-Calais
٥- dép. de la Gironde
٦- dép. de la Seine Inférieure
۷- dép. du Finistère
۸- dép. des Côtes du Nord
۹- territoire de Belfort
۱۰- La Martinique
۱۱- Guadeloupe
۱۲- La Réunion
۱۳- Indes françaises
۱٤- Conseil général
۱۵- Conseil d'arrondissement
۱٦- Conseil municipal

انتخاب شوند ولی این تصمیم شامل حال اشخاصی نبود که در موقع وضع قانون مزبور نماینده مادام العمر مجلس سنا بودند. بعلاوه قانون ۱۸۸٤ در طبقه بندی ولایات و تقسیم کرسیهای سناتوری بین آنها تجدید نظر کرده برای ولایت «سن» ده، برای «ولایت شمالی» هشت و ولایات دیگر دو تا پنج کرسی قائل شده و مقرر داشت که «ناحیه بلفور» سه و هریك از ولایات سه گانه الجزایر و ٤ مستعمره مذکور در فوق (لامار تینیک - گوآدلوپ - لاری او نیون - و هندفرانسه) هریك یك نماینده به مجلس سنا بفرستند. بعلاوه قانون مورد بحث اعضای خانواده‌های سلطنتی بوربون و ناپلئون را از حق انتخاب شدن به نماینده گی مجلس سنا ممنوع کرد. و نیز قانون ۱۸۸٤ مقرر داشت که درهیئت‌های ولایتی جهت انتخاب سناتورها شوراهای بلدی یك تابیست و چهار نماینده داشته باشند بجز شورای شهر پاریس که قرار بود سی نفر نماینده انتخاب و معرفی کند.

و اما پس از انعقاد قرارداد صلح ورسای مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ که بموجب آن دو ناحیه الزاس (۱) ولورن (۲) از خاك آلمان منفك و به قلمرو فرانسه ملحق شده بود قانونی تاریخ ۱۷ اکتبر ۱۹۱۹ به تصویب رسید که برطبق آن عدهٔ نمایندگان مجلس سنا از ۳۰۰ به ۳۱٤ افزایش یافته و ۱٤ کرسی اضافی به الزاس و لورن اختصاص داده شد.

بموجب ماده اول قانون انتخابات مورخ ۲ اوت ۱۸۷۵ رئیس جمهور شش هفته لااقل قبل از انتخابات مجلس سنا تاریخ انعقاد هیئت‌های ولایتی را اعلام میکرد و همچنین رئیس جمهوری تاریخ انتخاب نمایندگان شوراهای بلدی درهیئت‌های مزبور را معین مینمود. فاصله بین روز انتخاب نمایندگان شوراهای بلدی و تاریخ انتخاب سناتورها نبایستی کمتر از یکماه باشد. انتخاب نمایندگان شوراهای بلدی برأی مخفی و با اکثریت مطلق آراء بعمل میآمد و چنانچه دوبار اکثریت مطلق آراء حاصل نمیشد در دفعه سوم برای انتخاب نماینده اکثریت نسبی کافی بود و درصورت تساوی آراء کسی که سن او بیشتر بود نماینده شناخته میشد. هریك از رأی دهندگان درظرف ۳ روز از تاریخ انتخاب حق داشت نسبت به انتخاب نماینده شورای بلدی اعتراض کند اعتراض درشورای فرمانداری (۳) مورد رسیدگی قرار میگرفت. حکم شورای

۱- Alsace ۲- Lorraine

۳- Conseil de préfecture

فرمانداری قابل استیناف بوده ودرشورای دولتی (۱) رسیدگی میشد .

هشت روز قبل‌ازانتخاب سناتورهافرماندارفهرست‌اسامی‌انتخاب کنندگان را تنظیم‌وابلاغ میکرد . ریاست هیئت انتخاب کنندگان‌بارئیس‌دادگاه حقوقی(۲)بود. دو نفر از مسن‌ترین و دو نفرهم از جوان‌ترین رأی‌دهندگان و یکنفر منشی تعیین میشد و این پنج‌نفر تحت ریاست رئیس دادگاه حقوقی‌هیئت رئیسه رأی‌دهندگان را تشکیل‌میدادند . انتخابات دریکروز بعمل‌میآمد . برای انتخاب شدن بعضویت مجلس سنا دردفعه اول ودوم اکثریت مطلق رأی‌دهندگان وداشتن لااقل یك ربع مجموع آراء اشخاصیکه اسامی آنها درلیست انتخاب کنندگان به ثبت رسیده بود ضرورت داشت . دردفعه سوم اکثریت نسبی کافی بود ودرصورت تساوی آراء کسیکه سن او بیشتربود انتخاب‌شده محسوب میگردید. شرکت درانتخابات سناتورها الزامی بود ومتخلفین محکوم به پرداخت جریمه میشدند .

اشخاص ذیل هنگام انجام‌وظائف‌وتاشش‌ماه بعدازخاتمه مأموریت‌خود مجاز نبودند در حوزه مأموریت خود به عضویت مجلس سنا انتخاب شوند :

۱- رؤسای کل - رؤسای شعب واعضای دادسرای محاکم استیناف .

۲- رؤسا - نواب رئیس - بازپرسان واعضای دادسرای محاکم بدایت .

۳- فرمانداران - بخشداران و دبیران کل فرمانداری .

٤- سرمهندسین ولایتی - مهندسین بخش - رؤسای طرق وشوارع .

٥- رؤسا وبازرسان فرهنك .

٦- رؤسای دبستانها .

۷- رؤسای عالیمقام مذهب کاتولیك .

۸- افسران نیروی زمینی ودریائی .

۹- رؤسای دارائی وغیره .

مستخدمین فوق‌الذکر دولت از انتخاب شدن درحوزه مأموریت خود مطلقاً ممنوع بودند بدین‌معنی که اگر بنمایندگی انتخاب میشدند انتخاب آنهاکان‌لم‌یکن و بلااثر بود ولی سایر مأمورین دولت میتوانستند درحوزه مأموریت خود یا خارج

۱- Conseil d'Etat

۲- président du Tribunal civil

از آن حوزه به عضویت مجلس سنا (یامجلس مبعوثان) انتخاب شوند واگردرظرف ۸ روز بعداز تصویب اعتبارنامه خود ازشغل خویش استعفا نمیدادند ازمشاغل دولتی معزول گردیده ودر نمایندگی باقی میماندند واما بموجب قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۲۸ علاوه بروزراء و معاونین وزارتخانه‌ها، فقط استادان دانشگاه و اشخاصیکه مشاغل دولتی برای مدت حداکثر ٦ ماه قبول میکردند ازاصل مندرج بالا مستثنی بوده وباحفظ شغل‌دولتی میتوانستند درمجلس سناوهمچنین درمجلس مبعوثان عضویت داشته باشند.

مبحث پنجم

مجلس مبعوثان

ماده اول قانون اساسی مورخ ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ عمومی بودن انتخابات مجلس مبعوثان‌را اعلام نموده تعیین سایر اصول‌وشرایط انتخابات نمایندگان مجلس‌مزبوررا موکول به قانون انتخابات کرده بود.

باتوجه‌بماده مزبور مجلس‌ملی(مؤسسان)قانونی بتاریخ ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ تصویب نمود وهمین قانون با تغییراتی که بعداً دربعضی مواد آن بعمل‌آمده بود تا سال ۱۹٤۰ (تاریخ سقوط جمهوری سوم واستقرارحکومت نامحدود مارشال پتن) اجرا میشد.

بموجب قانون مزبوروقوانین تکمیلی‌انتخابات مجلس مبعوثان عمومی‌مستقیم ومخفی‌بود. برای رأی‌دادن علاوه‌برتابعیت‌فرانسه داشتن ۲۱ سال عمروعدم محرومیت ازحقوق‌سیاسی ومدنی وسکونت‌دائمی درحوزه انتخابیه یا ٦ ماه لااقل اقامت درآن حوزه‌ضروری‌بود بعلاوه‌اشخاصیکه درظرف ۵ سال درحوزه‌ایکه‌محل‌سکونت‌دائمی یااقامت ٦ ماهه آنهانبود مالیات مستقیم میپرداختند حق‌داشتند درانتخابات آن حوزه شرکت کنند. مستخدمین‌دولت‌در حوزه ماموریت‌خود ازشرط اقامت ٦ماهه مستثنی و مجاز بودند پس از ورود به محل مأموریت خود در انتخابات شرکت جویند. سربازان و افسران فقط در ایام مرخصی میتوانستند از حق رأی استفاده کنند. محبوسین و اشخاصیکه بموجب احکام غیابی دادگاهها محکومیت پیدا کرده بودند وهمچنین‌مجانین و ورشکستگان به‌تقصیر (درظرف سه‌سال) از شرکت درانتخابات مجلس مبعوثان ممنوع بودند.

از اشخاصیکه واجد شرایط رأی‌دادن بودند صورت برداری میشد و هر سال

یکمرتبه از اول تادهم ژانویه کمیسیونی مرکب از شهردار یا دهدار و نمایندگان فرمانداری وشورای بلدی یا شورای دهستان درلیست‌های دائمی تجدید نظر کرده متوفیان و اشخاصی را که در خلال سال گذشته بعلت ترك تابعیت محکومیت جنون یا علل دیگری از حق شرکت درانتخابات محروم گردیده بودند از صورت مورد تجدیدنظرخارج و بالعکس اشخاصی‌را که بواسطه رسیدن به سن قانونی یاتحصیل تابعیت فرانسه وعلل وجهات دیگر واجد شرائط رأی‌دادن شده بودند وارد صورت مزبور نموده و تا پانزدهم ژانویه آنرا اعلام مینمود. فرماندار و بخشدار و اشخاص ذینفع درمدت ۲۰روزاز تاریخ انتشارصورت انتخاب کنندگان میتوانستندبه کمیسیون تجدیدنظرمراجعه وتکمیل واصلاح صورت مورد اعتراض را تقاضا کنند. کمیسیون تجدیدنظررا اعضای کمیسیون‌بدوی ودو نفر نماینده شورای بلدی یاشورای دهستان تشکیل میدادند. اعتراض به تصمیم کمیسیون تجدیدنظر درداد گاه بخش رسیدگی میشد. احکام محاکم بخش قابل رسیدگی تمیزی بود.

بموجب قانون انتخابات ۳۰نوامبر ۱۸۷۵ انتخابات فردی(۱) بود ودرهر بخش یك نماینده انتخاب میشد. قانون ۱۶ ژوئیه ۱۸۸۵ انتخابات فردی را ملغی وانتخابات جمعی (۲) را برقرار نمود بدین‌معنی که هرولایتی یك حوزه تشکیل داده و برای هر ۶۵۰۰۰نفر سکنه یك نماینده انتخاب میکرد بهرحال هریك ازولایات حق‌انتخاب لااقل سه نفر نماینده را داشت ولواینکه شماره سکنه‌آن به ۱۹۵۰۰۰ نفرنمیرسید. قانون ۱۳ فوریه ۱۸۸۹ انتخابات فردی را یکبار دیگر برقرار نموده ومقررداشت که هربخش یك نماینده انتخاب کند ولی بخشهائیکه جمعیت آنها بیشتر از ۶۵۰۰۰ نفر بود برای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت‌اضافی نیز یك‌نماینده تعیین‌میکردند.

بموجب قانون مزبور ناحیه « بلفور » بجای دو نماینده پیش‌بینی‌شده درقانون ۱۶ ژوئیه ۱۸۸۵ یك، الجزایر شش و مستعمرات ده نفر نماینده انتخاب میکردند. انتخابات فردی تا ۱۲ ژوئیه ۱۹۱۹ درفرانسه معمول بوده و درآن تاریخ تبدیل به انتخابات جمعی گردید. برطبق قانون جدید ولایات اروپائی فرانسه از قرار یك

۱- scrutin individuel ou uninominal

۲- scrutin de liste

نماینده برای ۷۵۰۰۰ جمعیت انتخاب میکردند . انتخابات جمعی ۸ سال در فرانسه مجری بوده ودر ۲۱ ژوئیه ۱۹۲۷ ملغی وانتخابات فردی جانشین آن گردید . بموجب قانون ۲۱ ژوئیه ۱۹۲۷ درایالات اروپائی فرانسه و سه ایالت الجزایر و مستعمرات ۶۱۲ نفر نماینده انتخاب میشد درصورتیکه قبل از تصویب قانون مذکور درفوق عدهٔ نمایندگان مجلس مبعوثان بالغ بر ۵۸٤ نفر بود . محتاج به تذکر نیست که درالجزایر و مستعمرات فقط اتباع فرانسه حق رأی دادن و انتخاب شدن را داشته و بومیان ازاعمال این حق محروم وممنوع بودند .

به نمایندگی فقط اشخاصی میتوانستند انتخاب شوند که علاوه برشرائطی که قانون برای رأی دادن منظورداشته بود دارای ۲۵ سال لااقل عمر بودند . شرط اقامت در حوزه انتخابیه برای انتخاب شدن ملحوظ نبود . برای انتخاب شدن به عضویت مجلس مبعوثان داشتن اکثریت آراء مأخوذه وربع مجموع آراء ثبت شده درلیستهای انتخاباتی ضروری بود . درصورت عدم حصول حد نصاب مزبور انتخابات تجدید میشد و در انتخابات تجدیدی برای انتخاب شدن اکثریت نسبی کافی بود . نظامیان باستثنای افسران بازنشسته ازحق انتخاب شدن بطور مطلق ممنوع بودند . علاوه بر نظامیان اشخاص ذیل نیز از انتخاب شدن ممنوع بودند :

۱ـ افراد خانواده های سلطنتی بوربون و ناپلئون (ماده ٤ قانون ۱۶ ژوئن ۱۸۸۵)

۲ـ اشخاصیکه تابعیت فرانسه را تحصیل نموده بودند درظرف ۱۰ سال از تاریخ صدور سند تابعیت .

۳ـ اشخاصیکه ازانجام نظام وظیفه امتناع میکردند (قانون ۲۱ مارس ۱۹۰۵)

٤ـ مدیر کل (۱) ومعاونین مدیر کل (۲) بانك دوفرانس (۳) .

مدیران واعضاء هیئت نظارت ومشاورین فنی وحقوقی شرکتهائیکه ازدولت فرانسه کمك خرج دریافت میداشتند میتوانستند انتخاب شوند ولی درظرف ۸ روز ازتاریخ تصویب اعتبارنامه خود ملزم بودند ازشغل خود استعفا کنند ودرغیراینصورت از نمایندگی مستعفی شناخته میشدند .

نمایندگی مجلس مبعوثان با استخدام دولتی مباینت داشت بدین معنی که اگر یك مستخدم دولت به عضویت مجلس مبعوثان انتخاب شده و درظرف ۸ روز از تاریخ

---

۱ - Gouverneur

۲ - Sous - Gouverneurs

۳ - Banque de France

تصویب اعتبارنامه خود از نمایندگی استعفا نمیداد از شغل دولتی مستعفی شناخته میشد. واما بموجب ماده ۸ قانون ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ وزراء ـ معاونین وزارتخانها ـ سفرای کبار ـ وزرای مختار ـ فرماندار ولایت «سن» ـ رئیس شهربانی پاریس ـ رئیس کل ودادستان کل دیوان عالی تمیز ـ رئیس کل و دادستان کل دیوان محاسبات ـ رئیس کل و دادستان محاکم استیناف پاریس و همچنین روحانیون عالیمقام مذهب کاتولیك و پروتستان و یهود از اصل مندرج بالا مستثنی بوده با حفظ شغل خود میتوانستند وظائف نمایندگی را عهده‌دار شوند. قانون مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۲۸ ماده ۸ قانون انتخابات ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ را ملغی نموده ومقرر داشت که فقط وزراء ومعاونین وزارتخانه‌ها واستادان دانشگاه واشخاصیکه بطور موقت (حداکثر ۶ماه) از دولت مأموریت قبول میکنند باحفظ شغل خود میتوانند نمایندگی مجلس را داشته باشند. نمایندگان مجلس مبعوثان که شغل دولتی بجز مأموریت موقت قبول میکردند از عضویت مجلس مستعفی شناخته میشدند. مستخدمین دولت که قبول نمایندگی مجلس را میکردند پس از انقضای دورهٔ قانونگذاری حق داشتند به شغل دولتی بر گردند.

بعضی از مأمورین دولت از جمله فرمانداران و بخشداران ودبیران کل فرمانداری ومأمورین عالیرتبه دارائی ورؤسای مدارس ابتدائی مجاز نبودند در حوزه مأموریت خود بنمایندگی انتخاب شوند واین محرومیت نه تنها شامل دورهٔ خدمت میشد بلکه ۶ماه بعد از آن نیز قابل اجری بود (ماده ۱۲ قانون انتخابات ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵) منظور واضعین قانون مزبور این بود که مبادا مأمورین مذکور در فوق از نفوذ خود بین رأی‌دهندگان حوزه مأموریت خود سوء استفاده کرده من غیر حق بنمایندگی انتخاب شوند. بموجب قانون ۲۷ ژوئیه ۱۸۸۹ داوطلبان نمایندگی مجاز نبودند از چند حوزه انتخاب شوند. کاندیداهای نمایندگی ملزم بودند ۵ روز لااقل قبل از انتخابات به فرمانداری حوزه انتخابیه اعلام نامزدی (۱) نمایند. چنانچه یك تبعه بیگانه یا شخصی که از لحاظ سن یا جهات دیگر واجد شرائط انتخاب شدن نبود اعلام نامزدی میکرد مقامات مربوطه حق و وظیفه داشتند به تقاضای او ترتیب اثر نداده از ثبت نام او خودداری کنند. اثر قانونی اعلام نامزدی این بود که فقط اشخاصی میتوانستند بنمایندگی انتخاب شوند

۱ــ déclaration de candidature

که با احراز شرائط قانونی درموعد مقرر اعلام نامزدی نموده واسم آنها در فرمانداری به ثبت رسیده بود و چنانچه در یك حوزه انتخابیه یکنفر بدون نام نویسی اکثریت آراء را بدست میآورد آراء او باطل شناخته میشد. منظور از اعلام نامزدی این بود که به رأی دهندگان وقت و مجال تعمق و بررسی در صلاحیت داوطلب نمایندگی و برنامه وی داده شود بعلاوه بر اثر اعلام نامزدی سهولت و نظمی در شمارش آراء حاصل میشد. اگر یکنفر داوطلب نمایندگی در چند حوزه اعلام نامزدی میکرد اولی معتبر و بقیه باطل و بلااثر شناخته میشد. چنانچه یکنفر داوطلب نمایندگی بدون اعلام نامزدی اقدام به ارسال اوراق تبلیغاتی یا اعلان در روزنامهها و مجلات میکرد یا بمنظور اخذ آراء متوسل بوسائل دیگر میشد این عمل غیرقانونی تلقی شده وقابل تعقیب جزائی بود.

دورهٔ نمایندگی ٤ سال بود و پس از انقضای دورهٔ چهار ساله انتخاب تمام نمایندگان تجدید میشد درصورتیکه سناتورها برای ٩ سال انتخاب میشدند وهرسه سال انتخاب یك ثلث آنها تجدید میگردید واین همان ترتیبی است که در ایران ممالك متحده امریکا وپارهٔ ممالك دیگر معمول است. درصورت فوت استعفاء یاعدم توانائی یکی از نمایندگان انتخاب جانشین اودرمدت ٢ ماه (حداکثر) بعمل میآمد وچنانچه فوت استعفاء یا عدم توانائی درظرف ٦ ماه قبل از پایان دورهٔ قانونگذاری بوقوع میپیوست دراینصورت انتخاب نماینده جدید بجای نماینده مستعفی متوفی یاناتوان بعمل نمیآمد. درهردهستان یاشهری یك انجمن فرعی نظارت در انتخابات تشکیل میشد. ریاست انجمن مزبور بادهدار یاشهردار(١) بوده واعضای آن از بین اعضای شورای دهستان یاشورای شهر(٢) تعیین میشدند. انتخابات دریکروز بعمل میآمد ورأی دهندگان با ارائه ورقه دائمی انتخاباتی (٣) رأی خودرا درصندوق رأی میانداختند. نظارت درانتخابات و تشخیص انتخاب شدگان درمرکز حوزه انتخابیه باکمیسیونی بود مرکب از رئیس محکمه حقوقی وچهار نفر از با سابقهترین اعضای شورای ولایتی. ریاست کمیسیون مرکزی بارئیس محکمه بود. کمیسیون مزبور به شکایات واصله رسیدگی کرده نظر خود را اعلام مینمود ولی اتخاذ تصمیم قطعی دربارهٔ شکایات

١– maire
٢– conseil municipal
٣– carte électorale

انتخاباتی با خود مجلس مبعوثان بود. صورت مجلس انتخابات بوسیله فرمانداری ووزارت کشور به دفترمجلس مبعوثان فرستاده میشد.

مبحث ششم

مقررات مربوط به هردو مجلس

مجالس مقننه اصولا متساوی الحقوق بودند بدین معنی که کلیه لوایح وطرحهای قانونی بایستی به تصویب هردومجلس برسد منتهی لوایح مالی قبلا درمجلس مبعوثان به تصویب رسیده سپس برای تصویب به مجلس سنافرستاده میشد بعلاوه مجلس سنا وظائف قضائی داشته رئیس جمهوری ووزراء ومقصرین سیاسی رامحاکمه میکرد.

بموجب مادتین اول ودوم قانون اساسی ١٦ ژوئیه١٨٧٥جلسات عادی مجلس سناومجلس مبعوثان هرسال دردومین سه شنبه ماه ژانویه تشکیل یافته ولااقل ٥ ماه ادامه پیدا میکرد. دورهٔ اجلاسیه مجلسین در آن واحد شروع وخاتمه پیدامیکرد. پایان دوره‌اجلاسیه‌ازطرف رئیس جمهوری‌معین وابلاغ میگردیدوهمچنین درموارد ضروری رئیس جمهوری میتوانست به تشخیص‌وصلاحدید خود یا به تقاضای‌اکثریت مطلق نمایندگان یکی از مجلسین مجلس مبعوثان و مجلس سنا را برای تشکیل جلسات‌فوق‌العاده‌دعوت کند. بطوریکه‌در بالا متذکر گردیدرئیس‌جمهوری‌میتوانست مجالس را تعطیل کند ولی تعطیل نبایستی درهردورهٔ قانونگذاری بیشتراز دودفعه بعمل‌آید وهردفعه ازیکماه تجاوز کند. جلساتی که یکی ازمجلسین خارج ازدورهٔ اجلاسیه تشکیل‌میداد غیرقانونی‌محسوب ومصوبات آن کان لم‌یکن وبلااثر محسوب میشد و تنها استثنائیکه قانون اساسی از این اصل قائل میشد جلساتی‌بود که مجلس سنا بعنوان دیوان دادگستری (١) تشکیل میداد. جلسات مجلس سنا و مجلس مبعوثان علنی بود مگر اینکه جمعی از نمایندگان یکی از مجلسین که تعداد آنها درنظامنامه داخلی آن مجلس معین شده بود تشکیل جلسه محرمانه را تقاضا بکنند بهر حال هر یك از مجالس حق داشت باکثریت مطلق آراء برای رسیدگی به موضوعی که‌درجلسه‌محرمانه مطرح‌بود جلسه علنی‌تشکیل‌دهد (ماده٥٤ نظامنامه داخلی سنا و ماده ١١٠ نظامنامه داخلی مجلس مبعوثان). رئیس جمهوری بوسیله پیام بامجالس تماس میگرفت. پیام ریاست جمهوری را نخست‌وزیر یایکی‌ازوزراء

١- Cour de Justice

درمجلسین قرائت مینمود . وزراء حق داشتند درجلسات عمومی و کمیسیونهای مجالس حضور بهمرسانیده در خصوص امور مربوطه بوزارتخانه های خود اظهاراتی نمایند . بدیهی است چنانچه وزیری عضو یکی از مجلسین بود علاوه بر حضور درجلسات و شرکت در مذاکرات حق رأی را نیز دارامیشد . هریك ازمجالس نیز محق بود وزرا را برای ادای توضیحات درجلسات عمومی و جلسات کمیسیونهای مجلس دعوت نماید . هریك از مجالس به اعتبارنامه‌های نمایندگان خود رسیدگی کرده آنرا تصویب یا رد مینمود . مجلس مبعوثان ومجلس سنا اعضای هیئت رئیسه خودرا برای یك دورهٔ اجلاسیه انتخاب مینمودند و چنانچه نمایندگان مجلس مبعوثان وسناتورها برای انتخاب رئیس جمهوری یاتجدیدنظردرقانون اساسی مجلس واحدی تشکیل میدادند وظائف هیئت رئیسه آن مجلس را اعضای هیئت رئیسه مجلس سنا انجام میدادند . قرارتعقیب رئیس جمهوری ووزرا را مجلس مبعوثان صادرومجلس سنا باحضورتمام اعضای خود آنها را محاکمه میکرد بعلاوه برطبق فرمان ریاست جمهوری مجلس سنا اشخاصی را که متهم به ارتکاب جنایت برعلیه امنیت داخلی وخارجی کشور بودند محاکمه میکرد .

همانطور که درتمام کشورها ازجمله خود فرانسه معمول بوده ومیباشد هریك ازنمایندگان مجالس آزادی نطق ورأی داشتند بقسمیکه مقامات رسمی ومأمورین دولت (شخصاً) واشخاص ثالث حق نداشتند نمایندگان مجلس مبعوثان وسناتورهارا بواسطه اظهاراتی که نموده و رأیی که داده بودند نه دردورهٔ نمایندگی و نه پس‌از انقضای آن دورهٔ مورد تعقیب قراردهند . بموجب ماده ١٤ قانون اساسی ١٦ ژوئیه ١٨٧٥ چنانچه یکی از نمایندگان مجلسین درزمان اشتغال پارلمان مرتکب جنحه یاجنایتی میشد مقامات قضائی فقط بااجازه مجلس مربوطه میتوانستند اورا بازداشت ومحاکمه کنند . جرائم مشهود ازاین قاعده مستثنی بودبدین معنی که مقامات مربوطه مجاز بودند بدون جلب موافقت نمایندگان ، مبعوث یا سناتوری را که مرتکب جرم مشهود میشد دستگیر وتعقیب نمایند . درایام تعطیل مجالس توقیف وتعقیب نمایندگان پارلمان بدون کسب اجازه مجلس مربوطه مانعی نداشت ولی دراین مورد وهمچنین در مورد جرائم مشهود مجلسی که متهم عضو آن بود میتوانست از مقامات قضائی درخواست کند که نماینده توقیف شده آزادی حاصل نموده و بازداشت و تعقیب او تا آخر دورهٔ قانونگذاری معلق گردد .

*

قسمت سوم

تحولات سیاسی از ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۶

قانون اساسی کنونی فرانسه

فصل اول

حکومت مارشال پتن (۱)

هنگام شکست فرانسه در جنگ و پیشرفت سپاهیان فاتح آلمان در خاک فرانسه و اشغال پاریس در ۱۳ ژوئن ۱۹۴۰ آلبرلوبرن (۲) ریاست جمهوری و پل رنو (۳) ریاست هیئت وزیران را عهده‌دار بودند و مارشال پتن فاتح معروف وردن (۴) در جنگ اول جهانی وزیر مشاور و نایب رئیس دولت بود. دراینموقع مسئله ترک مقاومت یا ادامه جنگ که افکارعمومی ملت مغلوب فرانسه را بخود جلب کرده بود درهیئت وزیران مطرح و وزراء بدودسته مخالف و متضاد تقسیم شدند بدین‌معنی که پل رنو نخست‌وزیر و بعضی از اعضای کابینه‌او باصرار که جنگ جداً مخالفت نموده و عقیده‌داشتند که دولت باید جنگ با آلمان و ایتالیا را در خاک فرانسه یا لااقل درشمال افریقا (الجزایر- مراکش - تونس) ومستعمرات فرانسه‌ادامه‌دهد وامامارشال پتن وژنرال ویگان (۵) که پس‌ازعزل ژنرال گاملن (۶) ازفرماندهی کل قوای‌فرانسه بجانشینی وی انتصاب شده‌بود ادامه جنگ را آنهم دردو جبهه نه تنها بی‌فایده بلکه مضر بحال

۱- Henri - Philippe Pétain, maréchal de France

۲- Albert Lebrun

۳- Paul Reynaud

۴- Werdun

۵- général Weygand

۶- général Gamelin

ملت فرانسه دانسته مصراً ومؤکداً متارکه جنگ را درخواست میکردند(۱) . چون قسمت اعظم وزراء متمایل به نظر مارشال پتن وژنرال ویگان بوده وادامه جنگ را برخلاف مصالح فرانسه تشخیص میدادند لذا هیئت دولت تصمیم بر تقاضای متارکه جنگ گرفت و براثر این تصمیم هیئت وزیران پل رنو از ریاست دولت استعفا داد و آلبرلوبرن رئیس جمهوری در تاریخ ۱۶ ژوئن مارشال پتن را مأمور تشکیل کابینه جدید فرانسه نمود . رئیس الوزرای جدید که وطن پرستی و کاردانی او درامور نظامی مورد تردید نبود بدون فوت وقت به فرماندهی کل قوای آلمان مراجعه و تقاضای متارکه جنگ را نمود . این درخواست مورد موافقت پیشوای آلمان واقع گردیده ودرشب ۲۵ ژوئن درجنگل معروف کمپین(۲) محلیکه متارکه جنگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸ صورت گرفته بود قرارداد متارکه جنگ بین فرانسه ازیکطرف و آلمان و ایتالیا ازطرف دیگر بامضا رسیده و بموقع اجرا گذاشته شد .

پس از امضای قرارداد متارکه جنگ بنابدعوت مارشال پتن نمایندگان مجلس مبعوثان ومجلس سنا بتاریخ ۶ ژوئیه درشهر ویشی (۳) که پس از بردو(٤) وکلرمون فران(۵) مقر حکومت فرانسه شده بود تشکیل جلسه دادند ومجلس مبعوثان با کثریت ۳۹۵ رأی درمقابل ۳ مخالف ومجلس سنا باکثریت ۲۲۹ رأی موافق درقبال ۱ مخالف لزوم تجدید نظر درقوانین اساسی ۱۸۷۵ را تصدیق نموده سپس دردهم ماه ژوئیه مجلس واحدی تشکیل دادند و باکثریت ۵٤۹ رأی دربرابر ۸۰ مخالف و۱۷ ممتنع ماده واحدهٔ باین مضمون تصویب نمودند :

« مجلس ملی به حکومت جمهوری اختیار تام میدهد که تحت نظر وراهنمائی مارشال پتن قانون اساسی جدید فرانسه را تنظیم و بامضای او ابلاغ کند . این قانون اساسی باید منافع زحمتکشان و خانواده ووطن را تضمین کند .

قانون اساسی مورد نظر ازطرف ملت تصویب خواهد شد ومجالسی که قانون مزبور بوجود خواهد آورد ترتیب اجرای آنرا خواهند داد .

این قانون اساسی به تصویب مجلس ملی رسیده و بموقع اجرا گذاشته میشود »

۱ــ گواهی پل رنو و آلبرلوبرن درجلسات مورخ ۲٤ و ۲۵ ژوئیه ۱۹٤۵ محاکمه مارشال پتن

۲ــ Compiègne

۳ــ Vichy

٤ــ Bordeaux

۵ــ Clermont – Ferrand

ماده واحده مصوب مجلس ملی بامضای آلبرلوبرن رئیس جمهوری و مارشال پتن نخست وزیر رسیده و ابلاغ گردید.

باتوجه به قانون فوق الذکر مارشال پتن باجلب نظر هیئت وزیران فرامینی صادر نمود که اهم آنها بشرح زیراست:

۱ - بموجب فرمان شماره یك مورخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۴۰ مقام ریاست جمهوری در فرانسه ملغی و مقام ریاست مملکت (۱) به مارشال پتن تفویض گردید و در نتیجه البرلوبرن رئیس جمهوری از شغل خود معزول شد.

۲ - فرمان شماره دو مورخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۴۰ که مهمترین فرامین مارشال پتن بشمار میرود علاوه بر وظائفی که قوانین اساسی ۲۴ فوریه و ۱۶ ژئیه ۱۸۷۵ برای ریاست جمهور قائل شده بود به رئیس مملکت اجازه میداد که تا تشکیل مجالس قوانینی وضع نموده و بموقع اجرا بگذارد و چون در تمام دورهٔ زمامداری مارشال پتن مجالس مقننه تشکیل نشده بود لذا نامبرده تاپایان حکومت ویشی به تنهائی وضع قوانین میکرد بهر حال اعلان جنگ مستلزم موافقت مجلس مبعوثان و مجلس سنا بود و نیز فرمان شماره دو به مارشال پتن اختیار میداد که پس از انعقاد مجالس جدید هم در مواقع بحران شدید داخلی که تشخیص آن باخود مارشال پتن بود وضع قوانین کند. مارشال پتن که علاوه بر وظائف ریاست قوه مجریه ریاست هیئت دولت را نیز عهده دار بود حق داشت وزراء را عزل و نصب کند و وزرائیکه ازطرف او انتخاب میشدند فقط در مقابل وی مسئول بودند. فرمان مورد بحث برای اداره امور مملکتی دو نوع هیئت تشکیل داده بود که یکی شورای وزیران (۲) ودیگری شورای کابینه (۳) نامیده میشد. در شورای وزیران متصدیان وزارتخانه‌های مهم مانند وزارت امور خارجه وزارت دارائی - وزارت اقتصاد ملی - وزارت جنگ عضویت داشتند در صورتیکه متصدیان سایر وزارتخانه ها که دارای عنوان منشی دولتی (۴) بودند در جلسات شورای کابینه شرکت میکردند واز شرکت در جلسات هیئت وزیران ممنوع بودند. شورای کابینه مسائل مربوطه را مورد مطالعه و مداقه قرارداده نظر خود را برای اتخاذ تصمیم قطعی باستحضار شورای وزیران میرسانید. ریاست شورای وزیران با

۱- Chef de l' Etat
۲- Conseil des ministres
۳- Conseil de cabinet
۴- Secrétaire d' Etat

خود مارشال پتن بوده و در جلسات شورای کابینه نایب رئیس دولت وظائف رئیس را انجام میداد.

۳ - فرمان شماره سه مورخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۴۰ مجلس مبعوثان ومجلس سنا را تعطیل کرده وتشکیل جلسات مجالس مزبور را منوط به اجازه ریاست مملکت مینمود.

٤ - بموجب فرمان شماره چهار مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۴۰ پیرلاوال(۱) بسمت جانشینی مارشال پتن تعیین گردید و برطبق فرمان شماره ٤ مکرر (۲) مورخ ۲٤ سپتامبر ۱۹٤۰ درصورت فوت یااستعفا یابالاخره عدم توانائی لاوال برای انجام وظائف محوله هیئت وزیران حق داشت باکثریت مطلق آراء شخص دیگری را به جانشینی مارشال پتن تعیین کند. پس از مغضوب شدن پیرلاوال، مارشال پتن در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹٤۰ فرمانی بشماره ٤/۳ (۳) صادر نمود که بموجب آن به هیئت وزیران اختیار داده میشد که جانشین رئیس مملکت را انتخاب کند و بالاخره برطبق فرمان شماره ٤ ٤ (٤) مورخ ۱۰ فوریه ۱۹٤۱ دریاسالاردارلان (٥) بجانشینی مارشال پتن منصوب و مقرر گردید که در صورت فوت یا استعفاء و یا عدم توانائی وی هیئت وزیران طبق فرمان شماره ٤ مکرر یك نفر را بجای او تعیین کند.

٥ - فرمان شماره پنج مورخ ۳۰ ژوئیه ۱۹٤۰ ماده ۹ قانون اساسی ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ و ماده ۱۲ قانون اساسی ۱٦ ژوئیه ۱۸۷۵ راجع به وظائف قضائی مجلس سنا را لغو نموده محکمه‌ای بنام دیوان عالی دادگستری(٦) تاسیس و به دادگاه مزبور اختیار داد که وزراء - وزرای سابق - معاونین وزارتخانه ها وزیردستان نزدیك (۷) آنهارا باتهام جنحه و جنایاتی که هنگام انجام وظائف محوله مرتکب میشدند و هم چنین اشخاصی را که متهم به سوءقصد به امنیت کشور وجرائم مشابه بودند محاکمه کند. محکمه دارای یك رئیس یك نایب رئیس پنج مستشار اصلی وسه مستشار علی البدل بود. ریاست دیوان عالی دادگستری با رئیس دیوان کشور بود. نایب رئیس ومستشاران دادگاه مزبور را رئیس مملکت پس از جلب نظر مشورتی هیئت دولت از بین قضات

۱- Pierre Laval

۲- acte constit. no 4 bis

۳- acte constit. no 4 ter

٤- acte constit. no 4 quarter

٥- Amiral Darlan

٦- Haute-Cour de Justice

عالیمقام و افسران ارشد تعیین مینمود . دادستان ودو نفرو کیل عمومی دادگاه نیز طبق فرمان رئیس‌قوه مجریه انتخاب میشدند . انعقاد محکمه بموجب فرمان مارشال پتن بعمل‌میآمد . احکام دادگاه قطعی وقابل تمیز نبود . دادگاه جلسات خود را در شهرریون (۱) تشکیل میداد .

۶ - بموجب‌فرمان‌شماره شش مورخ‌اول‌دسامبر ۱۹٤۰ مارشال‌پتن می‌توانست ازاعضای مجلس مبعوثان ومجلس سنا سلب نمایندگی کند .

۷ - طبق فرمان‌شماره هفت مورخ ۲۷ فوریه ۱۹٤۱ مارشال پتن‌اختیارداشت وزراء و مامورین عالیمقام و هم چنین ورزاء و مامورین عالیرتبه سابق را که کمتر از ده‌سال‌سابقه خدمت داشتند بدون محاکمه‌وفقط به‌تشخیص خود به حبس یاجریمه محکوم کند . باتوجه‌به‌همین‌فرمان‌جمعی‌ازوزراء ومأمورین‌فرانسه بحکم‌مارشال‌پتن محکوم به حبس شدند .

۸ - بموجب فرامین شماره هفت مذکور درفوق وشماره هشت و نه مورخ۱٤ اوت وشماره‌ده مورخ٤ اکتبر۱۹٤۱ وزراءومعاونین و نظامیان‌وسایر مأمورین‌دولت موظف بودند قسم وفاداری نسبت‌به مارشال‌پتن یاد کنند .

باتکاء فرامین مندرج بالا وفرامین دیگرمارشال‌پتن ازدهم ماه ژوئیه ۱۹٤۰ تا تاریخ تبعید وی به‌آلمان در ۱۹٤٤ بااختیارات تام قوه مقننه وقوه مجریه رااعمال و تا اندازه‌ای وظائف قوه قضائیه را انجام میداد . هرچند نامبرده بموجب فرامین مورخ ۲۲ ژانویه و ۲۲ مارس ۱۹٤۲ یك شورای ملی (۲) تشکیل داده بود ولی گذشته از اینکه شورای مزبور جنبه مشورتی‌داشته وتصمیمات آن لازم‌الاجرا نبود اعضای‌آن نیزازطرف مارشال پتن انتخاب میشدند .

واما بموجب فرمان شماره دوازده مورخ ۱۲ نوامبر ۱۹٤۲ و شماره دوازده مکررمورخ ۲۶ نوامبرهمانسال مارشال پتن قسمتی‌ازاختیارات‌خودرا به‌پیرلاوال که به ریاست دولت (۳) انتخاب شده‌بود تفویض وباواختیارداده بود بنام رئیس‌مملکت وظائف ریاست قوه مجریه را انجام دهد وهم چنین به تنظیم واجرای قوانین‌عادی اقدام کند که نتیجتاً مارشال پتن حق وضع قوانین اساسی را حفظ نموده و رسماً عملیات رئیس دولت را نظارت ومراقبت میکرد .

۱ - Riom
۲ - Conseil national
۳ - Chef du Gouvernement

فصل دوم

حکومت ژنرال دوگل (۱)

هنگام استعفای پل‌رنو و تشکیل کابینه مارشال پتن ژنرال‌دوگل رهبر نهضت فرانسهٔ آزاد که سمت معاونت وزارت جنگ را در کابینه مستعفی داشت برای یك مأموریت نظامی‌عازم لندن شده بود. ژنرال نامبرده در ۱۸ ژوئن ۱۹٤۰ بوسیله رادیوی‌لندن بیانیه‌ای‌خطاب به‌ملت فرانسه صادر و حکومت‌مارشال‌پتن‌را غیرقانونی اعلام و تقاضا نمود در مقابل‌نیروی آلمان مقاومت کرده و نبردرا بادشمن ادامه دهند. ژنرال دوگل‌به رهبری خود نهضتی‌بنام‌فرانسه‌آزاد (۲) ایجاد نمود. دولت‌انگلیس در تاریخ ۷ اوت دوگل را بعنوان پیشوای نهضت فرانسه آزاد شناخته سپس پارهٔ مستعمرات فرانسه نیز مانند هبرید جدید (۳) کامرون (٤) کونگوی وسطی (۵) وهندوچین و تجاد (٦) نیز باحکومت ویشی‌قطع ارتباط کرده و نهضت فرانسه آزاد را شناختند.

چون رهبری‌نهضت مقاومت ملی وتهیه نیروی‌لازم‌برای‌ادامه جنگ با آلمان وایتالیا در خاك یك دولت بیگانه‌مناسب‌بنظر نمیرسید از این رو ژنرال دوگل عازم برازاویل (۷) واقع‌در کنگوی‌وسطی شده ودر آنجا در تاریخ ۲۷ اکتبر ۱۹٤۰ هیئتی بنام‌شورای دفاع‌امپراطوری (۸) تشکیل‌داد. دراین شوری همکاران نزدیك‌ژنرال دوگل وفرمانداران و کمیسرها وسایر مأمورین عالیمقام مستملکات‌فرانسه که‌ژنرال نامبرده را بسمت ریاست فرانسه‌آزاد شناخته بودند عضویت داشتند. شورای دفاع امپراطوری جنبه مشورتی‌داشته وژنرال دوگل‌در قبول یاردنظریات شورای‌مزبور

---

۱ – Général de Gaulle
۲ – La France libre
۳ – Nouvelles-Hébrides
٤ – Cameroun
۵ – Moyen Congo
٦ – Tchad
۷ Brazzaville
۸ – Le Conseil de Défense de l' Empire

آزادی کامل داشت . علاوه برشورای مشورتی دوگل در برازاویل بتاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۴۱ یك حکومت واقعی بنام کمیته ملی فرانسه (۱) تشکیل داد و همین کمیته علاوه برحکومت بر مستملکات فرانسه مشغول تهیه وسائل جنگ با دشمن بود و ازطرفی هم با دول متفق ایجاد روابط کرد . ریاست کمیته ملی فرانسه با ژنرال دوگل بود و نامبرده اعضای کمیته مزبور (کمسرها) راتعیین مینمود. هریك از کمیسرهامتصدی اداره (وزارتخانه) معینی بودند وعلاوه براموری جاری طرح فرامین دوگل را موردشور قرارداده و نظر مشورتی خودرا به نامبرده پیشنهادمیکردند. بموجب فرمان مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۴۲ بجای فرانسه آزادسازمان جدیدی بنام فرانسه مبارز (۲) بوجود آمد.

درماه نوامبر ۱۹۴۲ ممالك متحده امریکا وانگلستان در بنادر مراکش والجزایر نیرو های نظامی پیاده کردند و بادریاسالار دارلان که باسمت کمیسرعالی حکومت ویشی در افریقای شمالی انجام وظیفه میکرد ایجاد همکاری وتشریك مساعی نمودند . دریاسالاردارلان که بموجب امریه شماره ۴/۴ (۳) مورخ دهم فوریه ۱۹۴۱ بجانشینی مارشال پتن تعیین شده بود باتأییدوفاداری خود بنامبرده از اجرای اوامر اوخودداری میکرد زیرا بعقیده وی مارشال پتن بعلت اشغال خاك فرانسه بدست ارتش آلمان فاقد آزادی عمل بوده وطبق دستور مقامات آلمانی بااشغال افریقای شمالی ازطرف دول متفق مخالفت میکند درصورتیکه نامبرده درباطن ازاین اقدام متفقین رضایت کامل داشته شکست آلمان و پیروزی دولتهای متفق را آرزومنداست ونظر باینکه مارشال پتن فاقد آزادی عمل بوده و قادر بانجام وظائف خود نمیباشد و چون وی (دریا سالاردارلان) جانشین وقائم مقام رئیس کشور فرانسه میباشد لذا او باوظائف واختیاراتی که مجلس ملی طبق قانون مورخ دهم ژوئیه ۱۹۴۰ به مارشال پتن تفویض نموده است حق ووظیفه دارد حکومت فرانسه را بعهده بگیرد. . چندی بعد دریاسالار دارلان یك شورای امپراطوری درشهرالجزیره تشکیل داد وژنرال ژیرو (۴) را که ازاسارت آلمان رهائی یافته وبافریقای شمالی وارد شده بود بفرماندهی ارتش فرانسه متمرکز در افریقای شمالی تعیین نمود .

Le Comité national français – ۱
La France combattante – ۲
acte constitutionnel no 4 (quarter) – ۳
général Giraud – ۴

پس از قتل دریا سالار دارلان در ماه دسامبر ۱۹٤۲ ، شورای امپراطوری ژنرال ژیرو را بجای نامبرده انتخاب نمود و اما ژنرال نامبرده حکومت مارشال پتن را غیرقانونی دانسته از ایجاد مراوده باحکومت ویشی امتناع میکرد . دراوائل ماه ژوئن ۱۹٤۳ موافقتنامه‌ای در شهر کازابلانکا (۱) بین ژنرال دوگل و ژنرال ژیرو بامضا رسید که بموجب آن در شهرالجزیره کمیته‌ای بنام کمیته نجات ملی فرانسه (۲) تشکیل یافت که ریاست آن متناوباً بایکی از دوژنرال نامبرده بود. کمیته مزبور وظیفه‌داشت کلیه لوایح قانونی راموردشور قرارداده آنرا تصویب یا ردنماید ولی ژنرالهای مزبور مجاز بودند از اجرای تصمیمات کمیته نجات ملی خودداری کنند . علاوه برلوایح قانونی کلیه فرامین دوگل وژیرو که مربوط به سیاست عمومی فرانسه آزاد بود میبایست در کمیته نجات ملی رسیدگی شود . ائتلاف دوگل وژیروزیاد دوام نداشته و بزودی ریاست دولت فرانسه آزاد به شخص دوگل انتقال یافت . درخلال ۱۹٤۳ دولت اتحاد جماهیرشوروی وانگلستان و دولت کشورهای متحده امریکا و متفقین دیگر کمیته نجات ملی فرانسه راعملاً (۳) شناخته ووسائل وموجبات تقویت وموفقیت کمیته مزبور را چه از لحاظ نظامی وچه از حیث امورمالی فراهم ساختند .

واماچون درزمان جنگ انتخابات خالی ازاشکال نبودو ازطرفی هم لازم بود که کمیته نجات ملی بانمایندگان ملت تماس گرفته از نظریات وتمایلات و درخواستهای آنها اطلاع حاصل کنندلذا بموجب امریه مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹٤۳ یك مجلس مشورتی موقت (٤) مرکب ازدستجات ذیل تأسیس گردید :

۱ ـ عده‌ای از نمایندگان مجلس مبعوثان و مجلس سنای سابق بانتخاب مجالس مزبور .

۲ ـ نمایندگان کمیته‌های مقاومت ملی (٥) .

۳ ـ نمایندگان شوراهای ولایتی (٦) .

٤ ـ منتخبین مستعمرات فرانسه .

بموجب امریه مورخ ۲۲ ژوئن ۱۹٤٤ خود مجلس مشورتی موقت ٤٨ نفراز

۱- Casablanca

۲- Comité français de libération nationale

۳- de facto

٤- Assemblée consultative provisoire

٥- Comités de résistance nationale

٦- Conseils généraux

بین اسرای جنگی فرانسه و اشخاصیکه از طرف مقامات آلمانی تبعید شده بودند بعضویت مجلس مزبور انتخاب میکرد .

درسوم ژوئن ۱۹۴۴ بجای کمیته نجات ملی فرانسه یك حکومت موقت (۱) درشهر الجزیره تشکیل یافت که پس از تخلیه پاریس از سپاهیان آلمان دراواخر ماه اوت ۱۹۴۴ به شهرمزبور نقل مکان کرد . ریاست حکومت موقت فرانسه با ژنرال دوگل بود که درعین زمان ریاست کشور را نیز بعهده داشت . نامبرده وظائف ریاست کشوررا بوسیله اعضای حکومت موقت انجام میداد که از طرف او انتخاب میشدند و در مقابل وی مسئول بودند . وظائف و اختیارات حکومت موقت فرانسه بواسطه فقدان پارلمان محدود نبود منتهی حکومت مزبورخودرا ملزم میدانست که درمسائل مالیاتی وامورمربوطه به سازمان قوای عالیه کشوروآزادی شخصی ومسائل مهم دیگر نظرمجلس مشورتی رابخواهد وچنانچه مجلس مزبور درظرف مدت معینی ازاظهار نظر امتناع میکرد دراینصورت حکومت مجاز بود فرمانی را که برای اظهار نظر به مجلس مشورتی ارسال داشته بود ابلاغ و اجرا کند . علاوه براظهارنظر در مسائلی که دولت به مجلس مشورتی ارجاع میکرد مجلس مزبور حق داشت باا کثریت دو ثلث آراء اموری را که از نظرمنافع ومصالح ملی حائزاهمیت خاصی بود مورد بحث قرارداده از حکومت توضیحاتی بخواهد ولی اگروزراء بعلل وجهاتی ازدادن جواب خود داری میکردند یا توضیحات آنها مورد قبول مجلس مشورتی واقع نمیشد در اینصورت مجلس نمیتوانست نسبت بوزراء ابرازعدم اعتماد نموده آنهارا وادار باستعفا کند . با اینکه مجلس موقت جنبه مشورتی داشته و مصوبات آن لازم الاجرا نبود معذلك نمایندگان مجلس مزبور آزادی نطق و رأی داشته و از هرگونه تعرض مصون بودند .

بموجب امریه ژنرال دوگل مورخ ۱۸ نوامبر ۱۹۴۴ وامریه‌های تکمیلی وی یك دادگاه عالی بریاست رئیس کل دیوان کشور وعضویت رئیس شعبه جنائی دیوان مزبور ورئیس کل محاکم استیناف پاریس وسی‌وچهار نفرمستشار تشکیل یافت .

محاکمات با حضورهیئت منصفه بعمل میآید . هیئت مزبور دارای صدنفرعضو بود که پنجاه نفرآنرا مجلس مشورتی موقت انتخاب میکرد و پنجاه نفردیگر از بین

۱ – Gouvernement provisoire de la République frnçaise

نمایندگـان مجلس مبعوثان و مجلس سنای سابق تعیین میشد . دیوان عالی وظیفه داشت رئیس کشور - رئیس دولت - وزراء - معاونین وزارتخانه‌ها - فرمانداران و مأمورین فوق‌العاده فرانسه در مستعمرات و ممالك تحت‌الحمایه - فرمانداران ولایات اروپائی فرانسه و سه ولایت الجزایر و سایر مأمورین عالیرتبه را که از تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۹۴۰ (تاریخ تشکیل کابینه مـارشال پتن) ببعد مرتکب جرائم سیاسی شده بودند محاکمه کنند . احکام محکمه مزبور غیرقابل استیناف و تمیز بود .

فصل سوم

رفراندوم - تشکیل مجلس مؤسسان

قانون ۲ نوامبر ۱۹۴۵

هرچند ژنرال دوگل درصدد بود حکومت را به نمایندگان ملت فرانسه واگذار نموده واختیارات دولت را منحصر به اجرای مصوبات پارلمان بکند ولی انجام فوری این منظور غیرمقدور یا لااقل فوق‌العاده مشکل بود چه جنگ هنوز خاتمه پیدا نکرده بود وقبل‌از تخلیه خاك فرانسه ازسپاهیان دشمن و عودت اسرای جنگی و تبعیدشدگان انتخابات محال بنظر میرسید. راجع به سازمان سیاسی آینده فرانسه دو نظرمخالف ومتضاد در بین بود بدین‌معنی که عده‌ای ازرجال مؤثر ومتنفذ فرانسه براین عقیده بودند که چون قوانین اساسی ۱۸۷۵ بقوت و اعتبار خود باقی است اقتضا دارد که برطبق مقررات قوانین مزبور و قوانین انتخابات دورهٔ قبل از جنگ انتخابات مجلسین بعمل آید و مجالس جدیدالانتخاب مجلس ملی یا کنگره تشکیل داده قوانین اساسی مزبور را مورد تجدید نظر قراردهند ولی عدهٔ دیگر از رجال سیاسی چنین اظهارعقیده میکردند که هرچند قوانین اساسی ۱۸۷۵ رسماً لغو نشده ولی بر اثر حوادث زمان جنگ و تحولات سیاسی پنجساله قوانین مزبور عملا منسوخ گردیده است بنابراین لازم است که برای تنظیم قانون اساسی جدید دولت دستور انتخابات مجلس مؤسسان را صادر کند. این‌موضوع درمجلس مشورتی‌موقت موردبحث واقع گردیده واکثرنمایندگان ازدونظریه مذکوردرفوق نظریه اولی‌راصحیح دانسته درخواست‌میکردند که‌انتخابات مجلس‌مبعوثان ومجلس سنا تجدید شده و مجالس جدیدالانتخاب طبق مقررات قوانین اساسی ۱۸۷۵ مجلس ملی تشکیل دهند و قوانین اساسی مزبور را مورد تجدیدنظر قرار داده و منطبق با تحولات وتغییرات حاصله ازجنگ بکنند.

و اما این نظر اکثریت نمایندگان مجلس مشورتی موقت مورد قبول ژنرال

دوگل واقع نگردید و نامبرده امریهٔ بتاریخ ۱۷ اوت ۱۹۴۵ صادر واز مردم دعوت کرد که اعضای مجلس مؤسسان را مطابق قانون انتخابات اصلاح شده تعیین کنند .

اهم مواد امریه ۱۷ اوت ۱۹۴۵ مربوط به انتخابات مجلس مؤسسان بشرح زیر بود :

۱- به زنان حق داده شد که نماینده انتخاب کنند و بنمایندگی انتخاب شوند درصورتیکه مطابق قانون انتخابات سابق زنان از حق رأی دادن و انتخاب شدن محروم بودند .

۲- به نظامیان اجازه داده شد رأی بدهند و به عضویت مجلس تعیین شوند در حالیکه بموجب قانون انتخابات ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ و مواد اصلاحی آن سربازان وافسران فقط درایام مرخصی میتوانستند از حق رأی استفاده کنند واز انتخاب شدن بطور مطلق محروم بودند .

۳- به تمام مستعمرات فرانسه اجازه داد شد که درانتخابات مجلس مؤسسان شرکت نمایند درصورتیکه برطبق مقرراتی که قبل از ۱۹۴۰ درفرانسه مجری بود فقط ٤ مستعمره (لامارتنیك - گوآدلوپ - لاری‌اونیون و هندوچین) حق داشتند در پارلمان فرانسه نماینده داشته باشند .

٤- بجای انتخابات فردی باکثریت آراء انتخابات جمعی و تناسبی (۱) برقرار گردید .

۵- عده‌ای ازرأی‌دهندگان منجمله نمایندگانی که درجلسه مورخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۴۰ مجلس ملی اختیارات نامحدود به مارشال پتن داده بودند از حق رأی دادن وانتخاب شدن محروم گردیدند .

انتخابات در ۲۱ اکتبره ۱۹۴۵ بعمل آمد. از ۵۲۲ نماینده ولایات اروپائی فرانسه در مجلس جدید ، ۱۲۸ نفر درمجالس سابق عضویت داشتند واز لحاظ عقاید سیاسی ۱۴۸ نفر کمونیست ، ۱۴۱ نفر از حزب نهضت جمهوری مردم(۲) ، ۱۳٤ نفر سوسیالیست، ۵۲ نفر منسوب به احزاب دست راست و بقیه از احزاب دیگر منجمله حزب رادیکال سوسیالیست(۳)

۱- représentation proportionnelle

۲- Mouvement républicain populaire

۳- radicaux - socialistes

وسوسیالیست مستقل (۱) بودند . ازمجموع نمایندگان مجلس ۴۹۲ نفر مرد و بقیه ۳۰نفرزن بودند . این نکته را نیزلزوماً متذکرمیگردد که قسمت اعظم نمایندگان مجالس سابق را شاغلین مشاغل آزاد علی‌الخصوص و کلای دادگستری تشکیل میدادند درصورتیکه درمجلس جدید بیشترزارعین ـ کارگران ـ مأمورین دولت ـ مستخدمین مؤسسات صنعتی وتجارتی عضویت داشتند .

در ۲۱ اکتبر ۱۹۴۵ نه‌تنها اعضای مجلس جدیدانتخاب شدندبلکه رفراندوم (۲) نیز بعمل آمد بدین‌معنی که برطبق امریه ۱۷ اوت ۱۹۴۵ ازاشخاصیکه واجد شرایط انتخاب کردن بودند درخواست میشد که به دوسؤال ذیل جواب بدهند :

سؤال اول ـ آیا شمامایلید مجلسی که امروز انتخاب میشود مجلس مؤسسان شناخته شود ؟

چنانچه اکثریت رأی‌دهندگان به این سؤال جواب مثبت میدادند دراین‌مورد قوانین اساسی ۱۸۷۵منسوخ گردیده ومجلس جدیدالانتخاب مجلس‌مؤسسان شناخته میشدومأموریت پیدامیکرد که قانون‌اساسی جدیدی‌تنظیم‌وتصویب کندودرصورتیکه رأی‌دهندگان به سؤال بالاجواب منفی‌میدادند مجلس‌جدیدالانتخاب مجلس‌مبعوثان منظوره در قوانین اساسی ۱۸۷۵ تلقی شده و قوانین مزبور بقوت و اعتبار خود باقی میماند .

سؤال دوم ـ آیا شماموافقت میکنید که دولت کنونی تااجرای قانون اساسی جدید سرکار بماند ؟

نتیجه تقریبی رفراندوم ۲۱ اکتبر ۱۹۴۵ بشرح زیر بود :

از ۲۶ میلیون نفر که حق‌رأی داشتند قریب ۲۰ میلیون دررفراندوم شرکت نمودند و ۱۸ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر (احزاب نهضت جمهوری مردم و سوسیالیست و کمونیست و سایر احزاب تندرو) جواب مثبت و بقیه ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر (احزاب دست‌راست و میانه‌رو) پاسخ منفی‌دادند . به سؤال‌دوم ۱۲ میلیون و نیم نفر رأی مثبت و۷میلیون و نیم پاسخ منفی‌دادند که درنتیجه قوانین اساسی ۱۸۷۵منسوخ شناخته شده ومجلس جدید بعنوان مجلس مؤسسان مأمور تهیه قانون اساسی جدید فرانسه گردید ودولت ژنرال‌دوگل مأموریت پیدا کرد که تا تصویب واجرای قانون

۱– socialistes indépendants
۲– referendum

اساسی جدید کماکان وظائف خودرا انجام دهد .

مجلس مؤسسان فرانسه که بتاریخ ۲۱ اکتبرانتخاب شده بود قانونی در تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۴۵ تصویب نمود که بموجب آن مقرر گردید قانون اساسی جدید فرانسه که ازطرف مجلس مزبور تنظیم خواهدگردید درظرف یکماه از تاریخ تصویب مجلس به رفراندوم ارجاع و پس از تایید ملت فرانسه بموقع اجرا گذارده شود . رفراندوم بایستی درمدت هفت ماه بعمل آید و پس‌از تصویب قانون اساسی موردنظر وظائف مجلس مؤسسان خاتمه پیدامیکرد و چنانچه مجلس مؤسسان درظرف مدت هفت ماه نمیتوانست قانون اساسی جدید را تهیه و به تصویب ملت برساند یا قانون اساسی تنظیم شده موردموافقت ملت فرانسه واقع نمیگردید درهریك از این دومورد مجلس مؤسسان جدیدی تشکیل و به تدوین قانون اساسی مبادرت میکرد و چنانچه مجلس مؤسسان جدیدهم نمیتوانست درخلال مدت مزبور قانون اساسی فرانسه را تهیه و به تصویب برساند دراین مورد یکبار دیگر برای تدوین قانون اساسی جدید مجلس مؤسسان انتخاب میشد وقرار بود تجدید انتخابات و تشکیل مجلس مؤسسان جدید تکرار شود تا ملت فرانسه دارای قانون اساسی جدید باشد .

واماچون تهیه وتصویب قانون اساسی جدیدمستلزم وقت زیادبود وازطرفی هم اداره امورمطابق امریه‌هائیکه ژنرال دوگل درزمان جنگ صادر کرده بود مناسب بنظر نمیرسید قانون دوم نوامبر ۱۹۴۵ علاوه برتعیین طریقهٔ تنظیم و تصویب قانون اساسی جدید سازمان موقت حکومت فرانسه را تا تصویب و اجرای قانون اساسی معین میکرد . مطابق مقررات مزبور که قانون اساسی موقت بشمار میرفت مجلس ملی (مؤسسان) حق وضع قوانین عادی تصویب لایحه بودجه و سایر لوایح مربوط به درآمد و هزینه دولت را داشت . ریاست قوه مجریه موظف بود درظرف یکماه ازتاریخ تصویب ، قوانین مصوب مجلس ملی را ابلاغ و بموقع اجرا بگذارد مگر اینکه قبل از انقضای مدت مزبور دولت آن قانون را به مجلس ملی فرستاده و تقاضا کند که همان قانون یکباردیگر مورد شور قرار گیرد و اگر مجلس ملی یکبار دیگر آن قانون را با کثریت مطلق آراء مجموع نمایندگان تصویب میکرد دراینصورت دولت مکلف بود آن قانون را ابلاغ و اجرا کند . دولت حق داشت لوایح قانونی تهیه و برای شور وتصویب به مجلس ملی پیشنهاد کند . حق پیشنهاد قانون اختصاص

بدولت نداشته بلکه نمایندگان نیز محق بودند طرحهای قانونی به مجلس ملی تقدیم کنند. مجلس ملی رئیس مملکت(۱) را که درعین زمان ریاست هیئت دولت (۲) را بعهده داشت تعیین میکرد. رئیس دولت اعضای کابینه خودرا انتخاب و برنامه دولت را تنظیم و به تصویب مجلس ملی میرسانید. رئیس دولت ووزراء دربرابر مجلس ملی مسئولیت سیاسی داشتند بدین معنی که مجلس میتوانست با ابراز عدم اعتماد آنها را وادار باستعفاء کند واما بمنظور جلوگیری از ایجاد بحرانهای بی مورد و بی جا قانون دوم نوامبر ۱۹۴۵ عدم اعتماد را مستلزم رأی علنی وموافقت نصف مجموع نمایندگان میدانست درصورتیکه برای تصویب لوایح وطرحهای قانونی و اموردیگر موافقت اکثریت نمایندگان حاضردرمجلس و رأی دهنده کافی بود. دولت مجاز نبود مجلس ملی را منحل یا جلسات آنرا تعطیل کند.

واما پس از تصویب قانون اساسی موقت مجلس ملی کمیسیون مخصوصی برای تهیه طرح قانون اساسی فرانسه تشکیل داد ودراین کمیسیون فراکسیونهای پارلمانی به نسبت عده نمایندگان خود درمجلس عضو داشتند. کمیسیون پس از مذاکرات طولانی طرحی تهیه و درماه مارس ۱۹۴۶ به مجلس ملی تقدیم نمود. در کمیسیون و بعد هم درجلسات مجلس موضوع تشکیل پارلمان از یك (۳) یا دو مجلس (٤) حدود اختیارات و وظائف قوه قانونگذاری طریقه انتخاب رئیس جمهور و حدود اختیارات وی حق مالکیت و حدود اعمال آن و مسائل اساسی دیگر ازقبیل انعقاد تعطیل و انحلال پارلمان و نحوه تشخیص مطابقت قوانین مصوب پارلمان با قانون اساسی مورد بحث واقع گردید واحزاب جناح چپ مخصوصاً اشتراکیون ازمحدود نمودن حق تملك اموال غیرمنقول و ترتیب یك مجلس بااختیارات وسیع طرفداری مینمودند درصورتیکه احزاب جناح راست واعتدالیون هواخواه اصول سرمایه داری ومالکیت شخصی واصل تفکیك قوی بودند. پس ازمذاکرات طولانی وپرحرارت طرح قانون اساسی جمهوری چهارم درجلسه مورخ ۱۹ آوریل ۱۹٤٥ با کثریت ۳۰۹ رأی موافق دربرابر ۲٤۹ مخالف به تصویب رسیده وقرارشد طبق مدلول قانون ۲ نوامبر ۱۹٤٥ به آراء عمومی ارجاع شود.

۱- Chef de l' Etat

۲- Chef du Gouvernement

۳- monocaméralisme

٤- bicaméralisme

طرح قانون اساسی ۱۹ آوریل ۱۹٤۵ دارای ۱۳٤ ماده بود که ۳۹ ماده آن اختصاص به اصول آزادی و برابری داشت که دراعلامیهٔ حقوق بشرمورخ ۲٦ اوت ۱۷۸۹ ثبت شده بود واما ازلحاظ اینکه اعمال این حقوق لطمهٔ بمنافع جامعه وارد نکند طرح موردبحث بهمجلس ملیاجازه میداد درموارد استثنائی با کثریت دوثلث آراء پارهای ازحقوق بشر پیش‌بینی شده درطرح مزبوررامعلق کند . طرح مزبور علاوه بر حقوق و آزادیهائیکه اعلامیه حقوق بشرمورخ ۱۷۸۹ برای افراد قائل شده بود حقوق وامتیازاتی را که جنبه اجتماعی واقتصادی داشته وبرای دوره کنونی ضروری تشخیص داده میشد قبول واعلام میکرد و همچنین درطرح مذکوردرفوق علاوه برحقوق واختیارات وظائفی نیز برای افراد مردم منظور گردیده بود .

مقررات طرح ۱۹ آوریل ۱۹٤٦ راجع به سازمان قوای عالیه کشور بشرح زیر بود :

۱- قوه قانونگذاری متعلق به یك مجلس موسوم به مجلس ملی (۱) بود که نمایندگان آن قرار بود برای مدت ۵سال انتخاب شوند .

به تمام افراد اعم ازذکورواناث درسن ۲۰سالگی حق رأیداده میشد وبرای انتخاب شدن داشتن ۲۳ سال کافی بود .

طرح مورد بحث مجلس دیگری نیز بنام شورای اتحاد فرانسه (۲) منظور داشته‌بود که‌قراربود انجمنهای ولایتی‌فرانسه اصلی(۳) وسه ولایت الجزایرومجالس مستعمراتی برای مدت ٤ سال انتخاب کنند ولی شورای مزبور جنبه مشورتی داشته فقط میتوانست ازمجلس‌ملی که تنهامرجع ومظهراراده ملی‌بود تقاضا کند که لوایح وطرحهای مصوب را یکباردیگرمورد بررسی قراردهد و چنانچه مجلس ملی نظر قبلی خود را تأیید مینمود دراینصورت لایحه یا طرح مصوب جهت ابلاغ و اجرا برای ریاست جمهورفرستاده میشد. بعلاوه برخلاف آنچه که درقانون‌اساسی کنونی فرانسه‌مقرر گردیده‌است طرح ۱۹آوریل ۱۹٤٦ انتخاب رئیس جمهوررا ازوظائف مجلس ملی‌دانسته وشورای اتحاد فرانسه را دراین امردخالت نمیداد . هرچند طرح مزبوربرای اعضای شورای اتحاد فرانسه مصونیت پارلمانی قائل شده بود ولی سلب

۱- Assemblée Nationale

۲- Conseil de l'Union française

۳- France métropolitaine

مصونیت از نمایندگان شورای نامبرده از وظائف مجلس ملی بود درصورتیکه طبق قانون اساسی ۲۷ اکتبر۱۹٤٦ نمایندگان مجلس ملی و مجلس شورای جمهوری (۱) دارای مصونیت از تعرض بوده وهریك ازمجالس محق است از نمایندگان خود سلب مصونیت کند بدون اینکه مجلس دیگر کوچکترین دخالتی دراین امرداشته باشد. شورای اتحاد فرانسه مجاز نبود صورت جلسات خود را در مجله رسمی (۲) دولت فرانسه منتشر نماید بلکه مجبور بود درنشریه مخصوص چاپ کند.

طرح مورخ۱۹ آوریل۱۹٤٦ وظائف ریاست‌قوه مجریه‌رابرئیس‌جمهور تفویض کرده‌بود که قرار بودبرأی علنی برای‌مدت هفت‌سال انتخاب شود. برای‌انتخاب‌شدن در نوبت اول و دوم و سوم اکثریت دوثلث آراء و در نوبتهای بعدی سه پنجم آراء مأخوذه ضروری‌بود. طرح مذکوردرفوق وظائف ریاست جمهوری را فوق‌العاده محدود کرده بود بدین‌معنی که حق انتخاب نخست وزیر را به مجلس ملی تفویض نموده ورئیس جمهوری را موظف میکردفرمان انتصاب اوراصادر کند که‌بالنتیجه رئیس دولت ووزراء ممکن‌بود خودرا عمال مجلس ملی دانسته وازهمکاری صمیمانه با رئیس جمهور خودداری کنند. رئیس جمهور نمیتوانست مجلس ملی را منحل یا تعطیل کند مگر با جلب موافقت خود مجلس و نیز رئیس جمهوری از اعمال حق وتو ممنوع بوده وحتی مجاز نبود از مجلس تقاضا کند که لایحه یا طرح مصوب را یکبار دیگرمورد رسیدگی‌قراردهدبلکه وظیفه‌داشت‌بدون‌چون‌وچرا قوانین‌مصوب مجلس‌ملی‌را توشیح وابلاغ کند. طبق‌طرح مورخ ۱۹ آوریل۱۹٤٦ رئیس‌جمهور فقط برای خیانت به مملکت قابل تعقیب بوده مجلس ملی قرار تعقیب او را صادر ودیوان‌عالی‌دادگستری‌اورامحاکمه‌میکرد. انتصاب قضات ازطرف رئیس‌جمهوری مستلزم موافقت شورای عالی قضائی (۳) بود وچون انتخاب اعضای شورای مزبور با مجلس ملی بود ازاین‌رو شورای عالی قضائی نیزمانند رئیس دولت ووزراء عمال قوه قانونگذاری بشمارمیرفتند وهمچنین‌طرح موردبحث حق عفوخصوصی‌وتخفیف مجازات را که معمولا از وظائف ریاست قوه مجریه میباشد به شورای عالی قضائی تفویض کرده بود.

۱– Conseil de la République
۲– Journal officiel
۳– Conseil Supérieur de la Magistrature

طرح مورخ ۱۹ آوریل ۱۹٤٦ هیئتی بنام شورای اقتصادی (۱) مرکب از نمایندگان اتحادیه های کارگران و کشاورزان و مستخدمین مؤسسات صنعتی وبازرگانی وتجارواربابِ صنایع ومأمورین‌دولت وشاغلین‌مشاغل‌آزادوروشنفکران وشرکتهای تعاونی و غیره ایجاد و شورای مزبور را موظف میکرد که کلیه لوایح وطرحهای اقتصادی را موردمطالعه قرارداده نظرمشورتی خودرا باستحضارمجلس ملی برساند و همچنین طرح مذکور درفوق برای محاکمه رئیس جمهور و وزراء دادگاهی بنام دیوان عالی دادگستری درنظر گرفته و طرز تشکیل و سایر مسائل مربوط بدادگاه مزبور را موکول به تصویب قانون عادی مخصوصی نموده بود. طرح ۱۹ آوریل ۱۹٤٦ قانون اساسی را مافوق قوانین متعارفی تلقی نموده و حق تشخیص مطابقت قوانین مزبوررابامواد‌قانون اساسی‌ازوظائف مجلس ملی‌میدانست ومحاکم وسایرمقامات دولتی را از اعمال این حق یعنی تشخیص عدم مباینت قوانین عادی با قانون اساسی ممنوع میساخت.

تجدیدنظر درقانون اساسی قرار بود بوسیله مجلس ملی بعمل آید ولی تصمیمات مجلس مستلزم ارجاع به رفراندوم وموافقت اکثریت رأی‌دهندگان بود.

طبق‌قانونیکه بتاریخ ۲ نوامبر ۱۹٤٥ به تصویب مجلس‌ملی رسیده بود قانون اساسی مصوب مجلس مزبور میبایست به‌آراء عمومی ارجاع و درصورت تصویب اکثریت رأی‌دهندگان بموقع اجرا گذارده شود. با توجه به مدلول قانون مزبور طرح مصوب مجلس‌ملی درپنجم ماه مه ۱۹٤٦ بەرفراندوم ارجاع گردید. رفراندوم یك تشتت شدید وفعالیت کم‌نظیری درمحافل سیاسی فرانسه ایجاد نمود بشرح اینکه احزاب جناح چپ طرح مزبور را موافق منافع توده مردم تشخیص داده و مدعی بودندکه طرح مورد بحث رژیم دمکراسی واصل حکومت مردم برمردم را تضمین میکند درصورتیکه احزاب جناح راست و میانه‌رو بدلیل اینکه طرح مورخ ۱۹ آوریل ۱۹٤٦ به مجلس ملی اختیارات نامحدودداده وبرای رئیس جمهور که طبق اصل تفکیك قوی درامورمربوطه به قوه مجریه بایستی‌آزادی عمل داشته‌باشدبیشتر وظائف تشریفاتی قائل شده است وبا ایجاد شورای عالی قضائی که انتخاب اعضای آن به مجلس‌ملی واگذارشده‌بود قوه قضائیه‌رانیزتحت‌نظارت قوه مقننه قرارمیدهد

۱- Conseil économique

طرح مورد بحث را مضر بحال ملت فرانسه دانسته چه درمجلس ملی و چه هنگام رفراندوم با آن طرح مخالفت میکردند. دلیل دیگری که مخالفین طرح قانون اساسی بیان مینمودند این بود که طرح مزبور حق مالکیت شخصی را متزلزل ساخته و بمجلس ملی اجازه میدهد که حدود اعمال آنرا معین کند.

نتیجه رفراندوم پنجم ماه مه بشرح زیر بود:

عدهٔ اشخاصیکه حق رأی‌داشتند . . . . ۲۵،۸۲۹،۴۲۵ نفر

شماره افرادی که ازدادن رأی امتناع کرده بودند . . ۵،۲۶۲،۰۴۷ »

عدهٔ افرادیکه در رفراندوم شرکت کرده بودند . . ۲۰،۵۶۷،۳۷۸ »

تعداد آراء باطل . . . . ۵۶۴،۹۸۵

آراء مخالف . . . . ۱۰،۵۸۴،۳۵۹

آراء موافق . . . . ۹،۴۵۴،۰۳۴

چون ملت فرانسه با اکثریت آراء طرح مورخ ۱۹ آوریل ۱۹۴۶ را مورد قبول قرار نداده بود ازاین‌رو طبق ماده ۷ قانون ۲ نوامبر ۱۹۴۵ مجلس مؤسسان دیگری‌انتخاب گردید که‌طرح جدیدی تهیه و به‌تصویب ملت‌فرانسه‌برساند. انتخابات مجلس مؤسسان جدید در ۲ ژوئن ۱۹۴۶ انجام یافت. ازلحاظ تعداد نمایندگان احزاب سیاسی، مجلس مؤسسان جدیدالانتخاب فرق زیاد با مجلس مؤسسان سابق نداشت بشرح اینکه درمجلس جدید کمونیستها ۱۴۶ نفر نماینده داشتند درصورتیکه درمجلس‌سابق‌تعداد‌نمایندگان‌حزب کمونیست‌بالغ بر۱۴۸ نفر بود. حزب سوسیالیست ودستجات متمایل به این حزب درمجلس جدید ۱۱۵ ودرمجلس سابق ۱۳۴ نفر نماینده داشتند. حزب نهضت جمهوریخواهان ملی واحزاب مشابه درمجلس جدیدالانتخاب ۱۶۰ و درمجلس سابق ۱۴۱ کرسی اشغال کرده بودند. حزب رادیکال سوسیالیست وسوسیالیستهای مستقل واتحاد دمکرات و دستجات مشابه درمجلس مؤسسان جدید ۳۵ ودرمجلس سابق ۳۹ نفر وکیل داشتند. عدهٔ نمایندگان احزاب جناح راست درمجلس جدید ۶۲ ودرمجلس سابق ۵۲ نفر بود.

پس‌از افتتاح مجلس مؤسسان جدید و رسیدگی باعتبارنامه‌های نمایندگان

و انتخاب هیئت رئیسه‌دائمی کمیسیون‌مخصوصی جهت‌تنظیم طرح جدیدقانون‌اساسی انتخاب گردید و این کمیسیون طرح مورد نظررا تهیه و بمجلس مؤسسان تقدیم کرد ومجلس درتاریخ ۲۰ اوت ۱۹٤٦ شروع به بحث درطرح پیشنهادی کمیسیون نمود . چند موضوع ازجمله حدود اختیارات مجلس شورای جمهوری و طرز انتخاب نمایندگان آن مجلس ـ طریقهٔ انتخاب ووظائف رئیس جمهور ـ موضوع اتحادیه فرانسه ـ طریقهٔ تجدیدنظر درقانون اساسی و پارهٔ مسائل اساسی دیگر مورد بحث واقع گردیده سپس مقدمه و۱۰٦ ماده طرح مزبور با ٤٤۰ رأی موافق (کمونیستها ـ سوسیالیستهاو نهضت جمهوریخواهان ملی) درمقابل۱۰٦ رأی مخالف (احزاب جناح راست ومیانه‌رو) به تصویب رسید . طرح جدید قانون اساسی در ۱۳ اکتبر به‌آراء عمومی ارجاع و بشرح زیر تأیید گردید :

عده اشخاصیکه حق رأی داشتند . . . . ۲٦،۳۱۱،٦٤۳ نفر

شماره‌افرادیکه ازدادن‌رأی امتناع کردند . . . . . . ۸،۵۱۹،٦۳۵ »

عده افرادیکه در رفراندوم شرکت داشتند . . . . . . ۱۷،۷۹۲،۰۰۸»

آراء باطل . . . . ۳۲۹،۰۷۹

آراء موافق . . . . ۹،۲۹۷،٤۷۰

آراء مخالف . . . . ۸،۱٦۵،٤۵۹

با توجه به نتیجه‌رفراندوم رئیس حکومت موقت فرانسه در۲۷ اکتبر ۱۹٤٦ قانون اساسی‌جدید را ابلاغ‌نمود . مجلس مؤسسان درتاریخ ۵ اکتبرقانون‌انتخابات مجلس‌ملی ودر۲۷ اکتبرقانون انتخابات شورای جمهوری (سنا) وقانون تشکیل و وظائف شورای اقتصادی وقانون انتخابات مجمع اتحادیه فرانسه وقانون تأسیس و وظائف دیوان عالی دادگستری را تصویب نمود .

پس‌از ابلاغ قانون اساسی جمهوری چهارم مجلس مؤسسان جلسات خودرا تعطیل نموده و به هیئت رئیسه خویش مأموریت داد که مجلس مزبور را درصورت لزوم‌تاانعقاد مجالس مقننه جدید(مجلس ملی وشورای جمهوری) بنابتقاضای دولت یابصلاحدید خود منعقد نماید .

در ۲۸ نوامبر ۱۹٤٦ مجلس ملی ودر ۲٤ دسامبر همان سال شورای جمهوری افتتاح یافت . در ۱٦ ژانویه ۱۹٤۷ ونسن اوریول (۱) یکی از پیشوایان حزب سوسیالیست با کثریت مطلق آراء (۵۲٤ رأی موافق در قبال ۳۳۳ رأی مخالف و ممتنع) بریاست جمهوری انتخاب شد سپس حکومت موقت استعفای خود را تقدیم رئیس جمهور نمود ومشارالیه را مادیه (۲) را بریاست دولت جدید انتخاب و نامبرده پس از معرفی بمجلس ملی واخذ رأی اعتماد کابینه خودرا تشکیل داد .

۱- Vincent Auriol ۲- Ramadier

*

فصل چهارم

فرق قانون اساسی کنونی باقوانین اساسی ۱۸۷۵

مقدمه قانون اساسی ۱۹۴۶

قانون اساسی ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ چند تفاوت و اختلاف مهم با قوانین اساسی ۱۸۷۵ دارد. تفاوت اول اینکه قانون اساسی ۱۹۴۶ جنبه اجتماعی داشته با حفظ رژیم سرمایه‌داری به قوه مقننه اجازه میدهد حق مالکیت را تا آنجا که منافع و مصالح جامعه ایجاب میکند محدود نماید درصورتیکه قوانین اساسی ۱۸۷۵ که روی اصل آزادی اقتصادی و رقابت قرار گرفته بود رژیم سرمایه‌داری و مالکیت شخصی را یکی از اصول محرز و مسلم زندگی اجتماعی میدانست. نظر باصل مندرج بالا دولت فرانسه بانك فرانسه (۱) که امتیاز نشر اسکناس را دارا بود و چهار مؤسسه بانکی دیگر (۲) و معادن ذغال سنك شمال و پادوکاله (۳) و کارخانه‌های برق و گاز و وسائط نقلیه و پارهٔ مؤسسات مهم دیگر را ملی نمود. بعلاوه قانون اساسی ۱۹۴۶ دولت را موظف میکند عناصر ضعیف جامعه را مانند اطفال و زنان باردار و علیلان و مریضان و زحمتکشان بیکار تحت حمایت و مراقبت خود قرار دهد درصورتیکه قوانین اساسی ۱۸۷۵ فاقد چنین مقرراتی بود.

تفاوت دوم آنست که بموجب قوانین اساسی ۱۸۷۵ قوه قانونگذاری بدو مجلس (مبعوثان و سنا) واگذار شده بود و این دو مجلس از لحاظ اختیارات مساوی بودند و اصولا یکی از مجلسین بدون موافقت مجلس دیگر نمیتوانست وضع قوانین کند و سایر امور محوله را انجام دهد و حال آنکه بموجب قانون اساسی ۱۹۴۶ حق وضع

---

۱ – Banque de France

۲ – Crédit Lyonnais, Société Générale, Comptoir d'Escompte, Banque Nationale du Commerce et de l'Industrie.

۳ – Huileries du Nord et du Pas-de-Calais

قوانین و تصویب بودجه و نظارت درعملیات دولت بامجلس ملی بوده و مجلس شورای جمهوری مانند مجلس لردهای انگلستان نظر مشورتی خود را راجع به لوایح وطرحهای قانونی اعم ازمالی وغیرمالی باستحضارمجلس ملی میرساند .

تفاوت سوم آنکه قانون اساسی ۱۹۴٦ وظائف رئیس جمهور را چه ازحیث دخالت درقوه قانونگذاری و چه ازلحاظ ریاست قوه مجریه ودخالت درقوه قضائیه نسبت بدورهٔ جمهوری سوم محدود ساخته است .

تفاوت دیگر قانون اساسی ۱۹۴٦ باقوانین اساسی۱۸۷۵ اینکه قانون اساسی ۱۹۴٦ هیئتی بنام شورای اقتصادی مرکب از نمایندگان طبقات مختلف تشکیل داده وشورای مزبوررامأمور کرده‌است که لوایح وطرحهای قانونی‌را که جنبه اقتصادی دارد مورد مطالعه قرار داده و نظر مشورتی خود را باستحضار مجلس ملی برساند. درقوانین اساسی ۱۸۷۵ چنین شورائی منظور نگردیده بود .

تفاوت دیگراینکه قانون اساسی ۱۹۴٦ برای محاکمه رئیس جمهور ووزراء دادگاه مخصوصی بنام دیوان عالی دادگستری ایجادنموده‌است درصورتیکه مطابق قوانین اساسی۱۸۷۵ محاکمه رئیس قوه مجریه واعضای دولت با مجلس سنا بود .

طبق قانون اساسی ۱۹۴٦ تصمیمات مجالس مقننه مبنی بر تغییر قانون اساسی مستلزم ارجاع به آراء عمومی‌است ولی‌چنانچه‌مجلس‌ملی‌مواد اصلاحی‌را با اکثریت دوثلث یا هریك از مجلسین با کثریت سه پنجم آراء تصویب کنند در هر یك ازاین دومورد تصمیم مجالس قطعی بوده ومحتاج به رفراندوم نیست واما برخلاف آنچه که درقانون اساسی ۱۹۴٦ مقرر گردیده‌است برطبق قوانین اساسی ۱۸۷۵ تجدیدنظر درقوانین مزبور درجلسه مشترك مجلس مبعوثان ومجلس سنا بعمل آمده وتصمیمات آن قطعی بود واحتیاج به رفراندوم نداشت .

علاوه بر آنچه که فوقاً بیان گردید قانون اساسی ۱۹۴٦ هیئتی‌بنام کمیته قانون اساسی ایجادو برئیس‌جمهوراجازه داده‌است که‌باجلب موافقت کمیته مزبوراز توشیح وابلاغ قوانین‌مصوب پارلمان امتناع کند درصورتیکه قوانین اساسی۱۸۷۵ به رئیس جمهور حق میداد که از ابلاغ قوانین مصوب خودداری‌نموده ازمجالس تقاضا کند

که آن قوانین را مجدداً مورد رسیدگی قراردهند وچنانچه مجالس قوانین مورد اعتراض ریاست جمهور را یکبار دیگر تصویب مینمودند دراین صورت وی ملزم بود آنرا توشیح و ابلاغ کند.

این بود بطور خیلی اختصار مشخصات قانون اساسی کنونی فرانسه و فرقی که قانون اساسی مزبور با قوانین اساسی ۱۸۷۵ دارد. خصوصیات قانون اساسی کنونی فرانسه و اختلافات بیشمار موجوده بین این قانون اساسی و قوانین اساسی دوره جمهوری سوم بعداً به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

قانون اساسی ۱۹۴۶ دارای یك مقدمه و ۱۰۶ ماده میباشد که به ۱۲ فصل تقسیم شده است. واضعین قانون اساسی مزبور در مقدمه آن حقوق و آزادیها را که اعلامیه حقوق بشر مورخ ۲۶ اوت ۱۷۸۹ برای افراد مردم قائل شده بود تصدیق و تأیید نموده ضمناً امتیازات و تضمینات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ذیل را که دردورهٔ کنونی کمال ضرورت را دارد قبول واعلام میدارند:

«هرفردی ازافراد بدون توجه به نژاد و مذهب و عقاید سیاسی دارای حقوق مقدس وغیرقابل انکارمیباشد.

ازهرجهت وهرحیث زن ومرد متساوی‌الحقوق میباشند.

اشخاصیکه بملاحظات سیاسی درممالك دیگر مورد تعقیب واقع میشوند میتوانند درخاك فرانسه پناهنده شوند.

هر کس میتواند بوسیله اتحادیه‌های صنفی از حقوق و منافع خود دفاع کند و هرفردی محق و مجاز است به تشخیص و صلاحدید خود دریکی از اتحادیه های صنفی قبول عضویت کند.

حق اعتصاب درحدود قوانین محفوظ است.

هریك از زحمتکشان حق دارد بوسیله نمایندگان خود در تعیین شرائط قراردادهای دسته جمعی (۱) شرکت داشته و برمؤسسات اقتصادی نظارت کند.

اموال ومؤسساتی که حائز اهمیت عمومی است یا جنبه انحصارواقعی را دارد

---

۱ - contrat collectif

باید به ملکیت جامعه در بیاید .

ملت وسائل بسط و نمو خانواده را تضمین میکند . دولت موظف است از اطفال و زنان باردار و زحمتکشان سالدار حمایت کرده وسائل بهداشت و موجبات فراغت خاطر و آسایش مادی واستراحت آنها را فراهم سازد .

اشخاصیکه بعلت کبر سن وحالت مزاجی یاروحی ویا وضع اقتصادی نامساعد قادر به کار کردن نمیباشند حق دارند از جامعه تقاضای اعانت نمایند .

ملت فرانسه مسئولیت مشترك و متساوی تمام فرانسویها را از لحاظ پرداخت مالیاتی که براثر مصیبت وفلاکت ملی وضع شده است تأیید و اعلام میکند .

ملت فرانسه برابری اطفال وافرادرشید را از حیث دسترسی بهفرهنك و تربیت حرفهای ضمانت مینماید. تدریس مجانی وغیر مذهبی در تمام مدارس وظیفه دولت میباشد.

ملت فرانسه نظر بهرویه همیشگی خود تعهدمیکند که سیاست خودرا منطبق با قواعد حقوق بین الملل کرده و بمنظور سلب آزادی واشغال خاك دولت دیگری اقدام به جنگ نکند .

بشرط معامله متقابله ملت فرانسه حاضر است حاکمیت و حکمرانی خود را تا آنجا که برای استقرار صلح بین المللی لازم وضروری باشد محدود نماید .

فرانسه بااقوام ماوراء دریاها اتحادیهای تشکیل میدهد که بدون در نظر گرفتن خصوصیات نژادی ومذهبی براساس برابری درحقوق ووظائف قرارمیگیرد .

اتحادیهفرانسهرا اقوامی تشکیل میدهند که بمنظور بسط تمدن خود و بالا بردن سطح زندگی خویش واستقرار امنیت همکاری وتشریك مساعی میکنند .

ملت فرانسه طبق رسوم دیرینه خویش درنظر دارد اقوامی را که ارشاد وراهنمائی آنها را بعهده گرفته است بسوی آزادی وخودمختاری هدایت کند . ملت فرانسه با احتراز از سیاست استعماری و حکومت خودسری حق اشتغال بمشاغل دولتی و استفاده از حقوق فردی و عمومی و آزادیهای مندرج بالا را برای همه تضمین میکنند . »

این بود اصول مندرج درمقدمه قانون اساسی ۱۹٤٦ .

فصل پنجم

اصول کلی

ماده اول قانون اساسی ۲۷ اکتبر ۱۹٤٦ فرانسه چنین مقرر میدارد :

« فرانسه یك جمهوری غیرقابل تقسیم (۱) غیرمذهبی (۲) دمکراتیك واجتماعی است (۳) » .

بطوریکه ماده مذکور درفوق تصریح میکند :

۱- فرانسه‌دارای رژیم جمهوری‌است بدین‌معنی که دررأس‌قوه مجریه کشور مزبوریك‌رئیس‌انتخابی ومسئول‌قراردارد. ماده ۹۵قانون‌اساسی‌موردبحث‌ماده‌مربوط به رژیم جمهوری را غیرقابل تجدیدنظرمیداندبطوریکه پارلمان فرانسه مجاز نیست قانونی‌دائربرالغاء حکومت جمهوری واستقرارحکومت سلطنتی وضع‌نموده وبرای تصویب به‌آراء عمومی ارجاع کند .

۲- فرانسه یك جمهوری تقسیم‌ناپذیرمیباشد بدین‌ترتیب که مجالس‌مقننه آن کشوراختیارندارند خودمختاری (٤) به‌ولایات اعطا نمایند ویا دولت بسیط (۵) را به یك دولت متحده (٦) تبدیل واین تصمیم را به تصویب مردم برسانند .

۳- فرانسه یك جمهوری غیر مذهبی است بدین معنی که دولت دیانت راکار افراددانسته ودرامورمذهبی‌هیچگونه مداخلهٔ‌نمیکند وهیچیك ازمذاهب را برسمیت نمیشناسد ومتحمل مخارج آنها نمیشود . این‌ترتیب اختصاص به فرانسه نداشته بلکه درممالك متحده امریکای شمالی و اتحاد جماهیر شوروی و یوگوسلاوی و سویس وترکیه و پارهٔ کشورهای دیگر نیز معمول ومجری است . و اما قبل‌از سال ۱۹۰۵ درفرانسه دولت مذهب‌کاتولیك و پروتستان (۷) و یهود را رسماً شناخته و مخارج

۱- indivisible

۲- laïque

۳- sociale

٤- autonomie

۵- Etat unitaire ou simple

٦- Etat fédéral

۷- religion protestante

ادیان مزبوررا ازخزانه دولت تأدیه میکرد . بااینکه دولت انگلیس شعبات مختلف مذهب مسیح وهمچنین مذهب اسلام و یهود ومذاهب دیگررا برسمیت میشناسد ولی بااین‌همه‌مذهب‌رسمی‌دولت مزبور آئین آنگلیکان(۱) بشمارمیرود وپادشاه‌انگلستان باید منسوب بمذهب مزبور باشد ودرغیراینصورت ازسلطنت محروم میگردد بعلاوه قبل‌ازجلوس‌برتخت سلطنتی پادشاه قسم یادمیکند که ازقدرت وتوانائی خود برای حفظ قوانین خداوندی و تقویت مذهب آنگلیکان استفاده کند وازروحانیون‌حمایت نماید و حقوق و امتیازاتی را که قوانین انگلستان برای آنها قائل شده است محترم شمارد .

٤- فرانسه یك جمهوری اجتماعی است بشرح اینکه قانون اساسی کنونی کشورمزبورعلاوه‌برحقوق سیاسی‌ازقبیل‌برابری درمقابل‌محاکم و تساوی ازلحاظ پرداخت مالیات وازحیث اشتغال بمشاغل دولتی‌ونظام وظیفه و آزادی شخصی وحق تملك اموال منقول وغیرمنقول و آزادی شغل و کار و آزادی عقاید مذهبی و سیاسی و آزادی مطبوعات‌واجتماعات و تشکیل‌انجمن‌و آزادی‌تعلیم‌و تربیت وغیره یك سلسله حقوق اجتماعی مانندبرابری زن ومرد - حق پناه برای‌اشخاصی که‌درممالك بیگانه بملاحظات سیاسی مورد تعقیب واقع میگردند - حق تقاضای شغل و کار - تشکیل اتحادیه‌های صنفی - حق اعتصاب درحدود قانون - دخالت درتنظیم قراردادهای دسته جمعی - نظارت غیرمستقیم دراداره مؤسسات اقتصادی - ملی کردن مؤسساتی که جنبه عمومی‌یا انحصارواقعی‌را دارد - حمایت ازاطفال‌وزنان‌بارداروزحمتکشان علیل ومریض - تأسیس مدارس مجانی وغیره برای افراد قائل میباشد .

طبق ماده دوم قانون اساسی مورد بحث حکومت جمهوری‌فرانسه روی‌اصل ذیل استوار گردیده است :

« حکومت مردم برای مردم و بدست مردم (۲) . »

بموجب ماده سوم قانون‌اساسی ۱۹٤٦حاکمیت متعلق به‌ملت است بدین‌معنی که هیچ فردی‌ازافراد وهیچ طبقه‌ای از طبقات‌نمیتوانند رأساً اعمال‌حاکمیت کنند . ملت فرانسه حاکمیت را درمسائل اساسی‌بوسیله‌نمایندگان خود درمجلس ملی‌اعمال

۱- religion anglicane

۲- gouvernement du peuple, pour le peuple et par le peuple

میکنند مشروط براینکه تصمیمات مجلس مزبورمورد تأیید اکثریت ملت واقع گردد. برای حل و فصل سایر مسائل موافقت اکثریت نمایندگان مجلس ملی کافی بوده و بدون ارجاع به رفراندوم قابل اجرا است.

واما برخلاف آنچه که درماده سوم قانون اساسی مورد بحث مقرر گردیده است چنانچه مجلس ملی با کثریت دو ثلث یا هریك از مجلسین با کثریت سه پنجم آراء قانون اساسی را تغییردهند درهریك ازاین دومورد تصمیم پارلمان قطعی تلقی گردیده و بدون رفراندوم قابل اجرا میباشد (ماده ۹۰ قانون اساسی).

مطابق ماده چهارم قانون مزبور اتباع بالغ فرانسه بشرط عدم محرومیت از حقوق مدنی وسیاسی حق رأی دارند. سکنه مستعمرات و نواحی تحت قیمومت نیز با رعایت مقررات خاصی میتوانند نماینده انتخاب کنند و بنمایندگی انتخاب شوند.

بموجب ماده پنجم قانون اساسی، پارلمان فرانسه دارای دو مجلس میباشد که یکی مجلس ملی (۱) و دیگری شورای جمهوری (۲) نامیده میشود.

ماده ششم قانون اساسی فرانسه چنین مقرر میدارد:

« مدت مأموریت هریك ازمجلسین، طریقه انتخاب نمایندگان مجالس مزبور، شرائط انتخاب شدن و مشاغلی که با نمایندگی مجالس مانعةالجمع است و همچنین صورت اشخاصیکه بواسطه مقام و شغل خود از حق انتخاب شدن ممنوعند بموجب قانون معین میگردد. عدهٔ نمایندگان هریك ازمجلسین متناسب باتعداد جمعیت هریك ازحوزه های انتخابیه میباشد. نمایندگان مجلس ملی بوسیله آراء عمومی ومستقیم انتخاب میشوند در صورتیکه اعضای شورای جمهوری را هیئت های بلوکی و ولایتی ازطریق انتخابات عمومی ولی غیرمستقیم تعیین میکنند مع الوصف خود مجلس ملی میتواند قسمتی ازنمایندگان شورای جمهوری را انتخاب کند بشرط اینکه عده ایکه بدین ترتیب انتخاب میشود ازیك ششم مجموع اعضای شورای مزبور تجاوز نکند. شورای جمهوری نباید کمتراز ۲۵۰ وبیشتراز ۳۲۰ نماینده داشته باشد. »

نظر بماده مذکور در فوق، مجلس ملی (مؤسسان) قانونی بتاریخ ۵ اکتبر

۱– Assemblée Nationale
۲– Conseil de la République

۱۹٤٦راجع به انتخابات مجلس ملی وقانون دیگری هم در ۲۷ اکتبر همانسال در بارهٔ انتخابات شورای جمهوری تصویب نمود که درفصل بعد به توضیح و تشریح هریك ازاین دو قانون و قوانین وفرامین دوره های سابق که فعلا مجری است مبادرت می‌شود .

فصل ششم

انتخابات مجالس مقننه

مبحث اول

مقررات انتخاباتی مجلس ملی

قانون انتخابات مجلس ملی مورخ ۵ اکتبر ۱۹۴۶ تمام قوانین و فرامین انتخاباتی ادوار سابق را لغو ننموده است بدین معنی که پاره‌ای از مقررات دوره حکومت موقت و جمهوری دوم وسوم فعلا نیز بقوت و اعتبار خود باقی است.

اهم مقررات انتخاباتی دوره‌های سابق که بعضی مواد آن درفرانسه کنونی اجرا میشود ازاین‌قرار است:

۱- فرمان اساسی (۱) مورخ ۲ فوریه ۱۸۵۲ و فرمان نظامنامهٔ (۲) مورخ همانروز راجع به محرومیت پارهٔ دستجات از انتخاب شدن.

۲- قسمتی از مواد قانون انتخابات مورخ ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ و مواد تکمیلی آن مربوط به نحوه تنظیم لیستهای انتخاب کنندگان و جرائم انتخاباتی.

۳- فرمان حکومت جمهوری‌موقت‌فرانسه مورخ ۲۱ آوریل ۱۹۴۴ که بموجب آن به زنان حق‌داده شددرانتخابات مجلس‌ملی رأی‌دهندوبنمایندگی‌انتخاب شوند.

۴- فرمان مورخ ۱۷ اوت ۱۹۴۵ حکومت نامبرده دائربرشرکت نظامیان درانتخابات.

۵- فرمان مورخ ۲۲ اوت ۱۹۴۵ حکومت موقت که بموجب آن به تمام مستعمرات وسایرمتصرفات فرانسه اجازه‌داده‌شددرانتخابات‌مجلس‌ملی شرکت کنند.

۶- فرمان مورخ ۱۴ اوت ۱۹۴۶ که مطابق آن مقررات سابق مربوط به محرومیت پارهٔ دستجات ازانتخاب شدن مورد تجدیدنظر واقع گردید.

۱- décret organique

۲- décret réglementaire

شرائط رأی دادن

۱ـ تابعیت فرانسه

بموجب ماده ٤ قانون اساسی فرانسه که فوقاً اشاره شد اتباع بالغ فرانسه اعم ازمرد وزن حق دارند درانتخابات شرکت کنند. عده‌ای ازعلمای حقوق اساسی فرانسه مدعی هستند که ماده ٤ مذکور درفوق بدون اینکه فرقی بین تابعیت اصلی و تابعیت اکتسابی قائل شود حق شرکت در انتخابات را منوط به داشتن تابعیت فرانسه دانسته است. علمای مزبور ماده ٤ قانون اساسی را مستند قرارداده چنین اظهار نظر میکنند که‌ازلحاظ رأی دادن هیچگونه محدودیتی برای اشخاصیکه تابعیت فرانسه را تحصیل کرده‌اند وجود ندارد و آنها نیز مانند اتباع اصلی فرانسه میتوانند نماینده‌انتخاب کنند. واماجمعی دیگر ازعلماء ازجمله ژرژویدل (۱) استاد دانشکده حقوق پاریس وتولوز(۲) باستنادانیکه‌ماده ٤ قانون اساسی‌اعمال‌حق‌رأی‌رامو کول به عدم محرومیت ازحقوق مدنی وسیاسی دانسته است و با توجه به مقررات مربوطه قانون‌تابعیت‌فرانسه وامریه‌مورخ۱۹ اکتبره۱۹٤٥ چنین‌اظهار نظرمیکنند اشخاصیکه تابعیت فرانسه را تحصیل کرده‌اند در مدت ٥ سال از تاریخ صدور سند تابعیت نمیتوانند درانتخابات شرکت کنند.

بموجب‌ماده ٤ قانون اساسی ۱۹٤٦ نه‌تنهااتباع فرانسه‌بلکه‌بومیان مستعمرات وسرزمینهای تحت قیمومت‌فرانسه‌نیزمیتوانندرانتخابات‌پارلمان فرانسه‌شرکت کنند واما مقرراتی که درولایات‌اروپائی فرانسه‌اجرا میشود شامل‌نواحی‌غیراروپائی‌نبوده بلکه مقررات خاصی که منطبق‌بادرجه تمدن ورشد سیاسی سکنه‌آن سرزمینهااست وضع و بموقع اجرا گذاشته شده است بشرح اینکه درقسمت اعظم مستملکات و کشورهای تحت قیمومت برای اتباع فرانسه حوزه های مخصوص دائر است. درالجزایر زنان مسلمان از حق شرکت درانتخابات محرومند. درماداگاسکار (۳) و مستعمره افریقای غربی (٤) و افریقای استوائی (٥) وکامرون (٦) و توگو (۷)

۱ـ Georges Videl

۲ـ Toulouse

۳ـ Madagascar

٤ـ Atrique Occidentale Française

٥ـ Afrique Equatoriale Française

٦ـ Cameroun

۷ـ Togo

و پارهٔ مستعمرات دیگر در انتخابات پارلمان فرانسه فقط اشخاصی میتوانند شرکت نمایند که مالك اموال غیر منقول میباشند یا اشتغال بمشاغل معینی دارند یا خدمت سربازی را انجام داده‌اند و یا دارای نشان و جواز رانندگی میباشند . واما انتخابات درمستعمره مارتینیك ، گوادلوپ گیان ـ لاری اونیون و هندوچین تابع همان مقرراتی است که درولایات اروپائی فرانسه اجری میشود .

۲ـ سن

مطابق ماده ٤ قانون اساسی ۱۹٤٦ فرانسه درانتخابات فقط اتباع بالغ فرانسه اعم از مرد وزن شرکت میکنند و چون قانون مدنی فرانسه کسانی را بالغ میداند که دارای ۲۱ سال عمر میباشند ازاین‌رو حق رأی اختصاص باشخاصی دارد که به سن ۲۱ سالگی رسیده باشند و اما بموجب قانون ۲ ماه مه ۱۹٤٦ اشخاصی که دارای بعضی نشانها میباشند درسن ۱۸ سالگی میتوانند از حق رأی استفاده کنند .

۳ ـ توطن (۱) ـ اقامت (۲) ـ پرداخت مالیات مستقیم .

انتخاب کنندگان باید درحوزهٔ انتخابیه متوطن یا لااقل ٦ ماه متوالی در آن حوزه اقامت داشته باشند واما مستخدمین دولت درمحل خدمت خود ازشرط اقامت شش ماهه مستثنی بوده حق دارند پس از ورود به محل خدمت خود در انتخابات شرکت کنند . بعلاوه اشخاصیکه درظرف ٥ سال درحوزه‌ایکه محل سکونت دائمی یا اقامت شش ماهه آنها نیست مالیات مستقیم یا مالیات برای نگاهداری جاده‌های محلی بصورت پول یا جنس (۳) میپردازند حق دارند درانتخابات آن حوزه رأی دهند .

اشخاص ذیل ازرأی‌دادن ممنوعند :

۱ـ مجانین. و اما زوال عقل باید بوسیله مقامات صلاحیتدار قضائی به ثبوت برسد بطوریکه نه شهربانی و نه ژاندارمری ومقامات دیگرمجاز نیستند اشخاصی را که واجد شرائط قانونی میباشند به بهانه زوال عقل از شرکت در انتخابات محروم کنند .

۲ـ بموجب ماده ۵۱۳ قانون مدنی فرانسه اشخاصیکه تحت ولایت بوده واز

۱ـ domicile ۲ـ résidence
۳ـ prestation en nature

تصرف دراموال خود ممنوعند نمیتوانند درانتخابات شرکت کنند.

۳ـ مطابق فرمان اساسی مورخ۲ فوریه ۱۹۴۵وفرمان عادی مورخ۱۴ اوت همانسال که فعلابقوت واعتبارخود باقیاست تجاریکه طبق احکام دادگاههای فرانسه یااحکام محاکم خارجی که درفرانسه قابل اجرااست ورشکسته بهتقصیراعلام شدهاند بطوردائم ازشرکت درانتخابات محرومند. توضیح اینکه تااوائل قرن بیستم درفرانسه ورشکستگان به تقصیر بطور مطلق از حق رأی محروم بودند ولی بموجب قانون مصوب ۱۹۰۴ اشخاص مزبور فقط درظرف مدت ۱۰ سال مجاز نبودند درانتخابات شرکت جویند وبالاخره قانون مورخ۱۹۰۸ این محرومیت را محدود به۳سال نمود.

۴ـ بموجب امریهٔ اساسی مورخ۲ فوریه۱۸۵۲ وامریهٔ مورخ ۱۴ اوت ۱۹۴۵ اشخاص ذیل ازشرکت درانتخابات محرومند:

الف ـ کسانیکه طبق احکام قطعی دادگاهها باتهام دزدی، کلاهبرداری، خیانت درامانت، اختلاس اموال دولتی، عملیات ضد عفت و اخلاق عمومی محکوم شدهاند بطوردائم ازشرکت درانتخابات ممنوعند.

ب ـ اشخاصیکه باتهام ارتکاب جنایت یا جنحه بهمتجاوز از سه ماه حبس محکوم شدهاند بطوردائم از دادن رأی محرومند و اماکسانیکه به سه ماه یا کمتر ازسهماه حبس یا پنجاه هزار فرانك جریمه محکوم شدهاند فقط در ظرف پنج سال نمیتوانند درانتخابات شرکت کنند.

ج ـ کسانیکه بموجب احکام دادگاهها ازحق رأی محروم شدهاند بطور دائم نمیتوانند درانتخابات شرکت کنند (فرمان مورخ۱۴ اوت ۱۹۴۵).

صورت رأیدهندگان (۱).

درفرانسه مانند قاطبه ممالك مقامات وابسته از اشخاصیکه واجد شرائط رأیدادن میباشند صورت برداری کرده و صورتهای تنظیمی را منتشر مینمایند. کسانیکه جزء صورت هستندحقدارند نهتنها درانتخابات مجلس ملی بلکه درانتخابات شوراهای ولایتی و انجمنهای شهر و شوراهای محلی دیگر شرکت کنند وهمچنین میتوانند در رفراندوم رأی دهند. یکنفر انتخاب کننده مجاز است اسم خود را درحوزهایکه محل سکونت دائمی او است یا محلی که لااقل ۶ ماه بطور متوالی

۱ـ liste électorale

اقامت داشته است به ثبت برساند و نیز یکنفر انتخاب کننده حق دارد درحوزه‌ایکه درظرف ۵ سال مالیات مستقیم یامالیات برای نگاهداری طرق محلی پرداخته است اسم‌خودرادرصورت رأی‌دهندگان ثبت کند . انتخاب کننده‌فقط دریکی‌از حوزه‌های سه‌گانه مزبور میتواند رأی بدهد و از رأی دادن در بیشتر از یك حوزه انتخابیه ممنوع است .

اشخاصیکه درخارج فرانسه اقامت دارند بمنظور شرکت درانتخابات اسم خود را با رعایت مقررات مندرج درامریه مورخ ۷ ژوئن ۱۹٤٥ به ثبت میرسانند . بموجب قانون مورخ ۱۲ آوریل۱۹٤٦ نظامیان درمحل‌تولد خود وملوانان وافراد خانواده آنها که در کشتی اقامت دارند دربنادر دریائی یا شطی ثبت نام میکنند .

سالی یکبار ازاول تادهم ژانویه‌درهریك‌ازحوزه‌های انتخابیه هیئتی موسوم به کمیسیون اداری تجدید نظر (۱) مرکب از شهردار [دهدار] (۲) یکنفر نماینده انجمن شهر (۳) [شورای دهستان] (٤) ویك نماینده فرماندار یابخشداردرصورتهای دائمی‌تجدیدنظر کرده متوفیان‌واشخاصی‌را که درخلال‌سال گذشته‌بعلت ترك‌تابعیت، ورشکستگی ، محکومیت ، محرومیت ازتصرف دراموال خود یا علل قانونی دیگر از حق رأی دادن ممنوع گردیده‌اند از صورت مورد تجدیدنظر خارج و بالعکس اشخاصی‌را که‌درنتیجه‌تحصیل تابعیت‌فرانسه ، رسیدن به سن‌قانونی ، اقامت شش‌ماهه درحوزه‌انتخابیه وغیره واجد حق رأی‌دادن شده‌اندواردصورت میکنند . صورتهای اصلاح‌شده تابیستم ژانویه جهت انتشار به رئیس شهرداری [دهدار] تسلیم میشود . درمدت ۲۰ روز ازتاریخ انتشارصورت‌مزبور، فرماندار بخشدار واشخاصیکه اسامی آنها به ثبت نرسیده است میتوانند به هیئت دیگری موسوم به کمیسیون شهرداری تجدیدنظر(۵)مرکب‌ازاعضای کمیسیون اداری‌تجدیدنظرودوعضودیگر که‌ازطرف انجمن شهریاشورای دهستان انتخاب میشوندمراجعه وتقاضای‌تجدیدنظردرتصمیمات کمیسیون بدوی را بکنند . اشخاص‌ثالث‌نیز حق‌دارنداز کمیسیون مزبوردرخواست کنند اسامی افرادی را که برخلاف مقررات قانونی به ثبت رسیده است از صورت

۱- commission administrative de revision

۲- maire

۳- conseil municipal

٤- conseil communal

۵- conseil municipal de revision

مورد تجدید نظر حذف کنند . تصمیمات کمیسیون پنج نفری که بمنزله یك دادگاه اداری است باید مستدل و مستند به مواد قانونی بوده و به متقاضیان ابلاغ گردد .

فرماندار ، بخشدار و اشخاص ذیعلاقه درظرف ٥ روز از تاریخ صدور قرار کمیسیون مزبور حق‌دارند به دادگاه بخش مراجعه و اصلاح صورت مورد بحث را درخواست کنند . دادگاه درظرف ٦ روزازتاریخ وصول‌تقاضای‌فرماندار، بخشدارو اشخاص ذیعلاقه موضوع را مورد رسیدگی قرار داده حکم مقتضی صادر و ابلاغ میکند . حکم‌دادگاه‌بخش‌قابل رسیدگی‌تمیزی‌است بدین‌معنی که متقاضیان میتوانند درظرف ۱۰ روز ازتاریخ ابلاغ حکم‌دادگاه مزبور نقض‌آن‌حکم‌را ازدیوان کشور تقاضا کنند ودیوان کشور دراین‌مورد مانند موارد دیگر موضوع را ازنظر رعایت یاعدم رعایت مقررات قانونی مورد رسیدگی قرارداده حکم دادگاه بخش را ابرام یانقض میکند . کلیه اقدامات مذکوردرفوق باید تا ۳۱ماه مارس پایان یابد ودرتاریخ مزبور کمیسیون بدوی تجدید نظر بـا درنظرگرفتن تصمیمـات کمیسیون پنج نفری واحکام‌دادگاه‌بخش ودیوان کشورصورت قطعی‌رأی‌دهندگان‌راتنظیم و به‌فرماندار ابـلاغ میکنند . به اشخاصیکـه جزء صورت هستند ورقـه مخصوصی‌موسوم به‌کارت انتخاباتی (۱) داده میشود که با ارائه آن ورقه درانتخابات شرکت کنند .

اصولا صورت رأی‌دهندگان که درآخرماه مارس منتشرمیشود تا آغازسال جدید تغییرناپذیراست بدین‌معنی تنها اشخاصیکه اسامی آنها درصورت مزبور به ثبت رسیده است میتواننـد درانتخابات شرکت کنند و اما درچند مورد استثنائی صورت موردبحث قابل اصلاح است . مورد اول اینکه مقامات مربوطه وظیفه دارند اسامی اشخاصی‌را که‌بعداز ۳۱ مارس فوت کرده‌اند ازصورت خارج کنند مورد دوم آنکه مقامات مزبور اسـامی کسانی را کـه بموجب احکام قطعی دادگاه‌های صلاحیت دار صادره بعداز ۳۱ مارس ازحق رأی دادن محروم گردیده‌اند ازصورت رأی‌دهندگان حذف میکنند . یك مورد دیگر اینکه مقامات مربوطه یك صورت فرعی از اسامی افرادیکه بعدازانتشارصورتهای‌نهائی واجد شرایط رأی‌دادن شده‌اند تنظیم ومنتشر میکنند که‌درنتیجه‌اشخاصی که جزء صورت مزبورهستندمیتوانند ازحق‌رأی استفاده کنند بعلاوه مستخدمین دولت که بعداز آخرماه مارس تغییر مأموریت پیدا کرده‌اند

۱ – carte électorale

اسامی خودرا درصورت فرعی به ثبت رسانیده و درانتخابات شرکت می نمایند .

شرایط انتخاب شدن

نمایندگان مجلس‌ملی علاوه‌برشرائطی که‌درقانون انتخابات برای رأی‌دادن مقرر گردیده‌است باید ۲۳ سال تمام عمرداشته‌باشند درصورتیکه دردوره جمهوری سوم (ازسال۱۸۷۵تاسنه۱۹٤۰) برای انتخاب شدن به‌عضویت مجلس مبعوثان‌داشتن ۲۵ سال عمر ضروری بود . علاوه براین اشخاصیکه تابعیت فرانسه‌را قبول کرده‌اند در ظرف ۱۰ سال از تاریخ صدور فرمان تابعیت نمیتوانند به عضویت مجلس ملی و شورای جمهوری انتخاب شوند .

شرط دیگری که برای انتخاب شدن ضرورت دارد انجام مقررات مربوط به نظام وظیفه میباشد . امریهٔ مورخ ۱۷ اوت ۱۹٤۵ ریاست حکومت موقت فرانسه که فعلا نیزمجری است به نظامیان اجازه میدهد که تحت شرائط معینی به‌نمایندگی انتخاب شوند .

اشخاص ذیل از حق انتخاب شدن محرومند :

۱- افرادخانواده‌های بوربون و ناپلئون که‌درفرانسه سلطنت کرده‌اند (قانون ۲۲ ژوئن ۱۸۸٦) .

۲- نمایندگان مجلس مبعوثان و مجلس سنای سابق که در جلسه دهم ژوئیه ۱۹٤۰ اختیارات فوق‌العاده به مارشال پتن تفویض کرده بودند (قانون ۸ اکتبر ۱۹٤٦) . اشخاص مذکوردرفوق نمیتوانند به عضویت شورای‌جمهوری‌ومجمع اتحاد فرانسه و شورای اقتصادی و حتی انجمنهای ولایتی و انجمنهای محلی دیگر نیز انتخاب شوند .

۳- نمایندگان مجلس ملی وشورای جمهوری که‌اعتبارنامه‌های آنها ازطرف مجلس مربوطه رد و خودشان باتهام تخلف در انتخابات محکوم شده باشند بطور موقت از حق انتخاب شدن محروم میشوند .

٤- بعضی از مأمورین دولت و نظامیان و قضات در محل مأموریت خود ازانتخاب شدن ممنوعند .

اشخاص فوق‌الذکر از حق انتخاب شدن مطلقا محرومند بدین‌معنی که اگر به‌نمایندگی تعیین شدند انتخاب آنهاکان لم یکن و بلااثر میباشد ولی اشخاصی نیز

هستند که بواسطه شغلشان نمیتوانند وظائف نمایندگی را بعهده بگیرند و چنانچه انتخاب شدند انتخاب آنها صحیح است ولی برای احراز مقام نمایندگی باید از شغل خود استعفادهند. بطور کلی مشاغل دولتی بانمایندگی مجالس مقننه قابل جمع نیست بدین معنی اشخاصیکه بخدمات دولتی اشتغال دارند از لحاظ وضع قوانین و نظارت در اعمال وزراء نمیتوانند استقلال و آزادی لازم داشته باشند واز طرفی هم مستخدمین دولت بواسطه شغل خود وقت نخواهند داشت که در جلسات مجلس و کمیسیونها وشعبات آن حضور بهمرسانیده وظائف نمایندگی را آنطوریکه باید و شاید انجام دهند. در فرانسه کنونی مستخدمین دولت حق دارند به نمایندگی پارلمان انتخاب شوند ولی نمی توانند درعین زمان هم مستخدم وهم نماینده باشند. نظامیان نیز میتوانند به نمایندگی انتخاب شوند ولی مجاز نیستند در آن واحد هم نماینده و هم درصف نظام باشند (امریهٔ مورخ ۱۷ اوت ۱۹۴۵). بعلاوه برطبق قانون مصوب ۳۰ دسامبر ۱۹۲۸ مدیران وبازرسان مؤسساتیکه بادولت فرانسه قراردادهای مقاطعه کاری منعقد نموده‌اند یا روابط مالی دیگر با دولت مزبور دارند و همچنین مدیران و بازرسان بانکهای پس‌انداز نمیتوانند باحفظ شغل خود در مؤسسات مزبور وظائف نمایندگی را انجام‌دهند. بعلاوه برطبق قانون مورخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۴۸ مدیران وبعضی کارکنان مؤسسات ملی شده از قبیل بانك فرانسه (۱) کردی‌لیونه (۲) سوسیته ژنرال (۳) ومعادن ذغال سنك شمال و پادوکاله (٤) و مؤسسات تولید برق و گاز نمیتوانند عضویت پارلمان را عهده‌دار شوند مگر قبلا ازشغل خود درمؤسسات مزبور استعفا بدهند.

و اما قانون مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۲۸ که درفرانسه کنونی نیز مجری است به وزراء و معاونین وزارتخانه‌ها واستادان دانشگاه‌ها و اشخاصیکه ازطرف دولت مأموریت موقت (حداکثر برای مدت شش ماه) پیدا میکنند اجازه میدهد که باحفظ شغل خود نمایندگی پارلمان را عهده‌دارشوند. قانون ۱۹۲۸ مأموریت شش ماهه را قابل تمدید نمیدانست ولی قانون مورخ ۲۱ فوریه ۱۹٤٦ بدولت اجازه میدهد که چنانچه مصالح کشور ایجاب کند مأموریت موقت شش ماهه را برای شش ماه دیگر تمدید کند. و اما بطوریکه دربالا بیان گردید قبل‌از تصویب قانون ۱۹۲۸ نه تنها وزراء

۱— Banque de France
۲— Créd t Lyonnais
۳— Société Générale
٤— Huileries du Nord et du Pas-de-Calais

و معاونین وزارتخانه‌ها و استادان دانشگاه ها و اشخاصیکه مأموریت موقت پیدا میکردند بلکه جمعی ازمأمورین عالیمقام دیگر نیزمنجمله رئیس کل ودادستان دیوان کشور ودیوان محاسبات ودادگاه استیناف پاریس ، سفرای کبار ، وزرای مختار ، فرماندارولایت سن (۱) رئیس شهربانی پاریس وپارهٔ مأمورین عالیرتبه دیگرمجاز بودند درعین زمانهم مأموریت دولت وهم عضویت مجلس مبعوثان یامجلس سنا را داشته باشند .

اصول انتخابات

۱- بموجب ماده٦ قانون اساسی۱۹٤٦ انتخابات مجلس ملی فرانسه مستقیم است بدین‌معنی اشخاصیکه واجد شرائط قانونی میباشند مستقیماً و بلاواسطه نمایندگان آن مجلس را انتخاب میکنند . انتخابات شوراهای ولایتی وشوراهای محلی دیگر نیزمستقیم‌است درصورتیکه برطبق ماده٦ مذکوردرفوق‌انتخابات شورای جمهوری مع‌الواسطه وغیرمستقیم‌میباشد. وهمچنین بموجب ماده ٦٧ قانون اساسی مورد بحث انتخابات مجمع اتحادیه فرانسه بدودرجه است . سابق‌براین درقسمت اعظم کشورها انتخابات بدو درجه و حتی در روسیه تزاری بسه و چهار درجه بود . توضیح اینکه بموجب قانون انتخابات مورخ ۳-۱٦ ژوئن ۱۹۰۷ کلیه انتخاب کنندگان روسیه به چهار طبقه زیرتقسیم میشدند :

اولا ـ ملاکین ، ثانیاً ـ سکنه شهرها ، ثالثاً ـ زارعین ، رابعاً ـ کارگران .

برای هریك از طبقات چهارگانه ترتیب مخصوصی مقرر گردیده بود . برای ملاکین انتخابات بدودرجه بود بدین‌معنی که آنهادرمرکزحوزه‌های اختصاصی‌خود جمع‌شده مطابق‌جدول‌منضم‌بقانون‌انتخابات یك عده‌را انتخاب مینمودندواشخاصیکه بدین‌ترتیب انتخاب میشدند بامنتخبین سه طبقه دیگر درمراکزولایتی تشکیل‌جلسه داده نمایندگان‌مجلس‌دوما(۲) را انتخاب میکردند . انتخابات سکنه شهرهابدودرجه کارگران بسه وزارعین به چهار درجه بود .

وامادر نتیجه توسعه‌فرهنك عمومی‌وتقویت رژیم دمکراسی‌انتخابات غیرمستقیم ازبین رفته و انتخابات مستقیم جانشین آن گردید بطوریکه اکنون درقسمت اعظم

۱- département de la Seine

۲- Douma

ممالك دنیا رأی دهندگان مستقیماً و بلاواسطه نمایندگان هردو مجلس را انتخاب میکنند و فقط در بعضی ممالك انتخابات مجالس عالی (سنا) بطور غیرمستقیم بعمل میآید .

۲ـ طبق ماده۳ قانون اساسی ۱۹٤٦ انتخابات مجلس ملی فرانسه مخفی است درصورتیکه مخفی بودن انتخابات شورای جمهوری در قانون اساسی منظور نگردیده است. عده‌ای از حقوقدانان نامی و رجال سیاسی معروف قرن هیجدهم و نوزدهم ازقبیل منتسکیو(۱) جون ستوارت میل (۲) و بیسمارك (۳) با انتخابات مخفی مخالفت کرده مدعی بودند که رأی علنی جرأت وشهامت رأی‌دهندگان‌را تقویت مینمایدوازانتخاب اشخاص ناپاك و نالایق جلوگیری میکند ولی علمای حقوق وسیاستمداران عصرحاضر دلایل علما و رجال فوق‌الذکر را رد نموده چنین استدلال میکنند که با اجرای انتخابات علنی قسمت اعظم انتخاب‌کنندگان مانند مأمورین دولت وکارگران ومستخدمین تجارتخانه‌هاومؤسسات صنعتی وغیره تحت نفوذ رؤساوکارفرمایان خود قرار گرفته ودردادن رأی آزادی نخواهندداشت وروی همین اصل غیرقابل‌انکاراست که تمام ممالك امروزه انتخابات مخفی را معمول میدارند .

۳ـ انتخابات مجالس مقننه ممکن است الزامی یا اختیاری باشد . درترتیب اول رأی‌دادن یك وظیفه‌اجتماعی شناخته شده واشخاصیکه‌بدون عذرموجه‌ازشرکت درانتخابات خودداری میکنند مورد توبیخ واقع میگردند یا محکوم به پرداخت جریمه میشوند ودرصورت تکرار بطورموقت یا دائم از حق رأی محروم میگردند . درترتیب دوم شرکت درانتخابات یك نوع حقی است و اشخاصیکه دارای این حق میباشند مجاز ومختارند ازاعمال آن خودداری کنند . چون درقانون اساسی ۱۹٤٦ فرانسه اصلی دائر براجباری بودن انتخابات مجلس ملی وجود ندارد ازاین رو رأی‌دهندگان‌مجازند ازشرکت درانتخابات مجلس مزبورامتناع کنند واما انتخابات شورای جمهوری فرانسه اجباری است بدین معنی که منتخبین درجه اول ملزمند درانتخابات‌درجه‌دوم‌برای تعیین نمایندگان شورای مزبورحضوربهمرسانند . توضیح اینکه‌انتخابات‌اجباری‌دربلژیك ـ دانمارك ـ اکثرممالك جزء دولت‌متحده سویس ـ

۱ــ Montesquieu

۲ــ John Stuart Mill

۳ــ Bismark

آرژانتین وجمعی از کشورهای امریکای مرکزی وجنوبی مرسوم است .

٤ـ درفرانسه کنونی انتخابات مجلس ملی وشورای جمهوری وشوراهای محلی روی اصل تساوی رأی دهندگان قرار گرفته است بدین ترتیب که هریك از انتخاب کنندگان دارای فقط یك رأی میباشد . سابق براین در بعضی کشورها رأی دهنده میتوانست در یك حوزه انتخاباتی چندرأی داشته باشد ویا درحوزه‌های مختلف درانتخابات شرکت کند . رأی متعدد درصورتی معمول بود که انتخاب کننده دارای تحصیلات عالیه بود یا شغل مهمی دردستگاه دولتی داشت ویا بالاخره دارای اولاد بود بعلاوه اشخاصیکه درحوزه‌های مختلف دارای علاقه ملکی بودند ویامالیات میپرداختند میتوانستند بیشتراز یکبار از حق رأی استفاده کنند . رأی متعدددرفرانسه بموجب قانون ۲۹ ژوئن ۱۸۲۰ برقرار گردیده بود بدین ترتیب اشخاصیکه بیشتراز میزان معین مالیات مستقیم میپرداختند مجاز بودند دو دفعه رأی دهند . رأی متعدد درفرانسه تا ۱۸۳۰ معمول بوده و درآن تاریخ ملغی گردید . رأی متعدد در بلژیك نیزمرسوم بود بشرح اینکه طبق قانون انتخابات مورخ ۱۸۹۳ هریك ازاتباع ذکور بلژیك که ۲۵ سال عمر وشش ماه اقامت متوالی درحوزه انتخاباتی داشت دارای یك رأی بود ولی اشخاص ذیل علاوه بررأی اصلی یك رأی اضافی داشتند :

الف ـ کسانیکه اموال غیرمنقول یا اوراق قرضه دولت بلژیك را بمبلغ سی هزارفرانك دارا بودند .

ب ـ اشخاصیکه سالیانه لااقل پنج هزارفرانك مالیات میپرداختند .

ت ـ افرادیکه ۳۵ سال عمر و یك یا چند اولاد داشتند .

بموجب قانون مذکوردرفوق اشخاصیکه دارای شناسنامه مدارس عالی بودند یا شغل مهمی درادارات دولتی داشتند درانتخابات مجلس نمایندگان و مجلس سنا علاوه بررأی اصلی دارای دورأی اضافی بودند . رأی متعدد دربلژیك بموجب قانون انتخابات ۱۹۱۹ موقوف شده و اصل برابری رأی دهندگان برقرار گردید . درانگلستان نیزرأی متعددمعمول بود واعمال این حق ازاین لحاظ آسان بود که در کشور نامبرده انتخابات مجلس عوام دریکروز بعمل نمیآمد . قوانین انتخابات مورخ ۱۸۳۲و ۱۸٦۷و۱۸۸٤ انگلستان رأی متعدد راتایید کرده و به انتخاب کنندگان اجازه میداد که مانند سابق درحوزه‌های مختلف رأی بدهند واما قانون انتخابات مورخ ٦ فوریه

۱۹۱۸ رأی متعدد را محدود به‌دومورد نموده‌است مورد اول اینکه اشخاص مجازند هم درمحل‌اقامت وهم‌درمحل کارخود رأی‌دهند مورددوم آنکه کارکنان دانشگاهها دارای دورأی‌بوده یکی را درحوزه‌دانشگاهی ورأی‌دوم‌رادرحوزه ع‌ومی میدهند.

بطوریکه درکتاب حقوق اساسی (چاپ پنجم صفحه ۱۷۸) نویسنده بیان گردیده‌است عده‌ای ازعلمای حقوق وعلم‌الاجتماع وهمچنین جمعی ازرجال سیاسی پیشنهاد کرده ومیکنند که‌درانتخابات پارلمانی بجای رأی فردی رأی خانوادگی(۱) معمول گردیده ورئیس خانواده به‌نسبت عدهٔ افرادخانواده خودحق رأی داشته‌باشد. رأی خانوادگی بین نویسندگان و رجال سیاسی فرانسه طرفدار بسیار دارد زیرا بدین‌وسیله میخواهند موجبات ازدیاد جمعیت فرانسه را که افزایش قابل ملاحظه‌ای نشان نمیدهد فراهم سازند . رأی خانوادگی‌اهمیت نظری داشته وتابحال درهیچیك از ممالك دنیا عملی نگردیده است . موضوع رأی متعدد درمجلس مؤسسان اخیر فرانسه مطرح واکثرنمایندگان آنرا منافی بااصل انتخابات مساوی دانسته وازقبول آن خودداری کردند .

انتخابات کلی و فرعی

بموجب ماده ۳٦ قانون انتخابات ٥ اکتبر۱۹٤٦ نمایندگان مجلس ملی برای مدت ٥ سال‌انتخاب‌میشوند . شصت‌روزمانده به‌آخردورهٔ قانونگذاری‌فرمان تجدید انتخابات ازطرف رئیس جمهور صادر میشود و درپنجمین یکشنبه از تاریخ انتشار فرمان ریاست جمهورانتخابات باید انجام یابد (ماده٦ قانون۱٦ ژوئن۱۸۸٥ وماده٤ قانون انتخابات مورخ ٥ اکتبر ۱۹٤٦) .

درصورت انحلال مجلس ملی انتخابات لااقل ۲۰ روز و حداکثر ۳۰ روز ازتاریخ صدورفرمان انحلال بعمل آمده و نمایندگان جدیدالانتخاب باید درسومین سه شنبه بعدازانتخابات اولین جلسه مجلس را تشکیل دهند (ماده ٥۲ قانون اساسی ۱۹٤٦) .

درصورت ابطال انتخابات یکی‌ازحوزه‌ها انتخاب‌نمایندگان جدیدآن حوزه درظرف۲ ماه ازتاریخ ابطال عملیات انتخاباتی بعمل میآید (ماده۱۸ قانون انتخابات ٥ اکتبر ۱۹٤٦) .

۱- vote familial.

چنانچه درحوزه‌هائیکه انتخابات فردی است یکی از نمایندگان مجلس ملی استعفا کند، فوت شود یا بعلل وجهاتی ازمجلس بر کنار شود وبیش‌از ٦ ماه به‌آخر دوره قانونگذاری باقی باشد بجای او نماینده دیگرانتخاب میشود. (ماده ١٦ قانون ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ وماده ۷ قانون ۱٦ ژوئن ۱۸۸۵).

درصورت فوت استعفایاعدم صلاحیت یکی‌از نمایندگان حوزه‌ایکه انتخابات جمعی‌رامعمول‌میدارد کسی که پس‌از نماینده مزبورجزء لیست مربوطه میباشد تاآخر دورهٔ قانونگذاری نماینده میشود (قانون ٥ اکتبر ۱۹٤٦).

اعلام نامزدی

درقسمت اعظم ممالك معمول این است که چند روز قبل‌از انتخابات پارلمانی داوطلبان‌وکالت شخصاً یابوسیله عده‌ای ازهم‌مسلکان خوداعلام‌نامزدی (۱) میکنند. داوطلبان‌نمایندگی در پارهٔ ممالك‌بوزارت کشورودر برخی کشورها به‌فرمانداری یا انجمن‌نظارت‌انتخابات‌اعلام‌نامزدی‌مینمایند. بدیهی‌است‌چنانچه‌شخصی که‌اعلام‌نامزدی میکند از لحاظ تابعیت، سن،محکومیت یاعلل‌وجهات‌دیگر واجدشرائط انتخاب‌شدن نباشددراین‌مورد مقامات مربوطه حق‌و وظیفه‌دارند که به تقاضای‌وی‌ترتیب‌اثر نداده ازثبت اسم اوخودداری کنند. اثرقانونی اعلام نامزدی این‌است که فقط اشخاصی‌را میتوان‌بوکالت انتخاب نمود که درموعد مقرراعلام‌نامزدی کرده واسامی‌آنها بعنوان نامزد نمایندگی به ثبت رسیده باشد واگر در یك حوزه انتخاباتی یکنفر بدون ثبت نام اکثریت آراء را بدست‌آوردآراء اوباطل شناخته میشود. منظورازاعلام‌نامزدی این است که بانتخاب‌کنندگان فرصت و مجال تعمق و بررسی درصلاحیت داوطلب نمایندگی وبرنامه وی داده شودبعلاوه براثراعلام‌نامزدی سهولت ونظمی درشمارش آراء حاصل‌میشود. بموجب قانون انتخابات‌مصوب ٥ اکتبر۱۹٤٦ فرانسه‌داوطلبان نمایندگی ملزمند ۲۱ روز لااقل قبل‌از تاریخ انتخابات به فرمانداری حوزه مربوطه اعلام نامزدی کنند. هیچکس‌نمیتواند در چندحوزه انتخاباتی‌خودرانامزد نمایندگی کند. چنانچه درموضوع اعلام نامزدی اختلافی بین فرماندار و داوطلب وکالت پیش‌آید دراین صورت وی میتواند به شورای ولایتی شکایت کند. شورای ولایتی

۱- déclaration de candidature

موظف است در ظرف سه روز از تاریخ وصول عرضحال مورد اختلاف را رسیدگی کرده و تصمیم قطعی اتخاذ و به شاکی اعلام کند. درظرف ۴۸ ساعت از تاریخ اعلام نامزدی داوطلب وکالت ملزم است مبلغ ۲۰۰۰۰ فرانك ودیعه نقدی به پیشکار دارائی حوزه انتخاباتی تسلیم کند واین وجه فقط در صورتی قابل استرداد است که کاندیدا های معرفی شده لااقل سه صدم آراء مأخوذه را بدست بیاورند.

تبلیغات انتخاباتی

بموجب فصل پنجم (مواد ۲۴ الی ۳۷) قانون انتخابات مورخ ۵ اکتبر ۱۹۴۶ احزاب سیاسی که طبق مواد ۵ تا ۷ قانون مزبور اعلام نامزدی کرده‌اند حق دارند:

۱- بمنظور معرفی نامزدهای خود و استماع اظهارات آنها اجتماعاتی تشکیل دهند.

۲- بارعایت مقررات مندرج درقانون انتخابات اعلاناتی درملاء عام نصب کنند وهمچنین بیانیه واوراق رأی (۱) برای انتخاب کنندگان ارسال دارند.

۳- بموجب امریه مورخ ۲۶ آوریل و ۲۵ اکتبر ۱۹۴۶ رئیس دولت موقت فرانسه، به احزاب سیاسی اجازه داده شده است که با رعایت اصل تساوی از دستگاه رادیو استفاده کنند.

بمنظور نظارت درعملیات تبلیغاتی احزاب سیاسی در هریك از حوزه های انتخاباتی کمیسیونی مرکب از رئیس محکمه حقوقی پیشکار دارائی نماینده وزارت پست و نماینده فرمانداری وغیره تشکیل میشود. هزینه تبلیغات انتخاباتی لیستهائیکه سه صدم آراء را تحصیل کرده‌اند بعهده دولت است.

تقسیم کرسیهای مجلس وطریقهٔ انتخابات

بموجب قانون انتخابات مصوب ۵ اکتبر ۱۹۴۶ وقوانین تکمیلی مورخ ۷ اکتبر ۱۹۴۶ و اول آوریل ۱۹۴۸ عدهٔ نمایندگان مجلس ملی بالغ بر ۶۲۲ نفر میباشد که ۵۴۴ نفر را ولایات فرانسه اصلی (۲) ۳۰ نفر را ۳ ولایت الجزایر ۱۰ نفر را

۱- bulletin de vote

۲- France métropolitaine

٤ مستعمره گوآدلوپ (۱) مارتینیك (۲) گیان (۳) وره اونیون (٤) وبقیه ۳۸ نفررا سایر متصرفات و نواحی تحت قیمومت فرانسه انتخاب میکنند . در فرانسه اصلی هر ولایتی یك حوزه تشکیل میدهد بجز ۷ ولایت وسیع و پر جمعیت سن (٥) نر(٦) بوش دورون (۷) پادوکاله (۸) رون (۹) سن‌سفلی (۱۰) وسن اواآز (۱۱) که‌هریك به چند حوزه تقسیم میشود . شهر پاریس به ۳ حوزه تقسیم شده و ۲٥ نفر نماینده انتخاب میکنند . حومه پاریس نیز به ۳ حوزه تقسیم و ۲٥ وکیل به مجلس ملی میفرستد .

طریقه انتخابات درتمام حوزه ها یکنواخت نیست بدین معنی که درولایات اروپائی‌فرانسه وچهارمستعمره‌مذکوردرفوق انتخابات جمعی(۱۲)است درصورتیکه درسایرحوزه‌هاانتخابات فردی(۱۳)بوده ودرهریك‌ازآنهایك‌نماینده‌انتخاب میشود .

انتخابات دریکروز (یکشنبه) ازساعت ۸ صبح تا ٦ بعداز ظهر بعمل میآید . درمرکزهریك ازبلوکات (۱٤) جزء حوزه انتخاباتی یك دفتررأی (۱٥) دائرمیشود ولـی فرمانـدار میتواند بلوکهای وسیع و پرجمعیت را به چند قسمت تقسیم نموده ودرهریك ازآنها یك دفتررأی دائرکند . برای نظارت دررأی دادن وشمارش آراء مأخوذه درهریك ازدفاتر رأی کمیسیونی بریاست شهردار یا دهدار وعضویت چهار نفر عضوشورای شهر (شورای‌دهستان) یادو نفرازمسن‌ترین ودو نفرهم ازجوانترین رأی‌دهندگان تشکیل‌میشود . کمیسیون مزبور باحضور نمایندگان احزاب ودستجاتی کـه در انتخابـات شرکت میکنند اوراق رأی را از صندوق آراء استخراج نموده وشماره‌اوراق متعلق به هریك‌ازلیستهای‌معرفی‌شده‌رادرصورت مجلس‌ثبت میکنند . درمرکزهرحوزه انتخاباتی کمیسیونی موسوم بکمیسیون شمارش آراء (۱٦)

---

۱ — Guadeloupe
۲ — Martinique
۳ — Guyane
٤ — Réunion
٥ — Seine
٦ — Nord
۷ — Bouches du Rhône
۸ — Pas - de- Calais
۹ — Rhône
۱۰ — Seine - Inférieure
۱۱ — Seine - et — Oise
۱۲ — vote plurinominal ou scrutin de liste
۱۳ — vote uninominal
۱٤ — commune
۱٥ — bureau électoral
۱٦ — commission de recensement

مرکب از رئیس محکمه حقوقی ، دو نفر قاضی بانتخاب رئیس کل محاکم استیناف، یك عضو شورای ولایتی و یك نماینده فرمانداری تشکیل میشود . این کمیسیون وظیفه دارد که پس از شمارش آراء مأخوذه در تمام حوزه نتیجه انتخابات را اعلام کند .
درحوزه هائیکه انتخابات جمعی است کرسیها به نسبت آرائیکه هریك از احزاب بدست آورده‌اند تقسیم میشود . فرض کنیم در یك حوزه که پنج نفر نماینده انتخاب میکنند ۱۶۰۰۰۰ نفر رأی میدهند . برای تشخیص «خارج قسمت انتخاباتی» باید عدهٔ رأی دهندگان را بر تعداد کرسیها تقسیم کرد .

$$\frac{۱۶۰۰۰۰}{۴} = ۴۰۰۰۰$$

فرض کنیم چهار حزب آراء ذیل را بدست آورده‌اند :

۱ـ لیست نهضت جمهوری مردم ۶۵۰۰۰

۲ـ لیست رادیکال سوسیالیست ۴۵۰۰۰

۳ـ لیست کمونیست ۳۰۰۰۰

۴ـ لیست سوسیالیست ۲۰۰۰۰

نظر باینکه لیست نهضت جمهوری مردم ۶۵۰۰۰ رأی تحصیل کرده است کرسی اول به لیست مزبور داده میشود و کرسی دوم به لیست رادیکال سوسیالیست که دارای ۴۵۰۰۰ رأی میباشد واگذار میگردد و چون لیست کمونیست و لیست سوسیالیست اولی فقط ۳۰۰۰۰ ودومی ۲۰۰۰۰ رأی دارند ازاین‌رو این دولیست در وهله اول فاقد کرسی میشوند. برای واگذاری کرسیهای باقیمانده باید تعداد آراء هریك ازلیستهای چهارگانه را بر تعداد کرسیهائی که به هریك از آنها داده شده بعلاوه یك تقسیم کرد .

درمثال بالا باید بترتیب ذیل عمل کرد :

لیست نهضت جمهوری مردم . . . . $\frac{۶۵۰۰۰}{۱+۱=۲} = ۳۲۵۰۰$

لیست رادیکال سوسیالیست . . . . $\frac{۴۵۰۰۰}{۱+۱=۲} = ۲۲۵۰۰$

لیست کمونیست . . . . . . $\frac{۳۰۰۰۰}{۱} = ۳۰۰۰۰$

لیست سوسیالیست . . . . $\frac{۲۰۰۰۰}{۱} = ۲۰۰۰۰$

بنابراین کرسی سوم به حزب نهضت جمهوری مردم و کرسی چهارم به حزب کمونیست که دارای زیادترین معدل (۱) میباشند داده میشود و حزب سوسیالیست که دارای فقط ۲۰۰۰۰ رأی میباشد از داشتن نماینده در مجلس محروم میشود. کرسیهای مجلس به همان ترتیبی که اسامی کاندیداها در لیستهای معرفی شده ثبت گردیده است به آنها تعلق دارد.

درحوزه هائیکه انتخابات فردی است بنمایندگی کسانی انتخاب میشوند که دارای اکثریت مطلق یعنی نصف بعلاوه یك آراء مأخوذه میباشند و درصورت عدم حصول اکثریت مطلق انتخابات تجدید میشود و این دفعه برای انتخاب شدن اکثریت نسبی کافی است. ترتیب مذکور درفوق باحزاب میانه‌رو اجازه میدهد که در فاصله دودوراخذ رأی باهم ائتلاف کرده احزاب افراطی را ازداشتن کرسی پارلمانی محروم کنند. طرفداران انتخابات جمعی تناسبی انتخابات فردی با کثریت آراء را برخلاف عدالت اجتماعی دانسته و متذکر میگردند که پارلمان باید نمایندگی تمام مردم را داشته باشد ودرغیر اینصورت یعنی اگرقسمتی مهم از رأی‌دهندگان ازداشتن نماینده درپارلمان محروم گردند قوانین مصوب مورد قبول تمام دستجات مردم واقع نخواهد گردید و بدیهی است که این امر اثرات نامطلوبی ازلحاظ حفظ صلح و آرامش داخلی دربرخواهد داشت. واما هواخواهان ترتیب انتخابات فردی با کثریت آراء اینطور استدلال میکنند که درنتیجه اجرای انتخابات جمعی تناسبی فراکسیونهای متعدد درپارلمان تشکیل خواهد یافت واین امر مانع ازایجاد اکثریت ثابت وقوی خواهد گردید که نتیجتاً دولت دائماً و همیشه متزلزل گردیده و نخواهد توانست دست باصلاحات اساسی که مستلزم مجال و فرصت کافی میباشد بزند. انتخابات فردی با کثریت آراء که درانگلستان و ممالك متحده امریکای شمالی معمول میباشد مؤید این مدعی است.

مبحث دوم

انتخابات شورای جمهوری

ماده٦ قانون اساسی۱۹٤٦ راجع به‌طریقه انتخاب نمایندگان شورای جمهوری چنین مقرر میدارد:

۱ – La plus forte moyenne

« شورای جمهوری را هیئت‌های بلوکی و ولایتی از طریق انتخابات عمومی غیرمستقیم تعیین میکنند معذلك خود مجلس میتواند قسمتی از اعضای شورای جمهوری را انتخاب کند بشرط اینکه عده‌ایکه از طرف مجلس مزبور تعیین میشود از یك ششم مجموع نمایندگان شورای نامبرده تجاوز نکند. شورای جمهوری نباید کمتر از ۲۵۰ و بیشتر از ۳۲۰ نماینده داشته باشد ».

ماده مورد استناد دورهٔ نمایندگی شورای جمهوری را معین نمیکند ولی مقرر میدارد که انتخاب نصف نمایندگان شورای مزبور در ظرف مدتی که قانون معین خواهد کرد تجدید میشود. ماده ٦ قانون اساسی به ذکر این چند نکته اکتفا کرده حل و فصل سایر مسائل مربوط به انتخابات شورای جمهوری را به قانون انتخابات موکول نموده بود. قانون مورد نظر در ۲۷ اکتبر ۱۹٤٦ به تصویب مجلس ملی (مؤسسان) رسید و اولین شورای جمهوری مطابق همین قانون انتخاب شد و نظر بماده ۱۰۲ قانون اساسی شورای مزبور بایستی یکسال بعد از تجدید انتخابات شوراهای بلوکی تجدید شود و شوراهای اخیرالذکر هم قرار بود در ظرف یکسال از تاریخ انتشار قانون اساسی جدید انتخاب شود.

قانون انتخابات ۲۷ اکتبر ۱۹٤٦

بموجب قانون انتخابات ۲۷ اکتبر ۱۹٤٦ شورای جمهوری دارای ۳۱۵ نفر عضو بود بشرح زیر :

۱- ۲۰۰ نفر که هیئت‌های محلی ولایات اروپائی فرانسه و چهار ولایت مارتینیك و گوآدلوپ و گیان وره او نیون انتخاب میکردند.

۲- ۵۰ نفر که مجلس ملی تعیین میکرد.

۳- ۵۱ نفر که از طرف شوراهای ولایتی فرانسه اروپائی و ٤ مستعمره فوق‌الذکر و نواحی ماوراء بهار انتخاب میشدند.

٤- ۱٤ نفر را هیئت‌های محلی الجزایر انتخاب مینمودند.

در فرانسه اصلی هیئت‌های محلی را اشخاص ذیل تشکیل میدادند :

۱- نمایندگان ولایت مربوطه در مجلس ملی.

۲- اعضای شورای ولایتی.

۳ـ نمایندگان بلوکات از قرار یك نماینده برای هر سیصد نفر که حق رأی داشتند .

درحوزه‌هائیکه یکنفر نماینده انتخاب میشد انتخابات با کثریت نسبی آراء (۱) بعمل میآمد و درحوزه‌هائیکه بیشتر از یك نماینده انتخاب میشد انتخابات تناسبی بود معذلك درقسمت اعظم مستعمرات و نواحی تحت قیمومت فرانسه انتخابات با کثریت آراء بعمل میآمد ولو اینکه بیشتر از یك نماینده انتخاب میکردند .

چون قانون انتخابات ۲۷ اکتبر ۱۹٤٦ کمتر از ۲ سال دوام داشته و شامل فقط انتخابات دوره‌اول شورای جمهوری بود ازاین‌رو به‌نکات مذکوردرفوق اکتفا نموده به توضیح و تشریح قانون انتخابات ۲۳ سپتامبر ۱۹٤۸ که فعلا مجری است میپردازد .

قانون انتخابات ۲۳ سپتامبر ۱۹٤۸

باتوجه بمدلول ماده ۱۰۲ قانون اساسی که فوقاً بیان گردید در ۲۳ سپتامبر ۱۹٤۸ قانون انتخابات جدید شورای جمهوری به‌تصویب رسید . قانون انتخابات ۱۹٤۸ حداکثر تعداد کرسیهای مقرردر ماده ٦ قانون اساسی (۳۲۰ کرسی) رابشرح زیر بین ولایات اروپائی ومستعمرات وسایر متصرفات فرانسه تقسیم نموده‌است :

۱ـ ولایات اروپائی فرانسه و چهار ولایت‌مارتینیك وگوآدلوپ و گیان وره‌او نیون ۲۵۳ کرسی

۲ـ ۳ولایت‌الجزایر [الجزیره (۲)ـ اوران (۳) ـ کنستانتین(٤)] ۱٤ «

۳ـ متصرفات ماوراء بهار وسرزمینهای تحت قیمومت فرانسه ٤٤ «

٤ـ اتباع فرانسه مقیم مراکش . . . . . . ۳ «

۵ـ اتباع فرانسه مقیم تونس . . . . . . ۲ «

٦ـ اتباع فرانسه مقیم هندوچین . . . . . . ۱ «

۷ـ اتباع فرانسه مقیم ممالك خارجه . . . . . . ۳ «

طریقه انتخاب نمایندگان شورای جمهوری درحوزه های مختلف یکسان نیست بدین‌معنی که درهریك ازولایات اروپائی و ٤ولایت مذکوردرفوق(مارتینیك ،

۱ـ majorité relative

۲ـ Alger

۳ـ Oran

٤ـ Constantine

گوآدلوپ، گیان، ره‌اونیون) بمنظور انتخاب اعضای شورای جمهوری هیئتی مرکب از نمایندگان آن ولایت درمجلس ملی و کلیه اعضای شورای ایالتی و نمایندگان شوراهای بلوکی تشکیل میشود. عدهٔ نمایندگانیکه شوراهای بلوکی انتخاب میکنند باعده‌سکنه آن بلوکات مطابقت‌دارد. شرکت درانتخابات نمایندگان شورای جمهوری الزامی است.

انتخابات نمایندگان الجزایر و مستعمرات و سرزمینهای تحت قیمومت فرانسه و وکلای اتباع فرانسه مقیم تونس‌ومراکش‌وممالك خارجه تابع مقررات ذیل است:

از ۱۴ نماینده ۳ ولایت الجزایر ۷ نفررا فرانسویان مقیم آن ولایات و بقیه ۷ نفر را بومیان انتخاب میکنند.

اتباع‌فرانسه‌مقیم‌تونس دو نماینده از بین‌خودشان انتخاب و بوسیله پست‌اسامی آنها را به وزارت کشورفرانسه اطلاع‌میدهند. نامه ارسالی درپاریس باز و اسامی نمایندگانیکه حائز اکثریت میباشند اعلام میشود.

انتخاب ۳ نفر نماینده اتباع فرانسه مقیم مراکش با مجلس ملی است و نیز مجلس ملی از بین اتباع فرانسه مقیم هندوچین یك نفروفرانسویان‌مقیم‌خارجه‌سه‌نفر رابعضویت شورای جمهوری‌تعیین میکنند.

انتخاب نمایندگان متصرفات ماوراء بهار و سرزمینهای تحت قیمومت فرانسه بوسیله هیئتهائی مرکب‌ازاعضای مجالس محلی و نمایندگان‌آن مستعمرات و نواحی تحت قیمومت فرانسه درمجلس ملی، بعمل میآید.

بطوریکه دربالا متذکر گردید از ۳۲۰ نفرنماینده شورای جمهوری مجلس ملی فقط ۷ نفر را بعضویت شورای مزبور تعیین میکند. و اما چون ماده ۶ قانون اساسی به مجلس ملی حق‌داده‌است که‌حداکثر یك‌ششم نمایندگان‌شورای جمهوری را انتخاب کند مجلس مزبور میتواند ماده مربوطه قانون انتخابات مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۸ را مورد تجدیدنظر قرارداده وبیشتراز ۷ نفربعضویت شورای مورد بحث انتخاب کند.

شرائط انتخاب شدن بعضویت شورای جمهوری

بموجب ماده ٤ قانون انتخابات مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹٤۸ برای انتخاب شدن به عضویت شورای جمهوری داشتن ۳۵ سال عمر ضروری است درصورتیکه برای عضویت مجلس ملی ۲۳ سال تمام کافی است . بعضی اشخاص منجمله افرادذیل از انتخاب شدن بطورمطلق محرومند :

۱ ـ بموجب ماده ٤ قانون اساسی ۱۹٤٦ اشخاصیکه طبق احکام قطعی دادگاهها از حقوق مدنی وسیاسی محروم گردیده اند حق شرکت درانتخابات مجلس ملی را نداشته وبطریق اولی نمیتوانند به عضویت مجلس مزبور وشورای جمهوری انتخاب شوند .

۲ـ کسانیکه تابعیت فرانسه را قبول کرده انددرظرف ده سال از تاریخ صدور فرمان تابعیت از انتخاب شدن بعضویت مجالس محرومند (قانون تابعیت مورخ ۲٦ ژوئن ۱۸۸۹) .

۳ـ افراد خانواده بوربون وناپلئون (قانون مورخ ۱٦ ژوئن ۱۸۸۵ و قانون ۲۲ ژوئن ۱۸۸٦) .

٤ـ نمایندگان مجالس سابق فرانسه که درجلسه مورخ دهم ژوئیه مجلس ملی (مؤسسان) اختیارات فوق العاده به مارشال پتن داده بودند (قانون مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹٤٦) .

۵ـ نمایندگانیکه اعتبارنامه های آنها رد شده و خودشان باتهام تخلف درانتخابات محکوم شده اند در ظرف دوسال از تاریخ عدم تصویب اعتبارنامه خود نمیتوانند بنمایندگی انتخاب شوند (قانون ۳۱ مارس ۱۹۱٤) .

٦ ـ اشخاصیکه مقررات نظام وظیفه را انجام نداده اند (قانون ۳۱ مارس ۱۹۲۸) .

پاره ای ازمأمورین کشوری و نظامی وقضات از انتخاب شدن درمحل مأموریت خود ممنوع میباشند ولی درحوزه های دیگر میتوانند به عضویت شورای جمهوری ومجلس ملی انتخاب شوند . علت این محرومیت آنست که مأمورین مزبور نتوانند درمحل خدمت خود رأی دهندگان را تحت تأثیر قرارداده بنمایندگی انتخاب شوند واماسایر مستخدمین دولت میتوانند درمحل مأموریت خود یا یکی ازحوزه های دیگر

قبول نمایندگی کنند ولی باید درظرف ۸ روز از تاریخ تصویب اعتبارنامه خود تقاضای انتظارخدمت نمایند وگرنه منتظر خدمت شناخته شده ودر نمایندگی باقی میمانند و درتمام مدت نمایندگی حق ارتقای رتبه وحق دریافت حقوق بازنشستگی برای آنهامحفوظ میباشد منتهادرعین زمان نمیتوانند هم مقرری ازشورای جمهوری یا مجلس ملی وهم حقوق ازخزانه دولت دریافت دارند . چنانچه یکنفر نماینده شغل دولتی قبول کند اجباراً ازنمایندگی مستعفی میشود . بعلاوه بقسمیکه دربالا متذکر گردیدار باب صنایع و تجاریکه بادولت قراردادهای مقاطعه کاری منعقد کرده اندیا روابط مالی دیگر بادولت دارند وهمچنین مدیران و بازرسان بانکهای پس انداز نمیتوانند باحفظ شغل خوددر مؤسسات مزبور وظائف نمایندگی راانجام دهند. دلیل این مانعةالجمعی آنست که اشخاص نتوانند از مقام نمایندگی سوء استفاده کرده درادارات دولتی عملیاتی بضرردولت انجام دهند وهمچنین مدیران و بعضی کارکنان مؤثر مؤسسات ملی شده که بمنزله مستخدمین دولت میباشند مجاز نیستند عضویت شورای جمهوری ومجلس ملی را عهده‌دار شوند مگر اینکه بعداز تصویب اعتبارنامه خود از شغل خویش درمؤسسات مزبور استعفا بدهند .

ناگفته نماند که بموجب ماده ۲٤ قانون اساسی ۱۹٤٦ هیچکس نمیتواند درعین زمان نمایندگی مجلس ملی و شورای جمهوری را داشته باشد و همچنین نمایندگان مجالس مزبور مجاز نیستند عضویت شورای اقتصادی و مجمع اتحاد فرانسه را قبول کنند .

فعالیت انتخاباتی داوطلبان نمایندگی شورای جمهوری

اشخاصیکه درانتخاب نمایندگان شورای جمهوری شرکت میکنند مجازند بعدازصدورفرمان انتخابات اجتماعاتی تشکیل دهند. دراین اجتماعات نمایندگان حوزه مربوطه درمجلس ملی واعضای شورای ولایتی و نمایندگان شوراهای بلوکی همان حوزه وهمچنین داوطلبان عضویت شورای جمهوری میتوانند شرکت کنند ومقامات مربوطه وظیفه دارند که ازشرکت افراد دیگر دراجتماعات مزبور جلوگیری نمایند (مواد۳۳و ۳٤ قانون انتخابات مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹٤۸ شورای جمهوری) . داوطلبان نمایندگی شورای جمهوری ملزمند ده هزار فرانك ودیعه به پیشکار دارائی حوزه

مربوطه تسلیم کنند واین ودیعه درصورتی قابل استرداد است که داوطلب نمایندگی لااقل پنج صدم مجموع آراء مأخوذه‌را بدست بیاورد. ازمحل‌مزبور بیانیه‌های(۱) کاندیداها وهمچنین اوراق رأی (۲) چاپ وتوزیع میشود.

اعلام نامزدی

درحوزه‌هائیکه چهارنفریابیشتر به عضویت شورای جمهوری انتخاب میشود داوطلبان جزء یك لیست ملزمند به‌فرمانداری اعلام‌نامزدی کنند. عدهٔ اشخاص جزء یك لیست نباید بیشتریا کمتراز عده کرسیهای متعلق به‌حوزه مربوطه‌باشد. دراعلام نامزدی اسامی و تاریخ و محل تولد داوطلبان و ترتیب معرفی (۳) باید قید شود. هیچکس‌نمیتواند درچند لیست خودرا داوطلب نمایندگی معرفی کند ونیزهیچکس نمیتواند درچند حوزه کاندیدا بشود. اعلام نامزدی نه‌تنها شامل انتخابات جمعی‌است بلکه درانتخابات فردی نیز داوطلبان ملزمند نامزد بودن خود را به فرمانداری اعلام کنند.

کیفیت استخراج وشمارش آراء وتشخیص انتخاب شدگان

درمرکزهریك از حوزه‌های انتخاباتی هیئتی بریاست رئیس محکمه حقوقی وعضویت‌دو نفرقاضی‌بانتخاب رئیس کل محاکم استیناف ودو نفرازمسن‌ترین اعضای شورای ولایتی تشکیل میشود. هیئت مزبور کلیه‌رأی‌دهندگان را به‌چنددسته تقسیم میکند که هریك ازآن دسته‌ها باید لااقل صد نفر انتخاب کننده داشته باشد. هیئت مذکور رؤسای شعب‌را تعیین وکلیه مشکلات حاصله‌ازانتخابات وهمچنین‌اعتراضات رأی‌دهندگان را حل‌وفصل میکند. درحوزه‌هائیکه چهار یا بیشتر نماینده انتخاب میشودانتخابات تناسبی‌است‌وتقسیم کرسیها بین‌احزاب سیاسی‌تابع‌همان مقرراتی‌است که درانتخابات مجلس ملی معمول میباشد. درحوزه‌هائیکه کمتر از چهار نماینده انتخاب میشود برای انتخاب شدن اکثریت مطلق‌آراء مأخوذه وربع آراء ثبت شده درلیست رأی‌دهندگان ضروری‌است. درصورت عدم‌حصول‌اکثریت مذکوردرفوق انتخاب اعضای شورای جمهوری تجدید میشود و درانتخابات ثانوی اکثریت نسبی

۱– circulaire

۲– bulletin de vote

۳– ordre de présentation

کافی است ودرصورت تساوی آراء کسیکه سنش بیشتراست نماینده میشود . شمارش آراء بوسیله هیئت نظارت انتخابات بعمل آمده و نتیجه آن فی المجلس اعلام میشود . داوطلبان نمایندگی شورای جمهوری حق دارند هنگام استخراج و شمارش آراء درجلسه انجمن نظارت انتخابات حضور بهمرسانند . انتخابات شورای جمهوری نیز دریکروز بعمل میآید .

درصورت فوت، استعفاء یاعدم تصویب اعتبار نامه یکی از نمایندگان حوزه ایکه چهار کرسی یا بیشتر درشورای جمهوری دارد از لیست مربوطه کسیکه اسم او بلافاصله پس از نام عضو متوفی وغیره ثبت شده باشد بنمایندگی معین میشود . چنانچه حوزه انتخاباتی کمتر از چهار کرسی درشورای جمهوری داشته باشد انتخاب جانشین نماینده متوفی ، مستعفی یا نماینده ایکه اعتبار نامه او تصویب نشده است در ظرف دوماه تجدید میشود .

فصل هفتم

مصونیت‌های پارلمانی(۱) ـ مقرری نمایندگان(۲) ـ رسیدگی باعتبارنامه‌ها(۳)

مبحث اول

آزادی نطق و رأی ـ مصونیت از تعرض

اصولا نمایندگان پارلمان مانند اشخاص دیگر تابع قوانین وداد گاهها میباشند ولی برخلاف این اصل قوانین ممالك مختلف امتیازات خاصی برای اعضای مجالس قائل میشوند. منظور ازاعطای این امتیازات آن است که نمایندگان ملت بتوانند در کمال آزادی و بدون هیچگونه خوف ونگرانی وظائف نمایندگی را انجام دهند. امتیازاتیکه قوانین دول مختلف برای نمایندگان پارلمان قائل میشوند عبارت است از آزادی نطق و رأی (٤) و مصونیت از تعرض (٥). مواد ۲۱ و ۲۲ قانون اساسی ١٩٤٦ فرانسه دواصل مذکوردرفوق را بشرح زیرقبول واعلام کرده است:

ماده ۲۱

« هیچیك از نمایندگان پارلمان را نمیتوان بعلت نظریاتی که درحین انجام وظائف نمایندگی اظهارمیدارند ورأییکه میدهند دستگیروبازداشت نموده ومورد تعقیب ومحاکمه قرارداد ».

با توجه باین اصل که درتمام ممالك دنیا معمول و مجری است نمایندگان با آزادی خلل ناپذیر میتوانند درجلسات عمومی مجالس و شعب (٦) و کمیسیونهای پارلمانی اظهاراتی نمایند و رأی دهند بقسمیکه مقامات رسمی و مأمورین دولت واشخاص ثالث ومؤسسات وغیره نماینده‌ای رابواسطه نطقی که درپارلمان ایرادنموده ورأیی که داده‌است نه دردورهٔ قانونگذاری و نه بعدازانقضای مدت نمایندگی مورد تعقیب جزائی وحقوقی قرار دهند مثلا یکنفر نماینده باآزادی خلل ناپزیرمجاز است

۱ــ immunités parlementaires
۲ــ indemnité parlementaire
۳ــ vérification des pouvoirs
٤ــ irresponsabilité
٥ــ inviolabilité
٦ــ bureau

از پشت تریبون مجلس مردم را به شورش و انقلاب تحریك یا به وزراء و مأمورین دولت توهین کند یا راجع به مؤسسات بانکی و مؤسسات مالی و اقتصادی دیگر اظهارات خلاف واقع نموده باعث تزلزل اعتبار و تنزل قیمت سهام آنها گردد. بدیهی است عدم مسئولیت برای نطق و رأی مانع از این نیست که مجالس ملی و شورای جمهوری طبق نظامنامه‌های داخلی خود نمایندگانی را که به وزراء یا سایر مأمورین و اشخاص توهین میکنند یا آنها را تهدید مینمایند و یا بوسایل دیگر باعث بی نظمی مجالس میگردند مورد مؤاخذه قرار دهند.

نمایندگان برای اظهاراتیکه در خارج از مجالس مقننه میکنند و مطالبیکه راجع بمسائل سیاسی و اقتصادی وغیره در روزنامها و مجلات و نشریات دیگر درج مینمایند مسئول میباشند زیرا در خارج از پارلمان نطق ایراد کردن و یا در مطبوعات مقاله نوشتن ناشی از انجام وظائف نمایندگی نبوده و بنابراین مشمول اصل عدم مسئولیت مقرر در ماده ۲۱ قانون اساسی نمیباشد.

راجع به مصونیت از تعرض ماده ۲۲ قانون اساسی چنین مقرر میدارد:

« بجز مورد جرائم مشهوده هیچیك از نمایندگان پارلمان را نمیتوان در مدت وکالت باتهام جنایت یا جنحه دستگیر و تعقیب نمود مگر با اجازه مجلسی که متهم عضویت آنرا دارد. حبس و تعقیب متهم بنا به تقاضای مجلسی که وی عضو آن است معلق میگردد ».

منظور از مصونیت از تعرض موضوع ماده فوق‌الذکر این است که مقامات مربوطه نتوانند ببهانه ارتکاب جنحه یا جنایت مخالفین خودرا مورد تعقیب قرارداده بدینوسیله آنهـا را از پارلمان طرد کنند. ماده مورد استناد که مطابقت تام و کامل باقوانین سایر ممالك دارد شامل فقط جنایت و جنحه میباشد و نمایندگانی را که مرتکب امور خلاف میشوند میتوان بدون اجازه مجلس مربوطه تعقیب نمود چه مجازاتی که برای امور خلاف مقرر گردیده است معمولا عبـارت از جریمه جزئی و چند روز حبس تکدیری بوده و بهیچوجه نمیتوانند با انجام وظائف نمایندگی مباینت داشته باشد.

نظر بماده ۲۲ قـانون اسـاسی فرانسه مصونیت از تعرض شامل تمـام دورهٔ نمایندگی است و نه ایام اشتغـال بدین معنی کـه اگر نماینده یکی از مجالس در ایام تعطیل پارلمان مرتکب جنایت یا جنحه بشود او را نمیتوان دستگیر و تعقیب نمود درصورتیکه بموجب قانون اساسی ۱۸۷۵ و قوانین قسمت اعظم ممالك کنونی دنیا

مصونیت از تعرض در تمام مدت نمایندگی مجری نبوده بلکه شامل فقط ایام اشتغال مجالس میباشد .

بموجب ماده ۲۲ مورد بحث چنانچه مقامات انتظامی نماینده یکی از مجالس را درحین ارتکاب جنحه یا جنایت تعقیب و دستگیر نمایند مقامات مربوطه ملزم خواهند بود رئیس مجلس را که متهم عضو آنست مستحضر سازند و مجلس حق خواهد داشت استخلاص موقت و کیل متهم و تعلیق تعقیب و محاکمه اورا تا آخر دوره قانونگذاری تقاضا کند .

مبحث دوم

مقرری نمایندگان مجالس مقننه

سابق براین موضوع مقرری نمایندگان پارلمان مورد بحث بود بدین‌معنی که جمعی از علمای حقوق اساسی و رجال سیاسی بر آن عقیده بودند که نمایندگی پارلمان شغلی نیست که اشخاص آنرا وسیله تأمین معاش قراردهند و بنابراین شایسته نیست که نمایندگان از خزانه دولت حقوق بگیرند بلکه بهتراست با عایدات شخصی خود اعاشه کنند بعلاوه پیروان این نظریه میگفتند که باعدم دریافت مقرری نمایندگان مجالس ثابت میکنند که برای خدمت به کشور و نه برای دریافت حقوق، وکالت ملت را قبول کرده‌اند. واما درعصر حاضر تمام حقوقدانان و سیاسیون نظر مزبور را رد کرده چنین استدلال میکنند که اگر نمایندگان ملت مقرری دریافت نکنند دراینصورت اشخاصیکه تمول شخصی ندارند از انتخاب شدن به عضویت پارلمان محروم خواهند گردید که درنتیجه متمولین بنمایندگی انتخاب شده و از ثروت خود دفاع خواهند کرد . باتوجه باین نکته غیرقابل تردید تقریباً در تمام ممالك دنیا اعضای مجالس مقننه اعم از مجلس مبعوثان و مجلس سنا از خزانه دولت مقرری دریافت میدارند بعلاوه بنمایندگان ولایات هزینه سفر تأدیه میشود . درغالب ممالك اعضای مجالس ماهیانه مقرری ثابتی میگیرند درصورتیکه در بعضی کشورها مقرری برای هرجلسه داده میشود . در بعضی ممالك ازجمله برزیل نمایندگان مجلس مبعوثان و مجلس سنا علاوه برمقرری ثابت درمقابل هردفعه حضور حق‌الزحمه معینی (۱)

---

۱ – jeton de présence

دریافت میدارند (ماده ۲۷ قانون اساسی ۱۹٤٦ برزیل).

در تمام ادوار تاریخ سیاسی فرانسه باستثنای دورهٔ قوانین اساسی ۱۸۱٤ و ۱۸۳۰ نمایندگان پارلمان از خزانه دولت مقرری دریافت میداشتند. بموجب ماده ٦۸ قانون اساسی ۱۷۹۵ میزان سالیانه مقرری نمایندگان هیئت قانونگذاری معادل بهای سی هزار کیلوگرم گندم بود. قانون اساسی ۱۸٤۸ بنمایندگان اجازه نمیداد که از دریافت مقرری امتناع کنند.

طبق ماده ۲۳ قانون اساسی ۱۹٤٦ نمایندگان پارلمان معادل حقوق طبقه مخصوصی از مستخدمین دولت مقرری دریافت میدارند. باتوجه بماده مزبور قانون ٦ ژانویه ۱۹۵۰ مقرری نمایندگان مجلس ملی و شورای جمهوری را معادل حقوق اعضای شورای دولتی(۱) معین کرده است. ٤۲ درصد از مقرری دریافتی نمایندگان مجلسین بابت هزینه نمایندگی محسوب شده و از پرداخت مالیات بردرآمد معاف است. علاوه بردریافت مقرری و معافیت ٤۲ درصد آن از پرداخت مالیات بردرآمد نمایندگان مجالس با پرداخت وجه ناچیز حق مسافرت با راه آهن و حق استفاده از پست و تلگراف و تلفن را دارند. بموجب ماده ۲۷ قانون ۱۹۵۰ ترتیب پرداخت هزینه سفر نمایندگان مستعمرات و سرزمینهای تحت قیمومت فرانسه در مجلس ملی و شورای جمهوری و مجمع اتحاد فرانسه طبق تصمیم هیئت رئیسه هریك از مجالس مزبور داده میشود.

مبحث سوم

رسیدگی به اعتبارنامه های نمایندگان پارلمان

ماده ۸ قانون اساسی ۱۹٤٦ فرانسه که عیناً تقلید از ماده ۱۰ قانون اساسی مؤرخ ۱٦ ژوئیه ۱۸۷۵ میباشد راجع به نحوه رسیدگی باعتبارنامه‌های نمایندگان پارلمان چنین مقرر میدارد:

« هر یك از مجالس حق تشخیص صلاحیت انتخاب شدگان و قانونی بودن انتخابات را دارا میباشد. فقط مجلس مربوطه میتواند استعفای نمایندگان خود را قبول کند».

موضوع رسیدگی به صحت و سقم اعتبارنامه‌های نمایندگان مجالس مقننه مورد بحث میان علمای حقوق و رجال سیاسی میباشد. عده‌ای از حقوقدانان و مردان سیاسی

۱– conseiller d' Etat

معتقدند که رسیدگی باعتبارنامه های نمایندگان باید باخود مجالس باشد زیرا اگر مقامات دیگری بغیر از مجالس در این امر مداخله کنند ممکن‌است تحت تأثیر قرار گرفته من‌غیرحق از تصویب اعتبارنامه‌های مخالفین دولت استنکاف نموده و بدین‌وسیله آنها را ازمجلس طرد کنند .

بعقیدهٔ نویسنده این نظریه قابل‌دفاع نیست بدلیل‌اینکه رسیدگی باعتبارنامه‌های نمایندگان مجالس چه از حیث واجد بودن شرائط انتخاب شدن و چه از نظر مطابقت عملیات انتخاباتی بامقررات قانونی یك امرقضائی است وازاینرو و با توجه باصل‌تفکیك قوا که بموجب آن‌عمال‌یکی ازقوای‌ثلاثه نباید دروظائف دوقوهٔ دیگر دخالت کنندمجالس‌مقننه‌اصولاً صلاحیت‌این کاررانداشته‌وفقط مقامات‌قضائی‌میتوانند این وظیفه را انجام دهند . بعلاوه بطوریکـه سوابق امر گواهی میدهد اگر حق رسیدگی باعتبارنامه‌های نمایندگان به خود مجالس داده شود ممکن است حزب یا احزابیکه در مجلس اکثریت را تشکیل میدهنـد مخالفین مؤثر ومتنفذ خود را که انتخاب آنان صحیح بوده و خودشان واجد شرائط قانونی میباشند از پارلمان طرد کنند و بالعکس اعتبارنامه های طرفداران و هم مسلکان خود را که انتخاب آنها برخلاف قانون صورت گرفته‌وخودآنها واجدشرائط انتخاب شدن نمیباشند تصویب کنند. ترتیب‌مزبور علاوه برمعایب‌مندرج بالااین‌عیب‌را نیزدارد که‌پس‌از تجدیدانتخابات وافتتاح‌دوره تقنینیه نمایندگانی که‌اعتبارنامه‌های آنها به‌تصویب نرسیده و نمایندگی آنها هنوزمحرز نیست اعتبارنامه های همکاران پارلمانی‌خودراتصویب یاردمیکنند.

هرچند رسیدگی باعتبارنامه های نمایندگان پارلمان‌بدلایلی که ذکر گردید امری است قضائی و بایستی بوسیله قضاة انجام یابد با اینهمه دراکثر ممالك ازجمله کشورهای متحده امریکای شمالی ، اتحاد جماهیر شوروی ، بلژیك وسویس هریك از مجالس مقننه اعتبـارنامه های اعضای خودرا مورد رسیدگی قرار داده آنها را تصویب یا رد مینمایند . در انگلستان چند نفر ازاعضای دیوان عالی که بحکم قرعه انتخاب میشوند اعتبارنامه های نمایندگان مجلس عوام را مورد رسیدگی قرارداده گزارشی دائر به‌تصویب‌یاعدم‌تصویب آنهابه‌مجلس‌تقدیم‌میکنندومجلس‌نامبرده‌معمولاً گزارش هیئت قضائی را بدون بحث تأیید می‌نماید واما بر خلاف ترتیب معموله در سایرممالك درانگلستان رسیدگی باعتبارنامه‌های نمایندگانی‌بعمل میآید که انتخاب

آنها مورداعتراض است و گرنه انتخاب شده بدون تصویب اعتبار نامه نماینده‌شناخته می‌شود .

در آلمان بموجب ماده ۳۱ قـانون اساسی ۱۹۱۹ رسیدگی باعتبار نـامه های اعضای مجلس رایشتاگ بیک دادگاه مختلط مرکب از چند نفر نماینده مجلس رایشتاگ و چند نفر عضو دادگاه اداری واگذار گردیده بود نمایندگان را خود رایشتاگ برای تمام دوره تقنینیه وقضات رارئیس جمهور انتخاب مینمودند . برای اخذ تصمیم موافقت سه‌نفر نماینده رایشتاگ ودونفر قاضی لازم وضروری بود . در پارهٔ ممالك مقامات قضائی اعتبار نامه های نمایندگان پارلمان رامورد رسیدگی‌قرار داده آنها راتصویب یارد میکنند .

درایران مجلس شورایملی و مجلس سنا بصحت اعتبار نامه هـای نمایندگان خود رسیدگی نموده آنهارا تصویب یا رد مینماید .

فصل هشتم

تشکیلات داخلی وطرز کار پارلمان

مبحث اول

جلسات

چنانکه میدانیم مدت هردوره قانونگزاری درفرانسه پنج سال است با این توضیح که مدت مزبور ازتاریخ تشکیل اولین جلسه مجلس ملی شروع و بزمان انعقاد اولین جلسه مجلس ختم میشود. استثنائاً در صورت انحلال مجلس مدت مذکور در فوق کوتاه میگردد باید اضافه نمود که مدت دوره تقنینیه بشرحی که گذشت فقط در مورد مجلس ملی صادق است زیرا اولاً فقط مجلس ملی است که واجد اختیارات کامل در امر قانونگذاری میباشد ثانیاً تجدید شورای جمهوری چنانکه دیده‌ایم بترتیب تجدید بعضی صورت میگیرد نه تجدید کلی و تام.

اجلاس هریک ازمجالس قانونگذاری مدت زمانی راگویند که طی آن مجلس مزبور وظائف واختیارات قانون گزاری راجع بخود را اعمال میکند. هر دوره قانون گذاری معمولاً شامل چند اجلاس میباشد. تقسیم مدت هردوره قانون گزاری بچند اجلاس ناشی از رژیم حکومتی بوده و در حدود رژیم اینگونه توجیه میشود که مجالس قانون گزاری برای انجام وظائفی که برعهده دارند لازم نیست که لاینقطع درحال انعقاد باشند بلکه ادامه فعالیت آنها بدون وقفه وتعطیل و زائد بر آنچه مورد نیاز است ممکن است منشأ زیان وفساد گردد.

درچنان رژیمی شاه یابطور کلی قوه مجریه میتوانست پارلمان رابرای اجلاس دعوت کند ویا امربااختتام هردوره اجلاسیه صادر نماید. دررژیم سلطنتی انگلستان

با اینکه یك چنین ترتیبی برای اجلاسات پارلمان معمول است معذلك درعمل لزوم وضع قوانین مالیاتی وقوانین دیگری که سالیانه باید تجدید ووضع گردند از دیر زمانی ایجاب کرده است که پارلمان انگلستان اجلاسات مرتب ومعین داشته باشد.

برعکس دررژیم جمهوری فرانسه سنت دیرینه بر دائمی بودن مجالس مقننه جاری گردیده و مجالس مزبور برای انعقاد و اجلاس محدودیتی ندارند وهر وقت بخواهند می‌توانند تشکیل جلسه‌داده اختیارات قانونی خودرااعمال کنند. درقانون اساسی سال ۱۸۷۵ مابین دو سیستم « دعوت مجالس مقننه از طرف قوه مجریه » و «اجلاس دائمی مجالس» طریقه بینابینی انتخاب شده بود باین معنی که در هر سال حداقل مدتی درنظر گرفته شده بود که طی آن مجالس قانونگذاری بدون تبعیت از اراده قوه مجریه میتوانستند درحال اجلاس وانعقاد باشند واین حداقل مدت پنج‌ماه بود. اما ادامه انعقاد بیش ازاین مدت ویا تشکیل فوق‌العاده مجالس بستگی بدعوت قوه مجریه داشت. معذلك دربعض موارد وبخصوص درصورت درخواست اکثریت مطلق اعضاء هر مجلس قوه مجریه ناگزیر بود که مجالس قانون گزاری را برای انعقاد دعوت نماید.

جلسات ـ غیراز دورهٔ قانون‌گزاری واجلاسات هرمجلس طی دوره قانون گزاری مجالس مقننه اجتماعات کوتاه‌تری دارند که جلسه نامیده می‌شود.

جلسه عبارت ازمدت زمانی است که طی آن یك مجلس قانون‌گزاری بطور رسمی تشکیل میشود ودر اطراف مسائلی که دردستور کارهای آن مجلس قرار داده شده بحث وشور کرده اتخاذ تصمیم مینماید. بنابراین اجتماع عده‌ای ازاعضاء یک‌مجلس فقط‌موقعی‌عنوان‌جلسه‌بخودمیگیرد که‌شرائط مقرره‌در آئین‌نامه ازحیث نصاب‌عده‌اعضاءوغیره موجود باشد ونیزدرسیستمی که‌اجلاسات‌هرمجلس‌مقننه‌ازحیث زمان‌محدود است‌جلسات آن‌مجلس در خارج‌ازمدت‌مزبورصورت‌قانونی ندارد. تاریخ وساعت تشکیل جلسات هرمجلس‌وهمچنین مدت وتعداد آنها توسط خودآن‌مجلس معین میگردد وازامور داخلی آن مجلس بشمارمیرود.

اصل دائمی بودن مجلس ملی درقانون اساسی ۱۹۴۶

قانون‌اساسی سال ۱۹۴۶ سیستم دائمی بودن مجلس ملی را انتخاب کرده‌است. معهذا اگرقانون اساسی مزبوراصطلاحات «اجلاس» و «تعطیل اجلاس» رابکار برده است معنی آن بامفهوم قدیمی این کلمات اختلاف کلی دارد ودرخور تشریح وتوضیح است :

۱ـ مجلس ملی میتواند درهر موقع تشکیل یابد

درجمهوری سوم قوه مجریه این امتیازراداشت که میتوانست اجلاسات مجالس قانون گزاری را تعطیل کند یا معلق سازد (البته با رعایت حداقل مدت مقرر در قانون‌اساسی ۱۸۷۵) . چنین امتیازی دیگروجود ندارد . مجلس ملی طبق اصل نهم قانون اساسی ۱۹۴۶ در دومین سه‌شنبه ماه ژانویه اجلاس سالیانه خود را شروع می کند . درمواقع انحلال مجلس ، مجلسی که متعاقب آن انتخاب میشود درسومین پنجشنبه بعد ازانتخابات انعقاد می‌یابد (اصل ۵۲) . اما هیچ مقامی حق ندارد اجلاس سالیانه مزبور راتعطیل کند و ببندد مگراینکه اجلاس سالیانه خود بخود خاتمه‌یابد و پس ازتعطیلی که بین دواجلاس سالیانه بوسیله قانون اساسی پیش بینی شده است اجلاس سالیانه لاحق شروع شود .

۲ـ در بعض موارد مجلس ملی ناگزیر ازانعقاد میباشد

اگرقانون اساسی به‌مجلس ملی آزادی داده‌است که هرموقع بخواهدتشکیل یابد ازطرف دیگر درموارد زیرمجلس مزبور رامجبور بانعقاد نموده است :

اولاً ـ موقع گشایش اجلاس سالیانه وهمچنین هنگام گشایش مجلس جدیدی که پس ازانحلال مجلس سابق انتخاب شده است اعضاء مجلس ملی بـاید تشکیل جلسه دهندولواینکه ازطرف هیئت رئیسه مجلس اقدام بدعوت اعضاء مزبور نشده باشد

ثانیاً ـ مقارن تعطیلات مجلس (بین دواجلاس) هیئت رئیسه میتواند بنابراراده خود ویا حسب تقاضای ثلث اعضاء ویا بنا بدرخواست رئیس الوزراء اعضاء مجلس رادعوت کرده ومجلس راتشکیل دهد . دردو حالت اخیریعنی درصورت تقاضای یك

سوم اعضاء مجلس و یا درخواست نخست وزیر هیئت رئیسه مجلس موظف است که طبق تقاضائی که بعمل آمده اعضاء مجلس را دعوت کند. بنا براین می بینیم که دولت اگر نمی تواند مانع تشکیل مجلس شود ، در عوض میتواند باعث تشکیل آن گردد

۳- خود مجلس میتواند اجلاس دائمی خودرا موقتاً تعطیل کند

به ترتیبی که گفته شد جلسات مجلس طبق قانون اساسی بسیار ساده است یعنی یك اجلاس دائمی پیش بینی شده که طی آن مجلس مزبور باراده خود و بدون دخالت قوه مجریه تشکیل جلسات میدهد بااین قید که شرح داده شد انعقاد مجلس اجباری وغیرقابل اجتناب می باشد. معذلك درقانون اساسی تعطیل موقت اجلاسات پیش بینی شده است. باتوجه باین نکته که مجلس ملی می تواند باراده خود اجلاس خود را تعطیل نماید بنابراین عملاً بین تعطیل اجلاسات و تشکیل نشدن جلسات تمایزی وجودندارد مگراز جهت طول مدت باین توضیح که چون درهرحال جلسات مجلس همه روزه تشکیل نمی گردد بنابراین تنها تفاوت بین فاصله جلسات وتعطیل اجلاس ازحیث طول مدت معلوم می‌شود زیرا بموجب اصل ۹ قانون اساسی هرگاه فواصل بین دوجلسه بیش ازده روزطولانی شود بمنزله تعطیل اجلاس تلقی میشود ومجموع مدت اینگونه تعطیلات نباید درهر سال ازچهار ماه تجاوز کند.

۴- اجلاسات شورای جمهوری بااجلاسات مجلس ملی مقارن است

درواقع برای مجلس ملی تفکیك اجلاسات ازجلسات متضمن فایده‌ای نیست زیرا مجلس مزبورمختار وآزاد است که هرموقع که بخواهد تشکیل یابد برعکس تفکیك مزبور ازلحاظ شورای جمهوری معنی کامل خود را می‌دهد. توضیح اینکه شورای‌جمهوری مادامی میتواند تشکیل یابد که‌مجلس ملی تشکیل می گردد. بدیهی است معنی این امراین نیست که شورای جمهوری حتماً باید درروزها و در ساعاتی که مجلس ملی منعقد است تشکیل جلسه دهد بلکه معنی آن این است که‌درمواقعی که انعقاد مجلس ملی بیش از ده روز بتأخیر افتاد یعنی مقارن تعطیلات زائد برده روزشورای جمهوری نمی‌تواند منعقد شود.

شورای جمهوری هیچگونه تأثیر و دخالتی در تعطیل و نه در دعوت پارلمان ندارد . شورای جمهوری باید تصمیمات مجلس ملی را که مربوط به‌تعطیل اجلاسات است متابعت کند و هرموقع که هیئت رئیسه‌مجلس ملی اقدام بدعوت شورای‌مزبور برای افتتاح اجلاسات نماید شورا باید تشکیل گردد . ازاینجا پیدا است که شورای جمهوری تحت‌الشعاع مجلس ملی قراردارد وتابع مجلس اخیرمی‌باشد .

میتوان گفت که بطور کلی مجلس ملی دائماً درحال انعقاد است وحال‌آنکه شورای جمهوری برعکس پیروسیستمی است نزدیك به سیستم اجلاسات زیرا امکان انعقاد برای شورای مزبور بدون‌آنکه معلق به‌تصمیم دولت باشد تابع تصمیم‌مجلس اول میباشد .

مبحث دوم

آئین نامه داخلی مجالس قانون گذاری

الف ـ طبیعت حقوقی آئین نامه داخلی مجالس

بطور کلی مجالس و انجمن هائی که بمنظور شور و مذاکره واتخاذ تصمیم درباره موضوعاتی تشکیل می‌یابند اختیار دارند که برای خود آئین‌نامه داخلـی وضع کنند و بموقع اجرا گذارند که بموجب آن شرایط داخلی وطرز کارآنهامعین باشد . این صلاحیت درمورد مجالس پارلمانی بسبب صفات خاصی که دارند قطعی تروحتمی تراست .

آئین نامه داخلی نباید باتصمیماتی که جنبه قانون دارد مشتبه گردد . نظـام نامه داخلی باتصمیمات نوع‌اخیرموضوعاً وشکلاً اختلاف دارد . موضوعاً ازاینجهت که قوانین درخارج از حدود مسائل داخلی مجالسی که آنرا وضع می کنند دارای تأثیر واعتبار میباشند درصورتیکه تأثیرآئین نامه داخلی فقط محدود بامور داخلی خود مجلس است. شکلاً ازاین حیث که‌وجود یافتن یك قانون متوقف برهمکاری وتصویب هردو مجلس وسپس توشیح‌آن میباشد و حال آنکه نظامنامه داخلی یك

مجلس بمحض تصویب ازطرف خودآن مجلس قابل اجرا است .

ب- موضوع واهمیت آئین نامه داخلی

موضوع آئین نامه داخلی عبارتست از برقراری قواعد کلی که درمورد شرائط وطرز کار داخلی هریك ازمجالس باید اجرا شود .

اولاً - آئین نامه داخلی فقط درداخل مجلسی که آنرا وضع کرده است معتبر میباشد ولاغیر استثناءاً اصل بیستم قانون اساسی موردی راپیش بینی کرده است که در آن آئین نامه داخلی یك مجلس درباره مجلس دیگرنیز مؤثراست .

ثانیاً درموضوعات داخلی نیز نظامنامه داخلی نمیتواند بامقررات قانونی و با قانون اساسی مخالف باشد . مثلاً نظامنامه داخلی مجالس قانون گذاری لزوماً باید اصل متناسب بودن آراء(۱) راکه قانون اساسی بموجب اصل ۱۱ درمورد تعیین هیئت رئیسه مقرر داشته است محترم شمارد و کمیسیونهائی را که قانون اساسی در اصل پانزدهم پیش بینی کرده است ایجاد کند .

ممکن است چنین تصورشود که آئین نامه داخلی که باین ترتیب محدود به آئین پارلمانی و مقررات قانون اساسی است واجد اهمیت چندانی نمیباشد . چنین تصوری مبتنی براشتباه است زیرا چنانکه میدانیم حتماً لازم نیست که اهمیت سیاسی مقررات حقوقی بامکانیکه آن مقررات درسلسله مراتب حقوقی اشغال میکنند بستگی داشته باشد . درحقیقت نظامنامه مجالس قانون گزاری بررژیم پارلمانی آن قیافه زندهای راکه لازم است میبخشد . نظام نامه داخلی میتواند صدای اقلیت ها راخفه کند یابرعکس «اوبسترو کسیون» رابرای آنان تسهیل نماید وهمچنین میتواند بیك مجلس قانون گزاری اجازه بدهد یاندهد که ازاختیاراتی که قانون اساسی برای آن مجلس شناختهاستفاده کند . بدین نحواست که آئین نامه داخلی شورای جمهوری سعی میکند که تاسرحد امکان بشورای مزبور اجازه دهد که نقش واقعی یك مجلس قانون گزاری راکه قانون اساسی برآن چندان اهمیتی قائل نشده است ایفاء کند .

۱- Proportionnalité

مبحث سوم

هیئت رئیسه ـ رئیس مجلس ملی

۱ـ هیئت رئیسه

هیئت رئیسه هرمجلس درآغاز هر دوره اجلاسیه انتخاب میشود . بنابـراین چون هر جلسه در تمام سال طول میکشد بالنتیجه ابتدای هرسال هیئت رئیسه هـر مجلس بترتیب انتخاب نسبی بوسیله دستجات پارلمانی تعیین میگردد .

هیئت رئیسه مرکب است از:

اولاً رئیس مجلس .

ثانیاً نواب ریاست که تعداد آنها درمجلس ملی ٦ نفر و در شورای جمهوری ٤ نفراست .

منشی‌ها ـ چهارده نفربرای مجلس ملی وشش نفربرای شورای جمهوری .

بعلاوه مجلس ملی ۳ نفر کارپرداز نیزدارا میباشد .

۲ ـ اختیارات رئیس مجلس ملی

رئیس مجلس ملی بـارأی مخفی انتخاب میشود و فلسفه آن اینستکـه رئیس مجلس باید درمیان همکاران خود بمنزله یك داور بیطرف باشد و از هیچ یك از احزاب جانب داری نکند . از این جهت است که روش پارلمانی ایجاب میکند که رئیس مجلس حتی دررأی دادن هرگزشرکت نجوید . اگریك چنین رئیسی بداند که فلان شخص بنفع او ویا فلان عضو مجلس بضرر او رأی داده است ممکن است ازطریق بیطرفی خارج گردد .

بموجب قانون اساسی رئیس مجلس اختیاراتی بشرح زیردارا میباشد :

اولا ـ درمواقعیکه رئیس جمهورانتخاب نشده وهمچنین درمواردیکه‌ریاست جمهور بعلت موانع قانونی نمیتواند انجام وظیفه کند رئیس مجلس ملی و ظـائف اورا برعهده دارد .

ثانیاً ـ درمواقعیکه مجلس ملی درحدود قانون اساسی منحل گردد مادام که مجلس تشکیل نشده است رئیس مجلس ملی رئیس هیئت وزیران خواهد بود.

ثالثاً ـ اگر رئیس جمهور در مدتیکه قانون اساسی پیش بینی کرده است از توشیح قانون امتناع نماید رئیس مجلس ملی قانون مورد بحث راتوشیح میکند و دستوراجرای آنرا میدهد.

رابعاً ـ قبل ازانحلال مجلس رئیس مجلس ملی بایدمورد مشورت قرار گرفته عقیده ونظراو جلب شود.

خامساً ـ رئیس جمهور قبل ازتعیین نخست وزیر باید با رئیس مجلس ملی مشورت نموده باکسب نظراو شخصی راکه باید بعنوان نخست وزیراز مجلس رأی بگیرد انتخاب نماید.

سادساً ـ رئیس مجلس ملی عضو کمیتهٔ قانون اساسی نیز میباشد.

علاوه بروظائف مشروحهٔ بالا وظیفهٔ اساسی و عادی رئیس مجلس اداره جلسات وحفظ وتأمین احترام وحسن اجرای آئین‌نامهٔ داخلی است.

۳ـ نواب ریاست ـ منشی‌ها و کارپردازان

سنگینی وصعوبت کار رئیس مجلس و همچنین تعداد جلسات ایجاب می کند که چند نفر نایب رئیس اورا درانجام این وظائف کمك نمایند.

مسئولیت خاص منشی‌ها عبارتست ازنظارت درانشاء صورت جلسه که توسط یك دسته ازخلاصه نویسهای ورزیده انجام میشود. پیش بینی میشود که مذاکرات جلسات درآتیه درروی صفحه ضبط شود (این امربجهاتی تاکنون عمل نشده‌است).

کارپردازان موظفند که امور راجع به‌ساختمان واسباب و اثاثیه و لوازم کار مجلس را اداره کنند وهمچنین تدارك واستخدام و اداره عده زیادی کارمند حقوق بگیر ازقبیل منشی‌ها ماشین نویسهادربانها پیش‌خدمتها وغیره برعهدهٔ آنهامیباشد.

مبحث چهارم

دستجات پارلمانی

درهریك ازمجالس قانون گزاری اعضای آن مجلس بر حسب مشی سیاسی وسلیقهٔ خود تشکیل جمعیت هائی می‌دهند . اغلب اوقات (اما نه‌همیشه) این‌دستجات تابع احزاب سیاسی خارج ازپارلمان بوده و با آنها مربوط می‌باشند .

طبیعی است که الحاق به دستجات پارلمانی برای اعضای مجلس بهیچوجه الزامی نیست اما قانون اساسی و آئین‌نامهٔ داخلی باینگونه دستجات چنان‌امتیازاتی داده‌اند که عملا برای یکنفرعضوپارلمان غیرممکن است که‌ازالحاق یااقلا وابستگی بیکی ازدستجات مزبور بتواند خودداری کند . بالجمله کلیهٔ‌تشکیلات داخلی‌مجالس مقننه بترتیب نمایندگی نسبی دستجات پارلمانی بوجود می‌آید ازقبیل هیئت رئیسه ـ کمیسیونها ـ اعضای کمیته قانون اساسی بعلاوه دستور مذاکرات جلسات مجلس‌در کنفرانسی که رؤسای دستجات پارلمانی درآن شرکت دارند معین میگرددهمچنین درمواردیکه مجلس مدت نطق را برای ناطقین محدود می نماید شخص ناطق فقط درصورتی خواهد توانست وقت‌کافی برای نطق دراختیار داشته باشدکه از طرف یکی ازدستجات پارلمانی صحبت کند .

بموجب ماده ۱۳ آئین‌نامهٔ داخلی تشکیل دستجات غیرسیاسی مانند دستجاتی که از منافع محلی و غیره دفاع کنند ممنوع است . این ممنوعیت ناشی از این فکراست که فقط عقاید سیاسی شایستگی آنرا داردکه‌بخاطر دفاع از آنها اعضاء مجلس گرد هم‌جمع شوندو تشکیل‌دسته وجمعیتی بدهند برعکس‌امیال و مقاصد و منافع نوع‌دیگرقابل آن نیست که بدینگونه حمایت شود بنابراین مثلا تشکیل جمعیتی برای دفاع ازمنافع فرهنگی درمحوطه مجلس ممنوع است .

مبحث پنجم

کمیسیونها

کمیسیونها سازمان هائی هستند که طرحهای قانون و همچنین طرحهای

تصمیمات قانونی را که برای شور و تصویب بمجلس تقدیم میشود قبلا مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهند.

هرمجمع وشورائی ولوهرقدرمحدودو کوچك باشداین احتیاج رادرك میکند که مسائل مورد بحث وتصمیم را که بآن مجمع راجع است قبلا بچند نفراز اعضای خودمحول نمایدتا آنها آن‌مسائل راقبلا بررسی کنندو گزارشی در بارهٔ آن تهیه نمایند.

فایده‌یك چنین ترتیبی غیرقابل تردید است زیرا قبل ازهرچیزاصل تقسیم کار مورد عمل قرار میگیرد واعضای کمیسیونها بفراخور صلاحیت و اطلاعات مخصوص وبامهارتی که درحل وفصل نوع بخصوصی ازمسائل وامور رامیباشند و نیز بحسب لیاقتی که درپیش بینی طرق وموانع اجرای طرحها دارا هستند انتخاب میشوند و واضح است که موانعی که درراه اجرای یك قانون ممکن است ایجاد شود برای همه کس قابل پیش‌بینی نخواهد بود.

بعلاوه یك هیئت کوچك مرکب از چند نفر بیشتر تابع نظم و کار های آن با سرعت بیشتر و با سرو صدای کمتر میتواندپیشرفت کند تایك مجلسی که ازششصد نفرمرکب است.

گذشته ازهمه اینها برعکس آشکار است که مفید ترین کارهای پارلمان در کمیسیونها صورت‌میگیرد زیراکار کمیسیونها غالباً بقدری جدی ودقیق است که مجلس میتواند حتی بدون شور و مذاکره پیشنهادات کمیسیونهارا معتبر شناخته تصویب کند. درهرحال مذاکرات‌مجلس درجلسهٔ عمومی دربارهٔ مسائلی که قبلادر کمیسیونها مطرح ومورد بررسی قرار گرفته بمراتب خلاصه ترو کار مجلس سبکتر وسهل تراست.

ازنقطه نظرسازمان‌وطرزکار کمیسیونها یکی ازصورتهای زیررا ممکن‌است دارا باشند.

۱ـ کمیسیون باز و کمیسیون بسته

ترتیب کمیسیون باز که در انگلستان معمول است عبارت از این است که

کمیسیونی که مأمور بررسی یك مسئله گردیده (مثلا مطالعه یك طرح قانون) از کلیه اعضای مجلس که بخواهند در آن شرکت جویند تشکیل مییابد و بعبارت دیگر در کمیسیون برعموم اعضاء مجلس باز وشرکت در آن برای همه آنها آزاد است .

این رویه در انگلستان نتایج خوبی داده زیرا فقط نمایندگانی که مسئله مطروحه بجهتی از جهات مورد علاقه آنها میباشد در جلسات کمیسیون حاضرمیشوند وبدین ترتیب بخودی خود هر کمیسیون ازاشخاصی مرکب می شود که بیشتر وبهتر برای موضوع کار کمیسیون صلاحیت دارند .

امادر فرانسه برعکس روش کمیسیون بسته مورد عمل قرار گرفته که بموجب آن فقط اعضای کمیسیون که برطبق آئین‌نامه ازطرف مجلس انتخاب شده‌اند می توانند درمذاکرات ودادن رأی شرکت جویند .

بعضی از کمیسیونها وخصوصاً کمیسیون قوانین مالی حتی اجازه نمیدهند که نمایندگان غیرعضو درجلسات کمیسیون حضور پیدا کنند بدون آنکه درمذاکرات دخالت نمایند و بدین ترتیب جلسات این کمیسونها جنبهٔ محرمانه بخود میگیرد .

۲- کمیسیونهای دائم

باقبول سیستم کمیسیون بسته که فقط عده معدودی از اعضای مجلس در آن عضویت دارند مسئله دیگری طرح میشود وآن این است که آیا اینگونه کمیسیون دائمی باشند ویا فقط برای بررسی یك طرح معین مأموریت داشته باشند .

درفرانسه درمجلس نمایندگان تاسال ۱۹۰۲ ترتیب اخیر جاری بود باینمعنی که هردفعه که یك طرح قانون بمجلس تقدیم میگردید مجلس یك کمیسیون مخصوصی که اختیارات او محدود بمطالعه همین طرح بخصوص بود انتخاب مینمود و بمحض فراغت ازمطالعه طرح مورد بحث آن کمیسیون بخودی خودمنحل میشد . اما ازسال ۱۹۰۲ ببعد ترتیب دائمی بودن کمیسیونها وتخصص بودن آنها جانشین ترتیب سابق شده است . اینگونه کمیسیونها برای مدت یکسال انتخاب میشوند بعلاوه بطور

نامحدود میتوان اعضای آنها را مجدداً انتخاب نمود واضح است که این رویه بر سیستم سابق ترجیح دارد زیرا بنمایندگان اجازه میدهد که در مسائل نوع بخصوصی متخصص گردند بعلاوه اعضای یك کمیسیون معین رفته رفته بهمکاری بایکدیگر خو میگیرند.

در حال حاضر در مجلس ملی فرانسه ۱۹ کمیسیون بزرگ که هر یك مرکب از ٤٤ نفر عضو میباشد وجود دارد بعلاوه یك کمیسیون حسابداری مرکب از ۱۱ نفر عضو و یك کمیسیون مصونیتهای پارلمانی مرکب از ۲۳ نفر عضو. مهمترین این کمیسیونها کمیسیون امور خارجه و کمیسیون مالی میباشد.

فصل نهم

قوهٔ مجریه

مبحث اول

رئیس جمهور

درقانون اساسی سال ۱۸۷۵ رئیس جمهور دارای اختیارات زیادی نبوده است یکی ازرؤسای جمهور فرانسه بنام گازیمیرپریه (۱) بعلت اینکه بقول خودش در دستگاه سیاسی فرانسه محکوم بعدم توانائی بود ازشغل خود استعفا کرد و رئیس جمهوردیگری بنام میلران(۲) که درسال ۱۹۲٤ میخواست بطور مؤثر درانجام وظائف مربوط به‌دولت شرکت جوید ازطرف مجالس قانون گزاری مجبور باستعفا گردید زیرا مجالس مزبور نمیخواستند برای ریاست جمهور نقش مؤثری درامور قوهٔ مجریه قائل شوند.

درجمهوری چهارم رئیس جمهورنقشی بازی میکند که ازنقش رئیس جمهور درجمهوریهای سابق بمراتب بی‌اهمیت تراست.

طرز انتخاب ریاست جمهور

رئیس جمهور برای مدت هفت سال انتخاب میشود و طرز انتخاب آن بدین ترتیب است که طبق سنت جاریه مجلس ملی و شورای جمهوری در موقع انتخاب رئیس جمهور درقصر تاریخی ورسای(۳)اجتماع میکنند و رئیس جمهوررا انتخاب مینمایندو این مجمع موسوم به کنگره تحت ریاست رئیس مجلس ملی تشکیل می یابدو اداره می‌شود.

نه‌قانون اساسی و نه قوانین عادی شرایط خاصی از لحاظ سن واهلیت وغیره برای انتخاب رئیس جمهور پیش‌بینی نکرده‌اند. بنابراین هریك ازافراد زن یامرد که بسن رشد رسیده وواجد حقوق مدنی وسیاسی باشد میتواندباین سمت انتخاب

---

۱ - Casimir Perrier   ۲ - Millerand   ۳ - Versailles

شود . فقط اشخاصی که از تابعیت خارجی بتابعیت فرانسه در آمده باشند باید ۱۰ سال در تابعیت فرانسه باقی بمانند تا بتوانند حق انتخاب شدن بریاست جمهوری را دارا گردند مگر اینکه ازاین‌شرط معاف شوند(طبق فرمان‌مورخه ۱۹ اکتبر ۱۹٤۵ راجع به‌قانون تابعیت) معذلك دوعلت برای غیرقابل انتخاب‌بودن بریاست جمهوری وجود دارد اول اینکه اعضاء خانواده هائیکه سابقاً درفرانسه سلطنت کرده‌اندطبق اصل٤٤ قانون اساسی نمیتوانند بریاست جمهوری انتخاب گردند واین شرطاززمان تجدید نظر درقانون اساسی سال ۱۸۸٤ ببعد همیشه در قوانین اساسی فرانسه مورد توجه واقع شده و بصورت یك سنت سیاسی در آمده است . دوم اینکه هر رئیس جمهوریکه قبلا یکبار انتخاب او باین سمت تجدید شده باشد نمیتواند برای بار دوم مجدداً انتخاب گردد . بعبارت دیگر بر طبق اصل بیست و نهم قانون اساسی تجدید انتخاب رئیس جمهور فقط یکبار میسراست ونه بیشتر .

قانون اساسی بطور صریح معین نمیکند که آیـا رئیس جمهور باید به رأی مخفی یاعلنی انتخاب گردد . عملا چنین توافق شده است که اولین انتخابات ریاست جمهوری با رأی مخفی بعمل آید ولی انتخابات ممکن است با رأی علنی یا مخفی صورت گیرد. این مسئله واجد اهمیت است‌زیرا رئیس‌جمهور باید یك‌داور بی طرف دررأس افراد واحزاب سیاسی قرار داشته باشد. وبرای آنکه بتواند بی‌طرفی‌خود راحفظ کند لازم است که نداند کی بضرراو رأی داده است .

اما درعوض‌قانون اساسی‌بطورعادی دقیق شرایط وطرزاجتماع دومجلس‌را برای انتخاب رئیس‌جمهور تعیین کرده است بدین‌ترتیب که هیئت رئیسه مجلس‌ملی موظف‌است اعضای‌هردومجلس را بترتیب زیردعوت نماید :

۱- درصورتیکه مدت ریاست‌جمهوری‌خاتمه‌یابد پارلمان‌باید‌حدا کثرسی‌روز وحد اقل پانزده‌روزقبل ازانقضاء مدت مزبوراقدام به‌انتخاب جانشین وی بعمل‌آورد سی‌روز چنانچه در موقعیکه برای انتخاب رئیس جمهور معین‌شده‌است مجلس ملی منحل شده باشد اختیارات رئیس جمهور حاضر ادامه خواهد یافت وپس ازده روز بعد ازانتخاب‌مجلس ملی بدون مسامحه‌وتعلل‌جانشین‌رئیس‌جمهور بایدانتخاب گردد.

۲- ولی هر گاه قبل ازانقضاء مدت ریاست جمهوری بعلت موانع پیش بینی نشده ازقبیل مرگ واستعفای رئیس جمهور ویا محکومیت اوازطرف دیوان عالی ویا موانعی که انجام وظائف ریاست جمهوری راغیر ممکن سازد انتخاب جانشین رئیس جمهور جدید ضرورت پیدا کند ده‌روز پس ازحدوث مانع انتخاب رئیس جمهور بعمل خواهد آمد . اما باید توجه داشت که موانع ومحظورات مذکور باید مورد رأی و تصدیق پارلمان قرار گیرد .

شرایط وحدودواختیارات رئیس جمهور

علاوه براختیاراساسی رئیس جمهوردرتوشیح قوانین که درفصل آینده‌راجع به‌آن گفتگو خواهد شد سایراختیارات رئیس جمهور بطورخلاصه‌ازاین قراراست

۱- ریاست شورای وزیران - ریاست شورای عالی و کمیتهٔ دفاع ملی-ریاست شورای عالی قضائی وهمچنین ریاست کمیتهٔ قانون اساسی با رئیس جمهوری است .

۲- رئیس جمهور صاحب منصبان عالی دولتی مانند اعضای شورای مملکتی سفرای کبار- رؤسای دانشگاهها - استانداران - فرماندهان‌لشگری وغیره رانصب وتعیین میکند .

۳ - حق عفو محکومین با رئیس جمهور است منتهی این اختیار را قانون اساسی تحت فرمول مبهم پیش بینی کرده است که بطور صریح نمیتوان از آن استنباط کرد که آیا رئیس جمهور باید پیشنهادهای شورای عالی قضائی را در باره محکومین بدون هیچگونه تغییرتصویب کند یااینکه برعکس میتواند برخلاف‌آن پیشنهادها نیزشخصاً تصمیمی بگیرد یاآنرا تغییردهد .

٤- درروابط سیاسی بادول خارجی پذیرفتن سفرای‌دول مزبور ازاختیارات رئیس جمهوراست .

همچنین رئیس جمهور باید ازجریان‌مراودات بین‌المللی مطلع باشد . امضاء وتسجیل عهدنامه‌ها باشخص رئیس جمهور است با این قید که طبق اصل ۲۷ قانون اساسی غالب عهدنامه‌ها باید بموجب قانون خاصی بوسیلهٔ پارلمان تصویب گردد .

۵- بالاخره رئیس جمهور ریاست اتحادیه فرانسه رانیز دارا میباشد .
چنانکه سابقاً گفته شد اختیارات رئیس جمهور در جمهوری چهارم کمتراز اختیارات وی در جمهوری سوم میباشد وباید باین نکته توجه داشت که مانند جمهوری سوم در جمهوری چهارم نیز رئیس جمهور بدون جلب موافقت قبلی یك وزیر نمیتواند هیچ یك از اختیارات خود را اعمال کند . بموجب اصل ۳۸ قانون اساسی علاوه بر موافقت رئیس الوزراء موافقت یك نفر دیگر از وزرا نیز لازم است تا رئیس جمهور بتواند اختیارات خود را اعمال کند ولذا میتوان گفت رئیس جمهور که نمیتواند هیچ کاری را بتنهائی انجام دهد درواقع تحت قیمومت قرار دارد وشخصیت او جنبهٔ کاملاً تشریفاتی را دارا میباشد

تنها موردیکه رئیس جمهور میتواند ابتکاری بخرج داده و اظهار وجود کند موقع انتخاب نخست وزیر جدید است که راجع به چگونگی آن بعداً صحبت خواهد شد اما در این مورد هم رئیس جمهور نمیتواند شخصی را کـه تعیین کرده است بمجلس تحمیل کند زیرا مجلس میتواند ازدادن رأی اعتماد به نخست وزیریکه رئیس جمهور معین کرده است خودداری نماید .

شخص رئیس جمهور

۱- چنانکه گفته شد شخص رئیس جمهور ازبابت اموریکه راجع بهسمت او است هیچگونه مسئولیتی ندارد وفقط وزراء از آن جهت درقبال مجلس مسئول میباشند

۲- بموجب اصل ۴۳ قانون اساسی سمت ریاست جمهوری باهر گونه مشاغل عمومی مانعةالجمع می باشد . بنابراین رئیس جمهور درمدت اشتغال باین سمت نمیتواند عضویت مجالس مقننه یامجامع محلی راقبول کندویا مثلاً شغل کشوری یا لشگری داشته باشد .

۳ - در بودجهٔ سالیانهٔ حکومت کنونی فرانسه مبلغ معینی اعتبار برای مخارج ریاست جمهوری در نظر گرفته میشود که یك قسمت از این مبلغ صرف هزینه ها و مخارج دفتر ریاست جمهوری - کابینه کشوری و لشگری - مسافرتها -

حقوق کارمندان ومستخدمین- اجاره محل - وغیره میگردد ومقداری از آن بعنوان حقوق شخصی برئیس جمهوری تعلق میگیرد مقر رئیس جمهور در پاریس کاخ الیزه(۱) میباشد وهنگام تعطیلات در قصور ملی از قبیل رامبوئیه(۲) وفونتن بلو(۳) وغیره بسر میبرد.

۴- رئیس جمهور شخصیت درجه اول مملکت بشمار میرود وبرطبق تصویب نامه مورخ ۱۶ ژوئن ۱۹۰۷ واجد احترامات و تشریفات خاص میباشد. علاوه بر اینکه شخص رئیس جمهور مانند کلیهٔ کارمندان دولت ازهتاکی - افترا و سرزنش مصون بوده ومرتکب این اعمال راقانون کیفر میدهد شخص رئیس جمهور (وفقط خود او به تنهائی) طبق ماده ۲۶ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ راجع بمطبوعات که بوسیلهٔ فرامین ۲۴ نوامبر ۱۹۴۳ و ۶ مه ۱۹۴۴ تمدید گردیده است از جهت هتك حرمت نیز مصون ومورد حمایت قانون قرار دارد. مراد ازاین هتك حرمت هرگونه بی احترامی لفظی یاقلمی یاعملی است که از طرف کسی نسبت به رئیس جمهور می شود واینگونه هتك حرمت درصورتیکه نسبت بفرد دیگری از رؤساو کارمندان دولت انجام گیرد مستوجب تعقیب کیفری نخواهد بود.

درخاتمه باید اضافه کنیم که برخلاف رژیم جمهوری آمریکا که درآن برای ریاست جمهور معاون پیش بینی شده تا در صورتیکه قبل از انقضاء دورهٔ ریاست جمهوری بجهتی از جهات شخص رئیس جمهور نتواند وظائف خود را انجام دهد معاون او وظائف ریاست جمهوری را تا انقضاء مدت مزبور ایفاء نماید در فرانسه نه قانون اساسی فعلی و نه قانون اساسی سال ۱۸۷۵ معاون یاقائم مقام برای رئیس جمهور درنظر نگرفته اند. فقط چنانکه سابقاً گفته شد برطبق اصل ۴۱ قانون اساسی سال ۱۹۴۶ هرگاه بعلت موانع غیرمنتظره رئیس جمهور نتواند وظائف قانونی خود را انجام دهد رئیس مجلس ملی تاانتخاب رئیس جمهور جدید کفیل انجام وظائف رئیس جمهور خواهد شد.

۱- Palais d' Elysée　　۲- Rambouillet　　۳- Fontainebleau

مبحث دوم

نخست وزیر - وزراء - هیئت وزیران

نخست وزیر

شرائط وحدود اختیارات نخست وزیر درقانون اساسی فعلی با آنچه که در سابق وجود داشته تغییرات کلی پیدا کرده است . سابقاً رئیس الوزراء باسایروزیران تفاوتی نداشت وفقط اولین وزیرمابین آنها بشمار میرفت اما بموجب قانون‌اساسی فعلی‌اهمیت واختیارات نخست وزیر بدرجه ای رسیده است که میتوان گفت رئیس واقعی قوهٔ مجریه شخص نخست وزیرمیباشد . اختیارات نخست وزیر بر طبق اصل ٤۷ قانون اساسی بشرح زیراست :

۱- اجرای قوانین واختیار وضع آئین‌نامه و تأمین اجرای قوانین بر عهدهٔ رئیس الوزراء است درجمهوری‌سوم رئیس جمهور میتوانست شرائط اجرای‌قوانین راتعیین و تصریح نموده و همچنین باوضع دستورات و تعلیمات کلی اجراء و اعمال قوانین را تأمین نماید . یکی از آراء شورای مملکتی (۱) مشعر براین است که‌رئیس‌مملکت حق داشت بااستفاده ازاختیارات خاصه خود وبدون آنکه‌نمایندگی ازطرف پارلمانی داشته‌باشد تصمیماتی که برای تأمین امنیت ونظم درسرتاسرقلمرو جمهوری فرانسه مفید باشد اتخاذکرده وبمورد اجراء درآورد .

اما قانون اساسی سال ۱۹٤٦ اختیارات رئیس جمهور را بطور محدود معین کرده ودرهیچ‌جا اختیار وضع مقررات و نظامنامه ها برای وی قائل نشده است . برعکس قانون اساسی فعلی در مورد نخست وزیر ترتیبی بکار برده است که در جمهوری سوم با تفسیر همین ترتیب برئیس جمهور اختیار وضع نظامات ومقررات داده میشد . بالنتیجه باید گفت که در حال حاضر نخست‌وزیر (نه رئیس‌جمهور) میتواند آئین‌نامه‌ها ومقررات قابل اجراء ومعتبررا امضاء نماید منتهی‌باتوجه‌به‌قسمت

۱- Conseild' Etat

اول اصل ۴۷ قانون اساسی امضاء یکی از وزراء نیز باید بامضای نخست وزیر برسد .

۲- نصب و گماردن مأمورین مملکتی - حق نصب مأمورین بخدمات کشوری و لشگری متعلق به رئیس الوزراء است جز آن دسته از صاحب منصبان ومأمورین دولت که تعیین آنها ازطرف رئیس جمهور باید صورت گیرد . بطور کلی هرمقامی که حق تعیین یك مأمور دولتی راداشته باشد حق عزل او را نیزدارد . بنا براین رئیس جمهور درجمهوری چهارم نمیتواند آن چنان مأموریتی راکه خوداومنصوب ننموده است معزول کند . این اختیار ازاین ببعد ازآن رئیس الوزراء میباشد .

۳- نقش رئیس الوزراء در دفاع ملی - بموجب قانون اساسی سال ۱۹۴۶ نخست وزیرادارهٔ ارتش وهم آهنگ ساختن دفاع ملی راتأمین مینماید . معنی این عبارت البته این نیست که نخست وزیر فرمانده ارتش میباشد و همچنین معنی این عبارت چنین نیست که شخص نخست وزیر رؤسا و فرمانده هان لشگری را معین میکند زیرا بموجب اصل ۳۰ قانون اساسی اختیار تعیین رؤسای لشگری بارئیس جمهور است . بنظرمیرسد که مراد از عبارت فوق این باشد که شخص نخست وزیر موظف است دستورها وتعلیماتی راکه ازطرف دولت برای تمشیت جنگ ویا در زمان صلح برای تأمین دفاع احتمالی وامنیت سرزمین فرانسه اتخاذ وصادرشده است بهفرمانده هان قشون ابلاغ نماید .

باتوجه بهقسمت اخیراصل ۴۷ قانون اساسی سال ۱۹۴۶ که بموجب آن دستورات ونوشتجات صادر ازجانب نخست وزیرباید بامضای یکی از وزراء نیز برسد ، چنین میتوان نتیجه گرفت که چون شخص نخست وزیر وارث قسمتی ازاختیارات رئیس جمهورجمهوری سوم گردیده است ازاین حیث نیزاز الزامات وتکالیف رئیس جمهور مزبور ارث میبرد .

طرز انتصاب نخست وزیر

هنگام تدوین قانون اساسی فعلی درمورد طرز تعیین نخست وزیر دو نظریه اظهار میگردید ودارای طرفدار بود . عده‌ای معتقد بودند که رئیس الوزراء منحصراً بوسیلهٔ مجلس ملی انتخاب گردد . این عده در تأئید عقیده‌ای که ازآن طرفداری

مینمودند چنین استدلال می کردند که اولاً از تاریخ تخلیهٔ خاك فرانسه از قوای اشغال کننده آلمان رئیس حکومت موقتی همیشه توسط مجلس انتخاب گردیده بود ثانیاً باقبول این که رئیس هیئت وزیران بایستی از اعتماد مجلس ملی برخوردار باشد تابتواند وظایف خودرا انجام دهد بنابراین مطمئن‌ترین و صحیح ترین طریقه برای‌داشتن نخست‌وزیریکه‌ازاین اعتماد وطرفداری مجلس برخوردار باشد اینستکه وی از طرف خود مجلس انتخاب گردد . این عقیده در اولین طرح قانون اساسی مورد پیشنهادقرار گرفت اما چنانکه‌میدانیم طرح مزبور دررفراندوم ازطرف ملت فرانسه ردشد .

عده‌ای دیگر که دارای عقیده مخالف این بودند چنین استدلال میکردند که چنانکه درجمهوری سوم معمول بود هر موقع که دولت دستخوش بحران میگردید رئیس جمهورپس ازمشورت بارؤسای احزاب سیاسی یکنفررا مأمور تشکیل کابینه جدید مینمود . طبعاًچون چنین‌هیئت دولتی نمیتوانست بدون جلب اعتمادوطرفداری مجلسین برسر کار باقی بماندرئیس‌هیئت‌دولت نیزازمیان‌رجال‌سیاسی که‌ازچنین‌اعتمادی برخوردار بودند انتخاب میگردید . بعلاوه این عده اظهار میکردند که مادام کـه رئیس جمهوری وجود دارد بایستی بتواند لااقل یـك نقش مؤثری از نظر سیاسی برعهده داشته باشد و گذشته ازاینها بعقیدهٔ این دسته تعیین نخست وزیربوسیلهٔ‌رأی مجلس مواجه بااشکالاتی تلقی میگردید .

بالاخره راه حلی که انتخاب گردید ازاینقرار است که درهرموقع که‌انتخاب نخست وزیرجـدیدی لازم باشد یعنی در مـوقع افتتاح مجلس ملی جـدید یابعد از استعفای هیئت دولت رئیس جمهورپس ازمشورتهای معمولی بارئیس مجلس ملی و بارهبران احزاب سیاسی یکنفررا بعنوان نخست وزیرمعین میکند یا بعبارت دیگر رئیس جمهور این یکنفر را باین عنوان بمجلس ملی پیشنهاد مینماید بدون آنکه قبل از تصویب مجلس مزبور رئیس جمهور بتوانـد شخص پیشنهاد شده را بموجب فرمان رسمی باین سمت منصوب سازد شخصی که ازطرف رئیس جمهور بترتیب‌فوق

معین میگردد باید شخصاً در مجلس ملی حضور یافته رئوس برنامه و سیاستی را که میخواهد تعقیب کند باطلاع آن مجلس برساند. چنانچه مجلس ملی پس از اطلاع ازبرنامه وسیاست این شخص بوی رأی اعتماد داد نخست وزیررسماً ازطرف رئیس جمهور منصوب گردیده و کابینهٔ خود را تشکیل می دهد. بنابراین اختیار رئیس جمهور فقط محدود باین است که شخصی رابعنوان نخست وزیر بمجلس ملی پیشنهاد نماید واین مجلس مختاراست که بچنین شخصی رأی اعتماد بدهد یاندهد.

وزراء

وزراء درعین حال دونقش ایفاء میکنند: از یکطرف در شورای وزیـران شرکت جسته و در آن شورا رأی می‌دهند وبدین ترتیب هـر یك از وزراء در تصمیماتیکه راجع بسیاست کلی مملکت اتخاذ می‌شود شریك میباشد. ازطرف‌دیگر هریك ازوزراء دررأس یکی ازوزارتخانه‌ها قراردارد وبالنتیجه قسمتی از خدمات عمومی تحت نظراواداره میشود. این‌جنبه دوم مهمتراست‌زیرا ازاین جهت هروزیر بطورمشخص بتأمین حسن جریان امور یادسته‌ای از امور مملکتی که بر عهده وی گذاشته شده است مکلف می‌باشد. تعیین رؤسای مشاغل عالیه، اعمال تصمیمات و تنبیهات انضباتی دربارهٔ کارمندان وزارتخانه ـ اجازه پرداخت مخارج و انجام امور درحدود بودجه‌ایکه دراختیار وی گذاشته شده ـ امضاء قراردادها وانجام معاملاتی که برای اجرای امورمحوله بوی ضرورت دارد ـ تأدیه قروض دولت یعنی تعیین و تصفیه مبالغی که دولت بدهکار میباشد (جزدر مواردیکه بستانکاران معترف بوده ودرداد گاهها طرح دعوا نمایند) وبالاخره دستور پرداخت اینگونه وجوه با شخص وزیر است. بنابراین وزراء در عین حال هم در امر حکومت وهم در امور اداری مملکت شرکت میجویند.

علاوه برعده کارمندانیکه درهر وزارتخانه کار میکنند وزراء گاهی اوقات برای‌انجام وظائف اداری خود یك‌یا چند نفرمعاون تحت عناوین «سکرتردتا» (۱) یا «سوسکرتردتا» (۲) نیزدارند.

۱- Secrétaire d' Etat ۲- Sous-secrétaire d' Etat

اینگونه معاونین که عموماً مانند خود وزیران از رجال سیاسی هستند بنمایندگی ازطرف وزیر و بعنوان قائم مقام او تصمیمات لازم برای اداره یك قسمت از امور وزارتخانه اتخاذ مینمایند. امامعاون همیشه بمسئولیت شخص وزیر و بالنتجه تحت نظارت وی انجام وظیفه میکند و بخصوص حق رأی مشورتی در شورای وزراء ندارد.

هیئت وزیران

هیئت وزیران که قانون اساسی نام «کابینه» برای آن انتخاب کرده است در رژیم پارلمانی فرانسه واجد اهمیت وموجودیت سیاسی وحقوقی میباشد. نخستوزیر وزراء «سکرتردتاها» و «سوسکرتردتاها» بااینکه هر کدام ازلحاظ اداری قسمتی از امورمملکتی رابر عهده دارند تشکیل یك عضوواحدی را ازنظر سیاسی می دهند زیرابطوردسته جمعی درقبال مجلس ملی مسئولیت داشته وموظف بتعقیب سیاست کلی واحدی میباشند. باید دید بارجود تقسیم وظائف وسلسله مراتب تشکیلاتی واداری این وحدت سیاسی واشتراك مسئولیت چگونه قابل تلفیق میباشد. درعمل شخصیت رئیس الوزراء نقش مهمی در این مورد بازی میکند اما بطور کلی میتوان گفت که شخص نخست وزیرمی تواند وحدت خط مشی واداره امورمملکتی را درچهار دیواری سیاست عمومی کابینه آنچنانکه در برنامه وی تعیین و پیشنهاد شده است معین کند. ولی اگردر بارهٔ مسائل مهمه تعیین جهت همین سیاست عمومی لازم باشد تعیین آن باهیئت وزیران است ونه باشخص نخست وزیر.

یکی دیگر ازمظاهر وحدت سیاسی وزراء واشتراك آنها در مسئولیت این است که وزراء باید ازانتقاد علنی درباره یکدیگر درمورد کلیه مسائلی که مربوط به کابینه وزیران باشد اجتناب کنند. و بدیهی است که رعایت مسئولیت مشترك در دولتهائیکه ازائتلاف احزاب تشکیل می یابند کاری مشکل است ولازمهٔ آن اینست که کابینه برای رعایت آزادی رأی اعضای خود در بسیاری ازمسائل ازتوقعات خود بکاهد ودر بارهٔ مسائل ما بهالاختلاف اعضای خودرا وادار بامتناع ازرأی نماید.

اما ازجانب دیگر عدم حس مسئولیت مشترك نیزمنتهی به عزل وتغییر کابینه

میگردد . بعلاوه نتیجه دیگرعدم رعایت مسئولیت مشترك كه عبارت از عدم توافق مداوم مابین وزراء است استعفای دسته جمعی وزراء راباعث می‌شود .

یکی دیگرازآثار ونتایج وحدت کابینه عبارت ازلزوم امضاء اسناد وفرامین دولتی توسط وزراء است چنانکه می‌دانیم فرامین واسنادیکه ریاست جمهور صادر می کند برای آنکه دارای اعتبارقانونی باشند باید بامضاء رئیس الوزراء ویکی از وزراء نیز برسد . . بدیهی است که علت این امرعدم مسئولیت سیاسی شخص رئیس جمهور است اما درمورد لزوم‌امضاء اسناد صادر ازناحیه نخست وزیر از قبیل وضع مقررات - احکام انتصاب‌وبرکناری - دستورات‌راجع به‌اداره قوای نظامی‌بوسیله یکی ازوزراء تردید نیست که این عمل یکی ازآثار ونتایج وحدت سیاسی‌وحقوقی کابینه میباشد .

درخاتمه باید توضیح دهیم که درحقوق اساسی فرانسه رویه‌وسابقه باعث‌شده است که اجتماع وزراء ومعاونین آنها برای مذاکره و اخذ تصمیم در بارهٔ مسائـل مملکتی بدو صورت وتحت دوعنوان عملی گردد : یکی شورای و زیران و دیگری شورای کابینه .

شورای وزیران عبارتست از اجتمـاع کلیهٔ وزراء باضافه (گاهی اوقـات) «سکرتردتاها» واستثنائاً «سوسکرتردتاها»تحت‌ریاست‌شخص‌رئیس جمهوروبمنظور تبادل نظرواتخاذ تصمیم در بارهٔ اموریکه بموجب قانون اساسی و قوانین عادی پیش‌بینی‌شده‌است وهمچنین کلیهٔ مسائلی که مربوط به سیاست‌عمومی دولت‌باشد چه آنکه هروزیری نمیتواند صرفاً بمیل و اراده خود امور وزارتخانه خویش را اداره کند بلکه باید همکاران‌خودش را درجریان امورمهمه وزارتخانه خویش بگذارد.

و اما تفاوت شورای کابینه با شورای وزیران در این است که اولاً شورای کابینه تحت ریاست نخست وزیرتشکیل می گردد و نه رئیس جمهور،ثانیاً معاونین وزراء (سکرتردتاها - سوسکرتردتاها) غالباً و بطور آزادانه تری درآن شرکت می‌جویند . ثالثاً شورای کابینه بوسیلهٔ قانون‌پیش بینی نشده وفقط درعمل برای‌تهیه طرح تصمیمات دولتی که شورای وزیران اغلب اوقات فقط آنـرا تصویب مینماید ایجاد شده است وعملاً اهمیت شورای کابینه ازشورای وزیران بیشتراست .

فصل دهم

رژیم قانون گزاری

مبحث اول

پیشنهاد قانون

ابتکار قانون یا پیشنهاد قانون عبارتست ازاختیار تهیه یك طرح یا پیشنهاد قانون وتقدیم آن بپارلمان برای تصویب.

بموجب اصل ١٤ قانون اساسی حق پیشنهاد قانون فقط بارئیس‌الوزراء ویا اعضاء پارلمان میباشد وبس . درجمهوری سوم رئیس جمهور میتوانست بنام دولت طرحهای قانون را بپارلمان تقدیم کند.

این اختیار درجمهوری چهارم به پیروی ازاصل کلی تقلیل اختیارات رئیس جمهور که در تدوین قانون‌اساسی ١٩٤٦ مورد نظربوده‌است ازرئیس جمهورسلب وبرئیس الوزراء اعطاء شده است .

هریك ازاعضاء مجلس ملی حق‌پیشنهاد قانون رابمجلس مزبور دارامی‌باشد. همین حق را اعضای شورای جمهوری نیز دارا هستند منتهی چون هر قانونی باید ابتدا درمجلس ملی طرح ومورد بحث واقع شود پیشنهاد های قانون که از طـرف یکی ازاعضای شورای جمهوری به‌هیئت رئیسه‌آن شوری تقدیم گردد بایدبلافاصله وبدون هیچگونه بحث ومذاکره (حتی در کمیسیونها) بمجلس ملی‌فرستاده‌شود .

علاوه براین اعضای شورای جمهوری نمیتوانندهیچگونه قانونی که متضمن کاهش عایدات مملکتی ویا ایجاد هزینه جدید باشد پیشنهاد نمایند .

جزرئیس الوزراء و اعضاء پارلمان هیچکس نمیتواند طرح قانون یا پیشنهاد قانون بپارلمان تقدیم کند . بنابراین در فرانسه برخلاف سوئیس و بعضی دیگر از ممالك حق پیشنهاد قانون برای مردم پیش بینی نشده است .

البته اهالی مملکت همیشه میتوانند باتقدیم عریضه وطومار از مجلس تقاضا کنند که باتصویب یك قانون اصلاحات یا تغییراتی در بعضی از امور بدهد اما مجلس همواره مختاراست که اینگونه درخواستها را بپذیرد یارد کند.

طرح های قانون باید به هیئت رئیسه مجلس ملی تقدیم شود. رویه و سابقه پارلمانی چنین ایجاب کرده که ابتکار قانون ازجانب دولت طرح قانون نامیده شود وقوانینی که اعضای پارلمان برای تصویب تقدیم مینمایند به پیشنهاد قانون موسوم گردد.

مبحث دوم

شورای اقتصادی ومجمع اتحاد فرانسه

قبل ازطرح قانون در کمیسیون های صلاحیت دارمجلس موظف است که در بعضی موارد قبل ازبحث در اطراف یك طرح قانون یا پیشنهاد قانون نظر شورای اقتصادی را استعلام وجلب نماید ازقبیل طرحها و پیشنهاد هائیکه جنبۀ اقتصادی یا اجتماعی داشته باشند باستثناء قانون بودجه وعهدنامه های بین‌المللی که واجد جنبه اقتصادی یامالی بوده و برای تصویب بمجلس ملی تقدیم شده باشند برای این منظور باید اینقبیل طرحها و پیشنهادها برای جلب نظرشورای اقتصادی بآن شوراتسلیم شود.

شورای اقتصادی مرکب از نمایندگان شوراهای کارگران ـ کارمندان ـ مستخدمین دولت ـ مهندسین ـ کارشناسان وهمچنین کارمندان مؤسسات صنعتی ملی یاخصوصی ومؤسسات بازرگانی وپیشه وران وهمچنین شورای کشاورزی ـ شرکت های تعاونی ـ نمایندگان کارگران فکری ـ اتحادیه های خانوادگی و نمایندگان اتحادیه‌های آسیب دیده گان بوده وبموجب قانون ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ میتواند در مسائلی که درحدود صلاحیت وی میباشد پیشنهادات وتوصیه هائی بمجلس ملی تقدیم نماید ورئیس مجلس ملی اینگونه پیشنهاد ها را برای رسیدگی بکمیسیون صلاحیت دار ارجاع میکند.

بموجب اصل ۷۱ قانون اساسی مجمع اتحادیه فرانسه میتواند در بارۀ مسائل

مربوط بسر زمینهای ماوراء بحار طرح تصمیمات قـانونی تهیه و بمجلس ملی بـرای تصویب پیشنهاد کند. بموجب اینگونه طرحها مجمع نامبرده ازمجلس ملی درخواست مینماید که بعضی اموررا مورد توجه قرار داده قانونی در آن مورد تصویب نماید. همچنین مجلس ملی میتواند نظرمجمع اتحادیه فرانسه را در باره توصیه هـای آن مجمع که راساً ازطرف خود اویا بنابدرخواست دولت فرانسه یاممالك جزء اتحادیه فرانسه متحده صورت گرفته است استعلام کند.

مبحث سوم

نقش شورای جمهوری درامر قانون گزاری

درمجلس مؤسسان سال ۱۹٤٦ عده‌ای جداً طرفدار این عقیده بودند که مجلس ملی منحصراً اختیار تصویب قانون را داشته باشد وبس. عده‌ای دیگر با حرارت و جدیت متقابل طرفدار این فکر بودند که مجلس ثانوی بادقت وتعمق بیشتری مصوبات مجلس ملی رامورد بررسی قرارداده درصورتیکه آنها راعجولانه وغیرمفید تشخیص دهد رد کند.

بین این دوعقیده بدین ترتیب سازش داده شده که طرحها یاپیشنهادهای قانون پس ازتصویب مجلس ملی بشورای جمهوری فرستاده شود وشورای مزبور حداکثر ظرف ۲ ماه باید نظرخود رادرباره مجلس نامبرده اظهار نماید.

هرچند ازمدلول اصول ۱۳ و ۲۰ قانون اساسی برمی آید که شورای جمهوری فقط یك مجلس تعمق و تأمل و مشورتی بوده و وجود آن تـأثیر دیگری در امر قانون گزاری ندارد معذلك باید باین نکته توجه داشت که آراء و نظریات شورای جمهوری با نظریات وپیشنهاد هائی که مجامع دیگر جمهوری فرانسه که جزء پارلمان نمیباشند (از قبیل شورای اقتصادی و مجمع اتحادیه فرانسه) تفاوت کلی داردزیرا اولاً شورای جمهوری در مـورد کلیه قوانین اظهار نظر مینماید ونه تنها در باره پاره‌ای ازمسائل ثانیاً بررسی واظهار نظر درباره مصوبات مجلس

ملی از طرف شورای جمهوری اجباری و غیرقابل اجتناب است ثالثاً و بالاخره نظری که شورای جمهوری درباره مصوبات مجلس ملی اظهار میدارد متضمن آثار و نتایج حقوقی است بدین توضیح که اگر شورای مزبور با تصویب قانون بصورتیکه مجلس ملی بآن رأی داده موافق نباشد مجلس اخیر ناگزیر است که برای باردوم ودر بعضی موارد باا کثریت بخصوص واستثنائی که در قانون اساسی پیش بینی شده است و با رأی علنی درآن باره تصمیم قطعی و نهائی خودرا اظهار کند. بنابراین نظر شورای جمهوری صرفاً جنبه مشورتی نداشته ودر واقع شورای مزبور یك مجلس دوم قانون گزاری است که اختیارات آن کاهش یافته است.

چنانکه در بالا اشاره شد کلیه مصوبات مجلس ملی بوسیله هیئت رئیسه آن مجلس به هیئت رئیسه شورای جمهوری فرستاده میشود. ترتیب طرح و بررسی قانون واخذ رأی در شورای جمهوری شبیه مجلس ملی است یعنی بترتیب ابتدا در کمیسیونها سپس درجلسه علنی مورد بحث واقع شده و نسبت بآن رأی گرفته میشود. معذلك قانون اساسی ازحیث زمان محدودیت هائی برای شورای جمهوری در نظر گرفته است. واگرچنانچه مجلس ملی لایحه بودجه را درمدت کمتراز دوماه مورد بررسی قرار داده وبآن رأی داده باشد شورای جمهوری نیز باید حداکثر درظرف همان مدتی که مجلس ملی برای طرح و تصویب لایحه بودجه صرف کرده است نظر خود را اظهار کند. ودرمواردیکه مجلس ملی با قید فوریت قانونی را تصویب نموده باشد شورای جمهوری موظف است ظرف همان مدتیکه بموجب آئین نامه داخلی مجلس برای تصویب فوری قانون پیش بینی شده است رسیدگی کرده رأی خودرا اظهار کند.

همچنین برطبق اصل ۲۰ قانون اساسی مهلت هائی که درفوق شرح داده شد مقارن تعطیل اجلاسات معلق میماند یعنی مدت تعطیل بحساب نمی آید و بدرخواست شورای جمهوری مجلس ملی تمدید مهلت خواهد نمود.

اگر شورای جمهور با قانونیکه مجلس ملی تصویب کرده است صد در صد موافق نباشد و پیشنهاد های اصلاحی بدهد مجلس ملی برای باردوم قانون را مورد

مطالعه قرارداده فقط در باره پیشنهاد های اصلاحی که از جانب شورای جمهوری داده شده است بررسی‌میکند . مجلس ملی مختار است که تمام یاقسمتی از اصلاحات پیشنهادی شورای جمهور راپذیرد یاآنها رارد کند اما اگـر شورای جمهوری در باره قانون مورد بحث بارأی علنی و اکثریت مطلق اعضاء خود رأی داده باشد رد تمام یاقسمتی از پیشنهاد های آن شورا از طرف مجلس ملی نیز باید در دفعه دوم بـا همین شرائط صورت عمل بخود گیرد .

مبحث چهارم

قانون بودجه وقوانین مالی

الف ـ قانون بودجه .

بودجه طبق تعریفی که‌درماده ۵ تصویب نامه مورخ ۳۱مه ۱۸۶۲ از آن شده است عبارتست ازسندیکه بوسیله‌آن‌در آمدها وهزینه های سالیانه مملکتی‌پیش‌بینی وتصویب می‌شوند .

وبر طبق اصل ۱۶قانون اساسی بودجـه عبارتست از یك قانون وبنابرایـن علی‌الاصول مانند یك قانون عادی مورد طرح وتصویب قرارمیگیرد .

معهذلك قانون بودجه با قوانین عادی تفاوت های محسوسی دارد از اینقرار :

۱ـ طرح و پیشنهاد بودجه بطور کلی با دولت است زیرا بر طبق اصل ۱۶ قانون اساسی بودجه باید بصورت یك طرح قانون (ونه یك پیشنهاد) بمجلس ملی تقدیم شود بعلاوه موقع بحث در اطراف بودجه اعضای پارلمان نمیتوانند بـادادن پیشنهادات اصلاحی هزینه های پیش بینی شده درطرح بودجه را افزایش دهند و یا مخارج جدیدپیشنهاد نمایند .

۲ـ قانون اساسی مقررمی‌دارد که‌بودجه فقط باید متضمن مقررات مالی باشد بنابر این پیشنهاداتیکه بموضوع بودجه ارتباط نداشته باشد قابل طرح یا تصویب همراه باقانون بودجه نخواهد بود .

۳- طبق اصل بیستم قانون اساسی و چنانکه در پیش اشاره شد شورای جمهوری باید ظرف همان مدتی که مجلس ملی درباره بودجه رسیدگی و بآن رأی داده است نظر خود را اظهار نماید.

٤- طبق قانون ۲۷ اکتبر ۱۹٤٦ در مورد قانون بودجه جلب نظر شورای اقتصادی بعمل نمی آید

۵- بعلاوه اصل هیجده قانون اساسی مقرر میدارد که مجلس ملی بر حساب درآمدها و هزینه های مملکتی نظارت داشته و آنرا تنظیم نماید و بموجب همین اصل از قانون اساسی مجلس ملی میتواند دیوان محاسبات را بهر گونه تحقیق و مطالعه در باب چگونگی اجرای درآمدها و هزینه های عمومی و طرز اداره امور خزانه مملکت مأمور نماید.

بپیروی از این اصل مجلس محاسبات مملکتی را مورد رسیدگی قرار داده و نسبت بآن تصمیم میگیرد بدون آنکه نظر شورای جمهوری را جلب نماید و حتی بدون آنکه تصمیم مصوب مجلس مزبور بتوشیح رئیس جمهور برسد.

ب- قوانین مالی

قوانین مالی فقط عبارت از بودجه مملکتی نیست. بسیاری از مصوبات پارلمان با آنکه راساً و بطور مستقیم جنبه مالی دارد اما بطور غیر مستقیم جنبهٔ مالی پیدا میکنند از قبیل قانونی که مربوط به ایجاد یك سازمان جدید باشد و یا مثلاً قانونی که با وضع جزای نقدی درباره بعضی از تخلفات عایدی جدیدی برای خزانه مملکت ایجاد کند.

مسئله‌ای که در اینجا مورد بحث می باشد عبارت از این است که بدانیم حق پیشنهاد و ابتکار قوانین مالی با کیست.

۱- رئیس الوزراء بنمایندگی از طرف دولت اختیار کامل دارد که طرح قانون بودجه و همچنین طرحهای قوانین مالی برای ایجاد یا افزایش یا کاهش یا حذف درآمدها و هزینه های مملکتی را بپارلمان تقدیم نماید. بنابراین پیشنهاد طرحهای

مالی بالاخص طرح بودجه مملکتی نه فقط یك حق بلکـه از جمله تکالیف دولت بشمار میرود .

۲- اعضای مجلس ملی میتوانند هر گونه پیشنهادی که مربوط به‌در آمدهای مملکتی باشد خواه مستقیماً ازطریق تقدیم یك پیشنهاد مستقل بهیئت رئیسه مجلس ملی و خواه بوسیله پیشنهاد های اصلاحی تقدیم و اظهار نمایند .

اما ازحیث پیشنهاد مخارج ویا پیشنهاد افزایش مخارج طبق اصل هفدهـم قانون اساسی نمایندگان مجلس‌ملی نمیتواندهنگام بحث دراطراف بودجه‌واعتبارات این حق را اعمال نمایند .

۳- بموجب اصل ۱٤ قانون اساسی اعضای شورای جمهوری نمیتوانندپیشنهاد هائی تقدیم کنند که منتهی به کاهش عایدات و یا ایجاد مخارج جدید گردد . مفهوم این اصل این است که اعضای شورای جمهوری حق تقدیم پیشنهاد مستقل که بـه تقلیل عایدات دولت ویا ایجاد مخارج جدید منتهی گردد ندارند . اما راجع باینکه هنگام طرح وبحث‌قانون‌بودجه نیزحق‌دادن پیشنهادهای اصلاحی راجع به کاهش درآمدها ویا ایجاد هزینه های جدید نیزاز اعضای شورای جمهوری سلب شده‌است یانه‌گرچه‌اصل۱۷ قانون اساسی این اختیار رافقط ازاعضای مجلس ملی سلب کرده است وبا وجود اینکه اعضای شورای جمهوری در مورد بودجه مانند سایـر موارد قانون گزاری حق تقدیم‌پیشنهاد های اصلاحی را دارا میباشند معذلك نمیتوان گفت که اعضای‌شورای جمهوری‌حق دارندهنگام شوردراطراف بودجه پیشنهادافزایش مخارج تقدیم کنند زیرا شناختن حقی برای اعضاء شورای جمهوری که آن حق از اعضای مجلس ملی‌سلب شده باشد برخلاف‌مفهوم کلی وروح قانون اساسی‌خواهد بود . بعلاوه بموجب ماده ٦ آئین نامه داخلی شورای جمهور این حق ازاعضای آن شورا سلب شده است .

واما راجع‌به کاهش درآمدهاطبق اصل ۱٤مذکوراعضای شورای‌جمهوری، حق پیشنهاد مستقل در باره تقلیل عـایدات مملکتی را ندارند ولی اختیار تقدیـم

پیشنهاد های اصلاحی درموقع بحث دراطراف قانون بودجه و یا قوانین دیگر از اعضای جمهوری سلب نشده است .

مبحث پنجم

توشیح قانون

پس از تصویب قانون بوسیله مجالس مقننه آخرین مرحله ای که یك قانون باید طی کند تاقطعیت یافته ولازم الاجرا گردد عبارت از توشیح قانون است که بحسب رژیم های سیاسی مختلف معنی واهمیت آن فرق میکند .

در بعضی ممالك مانند ممالك متحده آمریکای شمالی توشیح قانون یك نوع حق نظارت ازطرف قوهٔ مجریه درمورد مصوبات پارلمان بشمار میرود آنرا یك نوع حق «وتو»(۱) بنفع قوه مجریه دانست. قانون اساسی سال ۱۷۹۱ فرانسه نیز نظیر چنین حقی رابرای قوه مجریه شناخته بود.

در بعضی رژیمهای سیاسی که بر مبنای قدرت مطلق قوه مقننه تأسیس یافته توشیح قانون بحسب موارد یا اساساً وجود ندارد یا همراه تصویب قانون توسط خود مجالس قانون گزاری صورت میگیرد . ویا اینکه بطورخود بخود واجباری بوسیله رئیس مملکت عملی میگردد سیستمی که درقانون اساسی سال ۱۹٤٦ فرانسه انتخاب گردیده و درقانون اساسی سال ۱۸۷٥ نیز مورد عمل بوده است از این نوع اخیراست زیرا رئیس مملکت توشیح قانون رامانند یك وظیفه باید انجام دهد بااین قید که فقط میتواند برای یك مرتبه شورمجدد قانون را ازپارلمان تقاضا کند ویادر مورد کنترل قانون ازطرف کمیته قانون اساسی توشیح قانون راموقتاً قدری بتأخیر اندازد که راجع به آن ذیلاً بحث خواهد شد .

حق توشیح قانون بموجب اصل سی وششم قانون اساسی بارئیس جمهور است منتهی مانند هر گونه نوشته یا سند دیگری که از طرف رئیس جمهور امضاء گردد امضاء نخست وزیرویکی ازوزراء نیزدر کنارتوشیح رئیس جمهور باید گذاشته شود.

۱- Véto

۱ـ مدت توشیح قانون

همینکه قانونی بتصویب نهائی رسید یعنی پس از رأی مجلس ملی شورای جمهوری نیز آنرا تصویب نمودو یا آنکه درصورت اصلاحات یانظریهٔ مخالف شورای مزبور مجلس ملی قانون را برای باردوم به ترتیبی که شرح داده شده مورد بحث قرارداد و آنرا تصویب نمود درهردو صورت رئیس مجلس ملی قانون مصوبه رابرای توشیح بدولت ابلاغ مینماید .

ازتاریخ ابلاغ قانون بدولت ظرف مدت ده روز رئیس جمهور باید قانون را توشیح نموده ودولت آنرا بموقع اجراء گذارد . اگرمجلس ملی رأی داده باشد که قانون موردبحث فوراً بتوشیح برسددراینصورت مدت ده روز به پنج روز کاهش مییابد

۲ـ درخواست شورمجدد قانون

طبق اصل سی وششم قانون اساسی رئیس جمهور میتواند ظرف مهلتی که برای توشیح قانون دراختیار وی گذاشته شده (ده یاپنج روز) ازپارلمان بخواهد که مجدداً قانون رامورد شور وبحث قراردهد .

درجمهوری سوم هیچوقت موردی برای بکار بستن این اختیار ازطرف رئیس جمهور پیش نیامد وچنین بنظرمیرسد که اعمال این حق بابی اثربودن وجود رئیس جمهور سازگار نمی بود ولی در جمهوری چهارم برعکس در موارد متعدد رئیس جمهور توانسته است با بکار بستن این اختیار خواه راساً از طرف خود وخواه به پیشنهاد کمیته قانون اساسی پارلمان رابشور مجدد در قانون وادار کند .

اما درهر حال باید درنظر داشت که اعمال این حق از طرف رئیس جمهور بصورت یك پیشنهاد ویاتوصیه ایست ونه یك دستور . بالنتیجه پارلمان و مخصوصاً مجلس ملی مجبور نیستند که درشور دوم قانون را با تشریفات خاص ویا مثلاً با اکثریت قویتری رأی بدهند . پارلمان فقط موظف است که پیشنهاد رئیس جمهور را رد ننموده یکبار دیگر قانون را مورد شور ورأی قرار دهد . بنابراین حق وتو

برای رئیس جمهور درفرانسه وجود ندارد و بعد ازشور ورأی ثانوی رئیس جمهور موظف است قانون را بهرشکل و کیفیتی که ازطرف پارلمان ابلاغ شده باشد توشیح نماید.

۳ـ دخالت کمیته قانون اساسی

ازتاریخ ابلاغ قانون بوسیله رئیس مجلس ملی بدولت بمنظـور توشیح در مدتیکه برای توشیح قانون مهلت مقررشـده است رئیس جمهور و رئیس شـورای جمهوری میتوانند متفقاً از کمیته قانون اساسی بخواهند که قانون مصوب مجلس ملی را که برای توشیح بدولت ابلاغ شده است مورد بررسی قراردهد مشروط براینکه شورای جمهوری بااکثریت مطلق اعضای تشکیل دهنده خود باین موضوع رأی داده باشد .

کمیته قانون اساسی بموجب اصل ۹۱ ودرظرف مدت ۵روز (یادرصورتیکه قانون باید فوراً بتوشیح برسد ظرف دو روز) ازتاریخ ارجاع بررسی میکند کـه آیا قانون مصوب مجلس ملی تجدید نظردر قانون اساسی را ایجاب مینماید یانه .

اگر کمیته مزبور رأی داد که قـانون مصوب باقانون اساسی مطـابق است در اینصورت قانون مزبور در ظرف مهلتی که برای توشیح قانون پیش بینی شده باضافه مهلت پنج روزیا دوروز اخیرتوشیح یافته وبموقع اجرا گذاشته میشود .

اما اگر کمیته رأی داد که قانون جدید مستلزم تجدید نظر در قانون اساسی است در این صورت قانون برای شور مجدد بمجلس ملی فرستاده میشود ودر نتیجه یکی ازدو حالت ممکن است اتفاق افتد اول اینکه قانون ازطرف مجلس ملی طوری اصلاح شود کـه مقررات مخالف با قاقون اساسی ازآن حذف گردد که در اینحالت مانعی برای توشیح قانون موجود نخواهد بود.دوم اینکه پارلمان بررأی سابق خود باقی بماند که دراینصورت قبل ازتوشیح قانون باید قانون اساسی درآن قسمتی که طبق تشخیص کمیته قانون اساسی باقانون عادی مغایرت دارد مورد تجدید نظرقرار گرفته اصلاح گردد. بنابراین قبل ازانجام تجدید نظردرقانون اساسی قانون مصوب

پارلمان بواسطه عدم توشیح بلااجراء خواهد ماند .

۴- توشیح قانون توسط رئیس مجلس ملی

چنانکه سابقاً درمبحث اختیارات رئیس مجلس ملی گفتیم اگر رئیس جمهور از مهلت هائیکه طبق قانون اساسی برای توشیح قانون پیش بینی گردیده قانون را توشیح ننماید رئیس مجلس ملی قانون مزبور را توشیح نموده بـرای اجراء بدولت ابلاغ مینماید .

فصل یازدهم

روابط متقابله قوه مجریه وقوهٔ مقننه

منظور مادراین فصل شرح مواردی است که هریك از دو قوه مقننه ومجریه درباره یکدیگر اعمال نفوذ و نظارت مینماید. مهمترین موارد اعمال نفوذ هریك از این دوقوه درمورد دیگری عبارت ازمسئولیت وزراء وانحلال مجلسین است که آنرا دردو مبحث شرح خواهیم داد.

مبحث اول

مسئولیت وزراء

مسئولیت وزراء دارای سه جنبهٔ متفاوت میباشد : جزائی ـ مدنی ـ سیاسی

الف ـ مسئولیت جزائی وزراء

ازنقطه نظرجزائی وزراء ممکن است مسئول واقع شوند وبواسطه ارتکاب جرائم تحت تعقیب قضائی قرار گیرند. اصل مسئولیت جزائی وزراء وهمچنین ترتیب اعلام جرم ازطرف مجلس درباره وزراء درفصل بیست وهفتم قانون اساسی پیش بینی شده است که راجع بجزئیات و آئین دادرسی مربوط باین امر در فصل آینده گفتگو خواهیم کرد.

ب ـ مسئولیت مدنی وزراء

وزراء وقتی مسئولیت مدنی درقبال اشخاص عادی وافراد مملکت دارند که ازتقصیریا خطای آنها خسارت مالی بغیروارد آید. چون اینموضوع ازحوصله این کتاب خارج است ومحل بحث آن درقانون دیگر میباشد لذا دراینجا ازآن صحبت نخواهد شد وفقط در زیر بشرح مسئولیت سیاسی وزراء که داخل درحدود حقوق

اساسی میباشد بحث مینمائیم .

ج- مسئولیت سیاسی وزراء

مسئولیت وزراء ازنظر سیاسی عبارت از اینستکه وزراء در مقابل قوهٔ مقننه مسئولیت داشته وازبابت اعمال واسناد ناشیه از آنها باید درمقابل پارلمان جواب گوئی نمایند. نتیجه اصل مسئولیت سیاسی وزراء این است که هرگاه مابین قوه مقننه ووزراء عدم توافق پیدا شود و وزراء نتوانند موافقت پارلمان را جلب کنند آثار مسئولیت سیاسی بشرحی که درزیر ازآن بحث خواهد شد ظاهر میشود .

تفاوت بین این نوع مسئولیت ومسئولیت مدنی وجزائی اولاً دراین است که مبنای مسئولیت سیاسی برخلاف آن دو نوع مسئولیت بریك جرم یاشبه جرم قرار ندارد بلکه چنانکه گفته شد فقط از بروز اختلاف بین قوه مقننه و کابینه حادث میشود . ثانیاً برخلاف مسئولیت مدنی وجزائی مسئولیت سیاسی تابع تشریفات قضائی که درمقابل دستگاه دادگستری باید رعایت شود نبوده بلکه در رژیم پارلمانی یکی ازدومجلس قانون گزاری یاهردو آنرا اعمال میکنند ودررژیمهائیکه رئیس جمهور دارای اختیارات وسیعی میباشد (رژیم جمهوری آمریکای شمالی) این اختیار بوسیله رئیس جمهور اعمال میگردد . ثالثاً مسئولیت سیاسی عواقب جزائی نداشته و کیفری برآن مترتب نیست ومنتهی بجبران خسارت نیز نمیگردد بلکه چنانکه درفوق گفته شد اثر آن فقط برکناری وزراء است ازشغلی که داشته اند. بالنتیجه مفهوم کلمه اصطلاح مسئولیت سیاسی فقط نتیجه شمول آن مسئولیت میباشد وگرنه از نقطه نظر حقوقی فقط مسئولیت جزائی و مسئولیت مدنی با مفهوم این کلمه ارتباط دارد و مسئولیت سیاسی مربوط میشود بنظارت یکی ازارکان حکومت پارلمانی نسبت برکن دیگر ومفهوم مجازات یك خطایا تقصیررا ندارد .

مسئولیت سیاسی وزراء سابقاً در قوانین اساسی فرانسه پیش بینی نشده بود هرچند که عملاً این اختیار توسط پارلمان بکار برده میشد ولی در قانون اساسی فعلی اصل مسئولیت سیاسی وزراء درقبال مجلس ملی (وزراء درقبال شورای جمهوری

مسئول نمیباشند) بطور صریح پیش بینی شده و ترتیب آن بقرار زیراست :

۱- مسئولیت وزراء طبق قانون اساسی سال ۱۹۴۶ در دو مورد ممکن است مطرح گردد .

اولاً بطوریکه دراصل پنجاه قانون اساسی پیش بینی شده است هریک از اعضای مجلس ملی میتواند پیشنهاد «سانسور» نموده و بوسیله آن رأی مجلس رادر باره کابینه ایکه مورد انتقاد قرار گرفته است جلب نماید .

طبق ماده ۵۰ آئین نامه داخلی مجلس ملی پیشنهاد سانسور باید بلافاصله بدولت ابلاغ گردد و بر اثر آن دولت بایستی در مقابل مجلس ملی ودرخصوص مسئله ایکه نسبت بآن مورد انتقاد واقع شده است توضیح دهد و جواب گوئی نماید .

ثانیاً - طبق اصل ۴۹ قانون اساسی هیئت دولت میتواند درموقع طرح موضوعی درمجلس ملی که مربوط به عمل وسیاست دولت است (لایحه قانونیکه ازطرف دولت پیشنهاد شده است وغیر آن) ازمجلس تقاضای رأی اعتماد نماید ودرصورتیکه مجلس رأی موافق که منظور دولت است نسبت بآن موضوع ندهد نتیجه آن این میشود که آن دولت دیگراز اعتماد مجلس برخوردار نیست ولذا کناره گیری خواهد کرد . اما توضیح این نکته لازمست که دولت نمیتواند مستقلاً ومجرد ازموضوع دیگری ازمجلس تقاضای رأی اعتماد کند بلکه چنانکه گفته شد همراه باتقاضای تصویب یك قانون باتقاضای تأخیر دراستیضاحی که ازدولت شده است یا تغییر دستور مجلس و نظائر آن دولت میتواند رأی اعتماد بخواهد ومعنی آن این است که دولت بااین تقاضا مجلس راقبلاً آگاه میسازد که اگر مجلس بروفق تقاضا و میل دولت رأی ندهد و تصمیم نگیرد دولت کناره گیری خواهد نمود .

تقاضای رأی اعتماد باید بارعایت شرایط معینه صورت گیرد بااین معنی که ابتدا بایستی درهیئت دولت تصویب شود وسپس بوسیله نخست وزیر باطلاع مجلس برسد.

درهردو مورد یعنی خواه درمورد پیشنهاد «سانسور» ازطرف اعضای مجلس ملی وخواه هنگام تقاضای رأی اعتمادازطرف هیئت دولت هر گاه مجلس باکثریتی

که درقانون اساسی پیش بینی شده است (اکثریت مطلق آراء نمایندگان مجلس ملی پیشنهاد سانسور راتصویب کند ویارأی اعتماد بدولت ندهد نتیجه آن قهراً ولزوماً برکناری دسته جمعی وزراء خواهد بود .

۲ـ مسئولیت سیاسی فردی وزراء

چنانکه میدانیم وزراء مسئولیت دسته جمعی ازنظر سیاسی دارند و بنابراین ازآثار مسئولیت سیاسی نیز بطور دسته جمعی برخوردار میشوند معذلك طبق اصل ٤٨ قانون اساسی سال ١٩٤٦ وزراء بطور انفرادی نیز درمقابل مجلس ملی مسئول میباشند .

قانون اساسی برای اینگونه مسئولیت ترتیب وشرائطی تعیین ننموده ودرعمل نیز اینگونه مسئولیت بسیار بندرت تحقق پیدا کرده است زیرا چنانکه میدانیم وزراء وحدت موجودی داشته ووزراء مسئولیت مشترك دارند و بسیار نادرست که عمل يك وزیر بهیچوجه باسیاست عمومی کابینه ارتباط نداشته وفقط مربوط بهشخص آن وزیرباشد . بعلاوه هرگاه وزیری نسبت بعملی که بشخص اومربوط بوده وسایر همکارانش نسبت بآن عمل خود راغیر مسئول بدانند موردمواخذه شود بسیارمحتمل است که نخست وزیر ازآن وزیربخواهد که استعفا کند ودرصورتیکه وزیرمسئول تمکین ننماید نخست وزیرعزل اورا ازرئیس جمهور درخواست کند .

مبحث دوم

انحلال مجلس ملی

حق انحلال مجلسین برای قوهٔ مجریه یکی ازعوامل وشرائط توازن قوا در رژیم پارلمانی بشمار رفته وواجداهمیت فراوان است زیرا بااعمال این حق ازتعدیات قوهٔ مقننه نسبت بقوه مجریه جلوگیری وازناپایداری وسقوط متوالی دولتهاممانعت بعمل می آید .

درجمهوری سوم حق انحلال مجلس نمایندگان طبق ماده پنج قانون اساسی سال ۱۸۷۵ پیش بینی شده بود این اختیار بوسیله رئیس جمهور اعمال میشد منتهی

موکول بموافقت قبلی سنای فرانسه بود .

در تدوین قانون اساسی فعلی فرانسه این اصل مورد نظر بوده است که حق انحلال مجلس ملی برای قوهٔ مجریه نگاهداشته شود و علیرغم مخالفت احزاب چپ فرانسه مآلاً این حق درماده ٥١ قانون اساسی پیش بینی شده منتهی شرایطی برای بکار بردن آن مقرر گردیده است که درواقع اعمال آن بسی دشوار میباشد .

الف ـ شرایط لازم برای امکان انحلال مجلس ملی

شرایطی که باید موجود باشد تابتوان مجلس ملی رامنحل نمود بقرار زیر است:

۱ـ اولاً اعمال این حق امکان پذیر نیست مگر اینکه هیئت دولت در ظرف یك دوره هیجده ماهه دوباردست خوش بحران گردد بـاین معنی که طبق شرایـط پیش بینی شده درموارد ٤٩ و ٥٠ قانون اساسی مجلس ملی هیئت وزراء رامجبور به کنار گیری نماید . درچنین صورتی چنین تلقی میشود که مجلس ملی نمیتواندباهیچ دولتی همکاری نماید .

اما باین نکته باید توجه داشت که بر کناری هیئت دولت کـه شرط امکان انحلال مجلس ملی میباشد باین ناشی ازرأی عدم اعتماد مجلس باشد و بعبارت دیگر استعفای هیئت دولت بدون آنکه ازطرف مجلس ملی رأی عدم اعتماد ابراز شـده باشد ویا بدون آنکه مجلس پیشنهاد انتقاد از کابینه رامورد تصویب قرارداده باشد برای امکان انحلال بحساب نمیآید ولو اینکه این استعفا در نتیجه عدم تـوافق بین مجلس ودولت بوجود آمده باشد .

۲ـ ثانیاً ـ اگر بحران کابینه طبق اصل ٤٥ قانون اساسی درمدت پانزده‌روز پس ازنصب وزراء بروز کند برای امکان اجرای حق انحلال مذکور در ماده ٥١ بحساب نمی آید .

۳ـ همچنین درطول هیجده ماهه اول هردوره قانون گزاری هرچند دفعه که هیئت دولت دستخوش بحران گردد اعمال حق انحلال ممکن نخواهد بود باین‌معنی که نه‌فقط درطی هیجده ماه اول هردوره قانون گزاری انحلال مجلس ممکن‌نیست

بلکه بحرانهای کابینه که‌در طول اینمدت رخ دهد برای امکان انحلال بحساب نمیآید.

ب ـ تشریفات و آئین انحلال

۱ـ وجود شرایط فوق‌الذکر باعث نمیشود که مجلس ملی بخودی خودلزوماً منحل گردد بلکه هیئت وزراء مختار است که تصمیم بانحلال بگیرد یانگیرد .

۲ـ درصورتیکه هیئت دولت مصمم بانحلال مجلس گردد لازم است که قبلاً نظر رئیس مجلس ملی را دراین باب استفسار کند اما نظر رئیس مجلس مزبور هر چه باشد برای دولت لازم الرعایه نیست .

۳ـ همین که شورای وزیران نسبت به‌انحلال مجلس ملی تصمیم گرفت رئیس جمهور فرمان انحلال را صادر مینماید . یعنی عامل واقعی انحلال هیئت دولت است ورئیس جمهور موظف است که درصورت تقاضای دولت فرمان انحلال‌راصادر نماید

ج ـ نتایج انحلال مجلس

۱ـ بمحض صدور فرمان انحلال اعضای مجلس ملی دیگر صلاحیت نمایندگی را ازدست‌داده واختیارات‌سابق از آنها سلب میشود. بنابراین لازم است که‌انتخابات عمومی برای تشکیل مجلس جدید بعمل آید .

برطبق اصل ۵۲ قانون اساسی انتخابات عمومی ظرف حداقل بیست روز و حداکثرسی روزپس ازانحلال مجلس ملی باید بعمل‌آید .

۲ـ اما صدور فرمان انحلال تأثیر حقوقی دیگری نیز دارد و آن عزل رئیس هیئت وزراء و وزیر کشور میباشد زیرا طبق اصل ۵۲ قانون اساسی هیئت دولت باستثنای نخست وزیر ووزیر کشور برای انجام امورجاریه تاانعقاد مجلس ملی جدید بسمت خود باقی میماند . پیش بینی عزل نخست وزیر ووزیر کشوریک‌عمل‌احتیاطی برای احتراز ازهرگونه پیش‌آمد غیرعادی درغیبت مجلس ملی و بخصوص بمنظور عدم‌امکان‌دخالت‌دولت درامرانتخابات میباشد .

۳ ـ بجای نخست وزیر که قهراً بر کنار میشود رئیس مجلس ملی خودبخود ریاست هیئت وزراء را تا انعقاد مجلس جدید و تعیین نخست وزیر دیگر عهده دار

خواهد بود .

برای تصدی پست وزارت کشور رئیس مجلس ملی که جانشین نخست وزیر شده است بامشورت و توافق هیئت رئیسه مجلس منحله یك شخصیت سیاسی راانتخاب مینماید . بااتخاذاین تدبیر مقارن انتخابات مجلس جدید پست وزارت کشورازدخالت اعضاء کابینه ایکه مجلس ملی رامنحل کرده است خارج بوده وامکان دخالت مغرضانه بضرر اعضاء مجلس منحله درامر انتخابات منتفی میگردد. اما سایراعضای کابینه منحل شده درشغل خود باقی میمانند تاامور جاریه را اداره کنند منتهی وزرای مشاور بوسیله نخست وزیر (رئیس مجلس ملی منحله) از میان احزاب پارلمانی که درهیئت دولت اخیر نماینده ای نداشته اندبرای همکاری باوزراء کابینه منحل شده معین میشوند .

باتوجه بشرائط و نتایجی که درخصوص انحلال مجلس ملی درقانون اساسی سال ۱۹٤٦درنظر گرفته شده است چنین میتوان نتیجه گرفت که منظور نویسندگان قانون اساسی مزبوراین بوده است که حتی الامکان امرانحلال مجلس را دشوار کنند تا درعمل این حق بآسانی قابل اعمال نباشد . بعلاوه در خاتمه باید تذکر داده شود که شورای جمهوری ازانحلال مصون ودرامان است واین مقتضی طبیعت مجالس درجه دوم پارلمان میباشد همانطور که در خصوص مسئولیت وزراء نیز چنانکه دیدیم شورای جمهوری دخالتی ندارد .

فصل دوازدهم

دادگستری سیاسی

مبحث اول

دیوان عالی دادرسی

درجمهوری سوم فرانسه دادگستری سیاسی بدین ترتیب اعمال میشد که مجلس نمایندگان نسبت به رئیس جمهوری که مرتکب خیانت نسبت ببقاء و استقلال مملکت میگردید و همچنین علیه وزرائی که مرتکب جرائمی بمناسبت انجام وظیفه میگردیدند اعلام جرم می‌نمود و آنها را بدین ترتیب تحت تعقیب قرار می‌داد. سپس مجلس سنای فرانسه بعنوان یك دادگاه دادگستری باتهام رسیدگی کرده ورأی میداد.

اما درجمهوری چهارم قانون اساسی سال ۱۹٤٦ بپیروی ازاین اصل که برای مجلس سنا مقام ومنزلت قابل توجهی درنظر نگرفته چنین اختیاری رابرای مجلس مزبور قائل نشده واختیار دادرسی سیاسی رابمجلس سنا نداده است ودر عوض دادگاه سیاسی مخصوص بنام دیوان عالی دادرسی ایجاد کرده است که تشکیلات وصلاحیت وطرز رسیدگی آن بشرح زیراست:

الف ـ سازمان وطرز تشکیل دیوان عالی دادرسی

طبق اصل ۵۸ قانون اساسی انتخاب اعضای دیوان عالی دادرسی بعهده مجلس ملی محول شده است وبموجب ماده ۵۹ قانون اساسی سازمان دیوان نامبرده و آئین دادرسی که باید در آن مراعات شود بعهده قانون عادی گذاشته شده است. سپس قانون مورخ ۲۷ اکتبر ۱۹٤٦ سازمان دیوان نامبرده رابشرح زیرمعین کرده است.

۱ ـ دادگاه عالی مرکب ازیك رئیس ـ دونائب رئیس وسی نفرقاضی اصلی

وسی نفرقاضی علی‌البدل که در مواقع غیبت اعضای اصلی جانشین آنها میشوند .

طبق اصل ٥٨ قانون اساسی وقانون متعارفی ۲۷ اکتبر ۱۹٤٦ انتخاب اعضای دادگاه عالی بامجلس ملی است . رئیس و نواب رئیس بارأی مخفی و با کثریت دو ثلث آراء انتخاب میشوند . بااینکه قانون اساسی تصریح ندارد که رئیس و نواب او باید ازمیان اعضای مجلس ملی انتخاب گردند معهذا باتوجه به مفهوم کلی قانون اساسی ومذاکرات و کارهای مقدماتی مربوط به تهیه قانون اساسی رئیس ودو نفر نایب رئیس دیوان عالی ازمیان اعضای مجلس ملی باید انتخاب شوند ونه ازخارج ازمجلس مزبور.

بیست نفرازقضات اصلی وهمچنین بیست نفرازقضات علی‌البدل ازمیان اعضای مجلس ملی وبا رعایت نمایندگی نسبی دستجات سیاسی انتخاب میشوند و برای این منظور هریك ازدستجات سیاسی بایدصورت کاندید های خودرا که تعدادآن دو برابر عده لازم خواهد بود معرفی نماید .

ده نفر باقیمانده از قضات اصلی وده نفر دیگر ازقضات علی‌البدل نیز بوسیله مجلس ملی اما ازاشخاص غیرعضو مجلس مزبور با رأی مخفی و باکثریت دو ثلث آراء انتخاب میشوند وبرای انتخاب این بیست نفراخیر مجلس ملی میتواند خواه از میان اعضای شورای جمهوری وخواه ازبین اعضای کمیته هاوشوراهای دیگر برگزیند.

۲- کمیسیون تحقیق مرکب است از یك رئیس ودو معاون وشش نفرقاضی.

رئیس ومعاونین او بوسیله شورای عالی قضائی انتخاب میشوند . بااینکه شورای اخیر مکلف نیست رئیس ومعاونین کمیسیون مزبور را ازمیان اشخاصیکه شغل آنها قضاوت میباشد انتخاب نماید معذلك بلحاظ جنبه فنی وظایفی که کمیسیون تحقیق بر عهده دارد رئیس ومعاونین اوازبین قضات دادگستری انتخاب میگردند .

شش نفرقضات عضو کمیسیون تحقیق بارأی مخفی و با اکثریت دو ثلث آراء نمایندگان مجلس ملی ازمیان اعضای مجلس مزبور ویاازبین اعضای شورای جمهوری انتخاب میشوند .

۳- دادسرای دیوان عالی - مرکب است ازیك دادستان ودو نفر دادیار که

بوسیله مجلس ملی باراًی مخفی و باکثریت دو ثلث آراء از میان اعضای خـودآن مجلس یااز خارج بر گزیده‌میشوند . وظیفه دادسرای مزبوراین‌است که‌پس‌ازاعلام جرم واحاله امربدیوان‌عالی‌بتعقیب پرداخته کمیسیون تحقیق رابرسیدگی‌دراطراف اتهام وادارد .

٤- دفترداد گاه _ اعضای دفترداد گاه عالی از بین کارمندان اداره مجلس‌ملی درابتداء هردوره قانون‌گزاری بوسیله رئیس مجلس انتخاب میشوند .

مبحث دوم

اعلام جرم وتعقیب

طبق اصل ٥٧قانون اساسی هرگاه علیه رئیس جمهوریا وزراء اعلام جـرم بعمل آید مجلس ملی باید باراًی مخفی وبا اکثریت مطلق اعضاء خود نسبت به‌لزوم تعقیب یاعدم تعقیب‌رأی دهد . منتهی‌آن قسمت‌ازاعضای مجلس ملی که درامرتعقیب یاتحقیق یامحاکمه شرکت دارند نباید در رأی مجلس نسبت به تعقیب یا عدم تعقیب شرکت کنند .

همینکه مجلس ملی رأی به‌تعقیب داد رئیس‌آن مجلس از رئیس دیوان عالی دادرسی وازدادستان دیوان مزبور تقاضای تعقیب مینماید وبنابراین نتیجه قهری‌رأی مجلس ملی بتعقیب این خواهد بود که شخص یااشخاصیکه مورد اعلام جرم قـرار گرفته‌اند بوسیله دیوان عالی دادرسی تحت تعقیب و محاکمه قرار گیرند . و نسبت به شخص رئیس جمهور چون عدم مسئولیت وی مانع از هرگونه تعقیب و محاکمه سیاسی وجزائی میباشد رأی مجلس ملی بتعقیب وی این مانع را بر طرف کرده و رئیس جمهور نیزمانند وزراء مورد تعقیب ومحاکمه ازطرف‌دیوانعالی‌قرارمیگیرد.

طبق قانون ۲۷اکتبر ۱۹٤٦ تشریفات وطرز تعقیب وتحقیق نزد دیوان عالی دادرسی بطوراختصار بقرار زیراست :

همینکه تعقیب متهم بـوسیله رئیس مجلس ملی از دیوان عالی درخـواست

گردید دادستان دیوان مزبور کمیسیون تحقیق را مـأمور انجام تحقیقات و تکمیل پرونده مینماید . کمیسیون مزبور شروع بتحقیق نموده در باب تحقیق یا عدم تحقق جرائمیکه نسبت داده شده رسیدگی مینماید . کمیسیون تحقیق مانند یکنفر بازپرس اختیارات قضائی لازم خصوصاً از نظر احضار و جلب و توقیف متهم دارا میباشد . بعلاوه کمیسیون نامبرده میتواند حتی نسبت به اموری هم که در اعلام جرم تذکر داده نشده ودرضمن رسیدگی کشف گردد رسیدگی و تحقیق نماید .

هرگاه در ضمن رسیدگی کمیسیون تحقیق کشف نماید که اشخاص دیگری غیراز آنها که درمعرض اتهام قرار گرفته‌اند بنحوی ازانحاء دراتهام شرکت ودخالت داشته‌اند درصورتیکه شخص یااشخاص جدید ازوزراء یارئیس جمهور باشد کمیسیون تحقیق نمیتواند آنها راتحت تعقیب درآورد مگر بعدازآنکه مجلس ملی بترتیبی که درفوق گفته شد در باره تعقیب یاعدم تعقیب آنها رأی دهد. واگرشرکـاء ومعاونین جدید اشخاصی غیراز رئیس جمهور یاوزراء باشند کمیسیون تحقیق میتواند بخودی خود وراساً درباره آنها نیزشروع برسیدگی وتعقیب نماید همچنین برای متهم نیز حق دفاع نظیرآنچه که درامور جزائی برای متهمین درنظر گرفته شده است پیش بینی شده است .

پس از خاتمه تحقیقات دادستان ادعانامه خود را تنظیم نموده و پرونده امر مدت ده‌روز دردفتردیوان عالی دردسترس متهم وو کلای مدافع وی قرارداده میشود تاآنرا مطالعه کرده یادداشت هائی که لازم بدانند بردارند سپس دریك جلسه علنی کمیسیون تحقیق اظهارات و توضیحات دادسرا وهمچنین مدافعات و کلای مدافع ومتهم را استماع کندو درصورتیکه قرارعدم تعقیب متهم راصادر کند پرونده جزائی بسته میشود ودرصورت معکوس پرونده برای رسیدگی بدادگاه عالی فرستاده میشود . بنابراین نقش اساسی ومؤثر رادر دادرسی سیاسی کمیسیون تحقیق برعهده‌دارد زیرا

کمیسیون مزبور میتواند مانند یك مستنطق قرار مجرمیت یا برائت صادر نماید و متهم را برای محاکمه نزد دادگاه عالی بفرستد. نقش مجلس ملی در واقع جز این نیست که اتهام را بجریان اندازد بعلاوه باید اضافه نمود که قرارهای کمیسیون تحقیق قابل هیچگونه اعتراض واستیناف نمیباشد.

مبحث سوم

دادرسی وحکم

همینکه از طرف کمیسیون تحقیق قرار مجرمیت و احاله پرونده بدیوان عالی صادر گردید دادگاه عالی شروع برسیدگی مینماید دادگاه عالی برای دادرسی وصدور حکم مقید برعایت تشریفات و آئین دادرسی مفصل و پیچیده‌ای نیست وحدود وشرایط مقرر برای آن دادگاه بطور خلاصه بقرار زیر است:

۱- طبق ماده ۲۲ قانون ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ دادگاه عالی نمیتواند باتهام دیگری جز آنچه که درقرار ارجاع بدادگاه ازطرف کمیسیون تحقیق ذکرشده است رسیدگی نماید. همچنین دادگاه مزبور نمیتواند عنوان واوصاف اتهام را تغییر دهد.

۲- جلسات دادرسی علنی است مگر آنکه دادگاه قرار سری بودن دادرسی را اعلام نماید. در جلسات دادرسی دادستان وهمچنین وکیل مدافع میتوانند گواهان ومتهم رامستقیماً مورد سئوال قرارداده ازآنها توضیحاتی بخواهند.

۳- پس ازاعلام ختم دادرسی قضات دادگاه بشور پرداخته ابتدا راجع بمجرم بودن یابیگناه بودن متهم وسپس در خصوص وجود یافقدان علل مخففه اظهار نظر میکنند ودرصورت مجرمیت مجازاتی راکه باید درباره متهم اعمال شود تعیین مینماید (مواد ۲۳ و ۲۴ ازقانون ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶) درحکم دادگاه دلائل وجهات محکومیت یابرائت باید ذکرشود.

۴- درصورتیکه شاکی خصوصی در دعوی دخالت داشته باشد دادگاه عالی

موظف است نسبت به‌دادخواست حقوقی رسیدگی کرده حکم بدهد.

۵-حکم دادگاه‌عالی نه‌قابل رسیدگی‌استینافی است و نه قابل فرجام خواهی راجع به‌اینکه خود دادگاه عالی برابر اعتراض محکوم علیه میتواند در دادرسی و حکم تجدیدنظر نمایدقانون۲۷اکتبر۱۹۴۶ساکت‌است‌ومقرراتی‌دراین‌خصوص‌ندارد.

قانون اساسی

جمهوری فرانسه

قانون اساسی که مفادآن بشرح زیرمیباشددر ۲۹سپتامبر ۱۹۴۶ مـورد قبول مجلس ملی مؤسسان واقع شده ودر ۱۳ اکتبر۱۹۴۶ از طریق رفراندوم بتصویب ملت فرانسه رسیده است :

مقدمه

دراین موقع که ملل آزاد برژیم هائی کـه قصد اسارت و تنزل مقام بشر را داشتند پیروز گردیده‌اندملت فرانسه یکبار دیگراعلام میکندکه هرفرد بشربدون تمایز نژاد ومذهب وعقیده دارای حقوق غیرقابل انتقال ومقدسی است . ملت‌فرانسه رسماً حقوق وآزادیهای‌فردی واجتماعی‌راکه برطبق‌اعلامیه حقوق‌بشرمورخ۱۷۸۹ وضع گردیده واصـول اساسی راکه بوسیله قـوانین جمهوری شناخته شده مجدداً تأئید مینماید . بعلاوه ملت فرانسه بنا به مقتضیات وقت اصول سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ذیل رااعلام میدارد :

قانون تساوی زنان ومردان را در کلیه شئون وحقوق تضمین مینماید .

هرفردیکه بعلت خدمت بآزادی‌مورد تعقیب وآزار واقع شده باشد حق‌پناه درقلمرو جمهوری فرانسه رادارد

هرفردی مکلف است کار بکند و حق دارد شغلی داشته بـاشد هیچکس را نمیتوان بعلل نژادی ویا افکار سیاسی ویا عقاید مذهبی در کار و یا شغلی که دارد مورد تعدی قرارداد .

هرفردی میتواند ازحق ومنافع خود بوسیله اتحادیه های صنفی دفاع کرده وبرحسب تمایل خویش وارد اتحادیه‌ای بشود.

حق اعتصاب در حدود قوانین مربوطه اعمال میشود

هر کارگری بوسیله نمایندگی صنفی مربوط در باره تعیین شرایط اجتماعی کار وهمچنین دراداره امور مؤسسات مربوطه بآن من غیرمستقیم شرکت مینماید .

هر نوع مال وهرگونه اقدامات وفعالیت های استحصالی ازآن جنبه خدمت عمومی ملی یامونوپل (۱) انحصار امریداشته باشد باید الزاماً بمالکیت خاصه‌هیئت اجتماع درآید .

ملت شرایط لازمه رابرای رشد فرد وخانواده تأمین مینماید .

ملت برای همه مخصوصاً اطفال و مادران و کارگران از کار افتاده حمایت خودرا ضامن تندرستی وامنیت مادی واستراحت وتعطیلات آنان قرارمیدهد.هرفرد بشری که بعلت سن وحالت جسمانی ویا عقلانی ویا وضع اقتصادی درحالتی واقـع شود که قادر بکار کردن نباشد حق دارد وسائل‌ادامه زندگی خودرا ازهیئت‌اجتماع مطالبه کند .

ملت مسئولیت‌مشترك ومتساوی‌فرانسویان را درقبال وظائف ناشیه ازمصائب ملی اعلام میدارد .

ملت تساوی اطفال وجوانان را ازلحاظ دسترسی به تعلیم وتربیت عمومی و تربیت حرفه‌ای وفرهنگ تضمین مینماید . تشکیلات آموزش وپرورش عمومـی و مجانی وغیرروحانی(۲)درتمام درجات از وظائف دولت محسوب میشود.

جمهوری فرانسه تعهد میکند که سیاست‌بین‌المللی خودرا باقوانین بین‌المللی منطبق نماید . جمهوری فرانسه بهیچوجه من‌الوجوه بمنظور استیلا بر کشورها و ملل دیگراقدام بجنگ نخواهد کرد وهر گز نیروی خودرا برضد آزادی هیچ‌ملتی بکارنخواهد برد .

بشرط معامله متقابله ودرصورت‌لزوم فرانسه میتواند بمحدود کردن‌حاکمیت خود برای حفظ واستقرارصلح بین‌المللی رضایت بدهد .

۱- Monopole de fait   ۲- laique

فرانسه باملت های ماوراء دریاها اتحادیه‌ای راتشکیل میدهد که بدون‌تمایز نژاد ومذهب براساس تساوی حقوق وتکالیف قراردارد .

اتحادیه فرانسه ازملل ومردمی تشکیل شده است که با عزمی راسخ منابـع وقوای خودرا بمنظور توسعه تمدن خویش وبمنظور افزایش وسائل رفاه وتضمین امنیت خود مشترکاً بکار میاندازند .

برطبق رسوم دیـرینه خود فرانسه ملل مذکور رابطـرف آزادی رهبری میکند تابتوانند خود را اداره نموده و امور مخصوص بخودرا آزادانه‌انجام دهند . درحالی که ازهرگونه رژیم‌استعماری که‌متکی بموازین قسری وقهری باشداحتراز میجوید . دسترسی به‌مؤسسات عمومی واجرای حقوق فردی واجتماعی وآزادیهائی راکه فوقاً اعلام وتصدیق شده برای همه تضمین مینماید .

قوانین اساسی جمهوری

فصل اول

حاکمیت

ماده ۱ـ فرانسه یك‌جمهوری‌غیرقابل تجزیه،عرفی، دموکراتیك‌واجتماعی‌است.

ماده۲ـ علامت پرچم سه‌رنگــ ـ آبی ـ سفید ـ قرمزمیباشد که ازسه نـوار متساوی وعمودی وموازی تشکیل شده است .

سرود ملی فرانسه مارس‌یز (۱) است .

شعارجمهوری فرانسه‌آزادی، برابری، برادری(۲)است‌اصل‌ومبنای‌حکومت جمهوری فرانسه عبارتست ازحکومت ملت بخاطرسعادت ملت بوسیله ملت .

ماده۳ـ حاکمیت ملی متعلق بملت فرانسه است وهیچ دسته‌ای از ملت وهیچ فردی ازافراد نمیتواند اعمال این حق رامختص خود بشمارد .

ملت حق حاکمیت خودرا درباره مسائل‌مربوط بمنشور دمکراسی وقوانین

۱ - La Marseillase

۲- Liberté, Egalité, Fraternité

اساسی بوسیله انتخاب نمایندگان مجلس ملی یا از طریق مراجعه به آراء عمومی (رفراندوم) اعمال مینماید .

درسایر موارد ملت حق حاکمیت خود را بوسیله نمایندگان مجلس ملی که ازطریق اخذ آراء عمومی مساوی مستقیم ومخفی انتخاب میشوند اعمال میکنند .

ماده ٤- کلیه افراد واتباع بالغ فرانسه اعم اززن و مرد که با رعایت شرایط مقرره قانونی از حقوق مدنی و سیاسی بهره‌مند میباشند حق شرکت در انتخاب نمایندگان‌مجلس ملی رادارا میباشند .

فصل دوم

پارلمان

ماده٥- پارلمان فرانسه ازمجلس ملی وشورای جمهوری تشکیل میشود .

ماده٦- مدت مأموریت هریك از مجلسین ، طرز انتخاب اعضاء آنها شرایط انتخاب شدن ، تعیین مقررات مربوط بمغایرت با انتخاب شدن و محرومیت از آن بوسیله قانون تعیین گردیده است .

باوجود این عده نمایندگان مجالس مذکور متناسب باوسعت قلمرو وتعداد جمعیت هریك ازنواحی‌فرانسه خواهد بود انتخابات مجلس‌ملی بوسیله آراءعمومی ومستقیم وشورای جمهوری توسط شوراهای بخش وولایات وآراء عمومی ولی‌غیر مستقیم صورت میگیرد . انتخاب نصف‌اعضای شورای جمهوری قابل تجدیدمیباشد.

معهذا مجلس ملی میتواند قسمتی از نمایندگان شورای جمهوری راکه عده آنها ازیك ششم مجموع اعضاء شورای مذکور تجاوز نکند انتخاب نماید .

عده اعضای شورای جمهوری نباید از ۲٥۰ نفر کمتر واز ۳۲۰ نفربیشترباشد.

ماده ۷- اعلان جنك بدون تصویب مجلس ملی‌واطلاع‌قبلی‌شورای جمهوری امکان‌پذیر نیست.

ماده ۸- مجلسین هریك جداگانه و منحصراً حق رسیدگی بصلاحیت اعضای خود داشته ومیتواند استعفای آنان راقبول یارد کند .

ماده ۹- مجلس‌شورای ملی دردومین سه‌شنبه ماه‌ژانویه هرسال جلسه‌عمومی

خودرا بااستفاده اختیار قانونی تشکیل میدهد .

مجموع مدت تعطیل جلسات نباید از چهار ماه تجاوز کند . همچنین تـأخیر تشکیل جلسات بیش ازده روز بمنزله تعلیق قلمداد میشود .

اجلاس شورای جمهوری مقارن تشکیل جلسات مجلس ملی منعقد میگردد.

ماده ۱۰- جلسات مجالس مقننه علنی است .

صورت مشروح وبدون خدشه مذاکرات وهمچنین اسناد پارلـمانی درروزنامه رسمی منتشر میشود . هریك ازمجلسین میتواند جلسه سری تشکیل دهد .

ماده ۱۱- هرسال درآغاز هردوره اجلاسیه هریك ازدو مجلس هیئت رئیسه خودرا بهنسبت تعداد نمایندگان گروههای مختلفه پارلمانی انتخاب مینماید . ریاست جلسه مشترك مجالس مقننه که بمنظور انتخاب رئیس جمهوری تشکیل میشود بـا هیئت رئیسه مجلس ملی است .

ماده ۱۲- درموقع عدم تشکیل مجلس ملی هیئت رئیسه آن برعملیات دولت نظارت داشته و میتواند نمایندگان پارلمان را برای تشکیل جلسه دعوت نماید دراینصورت بایستی دعوت بتقاضای ثلث مجموع نمایندگان بر حسب در خواست رئیس الوزراء بعمل آید .

ماده ۱۳- حق وضع قانون منحصر به مجلس شورای ملی است و این حـق بهیچوجه قابل انتقال نمیباشد .

ماده ۱٤- رئیس الوزراء واعضای مجالس مقننه حق پیشنهاد طرح های قانونی را دارند .

طرحها وپیشنهادهای قانونی که بوسیله اعضاء مجلس ملی تهیه میشود بههیئت رئیسه آن تقدیم میگردد .

پیشنهاد های قانونی که ازطرف اعضاء شورای جمهوری تنظـیم میگردد به هیئت رئیسه آن شورا تسلیم وبدون شور ومذاکره بمجلس ملی فرستاده میشود . پیشنهادهای مذکور درصورتیکه منتج بهتقلیل عایدات دولت یاایجادمخـارج

جدید گردد قابل پذیرش ازطرف مجلس شورای ملی نمیباشد .

ماده ۱۵- مجلس ملی طرحها و لوایح قانونی را که دریافت داشته در کمیسیون هائیکه عده اعضاء و ترکیب و صلاحیت آنهارا خود تعیین مینماید مورد بررسی قرار میدهد.

ماده ۱۶- رسیدگی بطرح قانونی بودجه کل مملکتی صرفاً درصلاحیت مجلس ملی میباشد .

طرح قانونی مزبور منحصراً متضمن مقررات مالی بوده وشامل مقررات دیگری نخواهد بود. طریقه تنظیم بودجه راقانون مقرر خواهد داشت .

ماده ۱۷- ابتکار پیشنهاد هزینه مختص نمایندگان مجلس ملی میباشد معذلك ضمن بحث مذاکره درباب لایحه بودجه تقدیمی دولت و اعتبارات پیش بینی شده و همچنین متمم بودجه هیچگونه پیشنهادی ازطرف نمایندگان درباب افزایش هزینه های مورد پیش بینی ویا ایجاد هزینه های جدید قابل طرح نمیباشد .

ماده ۱۸- مجلس ملی بکمك دیوان محاسبات امورمالی ملت راتنظیم میکند. مجلس ملی میتواند دیوان محاسبات را مأمور هرنوع تحقیق وبررسی درباب اجرای لایحه بودجه وهزینه های عمومی ویا اداره امور خزانه داری بنماید .

ماده ۱۹- عفوعمومی فقط بوسیله قانون امکان پذیراست .

ماده ۲۰- شورای جمهوری طرحها و لوایح قانونی را که درشور اول بتصویب مجلس ملی رسیده است بمنظور اظهار نظر مورد بررسی قـرار میدهد و پس از احاله امراز طرف مجلس ملی حداکثر درظرف مدت دوماه نظرخودرا اعلام میدارد. درمورد رسیدگی به لایحه بودجه مدت مذکور کوتاه تر خواهد بود و بهر صورت این مدت نبایستی ازموعدیکه مجلس ملی برای مطالعه واخذ رأی مقرر نموده تجاوز نماید.

هنگامی که مجلس ملی مواجه بااخذ تصمیم فوری درباب امریا مسئله ای میباشد شورای جمهوری در ظرف مدتی که برای مذاکرات مجلس ملی پیش بینی شده و بوسیله مجلس مذکور مقررمیشود نظریه خودرا اظهار خواهد داشت . مهلت های مقرره دراین ماده هنگام تعلیق جلسات معلق خواهدبود و بهرصورت بوسیله تصمیم

مجلس ملی مهلت های مزبور ممکن است تمدید شود .

چنانچه نظریه شورای جمهوری باتصمیم مجلس ملی موافقت داشته باشد و یااینکه شورای مذکور درظرف مدتهای پیش بینی شده دراین ماده از اظهار نظر خودداری نماید درهردو صورت لایحه‌مصوبه‌مجلس ملی‌پس ازطی مراحل‌تشریفاتی قوت قانونی خواهد یافت .

در صورتیکه نظرشورای جمهوری با تصمیم مجلس شورای ملی مطابقت نداشته باشد مجلس اخیرطرح ویا پیشنهاد اصلاحی شورای جمهوری‌را درشور دوم مورد مطالعه قرارداده منحصراً پیشنهاد های اصلاحی شورای جمهوری را بررسی نموده وتمام یاقسمتی از آن رابطور صریح وقاطع ردیا قبول مینماید . رد ویا قبول تمام یاقسمتی ازپیشنهاد های اصلاحی‌شورای جمهوری بااخذآراء عمومی واکثریت مطلق اعضای مجلس ملی صورت میگیرد بشرط آنکه اخذ رأی در مورد لایحه بودجه درشورای جمهوری باتشریفات مشابه انجام شده باشد .

ماده ۲۱- هیچیك از اعضاء پارلمان را نمیتوان بمناسبت عقاید یا نظریاتی که درحین انجام وظیفه نمایندگی اظهار میدارد مورد تعقیب بازجوئی ویا توقیف قرار داد ویا زندانی ومحاکمه نمود .

ماده ۲۲- بغیراز مورد ارتکاب جرائم مشهوده هیچیك از اعضاء پارلمان را نمیتوان طی‌مدت‌رسمی نمایندگی بعلل‌جزائی یاتأدیبی تحت تعقیب یاتوقیف‌قرارداد مگرباجازه مجلسی که متهم‌عضوآن است . حبس ویا تعقیب متهم درصورت‌تقاضای مجلسی که مشارالیه عضویت آنرا دارد ممکن است بطور موقت موقوف شود .

ماده ۲۳- اعضاء پارلمان حقوقی معادل حقوق طبقه مخصوصی از مأمورین دولت دریافت خواهند نمود .

ماده ۲۴- هیچیك از نمایندگان نمیتواند در عین حال عضویت مجلس ملی و شورای جمهوری‌راداشته باشد وهمچنین‌اعضاء پارلمان نمیتوانند درشورای‌اقتصادی ومجمع کشورهای عضواتحادیه فرانسه شرکت نمایند .

فصل سوم

شورای اقتصادی

ماده ۲۵- شورای اقتصادی که اساسنامه آن بوسیله قانون تنظیم میشود طرحها ولوایح قانونی را درحدود صلاحیت خودمورد مطالعه قرارداده واظهار نظر مینماید. این طرحها قبل از اینکه درمجلس ملی موضوع مذاکره قرار گیرد بشورای اقتصادی احاله میشود بعلاوه هیئت وزیران نیزمیتواند نظرشورای مزبور رادرمسائل اقتصادی استعلام نماید.

مشورت دولت باشورای اقتصادی در مورد تنظیم طرح اقتصاد ملی بمنظور تأمین استفاده از نیروی کار از کلیه افراد ملت و بهره برداری کامل از جمیع مبانع مادی کشور الزامی است.

فصل چهارم

قرار دادهای سیاسی

ماده ۲۶- معاهدات سیاسی که برطبق قوانین موضوعه تصویب و منتشر شده اند درصورتی هم که با قوانین داخلی فرانسه مباینت داشته باشند بدون آنکه برای تضمین اجرای آنها احتیاج بوضع مقررات قانونی دیگری باشد قوت قانونی دارند مگر مقرراتیکه برای بتصویب رسانیدن معاملات واجب ولازم باشد.

ماده ۲۷- قرارداد های مربوط به تشکیلات بین المللی، قرارداد های صلح، قرارداد های بازرگانی قرارداد هائی که موجب تحمیل تعهدات مالی بدولت فرانسه بشوند وقرارداد هائی که مربوط باحوال شخصیه وحق مالکیت فرانسویان درخارجه باشد ومعاهداتی که باقوانین داخلی فرانسه مغایرت داشته باشد وهمچنین معاهداتی که متضمن تجزیه ومعاوضه ویا الحاق قلمرو کشور فرانسه باشد قطعیت ندارد مگر اینکه بصورت قانون مورد تصویب واقع شود.

هیچگونه تجزیه یامعاوضه ویاالحاق صورت پذیر نیست مگر برضایت کامل اهالی.

ماده ۲۸- قرار داد های سیاسی که صحیحاً و بطور منظم تصویب و منتشر شده‌اند قدرتی مافوق قوانین داخلی داشته ومقررات آنها قابل فسخ وتغییر وتعلیق نمیباشد مگراز مجرای دیپلماسی وبطور شایسته . در مورد قرار داد های مذکوره درماده ۲۷ طردآنهامو کول باجازه‌مجلس ملی است باستثناء قراردادهای بازرگانی

ماده ۲۹- رئیس جمهور بوسیله پارلمان برای مدت هفت سال انتخاب میشود وتجدید انتخاب اوفقط برای یك نوبت ممکن است .

ماده ۳۰- رئیس جمهور در جلسه هیئت وزیران اعضای شورای مملکتی - اعضاء شورای دولتی - دارندگان نشان افتخار- سفراء کبار ونمایندگان سیاسی فوق‌العاده - اعضای شورایعالی- کمیته‌دفاع ملی- رؤسای دانشگاهها - استانداران رؤسای ادارات مرکزی - افسران ارشد ونمایندگان دولت در سر زمینهای ماوراء بحار رامنصوب مینماید .

ماده ۳۱- رئیس جمهور درجریان مذاکرات بین‌المللی خواهد بود وعهدنامه‌هارا امضاء وتسجیل خواهد نمود .

رئیس جمهوراعتبارنامه سفراء کبارونمایندگان‌فوق‌العاده‌اعزامی بکشورهای خارجه را اعطاء میکند واعتبارنامه سفراء کبار ونمایندگان فوق العاده کشورهای بیگانه رامیپذیرد .

ماده ۳۲- ریاست‌جلسات هیئت وزیران بارئیس‌جمهوراست . اودستورتنظیم صورت جلسات راداده وآنها راضبط خواهد نمود .

ماده ۳۳- رئیس جمهوربا اختیارات مزبوربرشورای عالی و کمیته دفاع ملی نیزریاست میکند وعنوان فرماندهی کل قوارا دارد .

ماده ۳٤- ریاست شورایعالی قضائی بارئیس جمهوراست .

ماده ۳۵- رئیس‌جمهورحق عفوخصوصی‌را درشورایعالی‌قضائی‌اعمال‌میکند.

ماده ۳۶- رئیس جمهور قوانینی راکه قطعا بتصویب پارلمان رسیده پس از وصول درظرف ده‌روز توشیح میکند . درصورتیکه قانون از طرف مجلس ملی

فوری تلقی شده باشد این مدت پنج روز تقلیل می‌یابد .

در ظرف مدت مقرر برای توشیح قانون رئیس جمهور میتواند بوسیله پیام مستدلی تجدید نظر جدید در قانون را از دو مجلس تقاضا کند . مجلسین نمی توانند این پیشنهاد را رد کنند .

درصورت عدم توشیح قانون بوسیله رئیس جمهوردرمدتهای مقرره در قانون اساسی، رئیس مجلس ملی این عمل را انجام خواهد داد .

ماده ۳۷- رئیس جمهور بوسیله پیامهائی که خطاب به مجلس ملی صادر میشود باپارلمان ارتباط پیدامیکند .

ماده ۳۸- هریك ازفرامین ودستورات رئیس جمهور بایستی توسط نخست وزیر ویکی ازوزراء نیزامضاء شود .

ماده ۳۹- حداکثر مدت سی روز وحد اقل پانزده روزقبل از انقضاء مدت ریاست جمهوری پارلمان نسبت بانتخاب رئیس جمهور جدید اقدام مینماید .

ماده ٤۰- اگرانتخاب رئیس جمهور با دوره ایکه مجلس ملی برطبق ماده ۵۱ منحل شده است مصادف گردداختیارات رئیس جمهور فعلی تاانتخاب رئیس جمهور جدید ادامه می‌یابد . پارلمان درظرف مدت ده روز پس از تشکیل مجلس ملی جدید اقدام به انتخاب رئیس جمهور جدید خواهد نمود .

دراینصورت انتخاب رئیس هیئت دولت درظرف پانزده روز پس ازانتخاب رئیس جمهور جدید صورت میگیرد .

ماده ٤۱- درصورت وجود مانعی که تشخیص آن باپارلمان است ودر صورت فوت یا کناره گیری ویاعلل دیگر که مانع ازادامه خدمت رئیس جمهور گردد رئیس مجلس ملی موقتاً وظایف اورا انجام خواهد داد ودراینصورت وظائف ریاست مجلس رایکی ازنواب اوعهده دار خواهد شد .

غیراز مورد مذکور درماده قبل رئیس جمهور جدید درظرف ده روز انتخاب می‌شود .

ماده ۴۲- رئیس جمهور جز در مورد خیانت بکشور مسئولیتی ندارد. در آن صورت تحت شرایط پیش بینی شده در ماده ۵۷ توسط مجلس ملی مورد اتهام قرار گرفته و بدیوان عالی دادگستری جلب میشود.

ماده ۴۳- مقام ریاست جمهوری با هر شغل عمومی دیگری مباینت دارد.

ماده ۴۴- اعضاء خانواده هائی که در فرانسه سلطنت کرده‌اند نمیتوانند بسمت ریاست جمهور انتخاب شوند.

فصل ششم

هیئت وزیران

ماده ۴۵- در آغاز هر دوره قانون گزاری رئیس جمهور پس از مشورت های معمولی نخست وزیر را تعیین میکند. نخست وزیر برنامه و سیاست کابینه‌ای را که میخواهد تشکیل دهد بنظر مجلس ملی میرساند. نخست وزیر و وزراء نمی توانند از طرف رئیس جمهور منصوب شوند مگر اینکه نخست وزیر رأی اعتماد مجلس را بااخذ آراء علنی و اکثریت مطلق نمایندگان بجز موارد فوق العاده‌ای که تشکیل مجلس ملی مقدور نیست تحصیل کرده باشد. (۱)

درصورتیکه در طی دوره قانون گزاری بعلت فوت یا کناره گیری و یا علل دیگر ادامه خدمت نخست وزیر مقدور نگردد همین تشریفات باستثنای مورد مذکور در ماده ۵۲ باید صورت گیرد.

هر بحرانی که در مدت پانزده روز پس از نصب وزراء در کابینه بروز کند برای اجراء ماده ۵۱ بحساب نمی آید.

ماده ۴۶- نخست وزیر و وزیرانی که توسط او انتخاب شده‌اند بوسیله فرمان رئیس جمهور منسوب میشوند.

ماده ۴۷- نخست وزیر اجرای قوانین را تأمین نموده و حق نصب کلیه مأمورین کشوری و نظامی را باستثنای موارد مندرج در مواد ۳۰ و ۴۶ و ۸۴ دارد.

اداره نیروهای مسلح و ترتیب تأمین دفاع ملی با نخست وزیر است.

۱- نظر باصلاحاتی که در دسامبر سال ۱۹۵۴ در قانون اساسی بعمل آمد نخست وزیر تعیین شده ازطرف رئیس جمهور ابتدا اعضاء کابینه خود را انتخاب کرده سپس با معرفی آنها از مجلس ملی رأی اعتماد میخواهد.

اوامریکه دراین موارد بوسیله نخست وزیرصادر میگردد باید بامضاء وزراء مربوطه نیزرسیده باشد .

ماده ٤٨- وزراء ازلحاظ سیاست عمومی کابینه‌مشترکاً وازنظراعمال‌شخصی خود هریك منفرداًدرمقابل مجلس‌ملی مسئول‌میباشند ولی دربرابرشورای‌جمهوری مسئولیتی ندارند .

ماده ٤٩- تقاضای رأی‌اعتماد بدون مشاوره‌باهیئت وزیران قابل طرح‌نمیباشد وفقط نخست وزیرحق تقاضای رأی اعتماد دارد .

بین طرح تقاضای رأی اعتماد و رأی مجلس باید یکروز فاصله شود . اخذ رأی اعتماد باید علنی صورت گیرد . رأی عدم اعتماد بهیئت دولت فقط با اکثریت مطلق آراء نمایندگان مجلس علمی خواهد بود .

رأی عدم اعتماد منتج باستعفای دسته جمعی وزراء میشود .

ماده ٥٠ - رأی مجلس ملی مبنی بر عیب جوئی و سر زنش وزراء منتهی بکناره گیری‌دسته‌جمعی اعضاء کابینه میشود .

رأی مجلس ملی‌دراین مورد باید درفاصله‌یك روزپس ازطرح پیشنهادتوبیخ اظهار شود وباید علنی باشد .

تصویب‌پیشنهادمذکورفقط‌بااکثریت‌مطلق‌نمایندگان‌مجلس‌امکان‌پذیراست.

ماده ٥١- اگر درخلال مدت ١٨ماه متوالی باشرایط پیش بینی شده درمواد ٤٩ و ٥٠ دو بار هیئت وزراء دستخوش بحران گردد با اطلاع رئیس مجلس ملي شورای وزیران میتواند نسبت بانحلال مجلس ملی تصمیم بگیرد . برطبق این‌تصمیم انحلال مجلس بوسیله فرمان رئیس جمهور اعلام خواهد شد . مقررات مذکور در این ماده فقط بعد ازانقضاء١٨ ماه اولیه دوره تقنینیه‌قابل اجراء میباشد .

ماده ٥٢- در صورت انحلال مجلس اعضاء هیئت دولت باستثناء نخست وزیر ووزیرکشور برای انجام امورجاریه بسمت خودباقی میمانند .

رئیس‌جمهوررئیس‌مجلس‌ملی‌منحل‌شده‌راBریاست‌دولت‌تعیین‌مینماید.مشارالیه

باجلب موافقت هیئت رئیسه مجلس ملی وزیر جدید کشوررا انتخاب مینماید ووزراء مشاور نیز بوسیله نخست وزیر ازمیان نمایندگان احزاب پارلمانی که درهیئت دولت اخیر نماینده‌ای نداشته‌اند تعیین میگردند .

انتخابات عمومی حداقل مدت ۲۰روزوحداکثرسی روزپس ازانحلال مجلس ملی بعمل می آید . مجلس ملی درسومین پنجشنبه پس ازانتخابات رسماً تشکیل میشود

ماده ۵۳ - وزراء بامجلسین و کمیسیونهای مربوطه آنها تماس دارند وهر موقع که تقاضا کنند مجلسین و کمیسیونها باید اظهارات آنان را استماع کنند .

وزراء می‌توانند درمذاکراتی که در مجالس مقننه بعمل می آید کمیسرهائی که بفرمان رئیس جمهورمنصوب میگردند بعنوان معاون همراه داشته باشند .

ماده ٥٤ - نخست وزیرمیتواند اختیارات خود را بعنوان نماینده بیکی از وزراء تفویض کند .

ماده ٥٥ - درصورت فوت یا بهرعلت دیگری که‌در نتیجه آن رئیس دولت قادر بانجام خدمت نباشد شورای وزیران یکی ازاعضاء خودرا موقتاً مأمورانجام وظایف او مینماید .

فصل هفتم

مسؤلیت جزائی وزراء

ماده ٥٦ - وزراء بمناسبت جنایات وجنحه هائی که درضمن انجام وظائف خود مرتکب شوند مسئولیت جزائی دارند .

ماده ٥٧ - وزراء ممکن است ازطرف مجلس مورد اعلام جرم واقع ودر دیوان عالی دادگستری محاکمه شوند .

مجلس ملی باآراء مخفی واکثریت مطلق اعضای خود باستثناء آنها که‌برای شرکت درامر تعقیب دعوت شده‌اند نسبت به‌تعقیب یامحاکمه‌امرخواهدداد.

ماده ٥٨ - اعضاء دیوان عالی دادگستری در ابتداء هر دوره تقنینیه‌از طرف

مجلس ملی انتخاب خواهند شد .

ماده ۵۹- سازمان و آئین دادرسی دیوان عالی دادگستری بوسیله قانون مخصوصی معین میگردد .

فصل هشتم

اتحادیه فرانسه

قسمت اول

اساس ومبانی

ماده ۶۰- اتحادیه فرانسه مرکب است ازطرفی ازجمهوری فرانسه که‌شامل فرانسه‌مرکزی(۱)وایالات وسرزمین های ماوراء دریاها می باشد واز طرف دیگر ازسرزمین‌هاو کشورهای‌متحده .

ماده ۶۱- موقعیت هر یك از دول متحد دراتحادیه فرانسه بوسیله سندی که مناسبات آن دولت رابافرانسه تشریح میکند معین میشود .

ماده ۶۲- اعضاء اتحادیه فرانسه کلیه وسائل ممکنه رابرای تضمین دفاع مشترك ازتمامی اتحادیه بکارخواهند برد .

تنظیم این وسائل واداره سیاست مناسب برای تهیه وتأمین این دفاع برعهده دولت جمهوری فرانسه خواهد بود .

قسمت دوم

سازمان

ماده ۶۳- مقامات مرکزی‌اتحادیه فرانسه عبارتنداز ریاست جمهوری،شورای عالی ومجمع عمومی .

ماده ۶۴-رئیس جمهورفرانسه‌رئیس اتحادیه‌فرانسه‌ونماینده‌منافع دائمی‌اواست.

ماده ۶۵- شورای عالی اتحادیه فرانسه تحت ریاست رئیس اتحادیه از هیئت

(۱) la France métropolitaine

نمایندگی حکومت فرانسه و نمایندگانی که هریك از دول متحد میتواند در نزد ریاست اتحادیه بفرستد تشکیل میگردد .

وظیفه شورای مزبور عبارت از کمك و همکاری بادولت در تمشیت عمومی اتحادیه میباشد .

ماده ٦٦- نصف اعضاء مجمع اتحادیه فرانسه رانمایندگان دولت مرکزی فرانسه و نصف دیگررا نمایندگان ایالات وسرزمین های ماوراءدریاها ودول متحده تشکیل میدهند یك قانون سازمانی شرایطی را که برطبق آن قسمتهای مختلف جمعیت میتوانند نماینده بهمجمع اتحادیه بفرستند معین خواهد نمود .

ماده ٦٧- اعضاء مربوط بهایالات وسرزمینهای ماوراء بحار درمجمع اتحادیه بوسیله مجالس محلی انتخاب میشوند . دو ثلث اعضاء مربوط بدولت مرکزی فرانسه در مجمع مذکور از طرف نمایندگان مجلس ملی که منتخب ازطرف مردم فرانسه مرکزی باشند ویك ثلث دیگر توسط نمایندگان فرانسه مرکزی درشورای جمهوری انتخاب میشوند .

ماده ٦٨- دول متحد میتوانند نمایندگان خود درمجمع اتحادیه راطبق حدود وشرائطی که بوسیله یك قانون ویك سند داخلی هردولت تعیین خواهد شد انتخاب نمایند.

ماده ٦٩- رئیس اتحادیه فرانسه مجمع اتحادیه فرانسه رابرای مذاکرات دعوت نموده وختم جلسات را اعلام میدارد . دعوت مجمع اتحادیه بایستی بنا بدرخواست نیمی ازاعضاء آن صورت گیرد .

مجمع اتحادیه فرانسه درموقع تعطیل اجلاسات پارلمان نمیتواند تشکیل شود.

ماده ۷۰- مقررات مواد ۸ و ۱۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ درتحت همان شرایطی که در شورای جمهوری اجراء میگردد درمورد مجمع اتحادیه فرانسه نیز قابل اجراء است .

ماده ۷۱- مجمع اتحادیه فرانسه ازلوایح وطرح هائی که برای اظهار نظراز طرف مجلس ملی یاحکومت جمهوری فرانسه ویا حکومت های دول متحده احاله شده اطلاع حاصل مینماید .

مجمع اتحادیه صلاحیت دارد که درمورد پیشنهادهائی که بوسیله یکی از اعضاء داده میشود اظهار نظر کرده ودرصورتیکه پیشنهاد های مذکور را مورد توجه قرار دهد هیئت رئیسه خودرا مأمور کند که آن پیشنهادها را بمجلس ملی ارسال دارد .

مجمع اتحادیه میتواند پیشنهاد هائی بحکومت فرانسه و به شورای عالی اتحادیه فرانسه تسلیم نماید .

پیشنهاد های مذکور درماده قبل برای آنکه پذیرفته شود باید باقانون راجع بسرزمینهای ماوراء بهار مربوط باشد.

ماده ۷۲ - در سرزمینهای ماوراء دریا اختیار وضع قوانین راجع بامور جزائی ورژیم آزادیهای عمومی و تشکیلات سیاسی واداری در صلاحیت پارلمان میباشد. در تمام موارد دیگر قانون فرانسه در سرزمین های ماوراء بحار غیر قابل اجرا است مگر اینکه در اینمورد مقررات صریحی وضع شود ویا اینکه با اطلاع مجمع اتحادیه و بموجب فرمان قلمرو اجرائی قانون بسرزمین های مذکور بسط داده شود.

گذشته از این استثناءً و بدون توجه به ماده ۱۳ رئیس جمهور میتواند باطرح در شورای وزیران و بااطلاع قبلی مجمع اتحادیه مقرراتی مخصوص سرزمین های ماوراء بحار بصورت قانون منتشر کند.

قسمت سوم

ایالات وسرزمینهای ماوراء بحار

ماده ۷۳- بجز مواردیکه قانون استثنا کرده است رژیم مربوط بایالات ماوراء بحار مانند رژیم ایالات فرانسه میباشد .

ماده ۷٤- سرزمین های ماوراء بحار دارای اساسنامه مخصوصی هستند که با درنظر گرفتن منافع خاصه آنها درضمن منافع کلی جمهوری تدوین میگردد .

این اساسنامه وهمچنین سازمان داخلی هریك از سرزمینهای ماوراء بحار یا هردسته ازاین سرزمین‌ها پس ازجلب نظر مجمع اتحادیه فرانسه ومشورت بامجامع محلی بوسیله قانون معین میشود .

ماده ۷۵- اساسنامه های مربوط باعضای جمهوری و اعضای اتحادیه فرانسه

قابل تغییر میباشد .

تغییرات اساسنامه و نقل ازیك طبقه به‌طبقه دیگر در حدود مقررات ماده ۶۰ فقط وقتی صورت پذیر خواهدبود که پارلمان پس ازمشورت بامجامع محلی ومجمع اتحادیه آنرا بصورت قانون مورد تصویب قراردهد .

ماده ۷۶- نماینده دولت مرکزی درهرزمین یاهردسته‌ای ازسرزمین‌ها واجد اختیارات دولت جمهوری میباشد .

ریاست‌قلمرو مأموریت برعهده‌او بوده و نسبت‌باعمالی که انجام‌میدهددرمقابل حکومت مرکزی مسئولیت دارد .

ماده ۷۷-درهرسرزمین یك‌مجلس منتخبه‌تأسیس‌میشود. طرزانتخاب،تشکیلات وصلاحیت این مجلس بوسیله قانون معین میگردد .

ماده ۷۸- درهردسته ازسرزمین‌هااداره منافع عمومی بمجمعی واگذارمیشود که اعضای آن بوسیله مجامع محلی انتخاب شده‌اند .

طرزتشکیل واختیارات مجمع مزبوربوسیله قانون تعیین میگردد .

ماده ۷۹- سرزمینهای ماوراء بحار درحدود شرایطی که بوسیله قانون‌مقرر میشود نمایندگان خودرا درمجلس ملی وشورای جمهوری انتخاب میکنند .

ماده ۸۰- کلیه اتباع سرزمین های ماوراء بحاردارای همان مزایا و وظائفی هستند که فرانسویان درخود فرانسه ویا درسرزمینهای ماوراء بحاردارا میباشند . شرائط اعمال این حقوق روظائف بوسیله قوانین مخصوصی معین خواهد شد :

ماده ۸۱- کلیه اهالی فرانسه واتباع اتحادیه فرانسه فرانسوی محسوب شده وازحقوق وآزادیهائی که درمقدمه این‌قانون اساسی تضمین شده بهره‌مندمیگردند

ماده۸۲-افرادی‌ازاتحادیه‌فرانسه که‌موقعیت‌مدنی(۱)فرانسوی‌راندارندموقعیت مدنی خودرا مادام که ازآن عدول نکنند حفظ خواهند نمود .

چنین موقعیتی بهیچوجه نمیتواند موجب نفی‌یا تحدید حقوق و آزادیهائی که وابسته بصفت «فرانسوی بودن» است بشود .

---

(۱) Statut civil

فصل نهم

شورای عالی قضائی

ماده ۸۳- شورای عالی قضائی ازچهارده عضو بشرح زیر تشکیل میشود :

رئیس جمهور رئیس شورا

مهردار وزیر دادگستری نایب رئیس

شش عضو که برای مدت شش سال باکثریت ثلث آراء ازطرف مجلس ملی وخارج ازاعضاء آن مجلس انتخاب میشوند وشش نفر عضوعلی‌البدل در تحت همین شرایط معین میگردند .

شش عضودیگر بطریق زیر تعیین میشوند :

چهار نفر قاضی که هریك نماینده یکی ازطبقات قضات خواهد بود درحدود شرایط مقرره قانونی برای مدت شش سال و چهارعضوعلی‌البدل نیز بهمین ترتیب انتخاب میشوند .

دوعضو دیگر که برای مدت شش سال ازطرف رئیس جمهور و خارج از اعضاء پارلمان وقضات لیکن ازمیان صاحبان مشاغل قضائی انتخاب میشوند ودو نفر عضوعلی‌البدل نیزتحت شرایط مذکوره انتخاب میگردند .

تصمیمات شورای عالی قضائی باکثریت آراء اتخاذ میشود ودرصورت تساوی آراء موافق ومخالف رأی رئیس جمهورارجع خواهد بود .

ماده ۸٤ - باستثناء اعضای دادسرا قضات را رئیس جمهور بنا به پیشنهاد شورای عالی قضائی منصوب مینماید .

شورای عالی قضائی برطبق قانون انضباط و استقلال قضات و حسن اداره محاکم قضائی راتأمین میکند . قضات غیرقابل تغییر میباشند .

فصل دهم

هیئت های محلی

ماده ۸۵-جمهوری فرانسه واحد غیرقابل‌تجزیه‌ای است که موجودیت‌هیئتهای

محلی رامیشناسد. این هیئت‌ها عبارتند از بلوکات و ایالات وسرزمینهای ماورا بحار.

ماده ۸۶- حدود ، وسعت، جمع عایدات متفرقه و سازمان بلوکات و ایالات وسرزمینهای ماوراء بحار بوسیله قانون تعیین میشود .

ماده ۸۷- هیئت های محلی بوسیله شوراهائی که با آراء عمومی انتخاب میشوند آزادانه خودرا اداره میکنند . اجرای تصمیمات شوراهای مذکور بوسیله بخشدار یارئیس شورای مربوطه تأمین میشود .

ماده ۸۸- هم‌آهنگی فعالیت مستخدمین دولت، نمایندگی منافع ملی و نظارت اداری هیئت‌های محلی درهریك از ایالات بوسیله نمایندگانی که از طرف شورای وزیران تعیین میشوند تامین میگردد .

ماده ۸۹- قوانین عادی آزادیهای متعلق بایالات وشهرداریها راتوسعه‌خواهند داد ومیتوانند برای بعضی ازشهرهای بزرك دستورالعمل‌ها وتشکیلاتی مغایر با بلوکات کوچك‌وضع کنند ونیزمیتوانند متضمن‌مقررات خصوصی‌برای بعضی‌ایالات باشند همچنین قوانین مذکوره شرایط اجرای مواد ۸۵تا۸۸ فوق‌الاشعار را تعیین خواهند کرد .

قوانین همچنین شرایطی راکه درتحت آن کارمندان محلی ادارات مرکزی خدمت خواهند نمود ازلحاظ نزدیك کردن طرزاداره امورمعین خواهند کرد .

فصل یازدهم

تجدید نظردر قانون اساسی

ماده ۹۰- تجدید نظردر قانون اساسی طبق مقررات ذیل بعمل می‌آید .

مجلس ملی بوسیله اکثریت‌مطلق اعضاء تشکیل دهنده خود لزوم‌تجدیدنظر را تصویب و مواد مورد تجدید نظر را معین مینماید . حداقل پس ازسه ماه مسئله تجدید نظرمجدداً ازطرف مجلس ملی‌مطرح میشود تادرتحت همان شرائطی که‌در دفعه اول عمل شده است‌یکبار دیگر نسبت‌بآن‌تصمیم گرفته‌شودمگراینکه قبلاً نظر

شورای جمهوری دراین خصوص ازطرف مجلس ملی استعلام شده وشورای مزبور تصمیم مجلس ملی راعیناً وبا اکثریت مطلق تصویب کرده باشد .

پس ازطرح مجددتصمیم مذکور مجلس‌ملی‌طرح تجدید نظردرقانون‌اساسی راتنظیم مینماید . این طرح بپارلمان تقدیم وطبق تشریفات و با اکثریت پیش بینی شده برای یك قانون معمولی بتصویب خواهد رسید .

تصمیم‌پارلمان بمعرض آراء عمومی گذارده میشود مگر اینکه مجلس ملی با اکثریت‌دو ثلث آراء اعضا خود و یا هریك ازمجلسین با اکثریت‌سه‌پنجم آراء اعضا خود قبلاً نسبت بآن رأی داده باشند .

طرح مذکورمانند قانون اساسی درظرف هشت روزپس از تصویب توسط رئیس جمهورتوشیح میشود .

هیچگونه تجدید نظردرقانون اساسی که مربوط‌بموجودیت شورای‌جمهوری باشد بدون موافقت شورای مزبور ویابدون مراجعه باراء عمومی امکان‌پذیر نیست .

ماده ۹۱- کمیته قانون‌اساسی که‌بریاست رئیس جمهور تشکیل میشودمرکب است ازرئیس مجلس‌ملی رئیس‌شورای جمهوری‌وهفت عضو که بوسیله مجلس‌ملی درابتدای هردوره اجلاسیه بنمایندگی دستجات پارلمانی وخارج‌ازاعضاء مجلس‌وسه عضودیگر که درتحت همین شرایط توسط شورای جمهوری انتخاب میشوند. کمیته قانون اساسی بررسی خواهد کرد که آیا قوانین مصوبه مجلس ملی تجدید نظردر قانون اساسی را ایجاب میکنند یانه .

ماده ۹۲- کمیته نامبرده در خلال مدت توشیح قانون بتقاضای مشترك رئیس جمهور ورئیس شورای جمهوری با تصویب اکثریت مطلق اعضای تشکیل دهنده خود قانون رامورد رسیدگی‌قرارمیدهد . این کمیته قانون رامورد‌بررسی قرارداده میکوشد تابین مجلس‌ملی وشورای جمهوری ایجاد توافق نماید . واگربااین‌منظور نائل نگردد ظرف پنج‌روز نظر خودراالظهارخواهد نمود. این مدت درمواردفوری بدوروز تقلیل می‌یابد .

صلاحیت این کمیته فقط محدود است باظهار نظردر باب امکان تجدید نظر درفصول اول الی دهم این قانون اساسی .

ماده ۹۳- قانونی که بنابه تشخیص کمیته مزبور تجدید نظر در قانون اساسی را ایجاب مینماید به مجلس ملی اعاده میشود تابار دیگر مورد بررسی وشور قرار گیرد

چنانچه پارلمان بررأی سابق خود باقی بماند قانون بموقع اجرا گذاشته نخواهد شد مگر بعد از آنکه قانون اساسی طبق شرائط و ترتیبات مقرر در ماده ۹۰ مورد تجدید نظرقرار گرفته باشد .

اگر کمیته تشخیص داد که قانون مصوب پارلمان بافصول اول الی دهم قانون اساسی موافقت دارد قانون مزبور ظرف مهلت مقرر در ماده ۳۶ وبا رعایت مهلت اضافی مقرر درماده۹۲ بموقع اجراء درخواهد آمد .

ماده ۹۴- درمواقعی که تمام یاقسمتی ازخاك فرانسه تحت اشغال قوای خارجی باشد هیچگونه تجدید نظری درقانون اساسی قابل طرح وتعقیب نخواهد بود .

ماده ۹۵- شکل جمهوری حکومت نمی تواندمورد پیشنهاد تجدید نظرقرار گیرد

فصل دوازدهم

مقررات موقتی

ماده ۹۶- هیئت رئیسه مجلس ملی مؤسسان موظف است که ادامه نمایندگی ملت راتا تشکیل مجلس ملی جدید تأمین نماید .

ماده ۹۷- درشرائط واوضاع واحوال استثنائی نمایندگان حاضر در مجلس ملی مؤسسان میتوانند تاتاریخ پیش بینی شده درماده قبل خواه بهپیشنهاد هیئت رئیسه آنمجلس وخواه بتقاضای دولت از طرف هیئت رئیسه مجلس مزبور برای انعقاد مجلس دعوت گردند .

ماده ۹۸- مجلس ملی با اقتدارات کامل در سومین پنجشنبه بعد از انتخابات عمومی انعقاد مییابد . شورای جمهوری درسومین سهشنبه بعد از انتخابات تشکیل

خواهد یافت و این قانون اساسی از این تاریخ بموقع اجراء گذاشته میشود .

تاانعقاد شورای جمهوری سازمان قوای عمومی طبق مقررات قانون مورخ ۲ نوامبر ۱۹٤٥ اداره خواهد شد . مجلس ملی وارث اختیاراتی خواهد بود که بموجب این قانون به مجلس ملی مؤسسان اعطاء شده است .

ماده ۹۹- حکومت موقتی که برطبق ماده ۹۸ بوجود آمده است بمحض انتخاب ریاست جمهور بروفق شرایط مقرر درماده ۲۹ فوق الاشعار استعفای خود را بوی تقدیم خواهد نمود .

ماده ۱۰۰- هیئت رئیسه مجلس ملی مؤسسان موظف است مقدمات تشکیل مجالس را که در این قانون اساسی پیش بینی شده است فراهم ساخته و مخصوصاً قبل از انتخاب هیئتهای رئیسه مجالس مزبور محل و لوازم اداری کار آنها را تأمین وتهیه نماید .

ماده ۱۰۱- در ظرف حداکثر یکسال از تاریخ انعقاد مجلس ملی شورای جمهوری خواهد توانست بمحض انتخاب دو ثلث اعضای خود قانوناً شروع بکار نماید .

ماده ۱۰۲- در ظرف اولین سال پس از تجدید انجمن‌های شهری که ظرف مدت یکسال از تاریخ اجرای این قانون اساسی صورت عمل بخود خواهد گرفت کلیه اعضای شورای جمهوری تجدید خواهد شد .

ماده ۱۰۳- تاتشکیل شورای اقتصادی وظرف حداکثر سه ماه از تاریخ انعقاد مجلس ملی اجرای ماده ۲۵ این قانون اساسی بتعویق خواهد افتاد .

ماده ۱۰٤- تاتشکیل مجمع اتحادیه فرانسه وظرف حد اکثر یکسال از تاریخ انعقاد مجلس ملی اجرای مواد ۷۱ و ۷۲ این قانون اساسی معلق خواهد ماند .

ماده ۱۰٥- تا زمان توشیح و اجرای قوانین پیش بینی شده در ماده ۸۹ این قانون اساسی و با رعایت مقرراتیکه حدود و شرائط بعضی از ایالات و سرزمینهای ماوراء بحار را تعیین مینماید ایالات و بلوکات جمهوری فرانسه برطبق قوانین جاریه اداره خواهد شد جز آنچه راجع است بشقوق ۲ و ۳ از ماده ۹۷ قانون پنجم آوریل

۱۸۸٤ که برای اجرای آنها پلیس مملکتی دراختیار شهردار گذاشته خواهد شد .

معذلك تصمیمات واعمالی که استاندار بعنوان نماینده یك ایالت اتخاذوانجام خواهد داد تحت نظارت دائم رئیس‌مجمع ایالتی صورت خواهد گرفت .

مقررات عبارت اخیردر مورد ایالت سن(۱)قابل اجراء نخواهد بود .

ماده ۱۰٦- این قانون‌اساسی ظرف دوروز پس‌ازاعلام نتایج رفراندوم‌وتحت «فورمول»های زیرتوسط رئیس حکومت‌موقتی توشیح خواهد یافت .

رئیس حکومت موقتی‌جمهوری قانون‌اساسی راکه‌مجلس‌ملی مؤسسان‌وضع نموده وملت فرانسه تصویب کرده ومتن‌آن بقرار زیراست توشیح مینماید .

Seine (1)

فهرست مندرجات

قسمت اول

تشکیلات سیاسی فرانسه از دوره قبل از انقلاب کبیر تا سقوط ناپلئون اول

فصل اول

دوره قبل از انقلاب

	صفحه
۱- پادشاه ووزرای او	۱
۲- مجالس طبقاتی ومجالس رجال	۳
۳- پارلمان	۷
٤- شورای پادشاهی وشورای عالی	۱۲
٥- مقامات ایالتی	۱٤

فصل دوم

انقلاب ۱۷۸۹ وقانون اساسی ۱۷۹۱

۱- علل وجهات انقلاب کبیر	۱۸
۲- اعلامیه حقوق بشر	۲٤
۳- هیئت تقنینیه	۲٦
٤- سلطنت - ولایت عهد - نیابت سلطنت - قیمومت	۲۹

فصل سوم

قانون اساسی ۲۴ ژوئن ۱۷۹۳

۱- هیئت تقنینیه - شورای اجرائیه	۳۵
۲- تقسیمات کشور - تشکیلات قضائی - امورمالی - نیروی نظامی - تجدید نظر درقانون اساسی - حقوق بشر	۳۹

فصل چهارم

قانون اساسی ۲۲ اوت ۱۷۹۵

۱- جریان تنظیم و تصویب قانون اساسی ۱۷۹۵ ۴۲

۲- اعلامیه حقوق و تکالیف بشر ۴۴

۳- هیئت قانون گزاری ۴۷

۴- قوه مجریه ۵۰

۵- قوهٔ قضائیه ۵۱

۶- تجدید نظر در قانون اساسی ۵۴

فصل پنجم

قانون اساسی ۱۳ دسامبر ۱۷۹۹

۱- کلیات ۵۵

۲- حقوق سیاسی افراد ۶۱

۳- سنای نگهبان ۶۲

۴- پارلمان ۶۴

۵- قوه مجریه ۶۵

۶- تشکیلات قضائی ۶۷

۷- مقررات کلی ۶۹

فصل ششم

قانون اساسی ۱۸۰۲ (سال دهم جمهوری)

۱- طرد مخالفین دولت از مجالس و انتخاب ناپلئون
بسمت کنسول مادام العمر ۷۱

۲- مجامع انتخاباتی ۷۳

۳- کنسولها ۷۵

٤- سنا - شورای خصوصی - شورای دولتی - تریبونا
هیئت قانون گزاری - دیوان کشور ۷۷

فصل هفتم

قانون اساسی ۱۸۰۴ (سال دوازدهم جمهوری)

۱- تفویض مقام امپراطوری به ناپلئون بوناپارت و تصویب قانون اساسی جدید ۸۰
۲- ولایتعهد - نیابت سلطنت - قیمومت امپراطور صغیر ۸۱
۳- سنا - شورای دولتی - هیئت تقنینیه - مجلس تریبونا ۸۳

قسمت دوم

تشکیلات سیاسی فرانسه ازسال ۱۸۱۴ تا ۱۸۷۰

فصل اول

قانون اساسی ۴ ژوئن ۱۸۱۴

۱- سقوط ناپلئون - بازگشت خاندان «بوربون» - قانون اساسی جدید ۸۸
۲- پادشاه ووزراء ۹۳
۳- مجالس مقننه ۹٤

فصل دوم

قانون اساسی ۲۲ آوریل ۱۸۱۵

۱- بازگشت ناپلئون بهفرانسه وتصویب قانون اساسی جدید ۹۷
۲- مجلس اعیان ومجلس مبعوثان ۱۰۰
۳- محاکم - حقوق افراد ۱۰۲

فصل سوم

انقلاب ماه ژوئیه ۱۸۳۰ وتغییر منشور اعطائی

۱- علل انقلاب - خلع شارل دهم - انتخاب لوئی دورلئان ۱۰۵
۲- پادشاه ووزراء ۱۰۸
۳- مجلس اعیان - مجلس مبعوثان ۱۱۱
٤- قوهٔ قضائیه - حقوق عمومی افراد ۱۱٤

فصل چهارم

انقلاب ۱۸۴۸ و اعلام حکومت جمهوری

۱- جریان انقلاب - تشکیل حکومت موقت - قانون اساسی جدید ۱۱۶
۲- اصول کلی - وظائف وحقوق مردم ۱۱۹
۲ مکرر) مجلس ملی ۱۲۲
۳- ریاست جمهوری - وزراء - شورای دولتی - تقسیمات کشور ۱۲۵
٤- محاکم - تجدید نظر درقانون اساسی ۱۲۸

فصل پنجم

کودتای ۱۸۵۱ وقانون اساسی ۱۸۵۲

۱- کودتا - رفراندوم - قانون اساسی جدید ۱۳۱
۲- ریاست جمهوری - وزراء ۱۳۳
۳- هیئت قانونگزاری - سنا ۱۳۵
٤- دیوان‌عالی دادگستری ۱۳۹
٥- تبدیل رژیم جمهوری به‌حکومت سلطنتی - دوره اصلاحات ۱٤۰

فصل ششم

قوانین اساسی ۱۸۷۵

۱- تغییررژیم - تشکیل‌حکومت موقت - تصویب قوانین اساسی‌جدید ۱٤۳
۲- ریاست جمهوری ۱٤۹
۳- وزراء ۱٥٤
٤- سنا ۱٥٦
٥- مجلس مبعوثان ۱٦۰
٦- مقررات مربوط به مجلس‌نمایندگان ومجلس‌سنا ۱٦٥

قسمت سوم

تحولات سیاسی از ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۶
قانون اساسی کنونی فرانسه

فصل اول

حکومت مارشال پتن ۱٦۷

فعالیت انتخاباتی داوطلبان نمایندگی شورای جمهوری
اعلام نامزدی
کیفیت استخراج وشمارش آراء وتشخیص انتخاب شدگان

فصل هفتم

مصونیتهای پارلمانی ـ مقرری نمایندگان ـ رسیدگی باعتبارنامه ها

۱- آزادی نطق ورأی - مصونیت از تعرض ۲۲۰
۲- مقرری نمایندگان مجالس مقننه ۲۲۲
۳- رسیدگی باعتبارنامه‌های نمایندگان ۲۲۳

فصل هشتم

تشکیلات داخلی وطرز کار پارلمان

۱- جلسات مجالس ۲۲۶
۲- آئین نامه داخلی مجالس قانونگذاری ۲۳۰
۳- هیئت رئیسه- رئیس مجلس ۲۳۲
٤- دستجات پارلمانی ۲۳٤
٥- کمیسیونها ۲۳٤

فصل نهم

قوه مجریه

۱- رئیس جمهور ۲۳۸
۲- نخست وزیر- وزراء - هیئت وزیران ۲٤۳

فصل دهم

رژیم قانونگذاری

۱- پیشنهاد قانون ۲٤۹
۲- شورای اقتصادی ومجمع اتحاد فرانسه ۲٥۰
۳- نقش شورای جمهوری درامرقانونگذاری ۲٥۱
٤ ـ قانون بودجه وقوانین مالی ۲٥۳
٥- توشیح قانون ۲٥٦

فصل یازدهم
روابط قوه مجریه با قوه قضائیه

۱- مسئولیت وزراء ۲٦۰
۲- انحلال مجلس ملی ۲٦۳

فصل دوازدهم
دادگستری سیاسی

۱- دیوان عالی دادرسی ۲٦۷
۲- اعلام جرم و تعقیب متهمین ۲٦۹
۳- دادرسی و حکم محکومین ۲۷۱

متن قانون اساسی ۱۹٤٦ ۲۷۳

غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۱	۲۲	عصبایت	عصبانیت
۲۰	۱	در تجارت	تجارت
۲۰	۹	ژان شاك روسو	ژان ژاك روسو
۵۶	۱٤	بوناپارات	بناپارت
۵۸	۱	دیرکتوار	دیرکتوآر
۵۹	٤و۱۷	بوناپارات	بناپارت
۸۱	۱۱	سنانورها	سناتورها
۱۲۲	۹	مبحث دوم	مبحث دوم مکرر
۱٤۱	۵	ناپلیون	ناپلئون
۲۰۱	۱۷	ناپزیر	ناپذیر
۲٤٤	٦	مأموریتی	مأمورینی
۲۵۲	۱۳	جمهری	جمهوری
۲۵۵	۷	نمیتواند	نمیتوانند
۲۵۵	۱۱	مسنقل	مستقل
۲۵٦	۹	آنرا	میتوان آنرا
۲٦۳	۱۰	نادرست	نادر است
۲٦٤	۱٤	باین	باید
۲۷۵	۸	قسری	قشری
۲۷۵	۱۷	La Marseillase	La Marseillaise
۲۸۰	۹	مبانع	منابع
۲۸۱	بعد از سطر چهارم (اصل پنجم که موضوع ریاست جمهور میباشد ذکر نشده است)		
۲۹۰	۱۷	ارجع	ارجح

انتشارات دانشگاه تهران

شماره	عنوان	مؤلف
۱ -	وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲ -	A Strain Theory of Matter	» » محمود حسابی
۳ -	آراء فلاسفه در بارهٔ عادت	ترجمهٔ » برزو سپهری
٤ -	کالبدشناسی هنری	تألیف » نعمت‌الله کیهانی
٥ -	تاریخ بیهقی جلد دوم	بتصحیح سعید نفیسی
٦ -	بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود سیاسی
۷ -	بهداشت و بازرسی خوراکیها	» » سرهنگ شمس
۸ -	حماسه سرائی در ایران	» » ذبیح‌الله صفا
۹ -	مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	» » محمد معین
۱۰ـ	نقشه برداری جلد دوم	» مهندس حسن شمسی
۱۱ـ	گیاه شناسی	» حسین گل گلاب
۱۲ـ	اساس‌الاقتباس خواجه نصیرطوسی	بتصحیح مدرس رضوی
۱۳ـ	تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد اول	تألیف دکتر حسن ستودهٔ تهرانی
١٤ـ	روش تجزیه	تأ » » علی‌اکبر پریمن
۱٥ـ	تاریخ افضل - بدایع الازمان فی وقایع کرمان	فراهم‌آوردهٔ دکتر مهدی بیانی
١٦ـ	حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم زاده
۱۷ـ	فقه و تجارت	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۸ـ	راهنمای دانشگاه	—
۱۹ـ	مقررات دانشگاه	—
۲۰ـ	درختان جنگلی ایران	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۲۱ـ	راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
۲۲ـ	راهنمای دانشگاه بفرانسه	
۲۳ـ	Les Espaces Normaux	تألیف دکتر هشترودی
٢٤ـ	موسیقی دورهٔ ساسانی	» مهدی برکشلی
۲٥ـ	حماسه ملی ایران	ترجمهٔ بزرگ علوی
٢٦ـ	زیست شناسی (۲) بحث در نظریهٔ لامارک	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲۷ـ	هندسه تحلیلی	» » علینقی وحدتی
۲۸ـ	اصول گداز و استخراج فلزات جلد اول	تألیف دکتر یگانه حایری
۲۹ـ	اصول گداز و استخراج فلزات » دوم	» » »
۳۰ـ	اصول گداز و استخراج فلزات » سوم	» » »

شماره	عنوان	نگارنده
۳۱-	ریاضیات در شیمی	نگارش دکتر هورمز
۳۲-	جنگل شناسی جلد اول	» مرحوم مهندس کریم ساعی
۳۳-	اصول آموزش و پرورش	» دکتر محمد باقر هوشیار
۳۴-	فیزیولژی گیاهی جلداول	» » اسمعیل زاهدی
۳۵-	جبر و آنالیز	نگارش دکتر محمدعلی مجتهدی
۳۶-	گزارش سفر هند	» » غلامحسین صدیقی
۳۷-	تحقیق انتقادی در عروض فارسی	» » پرویز ناتل خانلری
۳۸-	تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین	» » مهدی بهرامی
۳۹	واژه نامه طبری	» » صادق کیا
۴۰-	تاریخ صنایع اروپا درقرون وسطی	» عیسی بهنام
۴۱-	تاریخ اسلام	» دکتر فیاض
۴۲-	جانورشناسی عمومی	» » فاطمی
۴۳-	Les Connexions Normales	» » هشترودی
۴۴-	کالبد شناسی توصیفی (۱) - استخوان‌شناسی	» دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی-دکتر نجم‌آبادی- دکتر نیك‌نفس-دکتر نائینی
۴۵-	روان‌شناسی کودك	نگارش دکتر مهدی جلالی
۴۶-	اصول شیمی پزشکی	» » آ. وارتانی
۴۷-	ترجمه و شرح تبصرهٔ علامه جلداول	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۴۸-	اکوستیك « صوت » (۱) ارتعاشات - سرعت	» دکتر ضیاء الدین اسمعیل بیگی
۴۹-	انگل شناسی	» » ناصر انصاری
۵۰-	نظریه توابع متغیر مختلط	» » افضلی‌پور
۵۱-	هندسه ترسیمی و هندسه رقومی	» احمد بیرشك
۵۲-	درس‌اللغة والادب (۱)	» دکتر محمدی
۵۳-	جانور شناسی سیستماتیك	» » آزرم
۵۴-	پزشکی عملی	» » نجم‌آبادی
۵۵-	روش تهیه مواد آلی	» » صفوی گلپایگانی
۵۶-	مامائی	» » آهی
۵۷-	فیزیولژی گیاهی جلددوم	» » زاهدی
۵۸-	فلسفه آموزش و پرورش	» دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
۵۹-	شیمی تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
۶۰-	شیمی‌عمومی	» مهندس سعیدی
۶۱-	امیل	ترجمهٔ مرحوم غلامحسین زیرك‌زاده
۶۲-	اصول علم‌اقتصاد	تألیف دکتر محمود کیهان
۶۳-	مقاومت مصالح	» مهندس گوهریان
۶۴-	کشت گیاه حشره کش پیرتر	» مهندس میردامادی
۶۵-	آسیب شناسی	» دکتر آرمین

٦٦- **مکانیك فیزیك**	تألیف دکتر کمال جناب
٦٧- **کالبدشناسی توصیفی(۲)** - مفصل شناسی	» » امیراعلم- دکترحکیم- دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی- دکتر نیك نفس
٦٨- **درمانشناسی** جلد اول	تألیف دکتر عطائی
٦٩- **درمانشناسی** » دوم	» » »
٧٠- **گیاه شناسی** - تشریح عمومی نباتات	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
٧١- **شیمی آنالیتیك**	» دکتر گاگیك
٧٢- **اقتصاد جلد اول**	» » علی‌اصغر پورهمایون
٧٣- **دیوان سیدحسن غزنوی**	بتصحیح مدرس رضوی
٧٤- **راهنمای دانشگاه**	—
٧٥- **اقتصاد اجتماعی**	تألیف دکتر شیدفر
٧٦- **تاریخ دیپلوماسی عمومی** جلد دوم	» » حسن ستوده تهرانی
٧٧- **زیبا شناسی**	» علینقی وزیری
٧٨- **تئوری سنتیك گازها**	» دکتر روشن
٧٩- **کارآموزی داروسازی**	» » جنیدی
٨٠- **قوانین دامپزشکی**	» » میمندی‌نژاد
٨١- **جنگل‌شناسی** جلد دوم	» مرحوم مهندس ساعی
٨٢- **استقلال آمریکا**	» دکتر مجیر شیبانی
٨٣- **کنجکاویهای علمی و ادبی**	—
٨٤- **ادوار فقه**	» محمود شهابی
٨٥- **دینامیك گازها**	» دکتر غفاری
٨٦- **آئین دادرسی در اسلام**	» محمد سنگلجی
٨٧- **ادبیات فرانسه**	» دکتر سپهبدی
٨٨- **از سربن تا یونسکو**- دو ماه در پاریس	» » علی‌اکبر سیاسی
٨٩- **حقوق تطبیقی**	» » حسن افشار
٩٠- **میکروب‌شناسی** جلد اول	تألیف دکتر سهراب- دکتر میردامادی
٩١- **میزراه** جلد اول	» » حسین گلاژ
٩٢- » » دوم	» » » »
٩٣- **کالبد شکافی** (تشریح عملی دست‌وپا)	» » نعمت‌الله کیهانی
٩٤- **ترجمه وشرح تبصره علامه** جلد دوم	» زین‌العابدین ذوالمجدین
٩٥- **کالبد شناسی توصیفی (۳)** - عضله شناسی	» دکتر امیراعلم-دکتر حکیم- دکتر کیهانی-دکتر نجم آبادی- دکتر نیك نفس
٩٦- » » (۴) - رگ شناسی	» » » »
٩٧- **بیماریهای گوش وحلق و بینی** جلداول	تألیف دکتر جمشید اعلم
٩٨- **هندسهٔ تحلیلی**	» » کامکار پارسی
٩٩- **جبر و آنالیز**	» » »
١٠٠- **تفوق و برتری اسپانیا** (١٥٥٩-١٦٦٠)	» » بیانی

۱۰۱- کالبدشناسی توصیفی - استخوان‌شناسی اسب	تألیف دکتر میر بابائی
۱۰۲- تاریخ عقاید سیاسی	» » محسن عزیزی
۱۰۳- آزمایش و تصفیه آبها	نگارش » محمد جواد جنیدی
۱۰۴- هشت مقاله تاریخی وادبی	» نصرالله فلسفی
۱۰۵- فیه مافیه	» بدیع‌الزمان فروزانفر
۱۰۶- جغرافیای اقتصادی جلد اول	» دکتر محسن عزیزی
۱۰۷- الکتریسیته وموارد استعمال آن	» مهندس عبدالله ریاضی
۱۰۸- مبادلات انرژی درگیاه	» دکتراسمعیل زاهدی
۱۰۹- تلخیص‌البیان‌عن‌مجازات‌القران	» سید محمد باقر سبزواری
۱۱۰- دو رساله - وضع الفاظ و قاعده لاضرر	» محمود شهابی
۱۱۱- شیمی آلی جلداول تئوری واصول کلی	» دکتر عابدی
۱۱۲- شیمی آلی «ارگانیک» جلداول	» » شیخ
۱۱۳- حکمت‌الهی عام و خاص	نگارش مهدی‌قمشهٔ
۱۱۴- امراض‌حلق‌و بینی وحنجره	» دکتر علیم مروستی
۱۱۵- آنالیز ریاضی	» » منوچهر وصال
۱۱۶- هندسه تحلیلی	» » احمد عقیلی
۱۱۷- شکسته بندی جلد دوم	» » امیر کیا
۱۱۸- باغبانی (۱) باغبانی عمومی	» مهندس‌شیبانی
۱۱۹- اساس التوحید	» مهدی آشتیانی
۱۲۰- فیزیك پزشکی	» دکترفرهاد
۱۲۱- اکوستیك« صوت » (۲) مشخصات صوت - لوله - تار	» » اسمعیل‌بیکی
۱۲۲- جراحی فوری‌اطفال	» » مرعشی
۱۲۳- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة(۱)	» علینقی منزوی تهرانی
۱۲۴- چشم‌پزشکی جلداول	» دکتر ضرابی
۱۲۵- شیمی‌فیزیك	» » بازرگان
۱۲۶- بیماریهای‌گیاه	» » خبیری
۱۲۷- بحث‌درمسائل‌پرورش‌اخلاقی	» » سپهری
۱۲۸- اصول‌عقاید وکرائم‌اخلاق	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۲۹- تاریخ کشاورزی	» دکتر تقی‌بهرامی
۱۳۰- کالبدشناسی انسانی(۱) سر وگردن	» » حکیم ودکتر گنج‌بخش
۱۳۱- امراض‌واگیردام	» » رستگار
۱۳۲- درس‌اللغة والادب(۲)	» » محمدی
۱۳۳- واژه نامه‌گرگانی	» » صادق کیا
۱۳۴- تك‌یاخته‌شناسی	» » عزیز رفیعی
۱۳۵- حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)	» » قاسم زاده
۱۳۶- عضله وزیبائی‌پلاستیك	» » کیهانی
۱۳۷- طیف‌جذبی واشعه ایکس	» » فاضل زندی

عنوان	مؤلف
۱۳۸- **مصنفات افضل الدین کاشانی**	نگارش دکتر مینوی و یحیی مهدوی
۱۳۹- **روانشناسی** (ازلحاظ تربیت)	» » علی‌اکبر سیاسی
۱۴۰- **ترمودینامیك (۱)**	» مهندس بازرگان
۱۴۱- **بهداشت روستائی**	نگارش دکتر زوین
۱۴۲- **زمین شناسی**	» » یدالله سحابی
۱۴۳- **مکانیك عمومی**	» » مجتبی ریاضی
۱۴۴- **فیزیولوژی** جلداول	» » کاتوزیان
۱۴۵- **کالبدشناسی و فیزیولوژی**	» » نصرالله نیك نفس
۱۴۶- **تاریخ تمدن ساسانی** جلداول	» سعیدنفیسی
۱۴۷- **کالبدشناسی توصیفی** (۵) قسمت اول	» دکتر امیراعلم-دکتر حکیم
سلسله اعصاب محیطی	دکتر کیهانی-دکتر نجم آبادی-دکتر نیك نفس
۱۴۸- **کالبدشناسی توصیفی** (۵) قسمت دوم	« « « «
سلسله اعصاب مرکزی	
۱۴۹- **کالبدشناسی توصیفی** (۶) اعضای حواس پنجگانه	« « « «
۱۵۰- **هندسه عالی** (گروه و هندسه)	تألیف دکتر اسدالله آل‌بویه
۱۵۱- **اندام‌شناسی گیاهان**	» » پارسا
۱۵۲- **چشم پزشکی (۲)**	نگارش دکتر ضرابی
۱۵۳- **بهداشت شهری**	« « اعتمادیان
۱۵۴- **انشاء انگلیسی**	« بازارگادی
۱۵۵- **شیمی آلی** (ارگانیك) **(۲)**	« دکتر شیخ
۱۵۶- **آسیب شناسی** (گانگلیوف استلر)	« « آرمین
۱۵۷- **تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی**	« « ذبیح‌الله صفا
۱۵۸- **تفسیر خواجه عبدالله انصاری**	بتصحیح علی‌اصغر حکمت
۱۵۹- **حشره‌شناسی**	تألیف جلال افشار
۱۶۰- **نشانه‌شناسی** (علم‌العلامات) جلد اول	« دکتر محمدحسین میمندی‌نژاد
۱۶۱- **نشانه‌شناسی** بیماریهای اعصاب	« « صادق صبا
۱۶۲- **آسیب‌شناسی عملی**	« « حسین رحمتیان
۱۶۳- **احتمالات و آمار**	« « مهدوی اردبیلی
۱۶۴- **الکتریسته صنعتی**	« « محمد مظفری زنگنه
۱۶۵- **آئین دادرسی کیفری**	« « محمدعلی هدایتی
۱۶۶- **اقتصاد سال اول** (چاپ‌دوم اصلاح‌شده)	« « علی‌اصغر پورهمایون
۱۶۷- **فیزیك (تابش)**	« « روشن
۱۶۸- **فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة** (جلددوم)	« علینقی منزوی
۱۶۹- « « « « « (جلدسوم-قسمت‌اول)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۷۰- **رساله بود و نمود**	« محمودشهابی
۱۷۱- **زندگانی شاه‌عباس اول**	« نصرالله فلسفی
۱۷۲- **تاریخ بیهقی** (جلدسوم)	بتصحیح سعید نفیسی
۱۷۳- **فهرست نشریات ابوعلی‌سینا بزبان فرانسه**	« « «

۱۷٤- تاریخ مصر (جلد اول) تألیف احمد بهمنش
۱۷۵- آسیب‌شناسی آزردگی سیستم رتیکولو آندوتلیال « دکتر آرمین
۱۷۶- نهضت ادبیات فرانسه دردوره رومانتیك « مرحوم زیرك‌زاده
۱۷۷- فیزیولژی (طب عمومی) نگارش دکتر مصباح
۱۷۸- خطوط لبه‌های جذبی (اشعه ایکس) « « زندی
۱۷۹- تاریخ مصر (جلد دوم) « احمد بهمنش
۱۸۰- سیر فرهنك در ایران و مغرب زمین « دکتر صدیق اعلم
۱۸۱- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم-قسمت دوم) « محمدتقی دانش‌پژوه
۱۸۲- اصول فن کتابداری « دکتر محسن صبا
۱۸۳- رادیو الکتریسیته « « رحیمی
۱۸٤- پیوره « « محمود سیاسی
۱۸۵- چهار رساله « محمد سنگلجی
۱۸۶- آسیب‌شناسی (جلد دوم) « دکتر آرمین
۱۸۷- یادداشت‌های مرحوم قزوینی فراهم آورده آقای ایرج افشار
۱۸۸- استخوان شناسی مقایسه‌ای (جلد دوم) تألیف دکتر میربابائی
۱۸۹- جغرافیای عمومی (جلد اول) « « مستوفی
۱۹۰- بیماریهای واگیر (جلد اول) « « غلامعلی بینش‌ور
۱۹۱- بتن فولادی (جلد اول) » مهندس خلیلی
۱۹۲- حساب جامع وفاضل نگارش دکتر مجتهدی
۱۹۳- ترجمهٔ مبدء ومعاد ترجمه آقای محمود شهابی
۱۹٤- تاریخ ادبیات روسی تألیف « سعید نفیسی
۱۹۵- تاریخ تمدن ایران ساسانی (جلد دوم) « « « «
۱۹۶- درمان تراخم با الکتروکوآگولاسیون « دکتر پرفسور شمس
۱۹۷- شیمی وفیزیك (جلد اول) « « توسلی
۱۹۸- فیزیولوژی عمومی « « شیبانی
۱۹۹- داروسازی جالینوسی « « مقدم
۲۰۰- علم العلامات نشانه‌شناسی (جلد دوم) « « میمندی نژاد
۲۰۱- استخوان شناسی (جلد اول) « « نعمت‌اله کیهانی
۲۰۲- پیوره (جلد دوم) « « محمود سیاسی
۲۰۳- علم النفس ابن‌سینا وتطبیق آن با روانشناسی جدید « « علی‌اکبر سیاسی
۲۰٤- قواعد فقه « آقای محمود شهابی
۲۰۵- تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران « دکتر علی‌اکبر بینا
۲۰۶- فهرست مصنفات ابن‌سینا « « مهدوی
۲۰۷- مخارج الحروف تصحیح وترجمهٔ دکتر پرویز ناتل‌خانلری
۲۰۸- عیون الحکمه از ابن‌سینا - چاپ عکسی

۲۰۹- شیمی بیولوژی	تألیف دکتر مافی
۲۱۰- میکربشناسی (جلد دوم)	« آقایان دکتر سهراب- دکتر میردامادی
۲۱۱- حشرات زیان‌آور ایران	« مهندس عباس‌دواچی
۲۱۲- هواشناسی	« دکتر محمد منجمی
۲۱۳- حقوق‌مدنی	« « سیدحسن امامی
۲۱٤- ماخذقصص و تمثیلات مثنوی	نگارش آقای فروزانفر
۲۱۵- مکانیك استدلالی	« پرفسور فاطمی
۲۱٦- ترمودینامیك (جلد دوم)	« مهندس بازرگان
۲۱۸- گروه بندی وانتقال خون	« دکتریحیی پویا
۲۱۸- فیزیك ، ترمودینامیك(جلداول)	« « روشن
۲۱۹- روان پزشکی (جلدسوم)	« « میرسپاسی
۲۲۰- بیماریهای درونی (جلداول)	« « میمندی‌نژاد
۲۲۱- حالات‌عصبانی یانورز	ترجمه « چهرازی
۲۲۲- کالبدشناسی توصیفی (۷) (دستگاه گوارش)	تألیف دکتر امیراعلم - دکترحکیم دکتر کیهانی-دکترنجم آبادی- دکتر نیك نفس
۲۲۳- علم‌الاجتماع	تألیف دکتر مهدوی
۲۲٤- الهیات	« فاضل تونی
۲۲۵- هیدرولیك‌عمومی	« مهندس ریاضی
۲۲٦- شیمی عمومی‌معدنی‌فلزات(جلداول)	تألیف دکتر فضل‌الله شیروانی
۲۲۷- آسیب‌شناسی آزردکیهای سورنال « غده فوق کلیوی »	« « آرمین
۲۲۸- اصول‌الصرف	« علی‌اکبرشهابی
۲۲۹- سازمان فرهنگی‌ایران	تألیف دکترعلی کنی
۲۳۰- فیزیك، ترمودینامیك (جلد دوم)	نگارش دکتر روشن
۲۳۱- راهنمای‌دانشگاه	—
۲۳۲- مجموعهٔ اصطلاحات علمی	—
۲۳۳- بهداشت غذائی (بهداشت نسل)	نگارش دکتر فضل‌الله صدیق
۲۳٤- جغرافیای کشاورزی ایران	« دکترتقی بهرامی
۲۳۵- ترجمه‌النهایه باتصحیح ومقدمه(۱)	« آقای‌سیدمحمدسبزواری
۲۳٦- احتمالات وآمارریاضی (۲)	« دکتر مهدوی اردبیلی
۲۳۷- اصول‌تشریح چوب	« مهندس‌رضا حجازی
۲۳۸- خون‌شناسی عملی (جلداول)	« دکتررحمتیان‌دکترشمسا
۲۳۹- تاریخ ملل قدیم‌آسیای غربی	« « بهمنش
۲٤۰- شیمی‌تجزیه	« « شیروانی
۲٤۱- دانشگاهها ومدارس عالی امریکا	« «ضیاءالدین‌اسمعیل‌بیگی
۲٤۲- پانزده‌گفتار	« آقای مجتبی‌مینوی
۲٤۳- بیماریهای خون (جلد دوم)	« دکتر یحیی پویا

۲۴۴- **اقتصاد کشاورزی**	نگارش دکتر احمد هومن
۲۴۵- **علم‌العلامات** (جلدسوم)	« « میمندی نژاد
۲۴۶- **بتن آرمه (۲)**	« آقای مهندس خلیلی
۲۴۷- **هندسهٔ دیفرانسیل**	« دکتر بهفروز
۲۴۸- **فیزیولژی گل و رده بندی تك لپه‌ایها**	« « زاهدی
۲۴۹- **تاریخ زندیه**	« « هادی هدایتی
۲۵۰- **ترجمه‌النهایه با تصحیح و مقدمه (۲)**	« آقای سبزواری
۲۵۱- **حقوق مدنی (۲)**	« « دکتر امامی
۲۵۲- **دفتر دانش و ادب** (جزء دوم)	—
۲۵۳- **یادداشتهای قزوینی** (جلد دوم ب ، ت ، ث ، ج)	« ایرج افشار
۲۵۴- **تفوق و برتری اسپانیا**	« دکتر خانبابا بیانی
۲۵۵- **تیره شناسی** (جلد اول)	« « احمد پارسا
۲۵۶- **کالبد شناسی توصیفی (۸)** دستگاه ادرار و تناسل - پردهٔ صفاق	تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس
۲۵۷- **حل مسائل هندسه تحلیلی**	نگارش دکتر علینقی وحدتی
۲۵۸- **کالبد شناسی توصیفی** (حیوانات اهلی مفصل شناسی مقایسه‌ای)	« « میربابائی
۲۵۹- **اصول ساختمان و محاسبه ماشینهای برق**	« مهندس احمد رضوی
۲۶۰- **بیماریهای خون ولنف** (بررسی بالینی و آسیب شناسی)	« دکتر رحمتیان
۲۶۱- **سرطان شناسی** (جلد اول)	« « آرمین
۲۶۲- **شکسته بندی** (جلد سوم)	« « امیرکیا
۲۶۳- **بیماریهای واگیر** (جلددوم)	« « بینش‌ور
۲۶۴- **انگل شناسی** (بندپائیان)	« « عزیز رفیعی
۲۶۵- **بیماریهای درونی** (جلددوم)	« « میمندی‌نژاد
۲۶۶- **دامپروری عمومی** (جلداول)	« « بهرامی
۲۶۷- **فیزیولوژی** (جلددوم)	« « علی کاتوزیان
۲۶۸- **شعر فارسی** (درعهدشاهرخ)	« « یارشاطر
۲۶۹- **فن انگشت‌نگاری** (جلداول و دوم)	نگارش ناصرقلی رادسر
۲۷۰- **منطق التلویحات**	« دکتر فیاض
۲۷۱- **حقوق جنائی**	تألیف آقای دکتر عبدالحسین علی‌آبادی
۲۷۲- **سمیولوژی اعصاب**	« « « « چهرازی
۲۷۳- **کالبد شناسی توصیفی (۹)** (دستگاه تولید صوت و تنفس)	تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس
۲۷۴- **اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی**	نگارش دکتر محسن صبا
۲۷۵- **گزارش کنفرانس اتمی ژنو**	« « جناب- دکتر بازرگان
۲۷۶- **امکان آلوده کردن آبهای مشروب**	نگارش دکتر حسین سهراب - دکتر میمندی نژاد

عنوان	مؤلف
۲۷۷- مدخل منطق صورت	نگارش دکتر غلامحسین مصاحب
۲۷۸- ویروسها	» » فرج‌الله شفا
۲۷۹- تالفیت‌ها (آلکها)	» » عزت‌الله خبیری
۲۸۰- گیاه‌شناسی سیستماتیك	» » محمد درویش
۲۸۱- تیره‌شناسی (جلددوم)	» » پارسا
۲۸۲- احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی	» مدرس رضوی
۲۸۳- احادیث مثنوی	» آقای فروزانفر
۲۸۴- قواعد النحو	» قاسم تویسرکانی
۲۸۵- آزمایشهای فیزیك	» دکتر محمدباقر محمودیان
۲۸۶- پندنامه اهوازی یا آئین پزشکی	» » محمودنجم‌آبادی
۲۸۷- بیماریهای خون (جلدسوم)	» » یحیی پویا
۲۸۸- جنین شناسی (رویان‌شناسی) جلد اول	» » احمد شفائی
۲۸۹- مکانیك فیزیك (اندازه‌گیری مکانیك نقطه مادی و فرضیه نسبی) (چاپ‌دوم)	تألیف دکتر کمال‌الدین جناب
۲۹۰- بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه)	» » محمدتقی قوامیان
۲۹۱- اکوستیك (صوت) چاپ دوم	» » ضیاءالدین اسماعیل بیگی
۲۹۲- چهار مقاله	بتصحیح » محمد معین
۲۹۳- داریوش یکم (پادشاه پارسها)	نگارش » منشی‌زاده
۲۹۴- کالبدشکافی تشریح عملی سروگردن-سلسلهٔ اعصاب مرکزی	» » نعمت‌الله کیهانی
۲۹۵- درس اللغة والادب (۱) چاپ‌دوم	» » محمد محمدی
۲۹۶- سه گفتار خواجه طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۲۹۷- Sur les espaces de Riemann	نگارش دکتر هشترودی
۲۹۸- فصول خواجه طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۲۹۹- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلدسوم) بخش سوم	نگارش محمدتقی دانش‌پژوه
۳۰۰- الرسالة المعینیة	» » »
۳۰۱- آغاز و انجام	» ایرج افشار
۳۰۲- رسالهٔ امامت خواجهٔ طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۳۰۳- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلدسوم) بخش چهارم	» » »
۳۰۴- حل مشکلات معینه خواجه نصیر	» » »
۳۰۵- مقدمه قدیم اخلاق ناصری	» جلال‌الدین همائی
۳۰۶- بیوگرافی خواجه نصیرالدین طوسی (بزبان فرانسه)	نگارش دکتر امشه‌ای
۳۰۷- رساله بیست‌باب درمعرفت اسطرلاب	» مدرس رضوی
۳۰۸- مجموعهٔ رسائل خواجه نصیرالدین	» » »
۳۰۹- سرگذشت و عقائد فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی	» محمد مدرسی (زنجانی)
۳۱۰- فیزیك (پدیده‌های فیزیکی در دماهای بسیار خفیف)	» دکتر روشن

کتاب هفتم

۳۱۱ - رساله جبر و مقابله خواجه نصیر طوسی

عنوان	مؤلف
۳۱۲ - آلرژی بیماریهای ناشی از آن	تألیف دکتر هادوی
۳۱۳ - راهنمای دانشگاه (بفرانسه) دوم چاپ	—
۳۱۴ - احوال و آثار محمد بن جریری طبری	تألیف آقای علی اکبر شهابی
۳۱۵ - مکانیک سینماتیک	» دکتر احمد وزیری
۳۱۶ - مقدمه روانشناسی (قسمت اول)	» دکتر مهدی جلالی
۳۱۷ - دامپروری (جلد دوم)	» « تقی بهرامی
۳۱۸ - تمرینات و تجربیات (شیمی آلی)	» « ابوالحسن شیخ
۳۱۹ - جغرافیای اقتصادی (جلد دوم)	» » عزیزی
۳۲۰ - پاتولوژی مقایسه‌ای (بیماریهای مشترک انسان ودام)	» » میمندی نژاد
۳۲۱ - اصول نظریه ریاضی احتمال	تألیف دکتر افضلی پور
۳۲۲ - رده بندی دولپه‌ای ها و بازدانگان	» » زاهدی
۳۲۳ - قوانین مالیه ومحاسبات عمومی ومطالعه بودجه از ابتدای مشروطیت تا حال	» » جزایری
۳۲۴ - کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن (توصیفی - موضعی - طرز تشریح)	» » منوچهر حکیم و » سیدحسین گنج بخش
۳۲۵ - ایمنی شناسی (جلد اول)	» » میردامادی
۳۲۶ - حکمت الهی عام وخاص (تجدید چاپ)	» آقای مهدی الهی قمشه‌ای
۳۲۷ - اصول بیماری‌های ارثی انسان (۱)	» دکتر محمدعلی مولوی
۳۲۸ - اصول استخراج معادن	» مهندس محمودی
۳۲۹ - مقررات دانشگاه (۱) مقررات استخدامی ومالی	جمع آوری دکتر کی‌نیا
۳۳۰ - شلیمر	دانشکده پزشکی
۳۳۱ - تجزیه ادرار	مرحوم دکتر ابوالقاسم بهرامی
۳۳۲ - جراحی فك وصورت	تألیف دکتر حسین مهدوی
۳۳۳ - فلسفه آموزش وپرورش	» » امیرهوشمند
۳۳۴ - اکوستیك (۲) صوت	» » اسماعیل بیگی
۳۳۵ - الکتریسته صنعتی (جلداول چاپ دوم)	» مهندس زنگنه
۳۳۶ - سالنامه دانشگاه	—
۳۳۷ - فیزیك جلد هشتم - کارهای آزمایشگاه و مسائل ترمودینامیك	» دکتر روشن
۳۳۸ - تاریخ اسلام (چاپ دوم)	» » فیاض
۳۳۹ - هندسهٔ تحلیلی (چاپ دوم)	» » وحدتی
۳۴۰ - آداب اللغة العربیة وتاریخها (۱)	» » محمد محمدی
۳۴۱ - حل مسائل ریاضیات عمومی	تألیف دکتر کامکار پارسی
۳۴۲ - جوامع الحکایات	» » محمد معین
۳۴۳ - شیمی تحلیلی	» مهندس قاسمی
۳۴۴ - ارادهٔ معطوف بقدرت (اثر نیچه)	ترجمه دکتر هوشیار
۳۴۵ - دفتر دانش وادب (جلد سوم)	مقالهٔ دکتر مهدوی
۳۴۶ - حقوق مدنی (جلداول تجدید چاپ)	تألیف دکتر امامی

عنوان	مؤلف / مترجم
۳۴۷ - نمایشنامه لوسید	ترجمهٔ دکتر سپهبدی
۳۴۸ - آب شناسی هیدرولوژی	تألیف دکتر جنیدی
۳۴۹ - روش شیمی تجزیه (۱)	» » فخرالدین خوشنویسان
۳۵۰ - هندسهٔ ترسیمی	» » جمال عصار
۳۵۱ - اصول الصرف	» علی اکبر شهابی
۳۵۲ - استخراج نفت (جلد اول)	» دکتر جلال الدین توانا
۳۵۳ - سخنرانیهای پروفسور رنه ونسان	ترجمه دکتر سیاسی-دکتر سیمجور
۳۵۴ - کورش کبیر	تألیف دکتر هادی هدایتی
۳۵۵ - فرهنگ غفاری فارسی فرانسه (جلد اول)	مهندس امیرجلال الدین غفاری
۳۵۶ - اقتصاد اجتماعی	دکتر سید شمس الدین جزایری
۳۵۷ - بیولوژی (وراثت) (تجدید چاپ)	» خبیری
۳۵۸ - بیماریهای مغز و روان (۳)	» حسین رضاعی
۳۵۹ - آئین دادرسی دراسلام (تجدیدچاپ)	آقای محمد سنگلجی
۳۶۰ - تقریرات اصول	» محمود شهابی
۳۶۱ - کالبد شکافی توصیفی (جلد ٤ - عضله شناسی اسب)	تألیف دکتر میربابائی
۳۶۲ - الرسالة الکمالیه فی الحقایق الالهیه	» سبزواری
۳۶۳ - بی‌حسی‌های ناحیه‌ای دردندان پزشکی	» دکتر محمود مستوفی
۳٦٤ - چشم و بیماریهای آن	» » باستان
۳٦٥ - هندسهٔ تحلیلی	» » مصطفی کامکار پارسی
۳٦٦ - شیمی آلی ترکیبات حلقوی (چاپ دوم)	» » ابوالحسن شیخ
۳٦۷ - پزشکی عملی	» » ابوالقاسم نجم آبادی
۳٦۸ - اصول آموزش وپرورش (چاپ سوم)	» » هوشیار
۳٦۹ - پرتو اسلام	بقلم عباس خلیلی
۳۷۰ - جراحی عملی دهان ودندان (جلد اول)	تألیف دکتر کاظم سیمجور
۳۷۱ - درد شناسی دندان (۱)	» » محمود سیاسی
۳۷۲ - مجموعهٔ اصطلاحات علمی (قسمت دوم)	—
۳۷۳ - تیره شناسی (جلد سوم)	» » احمد پارسا
۳۷٤ - المعجم	بتصحیح مدرس رضوی
۳۷٥ - جواهر الآثار (ترجمهٔ مثنوی)	بقلم عبدالعزیز صاحب الجواهر
۳۷٦ - تاریخ دیپلوماسی عمومی	تألیف دکتر محسن عزیزی
۳۷۷ - Textes Français	» بانو نفیسی
۳۷۸ - شیمی فیزیك (جلد دوم)	» دکتر علی اکبر توسلی
۳۷۹ - زیباشناسی	» آقای علینقی وزیری
۳۸۰ - بیماریهای مشترك انسان ودام	» دکتر میمندی نژاد
۳۸۱ - فرزان تن وروان	» » بصیر
۳۸۲ - بهبود نسل بشر	» » محمد علی مولو
۳۸۳ - یادداشتهای قزوینی (۳)	ایرج افشار
۳۸٤ - گویش آشتیان	تألیف دکتر صادق کیا

۳۸۵ ـ کالبد شکافی (تشریح عملی قفسه سینه وقلب وریه) نگارش دکتر نعمت‌الله کیهانی
۳۸۶ ـ ایران بعد از اسلام » عباس خلیلی
۳۸۷ ـ تاریخ مصر قدیم (جلداول چاپ دوم) » دکتر احمد بهمنش
۳۸۸ ـ آرگلو نیاتها (۱) سرخس‌ها » » خبیری
۳۸۹ ـ شیمی صنعتی (جلد اول) » » رادفر
۳۹۰ ـ فیزیك عمومی الکتریسیته (جلد اول) » » روشن
۳۹۱ ـ مبادی علم هوا شناسی » » احمد سعادت
۳۹۲ ـ منطق و روش شناسی » » علی اکبر سیاسی
۳۹۳ ـ الکترونیك (جلد اول) » » رحیمی قاجار
۳۹۴ ـ فرهنگ‌غفاری (جلد دوم) » مهندس جلال‌الدین‌غفاری
۳۹۵ ـ حکمت الهی عام وخاص (جلد دوم) » محیی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای
۳۹۶ ـ گنج جواهر دانش (٤) » حسن آل طه
۳۹۷ ـ فن کالبد گشائی وآسیب شناسی » دکتر محمدکار
۳۹۸ ـ فرهنگ غفاری (جلد سوم) » مهندس جلال‌الدین‌غفاری
۳۹۹ ـ مزدا پرستی در ایران قدیم » دکتر ذبیح‌الله‌صفا
٤۰۰ ـ اصول روشهای ریاضی‌آمار » » افضلی پور
٤۰۱ ـ تاریخ مصر قدیم (جلد دوم) » » دکتراحمدبهمنش
٤۰۲ ـ عددمن بلغاء ایران فی‌الغة » قاسم‌تویسرکانی
٤۰۳ ـ علم اخلاق (نظری وعملی) » دکتر علی‌اکبر سیاسی
٤۰٤ ـ ادوارفقه (جلددوم) » آقای محمودشهابی
٤۰۵ ـ جراحی عملی دهان‌ودندان (جلددوم) » دکتر کاظم سیمجور
٤۰٦ ـ فیزیولژی‌با لینی » » گیتی
٤۰۷ ـ سهم الارث » نصراصفهانی
٤۰۸ ـ جبرآنالیز » دکترمحمدعلی مجتهدی
٤۰۹ ـ هوا شناسی (جلد اول) » » محمد منجمی
٤۱۰ ـ بیماریهای درونی (جلدسوم) » » میمندی نژاد
٤۱۱ ـ مبانی فلسفه » » علی‌اکبر سیاسی
٤۱۲ ـ فرهنگ غفاری (جلد چهارم) » مهندس‌امیر جلال‌الدین غفاری
٤۱۳ ـ هندسهٔ تحلیلی (چاپ دوم) » دکتراحمد سادات عقیلی
٤۱٤ ـ کالبد شناسی (عضله‌شناسی مقایسه‌ای) (جلدپنجم) » » میربابائی
٤۱۵ ـ سالنامه دانشگاه ۱۳۳٦-۱۳۳۵ —
٤۱٦ ـ یادنامهٔ خواجه نصیر طوسی نگارش دکتر صفا
٤۱۷ ـ تئوریهای اساسی ژنتیك » » آزرم
٤۱۸ ـ فولاد وعملیات حرارتی آن » مهندس هوشنگ خسرویار
٤۱۹ ـ تأسیسات آبی » مهندس عبدالله ریاضی

۴۲۰ ـ بیماریهای اعصاب (جلد نخست) نگارش دکتر صادق صبا
۴۲۱ ـ مکانیك عمومی (جلد دوم) « دکتر مجتبی ریاضی
۴۲۲ ـ صنایع شیمی معدنی (جلداول) « مهندس مرتضی قاسمی
۴۲۳ ـ مکانیك استدلالی « پرفسور تقی فاطمی
۴۲۴ ـ تاریخ فرهنگ ایران « دکتر عیسی صدیق
۴۲۵ ـ شرح تبصره آیة الله علامهٔ حلی (جلد دوم) « زین العابدین ذوالمجدین
۴۲۶ ـ حکیم ازرقی هروی بتصحیح مرحوم علی عبدالرسولی
۴۲۷ ـ علوم عقلی نگارش دکتر ذبیح‌الله صفا
۴۲۸ ـ شیمی آنالیتیك « دکتر کاگیك
۴۲۹ ـ فیزیك الکتریسیته (جلد دوم) « « روشن
۴۳۰ ـ کلیات شمس تبریزی باتصحیحات وحواشی آقای فروزانفر
۴۳۱ ـ کانی شناسی (تحقیق دربارهٔ بعضی از کانهای جزیره هرمز) نگارش دکتر عبدالکریم قریب
۴۳۲ ـ فرهنك غفاری فارسی بفرانسه (جلد پنجم) « امیر جلال‌الدین غفاری
۴۳۳ ـ ریاضیات درشیمی (جلد دوم) « دکتر هورفر
۴۳۴ ـ تحقیق درفهم بشر ترجمه دکتر رضازاده شفق
۴۳۵ ـ السعادة والاسعار بتصحیح مجتبی مینوی
۴۳۶ ـ تاریخ فرهنك اروپا نگارش دکتر عیسی صدیق
۴۳۷ ـ نقشه برداری (جلددوم) « مهندس حسن شمسی
۴۳۸ ـ بیماریهای گیاه (تجدیدچاپ) « دکتر خبیری
۴۳۹ ـ حقوق مدنی (جلد سوم) « دکتر سیدحسن امامی
۴۴۰ ـ سخنرانیهای آقای انیس المقدسی (استاد دانشگاه آمریکائی بیروت)
۴۴۱ ـ دردشناسی دندان (جلد دوم) نگارش دکتر محمودسیاسی